نامه های دستنویس جامی



تهیه و تنظیم از : عصام الدین اورنبایف

به همکاری و مقدمه : مایل هروی

اکادمی علوم ج . د . ا .
مرکز زبانها و ادبیات
دیپارتمنت زبان
و ادبیات دری

اکادمی علـوم جمهـوری
از بکستان شوروی
انستیتوت شرقشناسی
(ابو ریحان بیرونی)

نامه‌های دستنویس جامی

تهیه و تنظیم از:
عصام الدین اورنبایف

به همکاری ومقدمه
مایل هروی

*نامه های دستنویس جامــی .

* تهیه وتنظیم عصام الدین اورنبایف

* به همکاری ومقدمهٔ مایل هروی.

*شمار چاپ : ۱۰۰۰ نسخه .

* جای چاپ : مطــبعه دولــتــی

کــابل - افغانستان

*سال ۱۳٦٤ خورشید .

عناوین:

تذکر : الف وبا



پیشگفتار

از بهار گلشن فــردو س گلچین نسخه یی
کاتب قدرت برای روز گار آورده است
نازم اینزیبا مرقع را کهچون روی بتان
صفحه اش خطی بخون نو بهار آورده است

مرقع:
عبارت ازچند قطعه خط خوش باتذهیب ،وگاهمیناتور وتذهیب وکمند گل وترنج ،استادان و هنرمندان وقت ترتیب میدادند این پدیده هنری از تمام آیتهای هنری پرزیب وتزئین تر مینمود ودر سطح عالیتر ینهمههنر نمایی های روی کــا غذ قرار داشت .

مرقع ازنگاه لغت جامه وصله‌زده، کاغذ یکه به‌خط رقاع نوشته شده باشد، کتابیکه دران قطعات‌خط خوش وصل یافته ونقا شی های خوب دارد، شناخته شده‌است .

چون مرقع به‌معنی خرقه نیز آمده است که از تکه های کهنه وپاره های رخت، عارفان وصوفیان خرقه برای خود می ساخته وصله بروصله میزدند. این بیت حافظ مؤید این گفتا ر است :

من این مرقع پشمینه بهرآن دارم
که زیرخر قه‌کشم می، کس‌این گمان نبرد
دلقت به چه کار آیدو تسبیح‌ومرقع
درویش صفت‌باش کلاه تتری دار

مرقع سازی در دوره تیموریان‌درپهلوی دستگاه های بزر گ کتاب سازی در زمان بایسنقرمیرزا متوفی ۸۳۷ فرزندشاهرخ باوج خود رسیده بود. جعفربایسنقری متصدی وکلا نتر کتاب خانه‌اش بود، آن وقتی‌بودکه کتاب مینو یشتند، خطا طی میکردند، تذهیب مینمود ند.عرضه داشتی در سال ۱۳۹۶ـ ه .ق در استانبول در سالنا مه‌تاریخ هنر دانشگاه ذر یعه ولیدی طوفان چاپ ونشر شد .

عرضه داشت جعفر در داخل‌جنگی مربوط یعقوب بیك‌حکمران آق قویونلو (۸۸۳ـ ۸۹۵ ه) بوده است وجنگ یعقوب‌یاد میشده است، این جنگ‌علاوه برعرضه داشت ،محتوی قطعا ت زیبای هنری ،میناتور، خطو طخوش وتذهیب وسایر اسناد دولتی آن روزگار بوده است .

جعفر در این عرضه داشت‌خود که درواقع گزارش گو نه میباشد، خواسته است و شایدمامور بوده است راپور کار

اعضای هنر ستان بایسنقری رابعرض بایسنقر میرزا برساند.
در متن این سند چهار سطـــرمقدمه آمده ومحتوای عرضـــه بیانگر کتاب سازی (مجـلد یوصالی ،تذهیب ومیناتور جدول کاری، خطاطی)است وهم صـــدفکاری ومنبت کاری، ابر یشم دوزی برخیمه‌هاومراحل‌ساختمان‌هفت بنادراین عرضه داشت باز تاب یافته است .

این عرضه داشت معلو مـــات‌مارا درباره هنرستان با یسنقر میرزا وسیع میسازد عبدالرزاق‌سمرقندی ودوست محمدگواشانی هروی به تفصیل درباره کـــا رهای هنری که‌بعمل آمده اســـت یاد کرده اند، وخواند میروحسن‌روملو وقاضی احمد غفاری در زمینه باجمال سخن گفته انـــد.مرقع سازی درحوزه های هنری وفرهنگی خراسان، هنر اعلا یمیناتور وخطاطی راتجلی میدهد وشکی‌نیست که‌دوره شگوفان باحسین‌بایقرا متوفی۹۱۱را ازدوره شاهرخ به ارث گرفته است(۱) مرقعات زیادی در موزیم هـــا موجود است وهم‌ازبرخی مرقعات‌تنها مقدمه آن باقی مانده است

مرقع یکصدو چند برگـــــه کتابخانه‌لنین گرادقابل‌وصف‌است که در دربار شاهان تیمو ر یهند ترتیب یافته یک‌روی آ ن میناتور وتصویر های مکتب‌هندوروی دیگـــر خطوط خـــوش از عماد الحسنی‌که (یکی‌ازبزرگترین‌خطاطان نستعلیق نویس دنیای خطاطی است) مرقعیکه بـــهـــزادداشته ومقدمه آنرا خواند میـــر مورخ مشهور نگاشته اســـت درنامه نامی آنرا ثبت کرده است: خواند میر در توصیف مر قـــع‌بهزاد مینگارد .

نقاش ازل گشاد چون مهرسپهر
آراست‌مرقعی زاوراق ســـپهر

تصویر دران نموده نیرنگ‌رقم
چندین‌صنم سیمتن روشن چهر

تاآنجا که میگوید :

التذاذ نفس بشری از نقش‌وتصویر بروجهی که صورت حال امیر ووزیر وغنی وفقیراست قابل تحریر نیست وبیان شمه اززیب وزینت و تصریح‌وترویج آن (۲) .

مرقعیکه جامع آن محمدصالح‌خوشنویس وتاریخ ۹۴۸ﻫ دارد درخزینه اوقاف استانبول حفظ‌میشود (۳)

مرقع سلطان حسین میرزا .

مرقع شاه اسمعیل صفوی که‌مقدمه آنرا شمس الدین محمد وصفی در خصوص خوشنویسان‌وهنرمندان درسال ۹۱۶ نگاشته است (٤).

مرقع شاه تهماسب که آنرامحمدمومن کرمانی فرزند خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید‌متوفی ۹٤۸ ساخته است (٥) .

مرقع امیر حسین بیك خزانه‌دار شاه تهماسب که مقدمه آنرا لك وسلیمی درسال ۹٤۸ ﻫ نگاشته است (٦).

مرقع محمد محسن هروی‌که مقدمه آن درسال ۹۹۰ در هرات نوشته شده است (۷) .

مرقع امیرغیب بیك یکی‌از امرای شاه تهماسب که سید احمد آهو چشم شاگرد میر علی‌هروی درسال ۹۷۳ ترتیب‌داده است (۸).

مرقع دارا شکوه متوفی ۱۰٦۹فرزند شاه جهان که مشخصات این مرقع را پروفیسور شفیع‌لاهوری در مجله مدرسه خاوری بذکر آورده است .

مرقع زیب النسا، بیگم دخترعالمگیر ،مقدمه این مرقع راملا رضا راشد نوشته ودر کتابخانه‌خدابخش پتنه محفوظ است .

مرقع خطوط جعفر بایسنقری وسایر خطاطان دوره تیموری درمخطوطات توپینگن آلمان . حفظ میشود .(۹)

مرقع سلطان مراد درکتابخانه وین حفظ میشود .

مرقع سلطان یعقوب آق قویونلو درحدود هشتصدو هشتاد در خزینه اوقاف استانبول محفوظ است (۱۰) .

مرقع سرلوحه دار در گنجینه صفی بوده که درتبریز طبع شده است رقعات ولی الدین افندی که سه جلد از مرقعات خیلی نفیس است که یك جلد به خطاطی میرعماد الحسنی ارتباط میگیرد و دودیگر خطوط میرعلی هروی متوفی ۹۵۹ وسه دیگر خطوط غالب استادان بنام ومشهور جهان هنر خطاطی است که در دانشگاه اسلامبول محفوظ است.

مرقع گلشن که شامل آثار خطاطان ونقاشا نست وبر حسب دستور وصلا حدید نور الدین جهانگیر (۱۱۱٤ - ۱۰۳۷ هـ) ترتیب یافته است واکنون درکتابخانه دولتی ایرانست که دارای هشتادو هشت برگ میباشد .

دیگر مقدمه دوست محمد گواشانی هرویست بر مرقع بهرام میرزا که دوست محمد کتابدار بوده ودر سال ۹۵۱ هـ ترتیب داده ونگاشته است. این دیباچه ازهمه دیباچه ها مفصل تر است مثلا تاریخ خط را ازدور ترین زمانه ها نوشته وبعدا ثلث نویسان ونسخ نویسان وتعلیق نویسان و نستعلیق نویسان را باتوصیف چند کلمتی خود تذکر داده وهمین طور مختصر حالات نقاشان ومذهبان روز گار پیشین را نگاشته وتا معاصرین خود به نیکی یاد کرده است وگروهی از کاتبان ومجلدان ومذهبان ومینا تور یستان وهمه ارباب هنر راکه در کتابخانه بااو همکار بودند ودر اصطلاح کتاب سازی میکردند به گونه

ستایش ازهنر شان یاد کرده‌است‌در فرجام این دیباچه مفصـل،
ندیمان کتابخانه را بذ کر آورده‌ورباعی دعائیه دارد :

تا برفلك از زهره و مـه‌نام بـود
بر اوج‌سپهر تاکه بهرام بـود
تاهست مرقع سپهر مـاز مه ومهر
این نامه شاهزاده بهرام بود (۱۲)

در کتابخانه ها این مرقعات‌ساز وبرگ داده میشده است .
مقدمه مرقعیکه قطب الـدین‌محمد قصه خوان به شاه‌طهماست
اول بسال ۹٦۲ نگاشته کـه باشتباه در مجله سخن بنام‌رساله
خط در تاریخ خط ونقاش چـاپ‌شده است .
درچند جادر مقدمه آن واژه‌مرقع یادشده واین مر قعـا ت
غالبا شامل تذهیب ومینا تـوراست ودر این پیشگفتار بوضاحت
بصورت صنعت براعت استهلال‌بذکر آمده است .
حمد باخلاص مقرون صا نعی‌بیچون رازیبد که‌مرقع روز گار
بوقلمون را بوجود آورد ...
درسطر دیگر : که‌این مر قع‌ملمع رابه اوراق الوان خـزا ن
وبهار ترتیب داد بدین خـو بی‌وزیبایی پرداخت .
قراریکه نگارنده را اطـلا ع‌برانست در پیشگفـتار هـای
مرقعات از برخی خطاطـان ومذهبان میناتور یستان بصورت
اجمال یاد میشود این دلیل آ ن‌نیست که‌این مقدمات را مـا
بحساب تاریخ خط بنامیم چو ن‌مستقل در نوشته نیامده است
پیو ند وارتباط دارد با متـن‌مرقعیکه ترتیب یافته است .
مرقع شاه طهماسب اول بسال۹٦۲ ترتیب یافته که برایـش
قطب الدین محمد قصه خـوا ن‌پیشگفتاری نگاشته است .
چنانکه درچند سطر سطر بعـد گوید :

بعضی از خطوط و تصو یـراستادان بدست‌فقیرحقیر دعاگوی دولت قطب‌الدین محمد قصـــه‌خوان افتاده بود وهمـواره در مجلس بهشت آیین ومحفل فلك‌تزیین که ذکر خطوط وصو ر میرفت به‌مطالعه و مشاهـده صحایف قطعات مذکوره احتیاج روی مینمود بنابر آنکه ترتیب‌وترکیبی نیافته بود، پیدا کردن آنچه مطلوب بود متعسر، بلـك‌متعذر مینمود واجب دید که‌این مرقع راترتیب دهد تابه سبب‌آن ازین دغدغه بکلی وارهد .

کلمه ای چند بدستـــیار ی‌استادان نادر وهنر مندان قا در خط شناسان بی‌بدل وخوشنویسان‌بی مثل ومثل که به‌ترتیب آ ن قیام نموده شد درواقع تر تیبی‌روی نموده ومرقعی چهره گشود که هرصفحه اش سزاوار صـــد تحسین بلکه هرقطعه اش لا یق صدآفرین ... (۱۳)

مطالب بالا مارا بیشتر بـــه‌یقین میرساند که‌این رســا له تاریخ خطاطی نیست بلکه مقدمه‌مرقعی است که‌قطب الدین قصه خوان نگاشته است .

ازین مرقعاتیکه یاد شـــد ه‌گروهی از مذهبان صحافان و صالان وراقان ونقاشان وخطاطان‌که شاهکار های بوجود آور ده اند برخی از مرقعات مقدمه های‌دارد وبرخی ندارد واز بعـضی مرقعات برگهای اصل از میـان‌رفته وپریشان شده واز خوددور گردیده است .

در مقدمه این مرقعات گـاه‌شرح حال هنرمندان چیره دست بذکر آمده است وگاه مقـد مه‌تنها در پیرامون مرقع ویاکسیکه مرقع راساخته وپرداخته‌سخنانی‌بهم آمده .

در تعریف مرقعات وهنرمندان‌اشعار زیبایی نیز گفته شده‌است که مقدمه نویس بکار برده‌استدر مقدمه مرقع گلشن این آبیات بذکر آمده است .

از بهار گلشن فــردوس گلچین نسخه ای
کاتب قدرت برای روز گار آورده است

نازم این زیبا مرقع را که چون روی بتان
صفحه اش خطی بخون نو بهار آورده است (١٤)

دوبیت از مرقع حسین بیگ:
مرقعیکه حسین بیك کرده است انشاء

پی نظاره آن مهر طلعت مهو ش
سفینه ایست مزیف بصورت و معنی

جریده ایست مرصع بجوهر بیغشر (١٥)

در موقع امیر حسین بیك که مالك دیلمی متوفی ٩٦٩ نوشته است مالك استاد میرعماد الحسنی است که میرعماد درسال ١٠٢٤ کشته شده است .

مالك درباره سلطان علــی مشهدی متوفی ٩١٦ گوید :
خط یاقوت را آنها کــه دیدند

ازان سطری بیا قوتی خرید ند
اگر یاقوت این خــط را بدیدی

ازین حرفی بیاقوتی رسیـدی (١٦)

سید احمد آهو چشم شاگرد میرعلی که بروایتی به بخـا را نیز با او بوده است روز گــاری در هرات میزیسته در مقد مــه غیب بیك کـــه جــامع تنظیم قطعات آنست در جاییکه ذکری از اوصاف بهزاد هروی و هنـرمندان ونقاشان خراسا ن میکنند این ابیات آمده است :

زکار زغاش بچابك روی

اگر مانی ازوی خبر داشتـی	بهست از قلم گیری مـا نوی
بود صورت مرغ او دلپذیر	ازو طرح و اندازه بردا شتـی
قلم را ازان کار بالا گرفت	چو مرغ مسما شده روح گیر

که‌اندر دو انگشت او جا گرفت قلم چون به تشعیر گیرد دلیر
روان موی خیزد بر اندام شیر ۱۷
چون مرقع هنر اعلای خطاطی میناتور وتذهیب است وانگشت سحار بسا هنرمندان عصر در ان دخالت کرده است این تحفه عظیم پربها ئیست که در تصرف ارباب جاه ومقام بوده وآنهاییکه شم هنری داشتند، هنرمندان فرهیخته برای شان مرقع میساختند وانواع خطوط واقسام مینا توروا شکال تذهیب وکره بندی نقش ترنج وخطوط اسلیمی ،شمسه وتاج سرتاج رابا جداول زیبا درپهلوی هم میا وردند و شکل میدادند صفحه زیبای میشد که چشم راروشن بدارد وهر هنرمندی مجذوب آن گردد از آنرو درغالب این مرقعات مقدمه های نیز می نوشتند که تاریخ گو نه مینمود مختصر احوالی از خطاطان بزرگ ومذهبان وآنانیکه در مرقع مانحن وفیه ذکری آمده است یاد میکردند ودر برخی مرقعات مقدمه نوشته نمیشد و چون مقدمه از اصل خود جدا میشد آنگاه گمان میرفت که این مقدمه ازمرقع نیست ورساله مستقلی است درتاریخ خطاطی .
مرقع بصورت قطعه زیبا یکرو یه ویاد و رو یه ساخته و پرداخته میشده وبا اینکه ورق ورق یا بهم وصله خورده دربین جلد زیبای معرق که گل وبرگ وترنج بندی وخطوط زیبایی هندسی واسلیمی داشته است پیوند میشده است وگاه جلدلاکی منقش وگلریز نیز میساخته اند .
از مرقعیکه میرعلی علیشیر بکتابخانه خود ترتیب داده است عبدالله مروارید دیباچه آنرا درشرفنا مه مولف خود ذکر وضبط کرده است، فهمیده میشود که برخی ورق پاره های زیبا و منفرد ویا برگها واحد مینا تورومصارع خوش وخطهای زیبا و سایر صفحات هنری که هر یک آیت ونشانه ای ازهنر بوده است

بصورت متفرق در کتابخانه گرد می‌آمده است. بهم پیوند شود ووصله جور بخورد تا بشکل جالب وهنری از آب باید در بیاید .

امیر عالیمقام نیز به مرقع‌سازی میل مفرطی دارد وتنها ما از دومرقع آن‌سند داریم که ساخته وپرداخته شده اند ودیباچه مرقعیکه عبدالله مروارید نگاشته در شرفنامه آمده است ولی مرقع دیگر میر علیشیر نوایی که مطالبی از دیگران و جامی است جدول لاجورد دارد ظاهرا مقدمه ندارد واگر درآغاز دیباچه هم داشته سندی ازان‌دردست نداریم .

میر علیشیر نوایی مرقعی فرمایش میدهد که ساخته و پرداخته شودوازآن خواجه‌عبدالله‌مروارید در شرفنامه مولفه خود بما خبر میدهد :

چند سطر دیباچه مارا بدین نکته میرساند که هنرمندان ومذهبان ونقاشان وخطاطان‌مامور میشدند تااین اوراق پراگنده رابهم آرند بهمت وکلك‌هنرمندانه خود پیوند واتصال نمایند واز کسوت ناهمواری بدرآید وچهره بهتروشکل خوبتر بخود گیرد واز کتابهای هنری وتزیینی یکسر وگردن زیبا تر ومطلوبتر هستی پذیرد. درشرفنامه عبدالله مروارید عنوان داده شده :

مرقع امیر علیشیر .

آغاز: تامرقع ملمع بدیع‌الابداع‌سپهر برقاع ظلمت وشعاع‌ولیل اذا یغشی والنهار اذا تجلی ابلق‌فام گشته وتاصحیفه جریده به یغمای ظلمت‌فریبای مهربتوفیق‌لازم الترصیع ... «در چند سطر صنعت براعت استهلال رامراعات‌کرده است. در وسط سطر های آخر دیباچه بدین بیان برمیخوریم به‌یمن آبادی‌وعون عاطفت‌حضرت جامع این مرقع » نصب‌الله کماینسب رایات تربیته علی

مفارق المسلمین مجلدا جمعـــی کثیر وجمعی از غفیر از صغیرو کبیر که به سلامت جـــودت وقابلیت در ظل ظلیل عا طفـــت وارشاد این آستان راه یافته به‌نامل‌رقم مهارت‌خود بر صفحا ت دهر نگاشته وبسیاری ازنفایس‌جواهر وشرایف زواهر که‌عبارت ازرقم زده کلك هزار دستان‌باشدهـنر در استـــان بـــا شـــد درخزانه کتب جمع گشته بـودخاطر قدسی ماثـــر آنحضر ت مستدعی آن گشت کـه‌نبذی ازاوراق واجزا واساطیر وغیرذآلك را که مجتمع گـشته ازفصـــل‌تفریق خیانت فرموده بجمع و تلفیق آن‌امر فرمایند وتما مـــی‌آنهارا بطریقه وصالی پیرا سته مرقعی ترتیب‌نمایند که‌درحمایت‌حصانت ومتانت جلد مـــامـــو ن ومحفوظ تواند بود وطالبا نـــرالزان حظی معتد به‌حاصل با شد بنا بران بعضی از فضلای خـطشناس وعرفا هنر اقتباس کـــه بحلیه مهارت وقوف متحلی‌بودندمدتی به شاغل آن اشتغال نموده چنانچه ظاهر است ترتیبی لایق‌وتزئینی موافق دادند وا کمـــال واتمام در عام سبع وسؤ وثمـــاغایه موافق عددیکه از اجزا ی این‌ابیات بطریق جمل مستفا دمیگردند وثبت تاریخ

قطعه :

تانسخه جهانرا زینت شد این‌مرقع
باید ازوعطارد درکار خود نسقهـــا
کافور گون بیاضش تا گشت‌دلکش از خط
هردم بردبخوبی از نوخطان سبقها
برصفحه های نسرین انـدا خت سایه سنبل
تاریخت‌مشك سوده برسیمگون طبقها
پرسد اگرکس ازمن تاریـــخ‌اختتامش
گویم پی مرقع‌جمع آمده ورقها (۸۹۷)

مرقع دیگر امیر علیشیر همین نامه های جامیست و تعدادی از بزرگان ودوستا نست که ازسلطان حسین و امیر عالیمقام خواهشات والتماسهای شده واین نامه‌ها یك طرفه است واین مرقع را استاد اورنبایف باپژوهش همه جانبه در برگ برگ آن کوته گفته هایی دارد بهم آورده که هیچ تاریکی در باره آنها نمیماند .

نامه های جامی :

غالب تاریخها ییکه درخراسان ایران وماوراء النهر در روزگار پیشین نوشته شده است بگونه شاهنامه ترتیب یافته است یعنی گزارش از کشور گشایی وجنگ وجدالها وگاه درپهلوی این پهلوانان جنگ طلب عده انگشت شماری از دانشمندان بذکر آمده است که میشود بدقت هر چه تمامتر باز تابی ازفرهنگ آن زمان را باورکرد وبرداشت نمود .

این مورخان وگزارش گرا ن درتاریخ جفا کرده اند وفراوان مطالبی را از حیات اجتماعی مردم بما نمیدهند، از آنست که کار تاریخ نویسی ومردم شناختن خالی از اشکال نیست واز طرفی غالبا مؤرخان بر هیئت ها ی حاکمه ارتباط داشته وتاریخ رابه نفع سلطان وقت می نوشتندو امادر سده بیستم پیدا شدندمورخانی که از یك اشارت بچندین اشارت پی بردند واز کوته گفته ها یی به مطالب زیادی دسترسی پیدانمودند (نوشته هاییکه برخی اجزا آن افسانه بوده است ازطرفی شاهنامه واره های بیش نبوده که مطالبی بدرد خو روآموزنده برداشت کرده اند وبازار تاریخ نویسی را رو نق داده اند .

ازانست که مطالب تاریخ و نکته های دقیق زنده‌گی مردم در برخی نامه های تاریخی بیان شده وامور اجتماعی وسیا سی توده ها ازآن کم وبیش تجلی میکند .

نامه های جامی برگها یست که نبشته های سود مندی دارد وآینه ایست تمام عیار که بساجهات زنده گی مردم روزگار ش دران باز تاب یافته است .

در این نامه ها که جامی نوشته است، امیر علیشیر نوایی وزیر دانشمند وادیب ودانشمندگرا وفرهنگ ساز دوره تیموریان باسلیقه خاص باجدول لاجورد از آنها مرقعی ساخته وبا مسرت محفوظ مانده است. جامی شیوه نگارش خاص رادر مورددوستان خود بکار برده است نثر بی پیرایه واز سجع وقافیه بدور واما درمورد خاص تصنع ادبی را مراعات کرده است ودر اصطلاح در کتب ادبی بگونه ودر کتب عرفانی بشیوه دیگر داد سخن داده است .

دانشمند محترم ع. اورنبایف باعمق نظر خاص دست اندرکار شد وقرعه فال ترتیب واهتمام نامه های پرمحتوای جامی بنام ایشان برآمد. طوریکه نگارنده این سطور در تاشکند با ایشان نامه های جامی را از متن مقابله نمود، براستی واحتیاط کامل از عهده این کار علمی بانظرموشگافانه برآمده اند. کارشان ازآن درخور تقدیر است وستایش که در مقدمه مکتوبات از حیات مختصر جامی وانسان دوستی اوياد کرده اند واز مرقع امیر علیشیر رقعاتیکه در دستر س امیر عالیمقام بوده است که همه مر منشات وخمسة المتحير ين نگرفته بوده بذکر آوردند بـا مقایسه آنها وتاريخ گرد آوری این نامه های پرمحتوا که بسا مطالب تاریخی واجتماعی در ان منعکس یافته است .

چهره مرقع وتفکیك مطالب وصنف بندی نامه ها از نگاه آنکه نامه هایکطرفه است وتاامروزچه کسانی ازین مرقع استفاده برده اند ویا تحقیق کرده اندوکار بردنامه ها ومحتویات وگذارشهای که در این مرقع آمده بصورت مفصل بذکر آمده

است وهمه نامه‌ها بزبان روسی‌ترجمه شده دراین مرقع ٥٩٤ نامه است‌که ۳۳۷ نامه به جامی‌تعلق میگیرد ازین ۳۳۷ نامه بیست نامه درمنشات جامی وخمسة المتحر ین امیر علیشیر نوایی به تکرار آمده است .

نامه ها درین مجموعه ازاهمیت خاص برخوردار است .

تعداد ی ازنامه ها مربوطمیرعلیشیر وتعدادی ارتباط میگیرد به سلطان حسین میرزا .

یك عده ازنامه ها بموارد‌مختلف تعلق میگیرد، نامه‌هایی در مورد مالیات ونامه هایی‌برای طالبان ومدرسان یاد شده است ،رسید گی بحقوق مردم پیرامون آبادانی ،در امر فرامین ونشانها بیان وگفتاری دارد . توضیحات وشروحی‌ازطرف محقق محترم در مطالب آن بذکر آمده‌است که‌از اهمیت خاص پرنصیب است. شناسایی اشخاص شامل‌نامه‌ها ،شناخت اماکن جغرافیایی واصطلا حات ولغات امو ر جتماعی وفهارس یاتعلیق‌مبسوط از طرف تنظیم کننده بر عمق‌کتاب افزوده است، محقق محترم اورنبایف بر بنیا ن ارزشهای تحقیق ومتود علمی کتاب جالبی از برگهای مرقع‌میرعلیشیر بدست ما داده اندواین کتاب میتواند منبع پر باری‌باشد در طرز حیات وامور اجتماعی مردم وحیف هاوجفا هاکه‌بر مردم آن سامان میشده در امور فرهنگی ودر مجموع درکشا ورزی وحیات اقتصا د ی ومردم شنا ختی ودر بعضی‌خصوصیت اخلاقی وپیوند های مردم یك آینه تمام نمایی باشد،هرگاه محققی بخواهد در مورد امور اجتماعی وسیاسی قرن‌نهم‌هجری اثری بیافریند این کتاب رهکشای کارش خواهد شد.منکه‌خوانش آنرا بعهده داشته ام ، به محقق ودانشمند محترم‌ع.

اورنبایف این پیروزی بزرگرا تبریک گفته، موفقیت ایشانرا در زمینه های تحقیق فرهنگ تیموریان که میراث فرهنگی مشترك خلق های ماوراء النهر وخراسان قدیم، افغانستان امروز واز بکستان شوروی است ومارا بگذشته ما آگاه میسازد، تهنیت میگویم واین اثر که درکسوت یك متن انتقادی در آمده ومنبع موثق وغنامندی ازجهات فرهنگی روز گار تیموریان هرات وماوراء النهر است برای همه دانش پژوهان ومراکز پژوهشی مژدگانی ونوید میدهم

معاون سر محقق دکتور محمد یعقوب واحدی بنا بر علاقه خاصی که بموضوع کتاب دارند، مطالعه وترتیب درستنامه کتابرا بعهده گرفتند. دریغ ودرد که در چاپ بعضی صفحات کمتر رسیده‌گی شده بود. زیرا که شرایط کارما ازهر جهت ناهموار بود. بنا بر آن باضافه کردن صحتنامه مرتبه دکتور واحدی این نقیصه رارفع کردیم واز محترم ننگیالی بخرکی که متصدی چاپ آن بود سپاس گذارم. مایل هروی ٥ر٤ر ٦٤

مراجع :

۱ـ مجله کتاب ،نشریه کتاب‌خانه های افغانستان، نوشته از مایل هروی .

۲ـ رك مقدمه خواند میـــربرمرقع بهزاد نامه نامی مجلــه آریانا مقاله مایل هروی .

۳ـ اطلس خط فضایلی‌ص۲۱

٤ـ بیانی‌خوشنو یسان‌وشماره٦۲ مجله هنر ومردم .

٥ـ خوشنو یسان بیانی .

٦ـ روضات الجناب کربلا یی

۷ـ خوشنو یسان بیانی ص ۱۹۳ ج ۱

۸ـ اطلس خط فضایی ص ٥۲۲

۹ـ هنر عهد تیموری ازاستادحبیبی

۱۰ـ خوشنو یسان بیانی ج۱ص ۱۹۲

۱۱ـ لغات واصطلاحات کتا ب‌شناسی ازمایل هروی حرف م

۱۲ـ رگ تعلیقی بر دیبا چه‌دوست محمد هروی چاپ انجمن تاریخ ازاستاد فکری سلجو قـــی۱۳٤۹ ش

۱۳ـ مجله سخن نوشته خدیوجم .

۱٤ـ ۱٥ ـ ۱٦ ـ ۱۷ـاطلس‌فضایلی ص ٥۱٥

۱۸ـ شرفنامه عبدالله مروار ید چاپ ویسبادن

دیباچه

عبدالرحمن جامی در ادبیات کلا سیک زبان دری ، شاعرنامد ار واندیشمند برجسته سده پانزدهم میلادی‌است. بسیاری از پدیده های فرهنگی واجتمایی خراسان وماوراالنهر درنیمه دوم سده‌مذکور باناماهای جامی‌ودوست وشاگردش علیشیر نوائی (سالهای۱۵۰۱ــ۱۴۴۱) مربوط،ووابسته است.
نورالدین عبدالرحمن بن نظام‌الدین‌احمد جامی بتاریخ ۲۳ شعبان سال ۸۱۷قمری برابربا ۷نوامبرسال۱۴۱۴میلادی درده کوچك خرجرد از ولایت جام واقع درربع‌خراسان (هرات)متولدگردید .هنگامیکه اوهنوز کودك بود پدر وجدش که هردو فقیه بودندبهرات یعنی مرکز سیاسی وفرهنگی دولت تیموریان نقل‌مکان یافتند .جامی‌که از قرایح واستعداد ها چشمگیر برخورد داربود بیاری پدرش بزودی‌سواد آموخت .اودر مدرسهٔنظامیه هرات نزد اساتید مشهور آنزمان :جنید اصولی ،شهاب‌الدین‌محمدجاجرمی ودیگران به تحصیل علوم متداوله پرداخت .

جامی‌سال ۱۴۳٦ ع بمنظور ادامهٔتحصیل عازم سمرقند شدکه در آن رصد خانهٔ الغ بیك‌دایر بود وزیج‌مشهوراو نیزترتیب میافت .جامی در این شهر بدیدار قاضی زادهٔ رومی(متوفی بسال ۸۴۰ برابربا ۱۴۳٦ــ میلادی)اخترشناس وریاضی دان‌زبردست نائل آمدوازتدریس اوبهره‌مند شد(۱) جامی پس ازاتمام تحصیل‌درسمر قند درسال۱۴۵۲ بهرات بازگشت وتاپایان حیات‌خود درآنجا بسر برد .(۲)

جامی بتاریخ ۱۷ محرم سال ۸۹۸هجری (۸نوامبر سال۱٤۹۲ میلادی) درگذشت عبدالرحمن جامی میراث خلاق ثروت معنوی را بجا نهاده اضافه بر مصنفات اشعار زیبا دارد وآثاری در رشته های فلسفه ، فقیه ، عروض، موسقی وغیره نیز با وتعلق دارد که توسط دستنویس های کثیری تاکنون محفوظ مانده است وقسمت زیادآ ن بچاپ رسید است .(۳)

تحقیقات بسیاری درباره زندگی وخلاقیت عبدالرحمن جامی وعصر او انجام گرفت ودرار تباط با برگزاری پانصدو پنجاهمین سالروز تولد او (سال۱۹٦٤)پژوهشهای علمی درجهت فرآورد های ذهنی اوتحقیق ویژه ای یافت (٤) ودراین تاریخ برجسته وپس ازآن یك رشته آثار پیرامون جامی و مجموعه های مقالات ومواد کنفرانس ویژه سالگره تولد او ازچاپ بیرون آمد. (٥) پژوهشگران باتأکید جهت یابی انسانه وستانه خلاقیت جامی (٦) جهان بینی اورا نیز متذکرمیشوند.اوفرزند عصرخود ومسلمان پرهیز گار وپارسا وپیر وفرقه صوفیه نقشبندی بود. ولی برای جامی صوفی گری بیش ازهر چیزهاله ایده لوژیك مقبولی بودکه درآنزمان بتحقق اندیشه های انساندو ستانه یاری میرساند .(۷)

آرمانهای جامی وجهان بینی اومبنی برپیدایش حاکم عادل وانساندوستی که دراندیشه رفاه مردم با شدنیز بظهوررسیده واودر تلاش برای بیدار کردن احساسات عدالتجو یانه وصلحدوستانه درآثار خود پیوسته به جلوه سیمای چنین فرمانر وائی آورده واثارخودرا رهنمود وار برایشان اختصاص داده است . (۸)

جامی ،هم دروطن خویش وهم فراتراز مرزهای آن از شهرت واعتبار فراوان برخوردار بود.مردم اورا دوست داشتند وگرامی میشمردند .سران دولتها نیز اورا منظور میداشتند وبحساب میآوردند .(۹)

دولتی جامی باعلیشیر نوائی بزرگ برزندگی وخلاقیت او (جامی) تاثیر شگرف نهاده وجامی نه تنها باستعدادواستادی شاعرانه ،دوست) خودارزش عالی مینهاد بلکه خصائص انسانی وانساندوستانه اوراهم گرامی میداشت .(۱۰) بسیاری ازآثارعبدالرحمن جامی نظیر آثار نوائی درنتیجه دوستی آنها بمنصه ظهور رسیده است .(۱۱)نوائی باتاکید همکاری کامل با جامی درمهمترین موضوعات زندگی اورامعلم روحانی خود میشمرد .(۱۲) دوستی خلل ناپذیر این دو چهره برجسته فرهنگ نمونه تابناك تأثیروعمل مشترك ادبیات فارس ،تاجکی وازبکی راارائه نموده است .

تضادهای ایده یولوژیك عصر جامی،اندیشه های مذهبیوفلسفی وعرفانی ومحکوم داشتن خودسری واستبدادوبیعدالتی های اجتماعی وغیره در میراث فرهنگیجامی بازتاب یافته است.

برای پژوهش خصلت انساندوستانه خلاقیت جامی وروزگاراونامه های وی که منبع دست اول هستند وویژه خوداواست اهمیت خاصی رادارااست. عبدالرحمن جامی بامعاصران خود،شاعران، دانشمندان ،رجالدولتی ، حکمرانان سلسله تیموری، بایزیددوم سلطان ترکیه (سالهای ۱۵۱۲ـ ۱٤۸۱)، شاهان سلسله قره‌قویونلوجهانشاه (۱٤٦۷ـ۱٤۳۷) ،وسلسله آق‌قویو نلوـ اوزون حسن(۱٤٦٦۱٤۷۸) ودیگران مکاتبه وسیعداشته است. ایننامه های جامی که بسیارجالب واندوده ازانسان دوستیاست. باستثنا چند فقره تحقیق نشده اند .آنها عمدتأ درسه مجموعه ذیل بزمان مارسیده است :۱. منشآت جامیشاملمجموعه نامه هاکه ازجانب شاعر دراخرین سن عمرترتیب یافته است(۱۳)این مجموعه حاوی ۹۱ نامه است (۱٤) نمونه های سبك نامه نویسیدرنثر فارسی ـتاجیکی و دری قرن پانزدهم راارائه میکند .نامه هادرزمانهای مختلف ملیحیات مؤلف آنها نوشته شده اند .آنها درمجموعه بدینقرار گروهبندی ازنگاه محتویات شده‌اند :۱۱نامه (۱۵) خطاب به درو یشان خواجه عبیدالله ،یعنی خود خواجه عبیدالله ۲۲نامه (۱٦)خطاب به ملازمان حضرت سلطنت شاعری سلطان حسین بایقرا (۱۷):۳۳ نامه (۱۸) خطاب به ارکان دولت یعنی علیشیر نوائی که دردولت تیموریاندرخراسان مقامات عالی رااحراز نموده بوده وخطاب به برخی اززعمادوامرایدربار حسین بایقرا ۲۵نامه (۱۹)خطاب باشخاص مختلف که اکثرأ نان خارجازحدود ماوراالنهر وخراسان (درترکیه آذربایجان ،ایران وهندوستان) سکونتداشته اند.

منضمات شعری که اساسأ رباعیهستند در متن منشور نامه های جامی مشاهده میشوند در بخش خاصی(۲۰) ترتیب یافته اند .

برخی از نامه های مجموعه منشآتجامی اغلب بعنوان نمونه های سبك مکاتبه در ادبیات فارسیـ تاجیکی درمجموعه های کثیر نامه هائی که دراز منه مختلف تنظیم گردیده اندوبه رقعات ، مراسلات ، انشا ، منشآت موسومند نقل شده اند. مثلاًدر مجموعه ایکه توسطملا معین بن حاجی محمد الفراهی (متوفی بسال ۹۰۷ هجری ،۱۵۰۱ میلادی) تنظیم گردیده وحاوی نامه های عهد تیموریان است نه تنهانمونه های نامه های جامی (۲۱) بلکه همچنین پاسخ های آنهامندرجمیباشد ودرمجموعه هائی که توسط محمودبن شیخ محمد الگیلانی رجلدولتی هندوستان درعهد حکمرانان

بهمنی (نیمه دوم سده پانزده) که همچون ملك التجار (مقتول بسال ۱٤۸۱) (۲۲) تدوین شده حاوی پنج‌نامه عبدالرحمن جامی است که بهندوستان (۲۳) ار سال گردیده اند .

۲. خمسته المتحیرین اثر علیشیرنوائی :این‌کتاب سال۱٤۹٤ پس از مرگ عبدالرحمن جامی (سال۱٤۹۲)نوشته شده و مرکب ازمقدمه ، سه مقاله و نتیجه گیری است این اثر-بطور عمده بشرح زنده‌گی وخلاقیت جامی ، دوستی وروابط‌ادبی دوشاعراختصاص دارد. مقاله دوم آن خصائص مکاتبات پرحرارت آنهارا معرفی میکندو بعنوان نمونه در آن ۱۷ نامه جامی به علیشیر نوائی بنحوکامل یامختصرارائه شده است .

نامه ها باتو ضیح مختصراو ضاع‌اجتماعی آن عصرو پاسخ نوائی بآنها همراه میباشد. این مراسلات جامی از نظر محتوی مربوط‌به عده مکاتبات خصوصی ودوستانه (اطلاع‌دادن از وضع سلامتی ومبادله افکار درمورد موضوعات ادبی واجتماعی وسیاسی وغیره) است . (۲٤)

۳. نامه های بخط خود جامی ازآلبوم نوائی (مرقع علیشیر نوائی)که در مجموعه دستنویس های خاوری‌انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم از بکستان شوروی محفوظ‌است.

درحال حاضر منشآت جامی وخمسته المتحیرین علیشیرنوائی بچاپ‌رسیده اند. منشآت در مجله دانشکده ادبیات‌دانشگاه تبریز سال ۱۹٦۸ (۲۵) و خمسته المتحیرین درتاشکندسال۱۹٦٦ انتشار یافته اند (۲٦) نامه های جامی مندرج در آلبوم نوائی با ستثنا نمونه های جداگانه (۲۷) هنوز مورد بررسی علمی قرار نگرفته اند .

در تحقیقات سالهای اخیر ومثلا دراثراعلی خان افصح زاد روز گارو آثار عبدالرحمن جامی (صفحه ۱۵۵) تعدادنامه های جامی که بزمان مارسیده‌اند طبق مجموعه های فوق الذ کرو دیگرمجموعه ها (بجز آلبوم نوائی) از ۱۰۹-۱۰۷ تا ۲۰۰-۱۷۰ تعیین گر دیده. باید گفت که این ار قام تقریبی هستند .اگر تعدادنامه هادر«منشآت »جامی و خمسته المتحیرین نوائی را میتوان شمردنامه های‌موجوددر مجموعه های مختلف تا کنون مورد تحقیق متن شناسی جدی واقع نشده اند تا بتوان‌دقیقا گفت کد امیك از آنهادر منشآت جامی وخمسته المتحیرین‌نوائی‌تکرار میشوندوکد امیك دیگر آنهارا تکمیل میکنند. بهمین مناسبت وظیفه گردآوری وپژوهش مکمل‌همه نامه های جامی که بزمان مارسیده وتحقیق‌پاسخهای آنهاو اطلاعات دیگرمنابعی را که تاریخ نوشتن این یا آن نامه جامی را روشن میسازند امروز نمیتوان

انجام شده شمرد و این مساله هنوز نیاز به پژوهش دارد .

هدف از اثر حاضر تحقیق وچاپ ونشر نامه های دستخط عبدالرحمن جامی از آلبوم نوائی (یامجموعه مراسلات) باضمیمه توضیحات است .

تنظیم کننده آلبوم . سال ۱۹۳۸ این آلبوم به شعبه دستنویسهای خاور جنب کتابخانه عمومی بنام علیشیر نوائی واصل شد. شعبه مذکور بعدها بانستیتوی خاور شناسی جمهوری ازبکستان تبدیل یافت و آلبوم مذکور در ترکیب بخش محفوظ مانده از کلکسیون کتب دستنوس شریف جان مخدوم (متوفی بسال ۱۹۳۵) کتابدوست مشهور که هنگامی قاضی القضات بخارا بوده (۲۸) دراختیار آن انستیتو قرار گرفت . در باره تاریخچه تشکیل آلبوم و تنظیم کننده آن در خود دستنویس ذکری بمیان نیامده. نام مجموعه مراسلات از سوی شریف جان مخدوم (در کاتالوگ حاوی شرح مختصر دستنویس ها که توسط نامبرده برای کتابخانه اش ترتیب یافته) بآن داده شده است (۲۹)

در باره منشا پیدایش آلبوم ونحوه بدست آوردن شریف جان مخدوم چیزی ننگاشته ولی پس از برشماری غیرکامل اسامی مولفان نامه هاحدس میزند که تنظیم کننده آن علیشیر نوائی باشدکه طرف مقابل ومعنوی قرارداده شده البوم است (۳۰) این حدس بطرز عین مستقیم باسخنان خود علیشیر نوائی (۳۱) در اثرش بنام نسائم المحبت (سال ۱٤۹۵ ر۹۰۱) که به شرح حال شیوخ صوفیه اختصاص دارد تأییدمیگردد . نوائی نوشته است خواجه عبیدالله احرار (متوفی بسال ۱٤۹۰) کی از مؤلفان نامه های موجوددرآلبوم اغلب بمناسبتهای مختلف باونامه مینوشته .شاعربزرگ از یک آنها را حفظ نمود ودریك مجموعه نامه ها(مرقع) گرد آورده وباجداول رنگین ازیکدیگر مجزا ساخته است (۳۲) مشابهت نحوه تشکیل دستنویس آلبوم باتوضیح نوائی وجود ۱۲۸ نامه دستخطی عبیدالله احرار که پیشینه آنها بر حسب محتوی ونیز بنابر اینکه عناوین نوائی د رآنها مشاهده میشود همگی حق میدهند چنین انگاریم که آلبوم مذکور محتملاً همان مجموعه نامه ها یامرفعی است که نوائی ازآن در نسائم المحبت یادنموده است .

این موضوع که علیشیر نوائی خوددر اواخر حیاتش منشآت راتنظیم نموده ونامه هایش راکه بزبان ازبکی نگاشته درآن متمرکز ساخته گواه برعلاقه مفرط اوبترتیب دادن چنین مجموعه هامیباشد که درزمان اورواج گردیده است .(۳٤)

درکتب ونشریات علمی اطلاعاتی‌دراین باره موجود میباشد که علیشیر نوائی چون«منشآت»نامه های‌خودرا بزبان فارسی تنظیم نموده که تاکنون یافت نشده‌است (۳۵)ظهیرالدین محمود با بردر باره‌نامه ضمن وقایع سال۹۱۱ هجری (برابر باسال‌های ۱۵۰٦ــ ۱۵۰۵میلادی) در برشماری آثار شاعر بزرگ از یك ازمجموعه نامه های اوبزبان ازیکی نام‌میبرد (۳٦) .درهر صورت‌وجود ۱۷ نامه فقط بزبان ازبکی (مکاتبه باجامی)در خمسته المتحیرین اومجاز میسازد، برآن شدکه اوپاسخ نامه های بزبان فارسی رابزبان فارسی نوشته است.این اندیشه راگواه ذیل نیز تایید میکند :درمجموعه نامه ها تنظیمی،معین بن‌حاج محمدالفراهی نامه بزبان فارسی مندرج است‌که طبق آنچه که از عنوانش برمیآید به‌علیشیر ــ نوائی (امیرنظام‌الدین علیشیر) تعلق‌دارد. این‌نامه خطاب به‌حاکم‌هندو ــ ستان (والی ممالك هندوستان شرف‌ــخان)(۳۷) نوشته شده .

باین ترتیب میتوان برآن بوَدکه نامه های مندرج درآلبوم توسط اشخاص مختلف درزمان‌های گوناگون نوشته شده اند ودردبیرخانه دولتی باحتمال بیشتر درآرشیونوائی حفظ گردیده‌اند .پس‌ازوفات عبدالرحمن جامی و خواجه عبدالله که مولفان اکثرمراسلات‌هستند شاعر تصمیم گرفت نامه های آنان رابیاد بود آنهادریکجا گردآورد.

ولی جادهی نامه هادرآلبوم توسطتنظیم کننده صورت نگرفته زیرانه ازنظر زمان‌وصول به‌گیرنده وبرحسب‌اسامی مولفان آنها ترتیب بندی‌نشده اند .(۳۸) علیشیر نوائی که شخصأ‌ازوضع نوشتن بسیاری ازنامه ها ی کلکسیون خود مطلع بوده ممکن نیست‌که آنهارا اینگونه بی‌ترتیب در مجموعه خودبگنجاند وباحتمال قوی‌وصالی چسبانش نامه‌ها به آلبوم وتشکل آنهاتوسط شخصی‌دیگر ی‌ولی‌بسفارش نوائی که‌گیرنده اکثر نامه های موجود درآن بوده انجام گرفته است. بنابراین نام«آلبوم نوائی»که درکتب ونشریات باین مجموعه داده‌شده ورواج یافته کاملاً محقانه است . (۲۹)

زمان تنظیم آلبوم طبق اطلاعات‌ضمنی وغیر مستقیم میتواند در محدوده سالهای ۱٤۹۰ ع و ۱٤۹۵ باشدزیرا از یکطرف دیرترین نامه جامی که‌حاوی تسلیت بمناسبت‌فوت خواجه عبیدالله احرار است در سال ۱٤۹۰ نوشته شده واز طرف دیگر نوائی دراثر خود بنام نسائم المحبت که در سال ۱٤۹۵ تنظیم شده از مجموعه نامه ها (مرقع) که ما آنرا با آلبوم حاضر یکسان میدانیم نام میبرد .

شرح پاله اوگرافیك آلبوم.

شرح پاله او گرافیك آلبوم .آلبوم نوائی درمنبع دستنویس انستیتوی خاور شناسی فرهنگستا نعلوم ازبکستان عبارت ازیك دستنویس منحصربفرد قرن ۱۵ (شماره-۲۱۷۸) ودو نسخه کپیه آن است در زمان ما بسال ۱۹۳۹ توسطای . عاد. لف تهیه شده اند .

دستنویس شماره۲۱۷۸ که حاویاصل نامه ها است عبارت از کتاب پر عرض وطولی است با بعاد ۴۱×۲۹سانتیمتر با ۴۶ ورق میباشدوروی صفحات آن ۵۹۴ نامه دستخط بزبانفارسی متعلق به ۱۶ مولف نویسنده چسپانده شده (۴۱) .

نامه هاروی کاغذ ساخت خاورزمین از نوع سمرقندی و اساسا با خط نسخ ونستعلیق نوشته شدهاند .که خصائص انفرادی خط بزمولف را منعکس میسازد کاغذی که مراسلاتروی آن چسپانده شده اند از کاغذ نامه ها متفاوت است: اوراق ضخیمتر، متراکم تروبراق هستند وبنظر میرسد ساخت هرات باشند. زیرا جدوللاجورد وصحاف و وصالی آن این مطلب را میر ساند .

نامه ها که اندازه های متفاوتیدارند از ۵×۷ر۳ سانتی متر(صفحه ب ۲۴) شماره ۳۳۹ر۳۳۳ (۴۲) تا ۲۲×۵ر۱۴ سانتی متر (صفحه ب ۴، شماره ۴۷ر۴۶) از یکد یگر با چهار خطی نازك (طلائیوسیاه) مجزا هستند،خواش دستنویس با چهار خطی مشتمل برنوار های طلائی وآبی یافته اند. خطوط مجزا کننده نامه ها گاهگاه باکناره های نامه هاتطابق ندارد مثلا در صفحه ب ۲۴ در نامه شماره(۳۳۳) ۳۲۹ خط مجزا کننده نامه انتهای کلمه والسلام را جدا نموده ودر صفحه ۲۶ در نامه های با شماره های (۳۵۸) ۳۵۲ و (۳۶۱) ۳۵۵امضأها خارج از خط سمت راست نامه ها قرار گرفته اند، در صفحه ۴۳ .در نامه شماره (۵۷۵) ۵۶۹ صفحه ۴۳ خط از بین امضأمؤلف ویاداشت مضا میبرنامه گذشته ودرنتیجه اینتاثیرنادرست را در ذهن فراهم میسازد که گویا این قسمت نامه بنامه شماره(۵۷۲) ۵۶۶ که درزیرآن قراردارد مربوط میباشد، درصفحه آ ۴۴ درنامه شماره (ب-آ۵۸۴) ۵۷۸ ادامه نامه روی حاشیه وبیش ازابتدا آن چسپانده شده وبعلاوه دوقسمت از یك نامه از یکد یگر با خطجداشده اندوغیره .

نامه های چسپیده به اوراق آلبوم درجهات گوناگونی قرار دارند و بنظر میرسید که این موضوع ناشی از تمایل به گنجاندن حداکثر تعداد نامه دریک صفحه بوده است . سعی درپر نمودن نقاط خالی صفحات آلبوم محتملا ازاین موضوع هم ناشی است که برخی از نامه ها به دو یاسه قسمت بریده ودر کنارهم وصالی شده اند، شماره های ۲۰، ۲۲ـ صفحه آ ٤، شماره(۵۸/۵۳) ۵۲، (٥٦/٥٤) ۵۳ـصفحه ب شماره (آ ۲۸٦/ ۲۸٦) ۲۸۲صفحه آ ۱۹، شماره (بـآ۲۹۸) ۲۹٤ـ صفحه ب ۲۰، شماره (۳۱۱)۳۰۷ـ صفحه آ ۲۲ ، شماره (۳۳۸ ـ ۳۳٦) ۳۳۱ ، (ب ـآ ۳۳۷)۳۳۲ـ صفحه ب ٢٤، شماره (بـآـ ۳۸۳) ۳۷۷، (وـ ب ـ آ ۳۸۹) ۳۷۸صفحه آ ۲۷، شماره (بـآ ۳۸۹) ۳۸۳ـصفحه ب۲۷،شماره (بـآ٤٦٢)٤٥٦ صفحه ب ٣٤،شماره(بـآ٥٤٥) ۵۳۹ ـ صفحه آ ٤٠ ، شماره(وـبـآ ٥٤٨) ٥٤٢ صفحه ب ٤٠، شماره (بـآ ٥٧٦) ۵۷۰ـصفحه آ ٤٣وغیره. برخی قسمتهای بعضی ازنامه ها د ر اوارق متفاوت آلبوم واقع شده اند :مثلاً پایان نامه شماره (۵۷۲)٥٦٦ـ صفحه آ٤٣ باحاشیه باریکی روی صفحه آ٤٥ بین نامه های شماره(٥٩٢) ٥٨٦ (٥٩٥) ٥٨٩ و (٥٩٦) ٥٩٠چسپانده شده وغیره .

نامه های موجود درآلبوم یکسان محفوظ نمانده اند ومتن برخی ازآنها مقداری آسیب دیده اند .(شماره‌ـ۲۹۳ر ۲۸۹ـصفحه آ ۲۰،شماره۵۹۱ ر٥٨٥ ـصفحه ب ٥٤٤شماره ٥٩٩ر ٥٩٢ ـصفحه ب ٤٥وغیره) نامه های دیگر موثر ازرطوبت هستند (شماره٥٦٩ ٥٦٣ـصفحه ب ٥٤٢شماره٥٨٤ ر٥٧٨ ـصفحه آ ٤٤وغیره)وبرخی نامه هانیز ازلکه های قهوه‌ای رنگ زیان دیده اند (شماره٥٦٨ر٥٦٢ ـصفحه آ٤٢ وغیره).

خواهشمند است به اعاده (منظوراعاده به ماوراالنهر است) پنج سرـ غلام وکنیزك ونیزگوسفند واسبی که تعلق به اینفقیردارند (وآنهارا بخراـ سان برده‌اند)ازروی التفات خاطرشریف مساعدت نمائید .

عکس ۲۰دستنویس ۲۱۷۸ ،صفحه آ ۱۸، نامه شماره (۲۷۲) ۲٦۷۰ آنگونه که ازخط نامه برمیآید .مولف آن ،عبیدالله است .متن :

نویسنده تصمیم گرفت درآنجانب (درخراسان) ملکی بخردکه اداره آن به دارنده رقعه واگذار میگردد .خواهشمند است که اگراو بمهمی رجوع ملازمان کندبه وی مساعدت شود .

متحمل است که نامه هاپیش ازاینکه درآلبوم درج شوندمدت مدیدی درجائی حفظ شده‌اندوفوراً بمحض وصولشان درآلبوم چسپانده نشده اند. این

موضوع همچنین ازکوششی که برای ترتیب بندی نامه ها برحسب اسامی مولفانشان بعمل آمده برمیآید. ولی این ترتیب بندی تاپایان بعمل نیامده وگروه بزرگی ازنامه های یك مولف نظیر عبدالرحمن جامی وخواجه عبیدالله احرار درنقاط مختلف دستنویس قراردارند. قطعات جداگانه ای ازنامه ها نیزمشاهده میشوندکه قسمت اساسی آنها مفقود شده اند (شماره ۲٦ر ۲۵- صفحه ب ٥٤ شماره ٥٥ر٥٤-صفحه ب۷، شماره ۲۹۲ ر۲۸۸ -صفحه آ ۲۰، شماره ۳۰۸ ر۳۰٤- صفحه ب-۲۱،شماره ۳۲۹ ر۳۲٥،۳۳۰ر ۳۲٦ -صفحه آ ۲٤،شماره ٥۷۰ر٥٦٤-صفحه ب٤۲) همچنین عبارات ناتمامی دیده میشوند (صفحه آ ٤٥ -چهار عبارت متمایزوناتمام ازنامه های مختلف الحاق یافته اند) گاهی نیز تکه ای بنامه ای ملحق گردیده که نه تنها ازنظرخط بلکه ازلحاظ متن نیز ازآن متفاوت میباشد .(تکه شماره ۳۳۰ر۳۲٦)در صفحه آ ۲٤ به انتهای نامه شماره ۳۲۷ر ۳۲۳ چسپانده شده، سطر چهارم نامه شماره ۳۳۸ر ۳۳٦ر۳۳۱ بمتن ارتباطی ندارد .

پژوهش نامه های آلبوم از نظرمتن شناسی در مجموع میسر میسازد تامتن اولیه نامه های معیوب را احیانمود. معهذا توفیق حاصل نشد که برخی از تکه ها را بهیچیك از نامه های آلبوم متعلق و منسوب شمرد و ممکن است هنگام تنظیم آلبوم بقیه متن نامه های معینی مفقود شده بودند

همانگونه که قبلا ذکرآن رفت نامه ها در آلبوم دارای امضا باد ستخط مولف ونویسنده شان هستند و فقطدر ۷٥ عدد آنها امضا موجود نیست (در ۱۱ فقره از نامه ها چنانکه ازردهاواثر های محفو ظبر میاید امضاها کنده ومفقود شده اند .)

برمبنای شباهت خط رادیگر نامه های امضا شده میتوان مولفان مراسلات فاقد امضا رامعین نمود.

امضاها معمولا بریده شده ودر گوشه راست بالای نامه ها ملحق شده اند وبندرت چنانکه گوشه راست بامتن اشغال گردیده باشددر گوشه چپ قرار داده شده اند. (شماره-۳۸٦ /۳۸۰ ۳۸۷ ۳۸۸،۳۸۱/ ۳۸۲- صفحه ب ۲۷ وغیره) در ٦۰ نامه امضا ها بریده نشده اند. ودر زیر متن ویادر حواشی سمت راست نامه ها قرار دارند ارجح است در نامه های محمدبن امین الدین واقع درصفحات -آ ۳۰، ب -آ ۳۱،ب -آ ۳۲ ،ب-آ ۳٤، ب - آ ۳٥ب-آ۳٦وغیره)

خطوط نامه ها در مواردی ازیکدیگر متمایزند . محتملا تنظیم کننده آلبوم ابتدا امضاها راازنامه های یك مولف بریده وبعد آنهارا زیرنامه ها

التصاق نموده‌یی آنکه مراقب انطباق‌امضا بانامه مفروض باشد. بنظرمیر-
سد از اینرو روی برخی از نامه هادوامضا یك مولف واحد یکی در بالاو
دیگری درپایان نامه چسپانده شده(شماره ۲٦٦/۲۷۱ در صفحه آ ۱۸).
نامه هابا مرکب سیاه چین بوسیله اعداد فرنگی شماره گذاری شده‌اند.
شماره ها سریع نوشته شده‌اند ازاینرو قسمتهائی ازیك نامه واحد
همچون نامه های مستقل انگاشته شده اند وشماره های جدا گانه بآ-
نها داده شده (انتهای نامه شماره(۵۸و۵۳و۵۲ ،صفحه ب ۷که توسط
تنظیم کننده آلبوم در کنار قسمت‌آغازین نامه جاداده شده جدا گانه
همچون نامه شماره ۸۵ شماره گذاری گردیده ، همین وضع در مورد
نامه های شماره ۵۳/۵٤،۵٦ در همین صفحه رویداده است، شماره
۳۳٦،۳۳۸ ر۳۳۱ -صفحه ب۱٤وغیره)درعین حال برخی از نامه ها که بدون
فاصله بانامه دیگر چسپانده شده‌انداز شماره افتاده‌اند (مثلا تکه ای از
نامهای که در آن مطلب تمام استزیر نامه شماره ۳۱۸/ ۳۱٤ (برابر
با شماره ۳۱۷ طبق شماره گذاری‌ما)چسپانده شده است .

در صفحه ٤۱ دستنویس، فقطامضا عبیدالله احرار قرار دارد و
جای نامه خالی است بنظر میرسد که نامه کنده شده ومفقود گردیده است.
باری هنگام شماره گذاری اولیه نامه هادر کنار امضا شماره ۵۵٤ گذارده
شده (٤۳)
ازاینرو در چاپ حاضر شماره گذاری‌نامه ها مجددا صورت گرفته و شماره
های قبلی در آلبوم در داخل پرانتنرقرار داده شده .

صفحه آ ۱، ابتدا صفحه ب ۱ وحواش صفحه ب ٤۵ بایادد اشتها و
اشعار هاوی مطالب مذهبی وتصوفی‌که باآلبوم ربطی ندارند اشغال شده
وچنانکه ازخط آنها برمیآیدتقریبا در آغاز قرن بیستم نوشته
شده‌اند . در صفحه آ ٤٦ رباعی‌عبدالرحمن جامی قرار دارد که در آن
بحساب ابجدتاریخ وفات‌خواجه عبید الله متوفی بسال ۸۹۵ هجری(۱٤۹۰
میلادی) ارائه شده . در همین صفحه اسامی ۱۱ تن از ۱٦ مولف نامه ها
باینقرار ذکرگردیده : عبدالرحمن‌جامی، خواجه عبیدالله شاه قاسم انو
ار (٤٤) خواجه عبدالاول ، خواجه‌علی، خواجه یحیی ، خواجه حسن بن
علا العطار، خواجه محمد بن امین الد ین خواجه سعدالدین ، خواجه ابو-
سعید و خواجه صوفی علی .

یادد اشتهای صفحات ب -آ ۱۰ وآ ٤٦ آ نگونه که از خط آنها برمیآید
توسط دارنده دستنویس یعنی شریف‌جان مخدوم نوشته شده که اثر مهر-

مدور او با تاریخ سال ۱۸۸۹/ ۱۳۰۷ در صفحه ب ٤٥ موجود میباشد .
دو نسخه فوق الذکر که از روی دستنویس شماره ۲۱۷۸ توسط ا ی .
عادلف برداشته شده نیزدر انستیتوی خاور شناسی فرهنگستان علوم از
بکستان باشماره های ٤٢٤٥ و٥١٣٦ حفظ میشوند . دستنویس شماره
٤٢٤٥ باخط درشت وواضح نستعلق بامرکب سیاه چین روی کاغذ خوقندی
برنگ روشن زرد گونه رونویس گردیده وشامل ۲۱۲ ورق باابعاد ۳ر۲٥ر ١٤
سانتی متراست تاریخ رونویسی آن سال ۱۹۳۹ میباشددرصفحات ۲۲۱ـ
گیری رو نویس کننده درج گردیده که در آن انگیزه اوبه برداشتن
کپیه از دستنویس شماره ۲۱۷۸ عرضه شده : این اثر بینظیر عصر
علیشیر نوائی که مناسبات متقابل شاعر بزرگ باهمعصرانش را باز تاب
میکند بعلت دشواری قرائت نامه ها که باخط رقاع وقسمتی باخط نسخ
سده ١٥ نوشته شده از نظر پژوهش بمیزان اندکی مورد توجه قرار داشت
. باینجهت ای .عادلف به کشف رمزقرائت نامه ها وتهیه کپیه های منا-
سب آن برای خواندن پرداخت . تطا بق اصل با نسخ ای . عادلف ثابت
میکند که نظر او در این باره که خواندن و فهم خطوط مولفان نامه
دشوار است تاچه اندازه صحیح است

نسخه شماره ٥١٣٦ باخط نستعلیق وجوهر بنفش روی اوراق مختلف
دفترکه غذا های آن از نوع خطدارد چهار خانه دارد وغیره اند نوشته
شده و شامل ١٤٠ ورق باند ازه های ۲۰×۱۲ سانتیمتر است. تاریخ رونو-
یسی وجود ندارد . متن دستنویس ناقص تراز نسخه رونویس شماره
٤٢٤٥ میباشد در آن اضافه برجاافتادگی های انگشت شمار جاخالی
های بزرگ موجود است . نامه های شماره (٥٦٢) ٦٥٥ـ (٥٩١) ٥٨٥
که در صفحات آ ٤٤ـ آ ٤٢ اصل آلبوم (مطابق باصفحات آ ۲۰٤ ـ آ ۱۸۹
نسخه ٤٢٤٥) میباشند حذف گردیده. انطباق متن نسخه های شماره
٤٢٤٥ و٥١٣٦ باصل آلبوم (دستنویس شماره ۲۱۷۸) نشان داد که اضا
فه برجا افتادگی های بزرگ و کلمات واصطلاحات جداگانه خوانده نشده ودر
نسخه شماره ٥١٣٦ جا افتادگی های ذیل که برای هردو نسخه مشترک
است نیز مشاهده میشود :

نامه های تمام باشماره های (۳۲۸) ۳۲٤ در صفحه آ ٢٤ (طبق شماره
های دستنویس ۲۱۷۸) (۳۷۲) ۳٦٦ـ صفحه ب ۲٦، (٤٠٨) ٤٠٢ـ صفحه
آ ۲۹، (٥٧٤) ٥٦٨ـ صفحه آ ٤٣

تکه هائی که مفهوم معینی را داراهستند: نامه های دارای شماره های (۲٦)۲٥ـصفحه ب٤(٥٧) ٥٥ـصفحه ب٧، (۳۲۹) ۳۲٥ و(۳۳۰) ۳۲٦ـ صفحه ب ۲٤، (۳۹۸)۳۹۲ـصفحه ب۲۸؛

نوشته مضاف برنامه شماره (۳۷۱)۳٦٥ درصفحه ب ۲٦ دستخط خودمؤلف نامه متن شعری ده‌سطری درنامه شماره (٤٤٥ر٤٤۳) ٤۳۸ درصفحه ب ۳۲

نوشته مضاف برنامه (ب‌ـآ ٥۸٤)٥۷۸ درصفحه آ ٤٤.امضاهای زیری نامه شماره (٥۸۷)٥۸۱ در صفحه آ٤٤نام‌گیرنده (علیشیر نوائی)که توسط مولف درحاشیه نامه شماره(٥۸٦) ٥۸۰
ازاینقرار نوشته شده ـعلیشیرنوائی‌مدضله العالی (صفحه آ٤٤)
علیرغم ازقلم افتادگی هاوجاهای‌خالی‌مذکور نسخ‌ای. عادلف ارزش علمی فراوان دارند:محققانی که تاکنون به آلبوم مراجعه کرده اند اساساً بر آنها تکیه نموده اند. مولف‌این سطورنیزدد کار خود برای تنظیم یك متن انتقادی که دراین اثر درج نگردیده کاملاً ازنسخ ای. عادلف بهره گرفته است .

مولفان‌نامه ها. «آلبوم‌نوائی »همان‌طوریکه قبلاً تذکر داده‌شدحاوی٥۹٤ نامه از ۱٦ مؤلف است.پیش‌از نیمی‌ازنامه ها به عبدالرحمن جامی شاعر نامدار وبقیه بشخصیتها ی مشهورماوراالنهر وخراسان درسده‌پانزده تعلق دارد. نامه ها اساساً برای‌علیشیر نوائی ارسال‌گردیده اند که درسال‌های ۱٤۸۷ ـ۱٤٦۹ مقامهای‌عالی دولتی رادر بارسلطان حسین‌ـ بایقرا درهرات دارا بوده‌است .قسمت‌اندکی ازآنها بسلطان حسین واشخاص دیگر نوشته شده اند مثلاً نامه شماره(۱٦٤) ۱٥۹، آنگونه که از حواد ث مذکور درآن برمیآید برای سلطان‌ابوسعید (۱٤٦۹ ۱٤٥۱) پاد شاه سلسله تیموری که قبل ازسلطان‌حسین بایقرا حکمران ماوراالنهر و خراسان بوده بیش ازعزیمت او برای‌لشکرکشی به آذربایجان درسال۱٤٦۸ فرستاده‌شده است (٤٥) تقاضاهای‌ارائه کمك‌مادی به مستمندان موقوفات‌صورت میگرفت درخواست میشد نه تنها برای نوائی بلکه همچنین برای صدرها که اداره کننده گان امور وقف بوده‌اند نامه ها ارسال‌نمود(٤٦)
نامه هااز نظرتعداد، بترتیب، بمو لفان ذیل تعلق داشته :
۱. عبدالر حمن جامی. در آلبوم۳۳۷ نامه دستخطی باومتعلق است .

۲. خواجه عبیدالله احرار- شیخ‌متصوف مشهور و فئودال بزرگ که اراضی عظیم واموال دیگر را درماوراالنهرو خارج از آن دارا بوده است. او بعنوان رئیس فرقه نقشبندی‌درتصوف در ماورا النهر و خراسان از اعتبار فراوان برخور داربوده وبر افکار عمومی زمان خود نفوذ بسیار داشته .خواجه احرار درماه‌رمضان‌سال ۸۰٦ هجری (مارس- آوریل سال ۱٤۰٤میلادی)متولد شده وآخرربیع الاول سال ۸۹۵ (۲۱فوریه سال ۱٤۹۰) وفات نموده است (٤۷)

در آلبوم ۱۲۸ نامه خواجه احرارکه همگی دارای امضا الفقیر عبیدالله هستند موجود میباشد (٤۸). دراین‌مورد فقط یك نامه آنهم باشماره ۲٦٦/۲۷۱- صفحه آ ۱۸ مستثنی‌است که در آن بجای امضا مذکور که در گوشه راست بالا الصاق گردیده‌امضا دیگری هم‌از اینقرار وجود دارد: الفقیر عبیدالله ابن محمود این امضادر حاشیه نامه جاداده شده وهمزمان با خود نامه نوشته شده است .

نامه های خواجه احرار عمدتا مربوط به مناسبات اجتماعی سیاسی متقابل ماورا النهرو خراسان درنیمه دوم‌قرن پانزد هم است باینقرار: منازعات درونی تیموریان واز جمله بین پسر. ان سلطان ابوسعید (مقتول بسال ۱٤٦۹)-سطان محمود (سالهای ۱٤۵۹۱٤۹٤) وسلطان احمد (سالهای۱٤۹۳ -۱٤٦۸) از یکسوو سلطان حسین بایقرا (سالهای۱۵۰٦ -۱٤٦۹که پس ازمرگ ابوسعید درخرسان تخت وتاج‌راتصرف نمود ازسوی دیکر (٤۹)و نیز موضوعات مذهبی (وعظ‌هاشیخ شامل تحکیم شریعت ریشه کن کردن الحاد)(۵۰) در نامه های‌خواجه احرار مسائل مربوط فعالیت مالی واقتصادی (خرید اراضی، مرا جعت بندگان وغیره) مطرح است (۵۱)

عده‌ای از نامه های خواجه احرار،علیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا حاوی خواهش و تقاضا است در این‌موارد خواجه احرار، گاه برای جلب حمایت به جامی نیز رومیآ ورد. برخی‌از نامه های آلبوم این موضوع راتا یید میکند (۵۲)

۳. محمدبن امین الدین. در آلبوم٤٤ نامه اوموجود است (۵۳) وامضا- ئش از اینقرار العبدا لفقیرالی الله‌الکریم الغنی محمد بن امین الدین همواره زیرنامه ها واقع است . خط‌امضاها و برخی از نامه هایش متفا- وتند احتمال دارد که این نامه هابادیکته امین الدین به نشیش نوشته شده اند ولی توسط خود اوامضا گردیده اند .

506

عکس ۱۱ شماره دستخط ۲۱۷۸

صفحه ب ۳۸ شماره نامه ٥٠٦

(٥٠٠)

در باره محمدبن امین الدین اطلاعی در اختیار ما نیست . او در نامه هایش خطاب به علیشیر نوائی اورااعزار جمند الولد اعزالا کرم مینمامد (٥٤). ازقرار معلوم امین‌الدین‌گیرنده نامه بوده است .

در نامه های امین الدین اساساتقاضای اختصاص وجوه ووسایل مادی برای محصلان مدرسه های هرات‌مشاهده میشود. اودریگی ازنامه ها (شماره ٤٧٣/٤٧٩ ـ صفحه آ ٣٦)ضمن توصیه برای شخصی او را شاگرد خود مینامد ازین موضوع چنین برمیآید که امین الدین مدرس یکی از مدرسه های هرات بوده است امین‌الدین خطاب به نوائی عناوین اورابر میشمارد (٥٥) ودر یکی از نامه هادرکنار عنوان امیر کبیر نام گیرنده یعنی امیر علیشیر را نیز ذکرمیکند(٥٦) .

اضافه بر این اودر نامه های شماره٤٢٣/٤٢٩ ، صفحه ب ٣٠ و شماره ٤٣٠/٤٣٥ صفحه ب ٣١ مینویسدسیمی ولی الله الغالب ونیز درسه نامه دیگر (شماره ٤٢٧/٤٣٢ ، صفحه آ ٣١ ، شماره ٤٣٧/٤٤٢، صفحه ب ٣٢، شماره ٤٧٨/٤٨٤ صفحه ب٣٦)مینگارد .

سیمی اسد الله الغالب‌وباین وسیله تاکید میکند که گیرنده باخلیفه چهارم حضرت علی همنام‌است . زیرا ولی الله غالب ، القاب خلیفه چهارم اند .

٤:میر عبدالاول‌نیشا پوری (٥٧)یکی‌ازدستیاران وداماد خواجه عبیدالله احرار مولف کتاب مسموعات‌حاوی شرح زندگی این شیخ است (٥٨) میر عبدالاول اهل نیشا پوراست‌ودر اول ذی الحجه سال ٩٠٥ (٢٨ـ ژون سال ١٥٠٠) در گذشته (٥٩).پدراو که احتمالا فئودل ثروتمندی بود مزرعه را بنام خانشاه در نیشاپورسبود اعقاب خودوقف نمود.نامه شماره ٣٧٥/٣٨١ ـ صفحه آ ٢٧در آلبوم ١٦ نامه خود عبدالاول که توسط خوداو چنین بامضاً رسید :«الفقیر عبدالاول (٦٠) و١٢نامه که مشترکاً بامولانا قاسم هوادار دیگرایشان خواجه احرار نوشته است‌وجود دارد .(٦١)

نامه های عبدالاول اساساً بموضوعات‌مذهبی (تحکیم شریعت وغیره)دا دن سفارش های خواجه احراردرمورد منافع‌سیاسی، اقتصادی ومالی‌او اختصا ص دارند .عده‌ای ازنامه ها باز تابنده‌مناسبات متقابل‌شخصی اوبامر سلالیه است‌که چنانکه ازعناوین آنها برمیآیدعلیشیر نوائی بوده .

٥: خواجه علی-شاگرد دیگر ودامادخواجه احرار اغلب بسفارش او بهرات میآمده ومورد پذیرش ونوازش سلطان حسین بایقرا واقع میشده .میرعبدالاول فوق الذکر درباره اوهمچون درباره شخصی که حتی درزمان حیات خواجه احرار فوت کرده سخن گفته است(یعنی قبل ازسال ۱٤۹۰)(٦۲) در آلبوم ۲۳ نامه خواجه علی موجود میباشد (٦۳)که نزده عده آنها بامضأ او «خواجه علی» (یا بطورساده علی)،سه عدد مشترکاً باقاسم(٦٤) نوشته شده و ٤ نامه هم بدون امضاً میباشد که براساس شباهت خط وسبك نامه به خواجه علی منسوب شناخته شده اند .متن نامه ها بطورکلی بمتن نامه های عبدالاول نیشاپوری نزدیك است ومعطوف بدفاع ازمنافع خواجه احرار وکسانی است که باتقاضا های گوناگون باو مراجعه نموده اند .نامه هاآنگونه که ازمتن آنها برمیآید بنشانی علیشیر نوائی وقسماً برای حسین بایقرا نوشته شده اند .

٦: مولاناقاسم (٦٥) -اهل روستای فرکت (نزدیك تاشکند) بوده وتقریباً ٥۰ سال نزدعبیدالله احرار خدمت کرده ودستیار وفادار اوبوده .معاصران آنگونه که از منابع برمیآید مولاناقاسم راسایه خواجه احرار مینامیدند .اوبانزاکت وخوش سلوك بود وبهمین جهت خواجه احرار اورابا سفارشهای خودمعمولاً بعنوان شخصی مورد اعتماد خویش نزدحکمرانان و اشخاص بلند پایه گسیل میداشته مولاناقاسم درسن ۷۰ سالگی درششم ماه ذی الحجه سال ۸۹۱ (۳دسامبرسال ۱٤۸٦) درگذشت (٦٦)

آلبوم حاوی ٥ نامه است (٦۷) که از سوی مولا ناقاسم امضا شده ۱٥۰ نامه هم توسط او همراه خواجه علی وعبدالاول نگاشته شده . متون نامه های مولا نا قاسم مرجحا مربوط بامورسیاسی واقتصادی ومالی خواجه احرار ، خانواده ودر ویشان نزدیك باودرماورا النهر نیمه دوم قرن پانزده است ومرسل الیه اوعلیشیر نوائی وسلطان حسین بایقرا میباشند .

۷-محمد تباد کانی - شمس الدین محمد تباد کانی مولف چند شرح بر آثار عرفانی است شرح اسم الله شرح منازل السایرین مخمس بر قصیده برده او مترجم اربعین حدیث از عربی بفارسی نیز هست . او در سال ۸٦٦ برابر با سال ۱٤٦۲-۱٤٦۱ میلادی با خواجه عبیدالله احرار در سمر قند ملاقات نموده است. محمد تباد کانی با علیشیر نوائی مناسبات نیك دوستانه علیشیر نوائی دستور داد نزدیك مقبره او خانقاهی بسازند که همچون خانقاه جماعت خا نه (٦۸)شهرت یافت .محمد تباد

کانی بسال ۱٤۸٦ ـ ۸۹۱ بسن ۸۰سالگی درگذ شت ودرهرات در محل خیابان بخاك سپرده شد .

آلبوم حاوی پنج نامه (٦۹) محمدتبادکانی باامضا الفقیرالداعی محمد تبادکانی است . (۷۰) این نامه ها باز تا بنده مناسبات متقابل اوبا علیشیر نوائی وفعالیت اجتماعی است. مثلا او برای انتصاب شخص معینی بمقام خطیب در هرات واحیا حقوق درو یشان به کشتزار کوشش میورزدو تقاضا میکند مقصران‌واقعه خونین‌که در اثر آن در و یشان خسران وزیان دیده اند کشف شوند .

۸. خواجه محمد یحیی پسر دوم‌خواجه عبیدالله احرار است. امضاو در نامه ها الفقیر محمد یحیی است‌محمد یحیی شاگرد پدر خود بودوپس از مرگ او (سال ۱٤۹۰) دارائی‌و مقام روحانی اورابارث برد . اوبار هااز سمر قند به هرات سفر کرده‌درآنجا باعبد الر حمن جامی و علیشیر نوائی وحسین بایقرا ملاقات نمود.محمد یحیی‌همراه بادوپسر خود توسط سپاهیان شیبانی خان در سمرقندبتاریخ ۱۵ محرم سال ۹۰۸ (۱۱ اوت سال ۱۵۰۰) بقتل رسید و در جوارپدر در گورستان محله کفشیر دفن گردیده است . (۷۱)

در آلبوم ٦ نامه محمد یحیی (۷۲)موجود است . این مکاتبه شخصی اوبا علیشیر نوائي و حسین بایقراست ونیز توصیه هائی‌برای اشخاص دیگراز حلقه در ویشان ماورا النهردر مورد تعلق گرفتن اموال ارثی موجود در اراضی خراسان وحمایت ازآنان در امر زندگی شان ونیز توصیه یاری با شخاص است از سمر قندبهرات عزیمت میکنند .

۹. خواجه محمد عبدالله ، پسرارشد خواجه عبیدالله احرار همچنین بالقب های‌خواجه کلان خواجه ، خواجه‌خوا جه مشهور است (۷۳) سال ۱۵۰۰ هنگام یورش‌سپاهیان شپانی خان بسمرقند، محمد عبدالله باند یجان گریخت ودر آنجافوت نمود ولی در تا شکند در گورستان قفال شاش (۷٤) بخاك سپرده‌شد .ودر آلبوم سه نامه خواجه محمد عبدالله (۷۵)موجود است که درآنهااو در خواست میکند در امور اشخاص معینی که از سمر قند عازم‌هرات هستند مساعدت شود (اجازه آوردن خویشان آنهااز هرات بسمرقند حفظ حق بارث بردن دارائی خویشان متوفی وغیره) امضا او درنامه ها چنین است : الفقیر محمد عبدالله .

«۱۰» خواجه محمد بن‌علاالعطا رنواده علا الدین عطار (متوفی بسال ۸۰۲/۱۴۰۰) است که نخستین جا نشین شیخ‌مشهور بخارا بهاالدین نقشبند (متوفی بسال ۷۹۱/۱۳۸۹) (۷۶) بنیان گذار فرقه نقشبندی در تصوف بوده . امضا خواجه محمد در نامه ها چنین است: «خادم الا برار مخمدبن حسن بن علا العطار» در آلبوم سه نامه باو تعلق دارد (۷۷) که محتوی آنها توصیه دربرابر گیرنده‌نامه ها در باره اغطار اجازه به‌ارائه کنند گان نامه و خویشان آنها برای‌خروج از هرات بماورا النهر ومسا عدت به عا زمان مکه جهت انجام حج‌است وغیره .

۱۱ـ ابوسعید ـ متولد اوبه در خراسان‌است او در جوانی بمنظور تحصیل بسمرقند امد ومدتی در مدرثه الغ‌بیك بعلوم دقیقه اشتغال ورزیدولی بعد پیرو خواجه عبیدالله احرارگردید و بتصوف گرائید وطی ۳۵ سال‌بلا وقفه نزد ایشان ماند (۷۸) . خواجه احرار او را بسیار گرامی میداشت . مثلا دریکی ازنامه های ارسالی‌بخراسان او خواهش نموده» متعلقان ابوسعیدکه درآن جانب(درهرا ت)اند تشویش نکشند» تا او خدمت خود خواجه احرار را قطع نکند (۷۹) امضا ابوسعید در نامه‌ها« الفقیر الحقیر ابوسعید» است. در آلبوم سه نامه خصوصی او (۸۰) حاوی دعای خیر برای گیرنده وجود دارد .

۱۲ـ سعدالدین: در باره‌او اطلاعی‌دردست نیت .در «مجموعه دستنویسهای خاوری فرهنگستان علوم ازبکستان»جلد ۱ـصفحه ۱۵۰ بدون‌اسناد به هیچ منبعی سال مرگ او۱۴۵۵ر۸۶۰یا ۱۴۵۷ ر۸۶۲ ذکرگردیده .اگراین موضوع باواقعیت منطبق باشد درآنصورت دونامه او(۸۱) که‌درآلبوم است‌برای سلطان ابوسعید (سالهای‌ـحکمرانی ۱۴۶۹ ـ۱۴۵۱) ونه برا ی حسین بایقرا (سالهای ۱۵۰۶ـ۱۴۶۹)ارسال‌گردیده ولذا چارچوبه زمانی نامه ها بحساب مرحله اسبق تغییرمییابد .

یکی ازنامه ها دارای امضاأالفقیرالداعی سعدالدین «ودیگر ی باامضاأ» اقل عبدالله الداعی سعدالله است .باوجود تفاوت خط های نامه ها رسم‌ـ الخط «سعد»و«الداعی» درامضاها یکسان است .احتمال دارد که‌درنامه دوم‌نام سعدالله برای همقافیه بودن‌باکلمه عبدالله نوشته شده وخود نامه با دیکته مولف‌آن که‌همان سعدالدین اسنت کتابت گردیده .درهردو نامه افزون برآرزومندی های نیک برای‌سلطان (نام‌وجودندارد) وملازمان اوارسال تسبیح آورده شده‌ازمکه برای‌او اطلاع داده‌میشود .ضمناً

451

عکس ۸، شماره دستخط ۲۱۷۸ صفحه ۳۳۲، شماره نامه (۴۵۰)
مؤلف محمدبن عبدالملك

مؤلف نامه شخصی رابنام درویش‌ولی که بدربار سلطان عزیمت نموده توصیه میکند .
۱۳ـ محمد بن عبدالملك .ماازاواطلاعی‌دردست نداریم .خواندمیردر مورد محمد بن عبدالملك همچون در باره‌یکی‌از «اعاضم اهل‌قلم» (۸۲) زمان علیشیر نوائی نام‌میبرد .درآلبوم یك‌نامه او(۸۳) که برای علیشیر نوائی نوشته شده درج گردیده است .درآن‌نام وعنوان نوائی‌چنین‌آمده‌است:
مقرب‌الحضرت السلطان امیرکبیر...امیرعلیشیر «. بنابر نظری که درکتب ونشریات ،مقبول واقع‌شده، این‌عنوان‌درسال ۱۴۸۹ پس‌از مراجعت نوائی‌از استرآباد که درسال ۱۴۸۷ به حکمرانی‌آن منصوب شده‌بود وورودش بهرات وکنار گیرش ازمقامات دولتی به وی‌تعلق گرفته (۸٤) .این‌موضوع امکان میدهد که تاریخ نامه‌را قبل‌از سال۱۴۸۹ دانست .امضاً نامه‌چنین است: «الداعی بالخیر محمد بن‌عبدالملك» .

۱٤ـ محمد تقی الدین بنابگفته خواندمیر نام‌او سعیدتقی‌الدین محمدکرمانی است‌اوپدران‌زن خواجه محمدعبدالله فوق الذکر پسر ارشد عبدالله احرار بوده (۸۵) . در آلبوم یك‌نامه او (۸٦) باامضا لفقیرالداعیی محمد تقی والدین موجود است‌این نامه حاوی در خواست ار سال وقف نامه مقبرهٔ قسم‌بن العباس‌واقع‌درسمرقند باذکر دقیق تقسیم وجوه بین خادمان مقبره‌است . نامه بنام ملازمان حضرت سلطنت شعاری یعنی سطان حسین بایقرا نوشته شده .

۱۵ـ شیخ صوفی علی . یکی ازرجال اهل تصوف خراسان درنیمه دوم قرن ۱۵ بوده وبگواهی خواندمیردرا واخر حکومت حسین بایقرا (سالهای ۱۵۰٦ ـ ۱٤٦۹ در گذشته است (۸۷) در آلبوم یك نامه او (۸۸) باامضا»خادم الفقرا «والمساکین‌صوفی علی» وجود دارد ودر ان تقاضای مساعدت به رساندن وجوه نقدی‌بدرویشان عاز م‌حج‌شده‌است‌که بخش از آن (وجوه) بآنها نرسیده است .
۱٦ـ محمد خواجه (؟)امضادر نامه خوانا نیست و میتوان فقط قسمتی از آنرا باینقرار خواند: «محبه مخلصه ... محمد خواجه» . در کاتا لوگ «مجموعه دستنو یسهای خاوری فر هنگستان علوم از بکستان شوروی (جلد ۱ صفحه ۱۵۱) نام مذکور«محمدبن خواجه بهاالدین» آمده ولی چنین فرائتی باهیچ چیز تا یید نشده
. در نسخ پیشگفته ای عادلف یادداشت شده که امضا خوانده نشد ». در آلبوم یك نامه به محمد خواجه تعلق دارد (۸۹)و چنانکه از متن آن

برمیآید مولف نامه یکی از مریدان ایشان عبیدالله احرار بوده. او با پیروی از پیشوای خود در مرو مقابر مقدسه و نقاطی را که ایشان درآنجا بوده زیارت نموده است. محمدخواجه در نامه اجازه حضور نزد گیر نده نامه را تقاضا میکند واما گیرنده آنگونه که ازعنوان نامه مقرب الحضرت السلطانی برمیآید علیشیر نوائی بوده که او نیزدر همان زمان درمرو اقامت داشته است. باین ترتیب، نامه محمد خواجه هنگام یکی از اقامت های علیشیر نوائی در مرو پس ازمرگ خواجه احرار (سال ۱٤۹۰) نوشته شده و این دربهار سال ۱٤۹۹ درزمانی بوقوع پیوسته که نوائی طی عزیمت خود از هرات بمکه جهت انجام مراسم حج بمشهد رسید ولی بنابر مشورت سلطان حسین بایقرا که در مربوط سفر حج را موقوف ساخت وبمرو رفت (۹۰).

باین ترتیب مولفان نامه های دستخط موجود در آلبوم اشخاص تحصیلکرده زمان خود بود ه اند و ازاینرو نامه های آنها نه تنها از نظر بینظیری خود بلکه همچنین از لحاظ سندیت دارای ارزش علمی فراوانند. آنها مساعدت میرسانند که بتوان حیات فرهنگی خراسان وماورا النهر قرن ۱۵ را کاملتر و گسترده ترمتصور شد.

اکثر مولفان نامه هااهل فرقه نقشبندی میباشند ونامه هایشان که معمولا طی شرح آلبوم در کاتالوگ «مجموعه دستنویس های خاوری فرهنگستان علوم ازبکستان شوروی» (جلد ۱، صفحه ۲٤۹) تذکر داده شده تاریخ در ویشی قرن ۱۵ را روشن میسازد ونقش آنرا در جامعه مکشوف مینماید.

درنامه ها اغلب موضوعات اقتصادی، مالی وسیاسی مطرح میگردد ولذا مواد تاریخی جالبی را در اختیار محققان میگذ ارد.

تاریخچه پژوهش آلبوم. «آلبوم نوائی» بلافاصله پس ازوصول به شعبه دستنو یسهای خاوری کتابخانه عمومی بنام علیشیر نوائی ورونویسی از آن توسط ای. عادلف (سال ۱۹۳۹) همراه با کشف خطوط دشوار خوان نامه ها توجه محققان را بخودجلب نمود. نخستین یاد آوری از آلبوم سال ۱۹٤۰ در مقاله آ. آ. مالچانف تحت عنوان «خصوصیات سیستم مالیاتی در هرات در عهدعلیشیر نوائی» (۹۱) صورت گرفته.
سال ۱۹٤۸ مقاله ر. ن. نبیف زیر عنوان «از تاریخ حیات سیاسی واقتصادی ماورا النهر قرن ۱۵ (یاد داشتهائی درباره خواجه احرار) (۹۲) انتشار یافت. مولف در آن ٦ نامه دستخط خواجه احرار را که گواه

برتجارت وسیع او در ارض خراسان‌استفاده از اعتبارروخانی خود برای کسب سود است نقل نمود. خواجه احرار بارها برای جلب حمایت از امور تجاری خود بدر بار تیمور یان‌در هرات رو آ ورده . مثلا در دونامه منقول توسط ر . ن . نبیف‌از گیرنده نامه ها تقاضا شده که از ارائه دهنده‌نامه های‌حمایت به‌عمل‌اید به تقدیم کننده گان سپارش شنده بوده‌که در خراسان گوسفندان،اسبهاوکالاهای مختلف نظیر کاغذ کنجد، برنج، پنبه وغیره را که بخواجه احرار تعلق داشته اند بفروش رسانند (۹۳) . خواجه احرار در نامه های‌دیگر خواهش میکند به عودت بند-گان ، غلامان واسبهای متعلق به وی(خواجه احرار) از خراسان بماورا النهر که توسط اشخاص ازماورا النهر بخراسان برده شده اند مساعدت گردد (۹٤) وبه‌گیرنده نامه تذکر میشودکه شریعت رادرخراسان تحکیم وتقویت بخشد همانگونه که این کاردر زمان خود ازسوی سلطان-بوسعید درماوراً النهرانجام گردیده(۹۵) وغیره .

سال ۱۹۵۱ آ. آ.سمیونف‌متن وترجمه ازفارسی بروسی دونامه‌دست خط خواجه احرارمندرج‌در«آلبوم نوائی»رابا شرح‌مختصری درباره دستنویس شماره ۲۱۷۸ (۹٦) بچاپ رسانید .دراین اثر آ.آ. سمیونف راجع‌بآلبوم بمثابه یك‌اثر تاریخی مکتوب‌پرارزش‌ملل‌آسیای میانه سخن‌گفته است .
درپی این‌اطلاع ،جلد یکم کاتا لو گ«مجموعه دستنویس های خاوری فرهنگستان علوم‌ازبکستان شوروی »تحت رواکسیون آ.آ. سمیونف ازچاپ برآمد که‌درآن مشروحتر از اطلاع‌آ.آ. سمیونف راجع به‌آلبوم توضیح داده شده واسامی ۱٦مولف نامه ذکرگردیده وفاکسمیل یك‌نامه جامی هم ارائه شده‌است (۹۷) .

سال ۱۹٦۰ع. بهرامی ضمن‌تحقیق‌نظرات اجتماعی واقتصادی جامی(۹۸)، ، دونامه از «آلبوم نوائی »مربو طبموضوعات بازرگانی ووضع دهقانان (۹۹) رامورد استفاده قرار میدهد .سال ۱۹٦٤بانو براتوا اطلاع مختصری راراجع بآلبوم مذکورارائه نمود(۱۰۰)
اوبااستفاده ازنسخ آلبوم که توسطای عادلف‌درسال۱۹۳۹(شماره ۲٤٤۵) رونویس شده‌اهمیت نامه های موجوددرآن رابرای تحقیق حیات اجتماعی واقتصادی دولت تیموریان تاکیدمیکندوترجمه مختصرنامه عبدالرحمن-جامی (۱۰۱) ویك‌نامه خواجه‌احرار (۱۰۲) راازفارسی بازبکی ارائه مینماید . براتوا دراثر خود راجع بتاریخ اندیشه اجتماعی واقتصادی درازبکستان درقرن پانزده (۱۰۳)همچنین ازچندنامه عبدالرحمن جامی

که درنسخه ای عادلف (شماره ٤٢٤٥)موجود است، استفاده میکند.(١٠٤).
درارتباط با ٥٥ سالگی زاد روز جامی سال ١٩٦٥ دد تاشکند کاتا لوگ تنظیمی مولف این سطور، همراه با بانول.م. پیغانوا بچاپ رسید (١٠٥) که آن فهرست ٥٣١ دستنویس از ٤٦ عدد اثر جامی ارائه گردیده .افزون برشرح مختصری آلبوم درآن همچنین چهار عکس دستخط جامی از «آلبوم نوائی» درج شده است (١٠٦) .

درمجموعه مقالات مربوط به هشتاد سالگی یان ریپکا دانشمند ایرانشناس مشهور چکسلوا کی که سال ١٩٦٧ درپراگ ازطبع بیرون آمد مقاله «نامه های عبدالرحمن جامی منبع تعیین کننده خصائص شخصیت جامی درشمار آید» (١٠٧) که انتشار یافت. دراین مقاله محتوای ١١ نامه جامی از «آلبوم نوائی» که باز تابنده نظرات این شاعر درباره حیات اجتما عی و اقتصادی کشور ومراقبت اواز مردم ساده است عرضه گردیده است.(١٠٨).

سال ١٩٧١ سه نامه عبدالرحمن جامی که درآلبوم مذ کورموجوداست برای حل موضوع مورد اختلاف نظر راجع بهنگام سفرعلاءالدین قوشچی(١٠٩) اختر شناس مشهور شاگرد الغ بیك وهمکار اودررصد خانه سمرقند از آسیای میانه بترکیه، مورد استفاده قرارگرفته .

همه پیشگفته هاگواه برعلاقه کاهش ناپذیر جوامع علمی به «آلبوم نوائی» همچون منبع پرارزش است که هنوزموضوع تحقیق همه جانبه واقع نشده. این وضع نیز انگیزه پژو هش آلبوم، تهیه متن اصل ونامه های جامی وتوضیع نکات آنها گردیده .

نامه های دستخط عبدالرحمن جامی. تقریبا همه نامه ها که در «آلبوم نوائی» (١١٠) عرضه شده دارای امضا اوباخط نسخ است. امضاها توسط تنظیم کننده آلبوم معمولا درگوشه راست بالای نامه ها الصاق گردیده اند وفقط ٢٤ نامه (١١١) فاقدامضا هستند ولی خط وسبك متون آنها بانامه ها ی دارای امضا جامی یکسانند .

امضا معمولی جامی چنین است :«الفقیر عبدالرحمن الجامی» ولی دریك مورد (صفحه آ ١٣ ،شماره(١٤٦) ١٤١ ومینویسد :«داعی مخلص عبدالرحمن» امضا آ خراو تند نوشته شد،اکثرنامه های جامی باخط نسخ خوانائی نوشته شده که دردیگر دستنویس های دست خط اواز مجموعه دستنویسهای خاوری فرهنگستان علوم ازبکستان شورو ی(١١٢) مشاهده میشود وفقط برخی از هایش تندنوشته شده ونسخ معمولی جامی بنستعلیق شیب دارکه حتی گاهی

دارای عناصر شکسته است گذرنموده . بنظر میرسد که این امرناشی ازوضعی بوده‌که نامه‌هادر آن‌کتابت‌یافته‌اند (نظیرعجله وغیرعادی‌بودن اوضاع وغیره) (١١٣)

تطبیق نامه های متعلق بجامی که درآلبوم وجود دارند بانامه های او در «منشآت جامی» (شامل٩١ عدد) وخمسته المتحرین علیشیرنوائی (شامل١٧عدد)نشان دادکه از نامه های‌اخیر جمعا ٢٠ عدد بشکل دستخطجامی در آلبوم موجود است .

صفحات دستنویس شماره های نامه های موجود درآلبوم نوائی»(١١٤)	صفحات دستنویس در منشآت‌جامی‌ـ(١٥١)	صفحات چاپ خمسته المتحیرین
صفحه ب ١، شماره ٢	صفحه آ ٥٤٦	علیشیر نوائی (١١٦)
رر ب ١رر ٣	رر آ ٥٣٨	–
جامی (١١٥)		–
صفحه آ٢شماره ٦	صفحه آ ٥٤٦	صفحه ٤١
آ ٢ شماره ٧	رر (١١٧) ب٧	–
ررب ٢ رر ٩	رر آ ٥٤٢	–
ررب٢ رر ١١	رر ب ٥٤٥	–
رر ب٢ رر ١٢	رر آ ٥٣٩	–
ررآ ٥ رر (٢٩)٢٨	رر ب ٥٤١	–رر ٣٨
رر آ ٥ رر(٣٠) ٢٩	رر ب ٥٤١	رر ٣٨
آ ٥ رر ٣٠(٣١)	رر ب ٥٣٦	–
رر آ ٥ (٢٢) ٣١	رر ب ٥٤٥	رر ٤١
رر ب ٥ رر (٣٤) ٣٣	رر ب ٥٤٤	رر ٤٢
رر ب ٥ رر (٣٤) ٣٣	رر آ ٥٤٣	–
رر آ ٦ رر (٤٣) ٤٢	رر آ ٥٣٦	–
رر آ ٦ رر (٤٤) ٤٣	رر ب ٥٣٧	–
رر ب ٦ رر (٤٧) ٤٦	رر ب ٥٤٥	–
رر آ ٩ رر (٦٦) ٦١	رر ب ٥٤٢	–
٩٨ شماره (٦٩) ٦٤		
رر ب ١١ رر (١١٠) ١٠٥	رر آ ٥٤٥	–
رر ب ١٢ رر (١٢٩) ١٢٤	–	رر ٤٧
رر آ ٢٩ رر (٤٠٥) ٣٩٩	رر آ ٥٤١	رر ٤٤

باری ، در آلبوم ۳۱۷ نامه اصلی‌جامی که برای علم کم آشنا است و جود دارد .

پژوهش قیاسی نامه های جامی‌در«منشآت» اوودر «آلبوم نوائی» نشان داده است که در منشآت نامه هائی‌گرد آوری شده که بارعایت قواعد سبك نثر مکاتبه ای مصنوع فارسی‌قرن ۱۵نوشته شده‌اند که از قرار معلوم مولف آنها را نمونه این سبك‌شمرده است وحال آنکه نامه های آلبوم غالبا بازبان‌کاری مختصر اغلب‌بسبك «سپارش» (۱۱۸) نوشته شده اند واز قیودات سبك سنتی نثر مکا تبه ای سده های میانه فارغ میباشند (۱۱۹) . افزون بر این ، نامه های‌آلبوم که‌جنبه کاری دارند ممکن است سریع دریك نسخه نوشته شده وفقط‌نزد مرسیل الیه محفوظ مانده اند این موضوع که در برخی ازنامه هاخط خرد کیها واصلا حات‌عبا رات بادست خود مولف وجود دارند«۱۲۰» ودر حواشی برخی از نامه ها کلمات وحتی یك جمله (۱۲۱) جاافتاده نوشته شده موید این نظراست

نامه های جامی نظیر نامه های‌دیگر مولفان در آلبوم بدون ترتیب جاداده شده و فاقد تاریخ میباشند وتعیین زمان کتابت‌آنها فقط درمواردی میسر است‌که در آنهااز وقایع تار یخی یا اشخاص مشهور یاد شده است (۱۲۲) تعیین اسامی دقیق گیرند گان‌فقط‌در مورد برخی از نامه هابر حسب وشناخت عنوانها نیز بیاری آثار دیگر(۱۲۳) میسر گردیده . (مرسل الیه در یك نامه ـ صفحه‌ب شماره ۹ـ«جناب امیرعلی شیرعالی گهر» ذکر شده است). از لحاظ متن ومحتوی‌نامه های جامی را میتوان به گروه های ذیل تقسیم نمود (۱۲٤) :

۱ـ نامه های دارای جنبه خصو. صی که ازاینقرارند :

آ) ۳۵نامه برای علیشیر نوائی‌که باز تاب کننده روابط دوستانه و خلاق آنها هستند(۱۳۵) .جامی طی آنها به گیرنده در باره سلامتی خود اطلاع میدهد ، اخبارسفر خودبمکه وماورا النهررا ارسال میدارد . بنوائی در را بطه بامراجعت‌بخیر او از مسافر تهایش در ولایات خراسان تبریك میگوید، آثار خود رابرایش ار سال میدارد واندیشه های خلاق‌خویش‌راباوا درمیان‌مینهد(۱۲٦)،ب) ۱۸ نامه جامی (۱۳۷) بسلطان حسین بایقرا گواه برمکاتبه فراوان بین آنها است (۱۲۸) جامی باستفاده از حرمتی‌که نزد سلطان داشته اورا بعدالت



نسبت برعایاحل وفصل همه مسائل به طریق مسالمت آمیزوپر هیزاز منازعات داخلی وغیره فرامیخوا ند(۱۲۹) این عده از نامه ها بقرار معلوم حاوی پاسخ بسوالی است که هنگام خواندن یگرشته ازتذ کرات او در باره وضع مردم ساده مملکت پیش‌میآید (۱۳۰) این سوال مطرح میشود : چگونه جامی که در جامعه ای زندگی‌میکرده که هر گونه عدم رضایت از نظامات موجود ممکن بودباتنبیه سخت‌مواجه شودشهامت خطاب بدربار باد عوت به عدالت وبهبود زندگی زحمت‌کشان ساده را دارا شده بود؟ بنظر میرسد جامی باعتبار و نفوذ شگرف‌وهمچون شاعر نامدار وپیشوای معنوی متکی بودکه خود سلطان هم‌نمیتوانست آنرا منظور نسازد .

۲ـ نامه های توصیه آمیز:

آ) ۲۳ نامه که گواه بر کوشش‌جامی برای تسهیل زندگی مردم عوام دهقانان پیشه وران خسران‌دیده ها از مالیاتها سنگین وبلاوقفه وجمع آوری وجوه‌وغیره بتعداد کثیر و بطور فوق العاده بمناسبت منازعات وقفه ناپذیردرحیطه دولت تیموریان است (۱۳۱) دراین نامه هاکه اغلب خطاب به علیشیر نوائی ،شخصیت دارای‌مقامات عالیه دولتی یاخطاب به خودسلطان حسین بایقرا است جامی‌علیه نقص فاحش انصاف‌در اداره امور مالی،ظلم وستم‌وتضییق نسبت‌به مردم زحمتکش اقدام میورزد .مثلاً جامی‌دریکی ازنامه های خودچنین مینویسد : «... حال رعایاشهرو بلوکات بواسطه حوالاتی که نسبت بایشان واقع میشود بمقام اضطرار رسیده‌است ونزدیک‌است‌که سلسله زراعت وسایر احوال ایشان ازانتظام بیفتد ...التماس‌آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که در حوالات تخفیفی واقع شودکه اگرچه بعضی آنهارا ضروری اعتقاد دارند ترك تعدی بر‌مسلمانان ازآن ضروری‌تراست .» (۱۳۲)

جامی بمنظور تحقق امیال انساندو ستانه خود علیشیر نوائی راارضا میساخت که از خدمت دردربار حسین بایقرا امتناع نورزد واین هنگامی بود که نوائی ازدشواری این‌خدمت به جامی‌شکوه مینمود (۱۳۳) تصور جامی ازوظایف اشخاص عالیرتبه ای که دردربار سلطان اشتغال داشته‌اند در نامه دیگر اوچنین بازتاب یافته :«... قرب سلطان صاحب قدرت ومجال سخن‌درآن‌حضرت نعمتی بزرگ‌وشکرآن‌نعمتی صرف‌انفاس واوقات است به

صالح مسلمانان ودفع مفاسد ظالمان وعوانان واگر ناگناه ازعراین شغل عیاذا بالله طبع لطیف راگرانی حاصل آید وخاطر شریف راپریشانی روی نماید تحمل آن گرانی را درگفه حنات درونی عظیم خواهد بود ومصابرت بر آن پریشانی رادرجمعیت اسباب سعادات دخلی تمام.

شعر

راحت ورنج چون بود گذران — رنج کش بهرراحت دگران
زانکه باشد بمزرع امید — رنج توتخم راحت جاوید (۱۳٤)

این موضوع که جامی نوائی راقانع میساخت که ازخدمت دربار سلطان بویژه بسود خلق کناره نگیرد، ازمحتوای نامه او (جامی) بوضوح معلوم میگردد که از قرارمعلوم برای علیشیر- نوائی ارسال شده است. اینک متن نامه :

«اگر مصلحت وقت باشد بعرض همایون برسانند شاید که فکر حال مسلمانان بکنند ... تخصیص وتوجیه برقاعده دودی ازحد گذشته است و هیچ نوع ضابطه درآن مرعی نیست. باندك بهانه چیز بسیاری میگیرند و ملازمان حضرت خلافت پناهی را...ازآن جز بدنامی حاصلی نه القصه هیچ کسرا فکرحال مسلمانان نیست و درمقام تحصیل نفع خویش اندوالسلام. (نامه شماره ٥ در آلبوم) .

ب)٤١ نامه باز تابنده مراقبت جامی ازتامین مادی محصلین ومدرسین مدارس است که اغلب وجوه ووسیله ای برای بقا خود نداشته واز شاعر تقاضا کرده اند جهت ارائه کمك بآ نان از محل و وجوه او قاف مساعدت نماید (۱۳٥) . این نامه جامی محتمل است یا خطاب به علیشیر نوائی بوده اند ویا خطاب به صدر ها یعنی تقسیم کنندگان عایدات اوقاف .درعین حال براثرقرابت محتوی نامه های دستخط مولف دیگر که در آلبوم موجوداندیعنی محمدبن امین الدین) که درآنها گاه عناوین وگاهی نام علیشیر نوائی ذکر میگردد (رجوع شود به بخش فوق«مولفان نامه ها» شماره۳) احتمال بیشتر بر آنست که گیرنده این نامه های جامی نیز علیشیر نوائی باشد .

جامی در نامه های خود نه تنها وضع فقر زده برخی از محصلین را اطلاع میدهد بلکه همچنین در موردحکمر انانی که باین موضوع بی اعتنا ،هستندتذ کرات انتقادی میدهد . مثلااو دریکی از نامه ها چنین مینویسد: «جمعی کثیر از فقرا طلبه علم بآوازه آنکه اسباب تحصیل درین دیار مهیاست از اطراف وجوانب سرگردان شده اند وبفکر معاش در مانده ... » (۱۳٦)

ج) ۷۶ نامه مربوط نظم حقوقی دردولت تیموریان است . مردمی از اقشار گوناگون جامعه ازجورو ستمشکنی اشخاص مسوولیت دارنزد جامی شکایت میبردندو جهت دفاع ازحقوقخوداز اوتقاضای کومکمینمودند (۱۳۷) کثرت تعدادی اینگونه نامه هاگواه برتوجه دایمی جامی به چنین تقضأ ها است درسه نامه دیگر (۱۳۸) جامی بدفاع از منافعدهقانان علیه سو استفاده کنندگان از حکومت داراها برمیخیزد درشش نامه از نامزد های مردم صدیقومفید برای مردم جهت کد خدائی حمایت مینماید (۱۳۹) وهمچنین در۱۳ نامه جامی برای انتصاب اشخاص شایسته و مورد احترام مردم که دراندیشه رفاه ملت هستند برای مقامات کشوری ومذهبی تلاش مینماید.(۱٤۰)

د) سه نامه (۱٤۱) موجود است که جامی بمحافل حاکمه توصیه میکند بآ بادانی کشور (حفرجوی وحو ض) مساعدت نمایند .

ه) توصیه جامی برای اشخاصی که باقشار مختلف جامعه تعلق دارند وقبل از رجوع به دستگاه های اداری دولت، جهتامورخود حمایتاورا جلب نموده اند . این بخش ها شامل۹۱ نامه است (۱٤۲) توصیه های جامی بتقاضای اشخاص مختلف برای امضا اسناد موید مالکیت (ارضی) ویاتا یید مجدد اینگونه اسناد که ازسوی حکمرانان سابق داده شده اند (۱۷ نامه) (۱٤۳) ونیز مراجعه جامی بدر بار برای واگذاری نشان راه (گذر نامه) باشخاصی که مایلندبعلل مختلف از حدود خراسان خارج شوند (۱۱نامه)(۱٤٤). نامه های اخیر گواه برآن است که خروج از خراسان در زمان جامی تحت نظارت قرار داشت .

باین ترتیب تعدادی ارجح نامه های جامی در آلبوم همچون توصیه برای اشخاص مختلف نوشته شده وتعداد اندکی از آنها مربوط بمکاتبه خصوصی با علیشیر نوائی وحسین بایقر است . جالب است جامی در تمایز باد یگر مولفانی که نامه ها یشان در آلبو مهست در هیچیک از نامه های خود سخنی از منافع مادی شخصی خود ذکر نمیکند .

نامه های موجود در آلبوم یکجانبه هستند یعنی یاپاسخی اند و یا باابتکار موءلف آنها نوشته شده‌اند .وپاسخ‌آنها در آلبوم وجود ندارد . درعین حال نمیتوان در وجود پاسخ از سوی‌علیشیر نوائی و حسین بایقرا تردید نمود زیرا آنها در یکرشته از آثارآنزمان همچون نمونه ذکر میشوند. (۱٤٥) . باری پاسخ سوال و چگونگی‌نتیجه توصیه های جامی برای دیگران (خطاب اوبگیرنده در باره بهبودبخشیدن وضع مادی برخی از محصلین ومدرسین مدرسه ، دهقانان تنگدست‌پیشه وران موضوعاتی هستند که میبایست آنها را در خود آلبوم‌جستجونمود. تحقیق نامه های جامی نشان میدهد که توصیه های اوبی‌ثمر نمانده‌اند.مثلاجامی‌در برخی‌ازنامه ها سپاس این‌یاآن متقاضی رادر برابرآورد تقاضایش ابلاغ مینماید (۱٤٦) گاهی‌هم درصورتیکه اتخاذ تدابیر برای‌انجام توصیه اش معوق مانده مجددا بطرف خطاب خود رومیآ وردو محتوی‌نامه سابق پیرامون موضوع مذکور را یاد آور میشود . (۱٤٧) .ضمنا این جریان آن نامه هائی را دربر نمیگیرد که جامی در آنها ساده‌دلانه از دربار تیموریان تقاضای الغا مالیتهای فوق‌العاده ورفع‌تضییق‌وفشار نسبت بملت از سوی مقامات دولتی (۱٤٨) را مینماید وتلاش‌میورزد باین طریق معایب سرشتی جامعه فئودالی را ریشه کن کند .

باتعمیم نتائیج پیشگفته میتوان‌برآن‌شد که نامه های عبدالرحمن جامی در «آلبوم نوائی» ارزش علمی‌بسیار دارند وبرای پژوهش آتی وبیشتر حیات وخلاقیت این شاعرحاوی مواد واقعی هستند این نامه ها موقع ومقام اورا درجامعه هرات‌در قرن ۱٥ معین میسازند و اعتبار فراوان ونفوذ وی برمعاصران رانشان‌میدهند . نامه هاشخصیت جامی انسانیت عمیق ،سادگی‌ومحبوبیت‌او رامکشوف میسازند وکوشائی اندیشه های انساندو ستانه آثاروی را تاییدمیکنند . این اسنادسیما ی تابناک شاعر ووطنپرست حقیقی‌راکه آبادانی کشور ومنافع ملت نزدش گرامی است احیا مینمایند. باری جامی براثر محدودیت تاریخی بینش خود نظیر همه مردمان پیشرو وآنزمان‌رفاه و آسایش ملت را باحکمرانی‌که

داد گستر وانسا ندوست باشد مربوط‌وابسته میشمرد . اندیشه توهمی لزوم حکمفرمای خرد مند وصلحدوست- اساس نقطه نظر های اجتماعی و شاعرانه این‌شاعر بزرگ راتشکیل‌میدهد که‌دقیقا درنامه هایش بظهور پیوسته .

نامه های جامی در آلبوم مواد پرارزش‌هستند تاریخی رادربردارند و مثلاً مابر پایه آنها میتوانیم درباره برخی‌ازاشکال مالیاتها وگرد آوری وجوه فوق‌العاده ،اجباری وگرانبار که آن‌هنگام درخراسان اعمال میشده ونیز راجع بترتیب اخذآنها (مال،ذکات ،نامبردار، مددلشکر، رسم‌الصداره ، پیاده تمغا، سرانه ،پیشکش وغیره‌وشکل اساس اخذمالیاتها یعنی شکل پولی که‌گاهی طبق دستور خاص‌میتوانست بانوع‌طبیعی تعویض‌یابد). درباره سو استفاده ها وقانون شکنی‌های مقامات حاکمه وپیرامون دستگاه اداری دولتی ووضع دشوار ملت‌داوری نمائیم .

* * *

مصادر و استدراک

۱ـفخرالدین علی. رشحات،صفحه های ۱۳۵ـ ۱۳۴ ، برای کسب معلومات کامل راجع به حیات وفعالیت جامی رجوع شود به اثر فصع زاد، روز گار آثار عبدالرحمن جامی

۲ـدرکتب ونشریات افزون بر سفرسمرقند درسالهای ۱۴۵۲ ـ۱۴۳۶ چهار سفردیگر جامی نیز باینقرار ذکرگردیده :سال۱۴۶۵ بماورا النهر (سمرقند) سال۱۴۶۸ به مرو،سالهای۱۴۷۴ ـ۱۴۷۲ بمکه ومدینه برای انجام حج، سال۱۴۷۹ بسمرقندوتاشکند (حکمت‌جامی ،صفحات ۸۶ـ۸۱ فخرالدین علی. رشحات ،صفحات۱۴۵ـ۱۵۱ همچنین کتاب حاضر توضیحات مربوط به رقعه هاشمار ۶۵، ۱۲۱ ر۱۱۶.

۳ـفهرست آثار جامی. رجوع‌شود به : برتلس مس. نوائی وجامی،صفحات ۲۴۰ ـ۲۳۹ کاتالوگ «دستنویس‌های آثار عبدالرحمن جامی» افصع‌زاد،اثر مذکور ش،صفحات ۱۵۸ـ۱۰۸ .

۴ـبررسی شروح نشریات‌ویژه زندگی،خلاقیت وجهان بینی‌جامی: رجبف . عبدالرحمن جامی صفحات ۳۴ـ ۳۱ .

۵ـ عبدالرحمن جامی ،۱.مجموعه مقالات،عبدالرحمن جامی۲۰. موادومطالب ویژه پانصد وپنجاهمین سالگرد،افصح‌زاده اثر خودش .

٦ـ براگینکی .یادداشتهائی در رابطه باپژوهش خلاقیت جامی،صفحه ٦٤ ، رجبف نظرات‌فلسفی‌واجتماعی وسیاسی‌عبدالرحمن‌جامی،صفحه ۸۵،شاه‌محمدوف .دررابطه بامساله رشداندیشه های انساندوستانه .

۷ـ رجبف .عبدالرحمن جامی، صفحه ۱۷٦ .

۸ـ برتلس .نوائی‌وجامی،صفحه ۲۲۲.

۹ـ موید این موضوع همانا نامه های توصیه آمیز جامی مندرج در این کتاب در دفاع از منافع مردمی است‌که برای جلب حمایت اوبه وی رومیآوردند . در این مورد همچنین نامه‌های پاسخی‌خطاب بشخصیتهای عالیرتبه را که با جامی مکاتبه پر حرارت‌داشته اند باید خاطر نشان ساخت (رجوع شودبه : عبدالرحمن جامی ،منشآت، دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحات ب ۵۵۷ ـ آ ۵۳٤)

۱۰ـ برتلس . نوائی و جامی،صفحه ۲۲۷

۱۱ـ تاریخ ادبیات ازبکی در پنج‌جلد .جلد ۲ (صفحات ۳۸۳ ـ ۳۸۱) همچنین بکتاب حاضر بنشانی های‌ذیل رجوع شود: نامه های جامی به نوائی شماره۲ ،(٤۳)٤۲(۱۰٦) ۱۰۳،(۱۹۷)۱۹۲ (۳۵۹) ۳۵۳ وغیره .

۱۲ـ تاریخ ادبیات ازبکی ، جلد ۲، صفحه ٦۳ .

۱۳ـ بنظر میرسد زمان تنظیم آن قبل‌از سال ۱٤۹۰ باشد یعنی هنگامیکه خواجه عبیدالله یکی از سمت مکاتبه جامی قوت نموده است زیرا از اودر منشآت چون شخص زنده نام برده‌شده (دستنویسی شماره ۱۳۳۱ ، صفحه آ ۵۳۱) .

۱٤ـ طبق دستنویس شماره ۱۳۳۱(کلیات جامی ، در حاشیه صفحه های ب ۵٦۵ـ آ ۵۳۱) . رو نویس شده‌در هرات بسال ۹۰۸ هجری (سال های ۱۵۰۳ ـ ۱۵۰۲ میلادی) چاپ‌تبریز منشآت جامی سال ۱۳٤٦

شمسی از روی دستنویس قرن هفده، شامل۸۵ نامه در اثر اعلا خان افصح زاد (صفحه ۱۵۵) تعداد نامه های‌جامی در منشآت ۱۰۹ ذکر شده است

۱۵ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحات آ ۵۳٤ ـ آ ۵۳۱ .

۱٦ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱،صفحات ب ۵٤۰ ـ آ ۵۳٤ .

۱۷ـعبارات «درویشان خواجه عبیدالله»و«ملا زمان حضرت سلطان» شکل‌خاص خطاب به شخص روحانی‌ویا شخص عالیرتبه دولتی هستند که وضع نازلتر خطاب کننده آنهاراتاکید میکند .

۱۸ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱ ،صفحات آ ۵٤۸ ـ ب ۵٤۰ .

۱۹ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱ ،صفحات ب ۵٦٤ ـ آ ۵٤۸ .

۲۰ـ همانجا صفحات ب٥٦٥ـآ٥٦٥

۲۱ـ ملامعین بن حاجی محمد الفر اهی .مجموعه رقعات و منشآت ، دستنویس شماره ۲۹٦، حاوی نزدیك به ۳۵ نامه جامی در صفحات ب ۱۰۰ ـب ۸۷، ب ۱۵٤ـ ب ۱٤۳ (شرح‌دستنویس به مجموعه دستنویسهای خاور (م.د.ج) جلد۱، صفحه ۱۵۲ ،شماره ۳٦۰ رجوع شود) . در رونوـ یس دیگر (سده ۱٦) همین مجموعه‌بنام‌مکتوبات تیموریه (دستنویس‌شماره ۲۲۷۸ ، صفحات آ ۱۱۳ـآ ۱۰۵ ،ب۱۲۹ ـآ ۱۲٤ ،شرح‌رادرم.د.خ جلد ۱، صفحه ۱٤۸ ، شماره ۳۵٤ ملاحظه نمائید) تا ۵۰ نامه جامی نقل گردیده .

۲۲ـ تاریخ هندوستان صفحات۲۸٦ ـ ۲۸۵ .

۲۳ـ ریاض الانشا دستنویس‌شماره ۲۸۳ صفحات آ ۵۱،ب ٦۳ ، ب ۱۳٤، ب ۱٤۷ ، آ ۱۹٤ .

۲٤ـتاریخ ادبیات ازبکی ،جلد۲، صفحات ۳۸۱ـ ۳۷۸ . تعداد نامه های جامی بنوائی به عدد ۱۵معین شده‌ولی طبق بر شماری

مصنف این کتاب بالغ بر ۷۱ عدد اندماقطعات شعری جامی به نوائی راکه هنگامی اقامت جامی درمرو نوشته شده اند به نامه ها ومراسلات جامی بنوائی منسوب نموده ایم .

۲۵ـ منشآت جامی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال نوز دهم، شماره ۱ ـ ٤ تبریز ۱۳٤٦ شمسی .

۲٦ـ علیشیر نوائی . خمسته المتحیرین درکتاب: جامی ونوائی گرد آورنده وتهیه کننده انتشار پارسا شمیف زیر نظر سویمه غنیوا، تا شکند ، سال ۱۹٦٦، صفحات ۷۷ـ۱۹

۲۸ـفهرست آنها بعداً در بخش «تاریخ پژوهش آلبوم» خواهد آمد .

۲۸ـ م.د.خ ، جلد ۱ صفحات ۱۵۱ـ۱٤۹ ،شماره ۳٥٦ ،جلد۱۰ صفحات ٥۰ـ ٤۹ شماره ٦۷۸۹

۲۹ـ این کاتالوگ دستنویس نیزدر انستیتوی خاور شناسی فرهنگستان علوم از بکستان با شماره ۲٤٦۰ موجود است . توضیح مربوط بآن در م .د . ح. جلد ٥، صفحات ٤۱٥ـ ٤۱۲ درج گردیده ، شماره ٤۱٤۳، همچنین به اطلاعیه راجع بآن از اینقر ار رجوع شود: همرایف :یك کتابخانه شخصی وکاتا لوگ آن صفحات ۳۹٥ـ ۳۸۷ .

۳۰ـ دستنویس شماره ۲٤٦۰ صفحات آ ٤ـآ٤۳ .شریف جان مخدوم که آلبوم رامراسلات نامیده است مکاتبه علیشیر نوائی وسلطان حسین بایقرا و مولفانی را منظور داشته که در البوم معرفی شده اند از اینرو او در کاتا لوگ خود (صفحات آ٤۸ـب ـ٤٦) نوائی وسلطان حسین را در شمارمولفان نامه ها دانسته است ولی نامه های آنان درآلبوم موجود نیست.

۳۱ـ حکیم جانف ۱۰ آلبوم نوائی ۰ـ «اوز بکستان مدینتی» ۲٦ آوریل سال ۱۹٦۸ .

۳۲ـ نسائم المحبت ،دستنویس شماره ۸٥۷،صفحه ب ۱۷۸(شرح دستنویس در م.د.خ جلد ۱صفحات ۱۲۸ ۱۲۷ شماره ۳۰٦ آمده است) .

۳۳ـ تقریبا در همین زمان چنان مجموعه های مشهور نامه ها وراهنما های نوشتن نامه نظیر شرفنامه عبد الله مروارید ، مخزن الانشأ حسین واعظ کاشفی ، نامه نامی خوند میروغیره تنظیم گردیده اند.

۳٤ـعلیشیر نوائی. منشآت(رجو ع شود به آثار او در ۱٥ جلد ، جلد ۱۳ صفحات ۸٥ تا ۱٥٦) .

۳٥ـ حمید سلیمان راجع به منابع آثار نوائی ونشر این آ ثار صفحه ٤٥.

۳٦با برنامه ،صفحه ۱۹۸ .
۳۷ـ دستنویس فوق‌الذکر بشماره۲۹٦(مجموعه رقعات‌ومنشأت، صفحات آ ۱۷۹ تا آ ۱۸۰) .

۳۸ـ به بخش «شرح پاله اوگر افیك‌آلبوم» رجوع شود .
۳۹ـ نام آلبوم ـ مجموعه مراسلات‌که شریف جان مخدوم باو داده است نیزوارد ادبیات شده (رجوع شودبه م.د.خ‌جلد۱، صفحه های ۱۵۱ـ۱٤۹.)
٤۰ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸،نامه شماره ۲۷۹/۲۷٤ .

٤۱ـباستثنا یکی‌که بزبان‌عربی‌است . (صفحه ٦۵شماره ٤۵/٤٤) .
٤۲ـ ازاینجا ببعد در شماره های‌دو گانه نامه ها شماره اول مطابق با شماره گذاری ما است که براساس‌تحقیق متن شناسی آلبوم صورت گرفته وشماره دوم باشماره گذاری‌قبلی موجود در آلبوم منطبق میباشد (در این باره رجوع شود به گذاری بعدی).

٤۳ـ شماره گذاری نامه هادرآلبوم‌از قرار معلوم پس از برداشتن دو کپیه از آن بسال ۱۹۳۹ توسط ای .عادلف (در نسخه های او نامه های بی شماره اندوترتیب دیگری رادارهستند) قبل از چاپ ونشر جلد ۱ کاتا لوگ م.د.خ بسال ۱۹۵۲ صورت‌گرفته که در آن در توضیح دستنویس صفحات ۱۵۱ـ۱٤۹ بآن شماره‌هااستناد گردیده وفقدان نامه شماره ۵۵٤ ذکر شده است .

٤٤ـ نام بدرستی نقل نشده(رجوع شود به بخش «مولفان نامه‌ها» شماره ٦) تبصره برنام مولا ناقاسم .

٤۵ـ بتبصره راجع بنامۀ شماره(۱٦٤) (۱۵۹) مراجعه شود .
٤٦ـرجوع‌شود بتبصره مربوطبنامه شماره (۳٦) ۳۵ .

٤۷ـ توضیح مشروحتر را میتوان‌در اثر ذیل در یافت نمود ، چخویچ. مقدمه برچاپ «اسناد سمرقند قرون۱۵و ۱٦» صفحات ٤۷ـ ۱۲، تاریخ های دقیق تولد ودر گذشت خواجه احرار ،توسط دامادش میرعبدالا ول دراثرش بنام «مسموعات» دستنویس۲ر۳۷۳۵ صفحات‌ب ـآ۲۲٦نقل‌گردیده است .

٤۸ـ صفحات‌ب٤ ـآ۳،شماره‌های(۲۸) ۲۷ـ ۱۳ صفحه ب ۵ ، (٤۱) ٤۰، (٤۲)٤۱ صفحات‌ب‌ـآ۷۸ (٤۹)٤۸ـ (٦۲) ۹۵، صفحه آ ۱۸، (۲۷۱) ۲٦٦ـ (۲۷۸) ۲۷۳، صفحات آ ۲۰ـب ۱۸، (۲۸۰) ۲۷۵ـ (۲۹۲) ۲۸۸، صفحات ب ۲٤ـ آ ۲۰، (۲۹٤) ۲۹۰ـ(ب‌ـآ ۳۳۷) ۳۳۲، صفحه آ ۳۳

(٤٤٧)٤٤١ ،(٤٤٨) ٤٤٢صفحات‌ب–٣٨، (٤٩٧) ٤٩١– (٥٠٧) ٥٠١–
صفحات ب ٤١– آ ٤٠، (٥٤١) ٥٣٥–(٥٦١) ٥٥٥.

٤٩– صفحه ٣١ شماره ١٤، صفحه ب ٣شماره ١٩، صفحه آ ٤، شماره های ٢١/٢٠، صفحه ب ٤، شماره(٢٨) ٢٧ صفحه آ ٧ شماره های (٥٠) ٤٩ ، (٥١) ٥٠، صفحه ب ٧شماره (٥٨/٥٣) ٥٢، صفحه آ ٨، شماره (٥٩) ٥٦، صفحه آ ١٩ شماره‌های (٢٨٦) ٢٨٢ / (٢٨٥) ٢٨١ ، صفحه ب ٢٠، شماره (٢٩٧) ٢٩٣وغیره

٥٠– صفحه آ ٣، شماره ١٣،صفحه ب ٤، شماره (٢٥) ٢٤، صفحه ٨، شماره (٦٢) ٩٥، صفحه آ ١٩ ،،شماره (٢٨٤)٢٨٠ ،صفحه ب٢١٩، شماره (٢٨٨) ٢٨٤صفحه ب ٢٠شماره(٢٩٥) ٢٩١وغیره .

٥١– صفحه ب ٣، شماره ١٥صفحه آ ١٨ ، شماره (٢٧٢) ٢٦٧، صفحه ب ١٨، شماره (٢٨٠) ٢٧٥وغیره .

٥٢–صفحه ب١٨ ،شماره (٢٨١)٢٧٨– نامه خواجه احرار وصفحه ب ١٧ شماره (٢٦٧) ٢٦٢– نامه جامی‌مقایسه شود . اضافه براین بنامه خواجه عبیدالله بشماره ٣١٠ر٣٠٧ونامه جامی بشماره ٦٩ر٦٤ مراجعه گردد. آ نطوریکه از این نامه ها بر میاید آنها نوائی را ترغیب میکنند که از در بار سلطان حسین بایقرا کناره‌گیری نکند .

٥٣– صفحات ب ٣٢– ب ٣٠،شماره های (٤٢٩) – ٤٢٣– (٤٤٦) ٤٤٠ صفحات ب – آ ٣٤، شماره های(٤٥٦) ٤٥٠–(٤٦٤) ٤٥٨، صفحه ٣٥شماره‌های (٤٦٩) ٤٦٣، (٤٧٠)٤٦٤، صفحات ب ٣٦– ب ٣٥، شماره های (٤٧٣) ٤٦٧– (٤٨٧) ٤٨١– .

٥٤– صفحه آ ٣٢، شماره (٤٤٠)٤٣٥، صفحه آ ٣٤، شماره (٤٥٨) ٤٥٢، صفحه ب ٣٦، شماره (٤٨٦)٤٨٠ وغیره .

٥٥– «امارت مآبا، ملجا الفقرا»شماره (٤٧٩) ٤٧٣– صفحه آ٣٦وغیره «امارت‌مآبی ووزارت پناهی» شمار ه(٤٧٠) ٤٦٤– صفحه آ ٣٥ و شماره (٤٨٦) ٤٨٠– صفحه ب ٣٦ وغیره ٥٦– شماره ٤٥٧/٤٥١– صفحه آ ٣٤ .

٥٧– دریکی از نامه های عبیدالله احرار (صفحه آ ١٨، شماره ٢٧٥/ ٢٧٠) او همچون امیر سعید عبدالاول‌ودر نامه خواجه علی (صفحه ب ٤٢، شماره ٥٦٧/٥٦١) امیرکمال الدین‌عبدالاول نامیده میشود .

٥٨– مسموعات . دستنویس‌شماره ٢/٣٧٣٥، چخویچ ، مقدمه بر

چاپ «اسناد سمر قندی قرون ۱٦ـ۱٥» صفحه ۱٤ .
٥۹ـفخرالدین علی. رشحات،صفحات۳۳٥ـ۳۳۲ .

٦۰ـ صفحات بـآ ۲۷،شماره های(۳۸۰) ۳۷٤ ـ(۳۹۰)۳۸٤ ،صفحه ب ۳۳، شماره (٤٥۲)٤٤٦ ،صفحه ب٤۳،شماره‌های (٥۸۲)٥۷٦ ،(٥۸۳) ٥٥۷، صفحه آ ٤٥، شماره‌های (٥۹٥)٥۸۹(٥۹٦) ٥۹۰

٦۱ـصفحه ب ۲۸، شماره (۳۹٤)۳۸۸ ،صفحه ب ـآ٤۳، شماره‌های (٥۸۰) ٥۷٤ ـ(٥۷۱) ٥٦٥،صفحه آ٤٥، شماره ٥۸۸ (بـآ ٥۹٤) .

٦۲ـعلیشیر نوائی .نسائم المحبت ،دستنویس شماره ۸٥۷ صفحه ب۱۷۸ ،النظامی مقامات مولوی جامی،دستنو یس شماره ۱۳٥٤، صفحه ب ۱۰٦ ، مسموعات ،دستنویس ۲ر۳۷۳٥صفحه ب ۲۰۰

٦۳ـصفحه آ۲۸ شماره‌های (۳۹۱)۳۸٥، (۳۹۲) ۳۸٦ ،صفحه ب ۳۷ شماره های(٤۹٥) ٤۸۹ ،(٤۹٦)٤۹۰،صفحات بـآ ٤۲،شماره‌های (٥٦۲) ٥٥٦ـ (٥۷۰)٥٦٤ ،صفحات ب .آ٤٤،شماره‌های (بـآ ٥۸٤) ٥۷۸ـ(٥۹۱) ٥۸٥، صفحه ب ٤٥، شماره‌ای(٥۹۸)٥۹۱ (٦۰۰) ٥۹۳ .

٦٤ـصفحه ب۳۸ ،شماره(۳۹۸ر ـ۳۷۹) ۳۹۲ ،صفحه آ٤٥،شماره(٥۹۲) ٥۸٦ ،صفحه ب ٤٥،شماره (٦۰۱) ـ٥۹٤ .

٦٥ـدر فهرست اسامی مولفان نامه هاکه توسط شریف‌جان مخدوم درپایان آلبوم صفحه آ ٤٦ درج گردیده مولاناقاسم اشتباها بجای قاسم انوار شاعر مشهور آذربایجان تصور شده (قاسم‌انوار متوفی بسال ۱٤۳٤ـ رجوع شود به :قلی‌زا ده، جهان بینی قاسم‌انوار، باکو، ۱۹۷٦) این اشتباه از سوی سمیونف در مقاله اش زیرعنوان «دو دستخط خواجه احرار» (صفحه ٥۳) تکرار شده است .

٦٦ـ مثلاً درنامه شماره (۳۹٥)۳۸۹ مولانا قاسم از قرار معلوم خطاب به علیشیر نوائی از خواجه احرارخواهش میکند مانع فروش کالا های شخصی اخیر در هرات (کاغذ، برنج‌و کنجد) نشود ونیز صلح و آشتی بین‌حکمرانان تیموری- سلطان محمودوحسین بایقرا را تسریع بخشد. درـ بین نامه های جامی درآلبوم (شماره۲۰٤/۱۹۹) توصیه ایست برای شخصی بنام خواجه قاسم که مایل‌است نزد سلطان پذ یرفته شود . بنظر میرسد او همان مولانا قاسم‌باشد که قبل از دیدار باسلطان از حمایت جامی برخورد ار گردیده .راجع به شخصیت و تاریخ در گذشت مولا نا قاسم شود به : علیشیر نوائی‌نسائم المحبت، دستنویس شماره

۸۵۷، صفحات ب ۷۹ـ ب ۱۷۸، فخر الدین علی . رشحات ، صفحات ۳۳۲ ـ ۳۲۹ .

۶۷ـ صفحه ب ۲۸ شماره های(۳۹۵) ۳۸۹ ـ (۳۹۷) ۳۹۱، صفحه ب ۴۳ شماره (۵۸۱) ۵۷۵، صفحه ۴۵۳، شماره (۵۹۳) ۵۸۷ .

۶۸ـ علیشیر نوائی . نسائم‌المحبت ، دستنویس شماره ۸۵۷، صفحات آ ۲۷۹ـ ب ۲۷۷ میر عبدالاول. مسموعات ، دستنویس شماره ۳۷۳۵/۲ ، صفحه آ ۲۰۱، خواند.میر مکارم الاخلاق صفحه ۶۶.

۶۹ـ صفحات ب ـ آ ۳۰، شماره‌های (۴۲۳) ۴۱۷ـ ۴۲۷ گ ۴۲۱.

۷۰ـ در م.د.خ. جلد ۱ . صفحه ۱۵۱ شماره ۳۵۶ نام بام با علامت سوال چنین آمده : محمد نیاز کافی(؟)

۷۱ـ خواند میر جیب السیر، جلد۴، صفحه ۱۰۹، فخر الدین علی ، رشحات صفحات ۳۲۹ـ ۳۲۱، النظامی. مقامات مولوی جامی ، دستنویس شماره ۱۳۵۴، صفحات ب ـ آ ۱۰۸.

۷۲ـ صفحه آ ۳۳، شماره (۴۴۹)۴۴۳، صفحه ب ۳۳، شماره های (۴۵۴) ۴۴۸، (۴۴۹)، صفحه آ ۳۷،شماره های (۴۹۰) ۴۸۴، (۴۹۱) ۴۸۵، صفحه ب ۳۸، شماره (۴۹۵)۴۸۹ .

۷۳ـ دریکی از نامه های میرعبد الاول و قاسم راجع به اقامت آتی محد عبدالله در هرات اطلاع داده‌میشود واو در آنجا خواجه کلان نامیده شده (صفحه ب ۴۳، شماره۵۷۶/ ۵۷۳) .

۷۴ـ چخویچ . توضیحات برچاپ«اسناد سمرقند» صفحه ب ۴۳،شماره ۱۹۹،فخر الدین علی. رشحات،صفحا ت ۳۲۱ـ ۳۱۷ . همین جا (صفحه ۳۱۸) خصومت بین محمد عبدالله وبرادرش محمد یحیی برسر جانشینی مقام روحانی وارث اموال پدر شان‌خواجه محمد عبدالله احرار مشروحاً حکایت شده است .

۷۵ـ صفحه آ ۳۳، شماره (۴۵۰)۴۴۴ ، صفحه آ ۳۸، شماره (۴۹۲) ۴۸۲ صفحه ب ۳۷ ، شماره (۴۹۴)۴۸۸.

۷۶ـ م.د.خ جلد ۱ ، صفحه ۱۵۰، شماره ۳۵۶ .

۷۷ـ صفحه آ ۳۷، شماره های(۴۸۸) ۴۸۲، (۴۸۹) ۴۸۳، صفحه ب ۳۷، شماره (۴۹۳) ۴۸۷ .

۷۸ـ فخرالدین علی . رشحات ،صفحه ۳۴۳ـ ۳۴۱ (نام ابوسعید در اینجا همچون مولانا ابوسعید اوبهی‌آمده) .

۷۹ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸ ،صفحه ب ٤١، شماره (٥٦١) ٥٥٥.
۸۰ـ صفحه آ ۳۵، شماره های(٤٦٦) ٤٦٠ ـ (٤٦٨) ٤٦٢ .
۷۱ـ صفحه ب ۳۰، شماره های(٤٧١) ٤٦٥، (٤٧٢) ٤٦٦ .
۸۲ـ حبیب السیر ، جلد ٤،صفحه ۳۵۷.
۸۳ـ صفحه آ ۳۳، شماره(٤٥١)
۸٤ـ بار تولد : میرعلیشیروحیات سیاسی اوآثار جله ۲ صفحت ٤٤٦ ۸٤ـ بابتولد: یرعیشیرو صیات٢٤٤ـ٦٤٣ تایخ ادبیات ازبکی، جلد ۲صفحه ۷۰.عنوان فوق الذکر نوایی‌دراسناد بیشتر نیزمشاهده می شود نامه حسین بایقرا برای‌یقوب یك(۱٤٧٨١٤٩٠) حکمران آذر با یجان‌از سلسله آی قویونلو بمناسبت‌انتصاب علیشیر به حکمرانی استر آباد (۱٤٨٧) و وا گذاری اختیار نامه باو برای برقراری مناسبات خارجی با کشور های همسایه (عبدالله مروارید منشآت‌مروارید، دستنویس ۱/٢٨٦ در حواشی صفحات ب ٢٦ـب ٢٥) . ولی‌ما باپیروی از نظری که رایج گردیده سال ۱٤٨٩ را نقل میکنیم .
۸٥ـ حبیب السیر، جلد ٤، صفحه ۳۲۱ .
۸٦ـ صفحه آ ۲۸، شماره (۳۹۳)۳۸۷ .
۸۷ـ حبیب السیر ، جلد ٤، صفحه ۳٤٧ .
۸۸ـ صفحه ب ۳۰، شماره (٤٢٨)٤٢٢ .
۸۹ـصفحه ب۳۳، شماره(٤٥٣)٤٤٧
۹۰ـسمیونف :مناسبات متقابل‌علیشیر نوائی وسلطان حسین‌میرزا. صفحه ۲٤٨ غنیوا. یکسند مربوط‌به شرح حال‌نوائی ،صفحات ۱۳ ـ۹
۹۱ـمجموعه بنیانگذار ادبیات‌ازبکی،صفحات ۱٦۹ ـ۱٥۳
۹۲ـمجموعه «شاعر بزرگ ازبك »صفحات ٤٩ ـ۲٥
۹۳ـمولف‌یکی ازاین نامه‌هانه‌خواجه احرار (رجوع‌شودبمقاله مذکور صفحه ۳۸ بلکه‌شاگرد اومولاناقاسم‌بوده‌که برای پسرخود محتملا بخواهش اوتوصیه نموده‌است (رجوع شود به دستنویس شماره۲۱۷۸ ،صفحه ب ۲۸ ،شماره ۳۹٥ ر۳۸۹) .
۹٤ـنبی‌یف .ازتاریخ حیات‌سیاسی‌واقتصادی ،صفحات ٤٤ـ٤٣ .
۹٥ـهمانجا ، صفحه ٤٧
۹٦ـ سمیونف دونامه دستخطخواجه احرار صفحات٥٧ـ٥١ .
۹۷ـ م.د.خ. جلد۱، صفحات۱٥۱-۱٤۹ ،دستنویس شماره ۲۱۷۸،صفحه آ ۲٥ ،شماره (۳٤٢) ۳۳٦ .

۹۸ـ بهرامی .راجع به نظرات اجتماعی واقتصادی جامی صفحات ٤٠ ـ ۳۳

۹۹ـ همانجا صفحات ۳۸و٤٠ دستنویس شماره ۲۱۷۸ ،صفحه آ ۲،شماره ٥،صفحه ب۱۲، شماره (۱۳۰) ۱۲٥ باقضاوت براینکه در نامه شماره ٥، جامی از مرسل الیه تقاضامیکندکه برای تجار وارد شوند ،بهرات شرائط تجارت بدون مانع فراهم گردد میتوان برآن شدکه گیرنده آن درهرات حسین بایقرا یاعلیشیرنوائی بوده(رجوع شود به توضیح مربوط بنامه شماره ٥)ونه خواجه احرار که مولف مقاله مذکور میگوید .(صفحه ۳۹) .

۱۰۰ـ براتوا .راجع به یك اثرقرن ۱٥:« مجموعه مراسلات» .

۱۰۱ ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸،صفحه آ۲،شماره ٥صفحه ٥،شماره شماره (۳۷) ۳٦،صفحه ب ٦شماره(٤٦)٤٥ صفحه آ۹،شماره (٦۹) ٦٤ ،صفحه ب۹،شماره (۷٥) ۷۰ .

۱۰۲ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸ ،صفحه آ ۸،شماره (٥۹) ٥٦ .

۱۰۳ـ براتوا .رشد اندیشه اجتماعی و اقتصادی در ازبکستان درقرن ۱٥.

۱۰٤ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸،صفحه آ ۹، شماره (٦۹) ٦٤، صفحه آ ۱۲ـ شماره (۱۱۷) ۱۱۲، صفحه ب۱۲، شماره (۱۳۰) ۱۲٥،صفحه آ ۱٦، شماره (۲۲۳) ۳۱۸.

۱۰٥ـ کاتالوگ: «دستنویسهای آثار عبدالرحمن جامی در مجموعه انستیتوی خاور شناسی از بکستان شوروی »

۱۰٦ـ همانجا صفحه ٥٤، توضیح عکسهای ۱۱ـ۸، دستنویس شماره ۲۱۷۸، صفحه آ ۹، شماره (٦۹)،٦٤، صفحه ب ۹، شماره (۷٥) ۷۰، صفحه آ۱۲، شماره‌های (۱۱۷) ۱۱۲،(۱۲۱) ۱۱٦ .

این مقاله سپس در مجله ....

در کابل تجدیدچاپ شدوترجمه فارسی آن از انگلیسی درمجله آریانا«نیز انتشاریافت (شماره ۳۱٤،سال۱۹۷٦ر۱۳٥٤، صفحات۹٦ـ ۹۱) .

۱۰۸ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸ .صفحه آ۲، شماره٥،صفحه ب٥ ،شماره های (۳٥) ۳٤، (۳٦)۳٥ ،(۳۸) ۳۷،صفحه ب ٦، شماره (٤۷) ٤٦،صفحه ب۹، شماره (۷٥)۷۰ ،صفحه آ۱۱ ،شماره (۱۰٥) ۱۰۰،صفحه آ۱۲،شماره های (۱۲۰)۱۱٥ (۱۲٦)۱۲۱،صفحه آ۱۳،شماره (۱٤۸) ۱٤۳ ، صفحه ب ۱۳ ،شماره (۱٥٥)۱٥۰

۱۰۹ـ اورو نبایف .پیرامون سفر علی قوشچی ازآسیای میانه ،صفحات ٥٦ـ٥۱. براساس نامه های جامی معین گردیده که علی قوشچی سال ۱٤۷۰

ازآسیای‌میانه سـفرنمـوده ونه سال۱٤٤۹ـ اندکی پس‌ازفوت الغ بیـــک همانگونه که‌در کتب‌ونشریات ذکـرگردیده (بارتولد .الغ بیک‌وزمـان‌او، صفحه ۱۳۸). متون‌این سه نامه د رمقالات‌اورونبایف .«نامه های‌نایـا ب» واطلاعات جدید پیرامون‌زندگی علی قوشچی تکرار گردیده .

۱۱۰ـصفحات ب۲ـب۱، شماره‌های۱۲ـ۱، صفحات‌بـآ ٥، شماره‌ها ی (۲۹) ۲۸ـ(٤۰) ۳۹، صفحات‌بـ آ٦،شماره‌های (٤۸)٤۷ ـ(٤۳) ٤۲ ، ـ صفحات ب۱۷ـآ۹، شماره‌های (۲۷۰)۲٦٥ـ (٦٤)٦۰ ،صفحه آ ۱۸ شماره (۲۷۹) ۲۷٤، صفحه آ ۲۰، شمـا ره(۲۹۳) ۲۸۹ ،صفحه های ب۲٦ ـ ب ۲٤،شماره‌های (۳۷۹) ۳۷۳ـ (۳۳۹)۳۳۳،صفحه های‌بـ آ۲۹ ،شماره‌های (٤۲۲) ٤۱٦ـ (۳۹۹) ۳۹۳، صفحه ب۳٤، شماره (٤٦٥) ٤٥۹صفحات‌ب ـ آ۳۹، شماره‌های (٥٤۰) ٥۳٤ـ(٥۰۸)٥۰۲ .

۱۱۱ـصفحه آ ۱،شماره ۲صفحه آ۲،شماره ۸،صفحه ب ۲،شماره ۱۲ ، صفحه آ٥،شماره (۳۱) ۳۰،صفحه ب٥شماره‌های (۳٥)۳٤(۳٦) ۳٥ ،(۳۸) ۳۷، (٤۰)۳۹،صفحه ب ۱۰ ، شماره(۱۰۱) ۹٦،صفحه آ ۱۲،شماره‌ها ی (۱۲٥) ۱۲۰، (۱۲۸)۱۲۳ ،صفحـه آ۱۳، شماره(۱٤۳) ۱۳۸ ،صفحه ب۱۳ شماره های(۱٥۰) ۱٤٥ (۱٥٤) ۱٤۹،صفحه آ ۱۷،شماره‌های (۲٤۷)۲٤۲ ،(۲٤۹) ۲٤٤ ،(۲٥٤)۲٤۹ ،(۲٥٥)،۲٥۰ ،(۲٥٦)۲٥۱ ،(۲٥۷) ۲٥۲ ، صفحه آ ۲۰،شماره (۲۹۳)۲۸۹،صفحه آ ۲٦شماره(۳٦۲) ۳٥٦ صفحه ب۲۹ شماره‌های (٤۱۸) ٤۱۲ ،(٤۲۱)٤۱٥.

۱۱۲ـ دستنویس شماره٤۲۷۷ ،نسخه «شواهدالنبوت التقویت الیقین اهل‌الفتوت» (درکلوفن دقیقا تذکـرداده‌شد که‌دستنویس توسط‌خودجامی رونویس شده‌ـرجوع شودبه‌م.د.خ.جلد ٤، صفحه ۲۱ شماره ۲۸۲٤) . مضاف براین دونسخه دیـگر از این‌مجموعه بنابر شباهت خطوط انـها با دستنـویس مـذکور بدستـخط جامی‌نسبت داده شده. شماره ۱۱٦ نسخه دیوان دوم جـامی «واسـطه العـقد»(رجوع شـود بـه: م.د.خ. جـلد ۲، صفحه ۱۸۹، شماره۱۱۹٥) و شماره۸۸۲٦ دستنویس اثر «الفوائد الضیا ئیه (شرح) ـ (رجوع شود به: کاتالـوگ دستـــنـو یـسـهـای اثـر عـــبـد الـر حــمـن جـامــی ...صفحه ٤٦،شماره۱). خط این نسخه ها با خط نامه هـای جامی مـوجود درآلبوم یکسان است .

۱۱۳ـ مثلاً نامه شـماره (۱۲۱)۱۱٦ در صفحه آ ۱۲، هما نگونه که خود جامی تذکر داده شده در حالیکه سوا راسب بوده و درراه (ازفاراب) بتاشکند قرار داشته نوشته شده .در اینجا امضا بریده نشده ودر زیر

متن قرار دارد ولی طبق معمول یك‌امضأ دیگر جامی در گوشه بالاسمت راست الصاق گردیده است .

۱۱۴ ـ دستنویس شماره ۲۱۷۸

۱۱۵ ـ دستنویس شماره ۱۳۳۱(کلیات جـامی) حـواشی صفـحات ب ۵۶۵ـ آ ۵۳۱ .

۱۱۶ـجامی ونوائی، تاشکند ،سال۱۹۶۶ ، ب ۷۷ ـ ۱۹ .

۱۱۷ـ طبق دسـتنویس منـشآت‌جامی شماره ۲۸۴/۱ .

۱۱۸ـ رجوع شود به حاشیه نامه‌شماره (۶۶ـ۶۵) ۶۱، که در آن جا می توصیه خود را «سپارش» نامیده‌است .

۱۱۹ـ در باره سـبك مکاتبه درنثرفارسـی عصر جامـی رجوع شـود به : بهروز. قواعد ادبی قرون وسطی‌وظهور آنهادر سبك مکاتبه ، صفحات ۵۲ ـ ۴۱ .

۱۲۰ـ نامه‌های دارای شماره های(۳۱۲) ۲۰۷، (۲۲۴) ۲۱۹، (۲۵۰) ۲۴۵ وغیره .

۱۲۱ـ شماره های (۲۲۰) ۲۱۵،(۳۴۶) ۳۴۰ .

۱۲۲ـ رجـوع شـود به بخـشی‌ضیحات مذکور جامی که در آن جامی نامه های خود رابه‌چهار گروه تقسیم‌نموده و همچنین تطبیق بـاخمسته المتحیرین علیشیر نوائی ویابا آثاردیگر معاصر جامی .

۱۲۴ـ ترتیب جادهـی نامه هادرآلبوم وشماره های آنها در چاپ حاـ ضر نظیر آنگونه که در دستنویس‌هست ارائه شده اند .

۱۲۵ـ شمار های ۲،۵، ۶،۷، ۸،۹، ۱۱، (۲۹) ۲۸، (۳۰) ۲۹، (۳۲) وغیره .

۱۲۶ـ گاهی در اینگونه نامه هاهمچنین برخی از موضوعات اجتماـ عی واقتصادی مطرح میگردد که طرحشان ناشی از شرکت نوائی در امور دولـتی است (رجـوع شـود بـنامه شماره ۵) .

۱۲۷ـ شماره های ۱، ۳، ۴، ۱۰،۱۳، (۳۱) ۳۰، (۴۴) ۴۳، (۴۷)۴۶، (۴۸) ۴۷، (۸۰) ۷۵ (۱۰۰) ۹۵،(۱۱۰) ۱۰۵، (۱۲۵) ۱۲۰، (۲۰۷) ۲۰۲، (۲۱۰) ۲۰۵ (۲۱۷) ۲۱۲،(۳۷۱) ۳۶۵ (۵۲۸) ۵۲۲

۱۲۸ـ همانگونه که در فوق تذکرداده شد بـرخی از نامه هـای جامی ممکن است خطاب‌به سلطان ابوسعید(۱۴۶۹ـ۱۴۵۱) سلف حسین بایقرا

بوده در ارتباط بامکاتبه حسین بایقرا با جامی مثلاًمبادله مراسلات شعری بین آنها حتی در نخستین سالهای‌سلطنت حسین بایقرا که توسط عبدالرزاق‌سمر قندی عرضه شده(مطلع سعدین ، جلد۲، قسمت ۳، صفحات ۱٤۰۰ـ۱۳۹۸)، نامه های‌حسین بایقرا خطاب به جامی موجود در « مجموعه رقعات‌و منشآت تنظیمی معین بن حاجی محمد الفراهی وغیره رامیتوان ذکر نمود طی یکی از آنها که از بلخ ار سال شده حسین بایقراباعتماد خاصی که بجای مبذول مید ارد از او خواهش میکند پیرامون‌وضع امور در هرات اطلاع دهد. (دستنویس شماره ۲۹٦، صفحه ۱۲٦) .

۱۲۹ـ مراجعه شودبنامه شماره۱. ۱۳۰ـ مراجعه شود بنامه های دارائی شماره (٤٦) ٤٥ (۵۷) ۷۰ ،(۳۷۷) ۳۷۱، (۵۲٦) ۵۲۰ وغیره که مابگروه دوم نامه های جامی منسوب‌کرده ایم.

۱۳۱ـ شماره های (٦۸) ٦۲ ،(۷۵) ۷۰، (۱۰۵)۱۰۰، (۱۳٤)وغیره

۱۳۲ـ رجوع شود به مثلاً نامه شماره (۷۵) ۷۰

۱۳۳ـ رر رر به‌علشیر نوائی، خمسته المتحیرین ، صفحه ٤۱ لپ

۱۳٤ـ رر رر به نامه شماره(٦۹) ٦٤ در«آلبوم نوائی» .

۱۳۵ـ شماره های (۳٦) ۳۵،(۷۷) ۷۲ (۹۳) ۸۸،(۹۱) ۹٦، وغیره شمارها

۱۳٦ـ رجوع شود بنامه (۱۵۷۱٦۲ .

۱۳۷ـ شماره های (٤۰) ۳۹،(٤۵) ٤٤، (٦۸) ٦۳، (۷۳) ٦۸.(۸۵)

۱۳۸ـ شماره های (۳۹) ۳۷(۵۱۳) ۵۰۷ (۵۲۲) ۵۱٦

۱۳۹ـ شماره های (۷۱) ٦٦ (۱٤٦) ۱٤۱ (۱٤۹) ۱٤٤ (۲٤۹)

۱٤۰ـ شماره های (۳۹) ۳۸ (۹٤)۸۹ (۱۱٤) ۱۰۹ (۱۱٦) ۱۱۱

۱٤۱ـ شماره های (۱٦٤) ۱۵۹،(۲۰۹) ۲۰٤،(۲٤٤) ۲۳۹ .

۱٤۲ـ شماره های (۷۰) ٦۵ (۷۲)٦۷٦۷(۷٦) ۷۱ (۷۸) ۷۳ (۸۲) وشماره های‌دیگر

۱٤۳ـشماره های (۳۷)۳٦، (٦٤)٦۰ (۷٤) ٦۹ (۸٦) ۸۱ (۸۷)وغیره

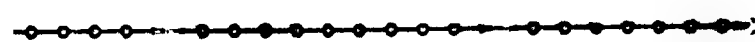
۱٤٤ـشماره های (۳۳) ۳٦(۱٤۰)۱۳٥(۲۳۳) ۲۲۸ (۲٦۳) ۲٥۸(۲٦٦) ۲٦۱ ۳٥۰ ۳٤٤ (۳٦۷)۳٦۱ (۳۷۲)۳٦٦ (٥۲۳)٥۱۷ (٥۳۷) ٥۳۱(٥٤۰) ٥۳٤ .

۱٤٥ـعلیشیرنوائی .خمسته المتحیرین ،صفحات ۸۲۰ ـ۱۹۰، سلطان حسین‌میرزا. دیوان، صفحات۲۲۹ـ۲۲۷ ملامعین بن حاجی محمدـ الفراهی .مجموعه رقعات ومنشآ ت،دستنو یس شماره ۲۹٦ مکتوبات تیموریه، دستنویس شماره ۲۲۷۸،عبدالرزاق سمرقندی مطلع سعدین ،جلد ۲جز۳،صفحات ۱٤۰۰ـ۱۳۹۸.

۱٤٦ـمثلاً درمضاقات برنامه های‌شماره ۱۱و(٤۳) ٤۲ ونامه شمار ه (٤٦٥) ٤٥۹وغیره .

۱٤۷ـمثلاً درنامه شماره (٤٦)٤٥درمورد نامه شماره ٥ودرنامه شماره (۳٥۰)۳٤٤ درباره نامه شماره(۲۳۳)۲۲۸ ،درنامه شماره (۳٤٥)۳۳۹راجع بنامه شماره (۲۱۸) ۲۱۳ ،درنامه شماره (٥۳۳) ٥۲۷ ازنامه شماره (٥۳۱)٥۲٥ درنامه شماره (۳۷۰)۳٦٤ازنامه شماره(۲٥۰) ۲٤٥وغیره تقاضاها تکرار تذکر داده‌شده‌اند .

۱٤۸ـ رجوع‌شود به نامه های‌دارای‌شماره ٥، (۷٥) ۷۰وغیره .



متن نامه ها

۱

باسمه سبحانه

از نورازل دلت منور بادا	اسرار ابد درومصور بادا
بی آنکه عنان عزم تابی سو بی	ملك همه عالمت مسخر بادا

برضمیر منیر دولتخو اهان آن حضرت آئینه صواب نمای مصالح دینی و دنیوی است ومرآت صورت کشا ی مقاصد صوری ومعنوی روشن خواهد بودکه حضرت ذوالجلال والاکرام ازآغاز تاانجام اکثر مطالب ایشانرا بی آنکه تهیه اسباب ظاهری رادران مدخلی تمام بوده باشد میسر ساخته است و بواسطه حسن نیت وصفای طویت که نسبت باعموم رعایا وکافه برایا دارندبسی اطراف وا کناف را مسخر کرد انیده امیدواری جنانست که بی آنکه وجود ایشان در میان باشد و سعی ایشان حجاب شهودفضل و امتنان گردد بمقتضای قضیه لقد احسن الله فیمامضی کذلك یحسن فیمابقی همیشه در مصاعدجاه و حشمت متصاعد باشد ودر مراقی فتح و نصرت مرتقی صبر در امور عطیه ظفرست و استعجال در آن مظنه خطرلا یزال عساکر نصرت اثر با ظفر همعنان باد ودر سفر و حضراز خطاو خطر در امان و السلام و الاکرام .الفقیر عبدالرحمن ا لجامی

۲

باسمه سبحانه

ای مسلم ترا مسلمانی	کام اسلامیان سلامت تست
سویت ارکان خمسه اسلا م	می فرستم بغیررکن نخست
کان نه باجانم آنچنان آمیخت	که جدایی ازآن توانم جست

---

(۱) برگ ا ـ ب

انستیتوی شرقشناسی اکادمی ازبکستان شماره دستنویس ۲۱۷۸

بعده معروض آنکه از جمله کتاب نفحات الانس من حضرات القدس جزوی چند که نوشته شده بود ومقابله یافته صورت ار سال یافت وتمامی همت مصروف بآنست که آنچه باقی مانده عن قریب با آن سمت انضمام واتصال یابدلا یزال مشام ذوقشان را روایح نفحات انس متنسم باد ولب انبساط از بوارق حضرات قدس متبسم والسلام و الا کرام

۳

باسمه سبحانه

بنا میزد زهی منشور شاهی — بایرادش دعا کویان مباهی

بنام بنده در قید غم بند — خط آزادی آمد از خداوند

عنایت نامه همایون بانواع عنایات مشحون در اشرف ساعات و اطیب او فات خاکساران وادی فرن وبادپیمایان بوادی اشتباق را سر ذلت باوج عزت افراشت بدست مرحمت از خاك برداشت بایستی که این فقیر بخود چون خامه قدم ازسر ساخته جواب نامه بود بلکه بیخود قدم ازسر نشناخته طریق ملازمت پیمودی اما بواسطه عجزوبی اختیار وبی قدری وبی اعتبار خودرادر معرض این مقصد بلندو مطلب ارجمند نمی داردوالا ـ غلبات شوق ونزاع وجذبات تعطش والتیاع بزمین بوسی عتبه سپهر مرتبه نه درمرتبه ایست که بحروف مرکبه وعبارات مرتبه شرح توان دادرجا و اثق است که عن قریب قریب مجیب عزشانه لطیفه متضمن این امنیت مفضی بفراغت وامنیت ازهجوم شدایداحزان وهموم ازمکمن بطون بظهور آرد و مشتاقان آرزو مندرادرمضیق دو ری ومهجوری نگذارد حق سبحانه قلع وقمع اصحاب شقاق ونفاق راعلی احسن الوجوه میسر کرداناد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤

بر ورق ازکلك تو یك دو سه قطره چکید

سنبل سیر آب رست سبزه مشکین دمید

تواتر اخبار مقدم شریف ایشان بروح فقیران ودرویشان چندان لذت وحضور و بهجت وسرور رسانیده که (گنجائی...) مداید فراق ومجال بسط نوائر اشواق

نمانده است امیدواری چنان است که عن قریب بتحقیق و تحقق پیوند باد بالنبی المختار و آله الاخیار والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۵

لازال فی خلود دولته وشمول نعمته عونا للاسلام والمسلمین وعونا لاصحاب الصدق وارباب الیقین

گفتم که کنم پس ازدعا حرفی چند   برعادت اهل رسم باهم پیوند
دل گفت که از تکلف عادت و رسم   بگذر که همین دعا پسند است پسند

بعده فصلی چند نوشته می شود اگر مصلحت وقت باشد بعرض همایون برسانند شاید که فکر حال مسلمانان بکنند اول جماعت رنود و اوباش از پیاده روو یتیم وغیرهم استیلا تمام یافته اند و درین مدت خونهای متعدد واقع شده است وهیچ کسی نپرسیده است ود رشبی که روزش این عرضه داشت نوشته شد جمعی ازین طایفه بسرمزاری که فقیران می باشند درآمده اند ویکی ازفقیران را بشمشیر زخمهای بسیار زده اند وبر بستر هلاك افتاده تا حال چه شود و دیگر آنکه آوازه باطراف رفته است که کسی من بعد متعرض حال تجار نمی شود بعضی ازیشان جسته جسته بدین جانب متوجه می شوند اما بعضی ازعوانان و ظالمان بوساطت بعضی ازدلالان که بیشتر مهجور می بود بهرنوع که می توانند ورای تمغا چیزی می ستانند وتجار را ازآمدن پشیمان می سازند دیگر آنکه تخصیص و توجیه برقاعده دودی ازحد گذشته است وهیچ نوع ضابطه دران مرعی نیست باندك بهانه چیز بسیار می گیرند وملازمان حضرت خلافت پناهی را(۱) ادام الله تعالی عدله واحسانه ازآن جز بدنامی حاصلی نه القصه هیچکس را فکر حال مسلمانان نیست وهمه درمقام تحصیل نفع خویش اند. والسلام   الفقیر عبدالرحمن الجامی

٦

برکنار دجله دور ازیار مهجور ازدیار
دارم ازاشك جگر گون دجله خون درکنار
چون سواد دیده ام دریا کند بغداد را
سیل چشم دجله بارم گر شود با دجله یار

---

(۱) درحاشیه رقعه ازین به بعد نوشته شده برگ ۲ ــ الف

دعای بعز اجابت‌قرین از مشاهد مقدسه ائمه مهديين ومسالتی بشرف‌استجابت همراه ازمزارات متبر که اولیأ الله تحفه مجلس شریف وهدیه‌موقف منیف می‌گردد شوق و نزاع وتحنن و التیاع بدر یافت سعادت ملاقات که اعز مطالب واجل مراد ات است بیش از آنست که بامدادخامه زبان آور واعداد نامه سخن گستر از عهده ادای آن تفضی توان‌نمود لاجرم عنان بیان ازان صوب معطوف داشته معروض میگردد که بعون عنایت بی علت حضرت عزت علت و عزت احوال فقیرانی که رفقاسفر وجلسا بدوو حضراند برنهج سلامت ومنهج استقامت گذرانست وازهردغدغه ونگرانی که موجب تفرقه باشد وپر یشانی برکران‌ان‌شاءالله العزیز که مجاری امور دو لتخواهان آنحضرت نیزبر صورتی اجمل ومعنی‌اکمل واقع باشد بمنه وجوده این رقعه تضرع وابتهال دراواسط شوال بیرون از خطه بغداددر حین ار تحال بجانب حرمین شر یفین زادهماالله تعالی شرفا صورت ار سال یافت عزیمت چنانست بعد مشیه الله تعالی که‌چون زیارت آن منازل شریفه میسر گردد از راه شام مراجعت‌نموده در اسرع وقتی وبراسهل و جهی بدولت دستبوس رسیده شودمرادات دو جهانی وسعادات جاودانی محصل باد و السلام والا کرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷

همایون نامه چون یار دلبر	بروی از عنبر تربسته زیور
خط مشکین و نظم جان فزایش	چوگیسوی مرصع درقفایش

دراطیب اوقات واشرف ساعات انیس‌خلوت دوران وجلیس صحبت مهجورا ن گشت .

گهی پرده زروی او کشادند	ز شوقش بوسها برروی دادند
گهی سوی قفایش دست بردند	زعقد گیسویش گوهر شمردند

درمقابله هرکرشمه ازآن‌شاهد غیبی‌که برمنصه پاکی وبی عیبی جلوه ظهور نمود انواع تعلق ودلبستگی‌و نیاز مندی وشکستکی بموقف عرض رسانیده می شودو تحاشیاعن الاطاله المفضیه الی (۱) الملاله برین دوبیت اقتصار کرده می‌آید .

---

(۱)درمتن دوالی‌آمده بودکه یکش‌زاید است .

بود واثق رجای من که واهب زمحض وهب در باغ مکاسب

چنانش در برآرد شاخ امید که باشدمیوه‌اش‌اقبال جاوید

والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸

مرغ جان کردی هوای دانهای خال او

گر نبستی رشته لاغر تن من بال او

گر بقصد جان فرستد قاصد آن‌مقصود دل

دل کند فرسنگها جان برکف استقبال او

بس که بردل خامه بار غم نهاد از شرح هجر

همچو نون درخم شد پشت لام ودال او

خون کنم دل راو مالم در رکاب‌اوز چشم

تا چوپای اندررکاب آرد شود پامال او

رویش‌ار بیند فرشته گر کشدصدبی گناه

یك گنه ننویسد اندر نامه اعمال او

صوفی دل حالها کردست دوش ازذکر دوست

سینه ام چون خرقه چاك‌اینك‌گواه حال او

یار جویان جامی وطعن رقیبان‌از قفا

در بدر درویش و غوغای سگان دنبال او

۹

صحیفه از فتحه صاد صاد قانراگلهای فتح‌کشاده واز کسره حاحاسد انرا خار های کسر نهاده بعداز تمادی‌ایام انتظار و توالی آلا م‌اصطبار از جانب جناب امیر علی شیر عالی گهر

لازال فی روية مصالح‌الدارین

کاسمه الشریف مفتوح العین (۱)

که نام شریفش بصورتی لطیف نگاشته قلم تحریر و خامه تقریر کشت سمت ورود یافت منتظران زاویه اخلاص وامیدواران کاشانه اختصاص

---

(۱)این بیت در حاشیه رقعه یادشده

را مروح روح ومفتح ابواب فتوح‌آمددر مقابـله تحـیات حـیات انجـام و تسلیمات مفتتح بتسلی تام متحف ومهـدی ومبلغ مـیگردد شرح تـعطش برشح زلال وصال حد زبان لال حال‌و مقال‌نیست لاجرم ازان تقاعد نموده بردعایی متضمن هر متمنایی اقتصارمی رود

زتیغ فتح شاه صف شکن را | اقالیم جـهان بادا مـسلم
پی هر فتح عانم را سکونی | میـسـر بـاد هـمـچون لفـظ عـالم
همیشه در دل حساد ملکش | چو سین نوك سنانها باد مدغم
والسلام | الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۰

باسمه سبحانه

هستم‌ز صفای خاطر وبی کینی | من آینه توای نـگار چینی
روزی که بمن روی‌برو بنشینی | درمن همه عکس خوبی خـودبینی

* * *

هردم زره دیده دلم خون‌ریزد | تا بوکه قضا لطیفه انگیزد
وین‌نامه وقاصد ازمیان برخیزد | بی‌واسطه دردامن وصل آویزد

اگـرنه نامـه نامـی و صحـیفه گـرامی‌که مصب رشحات قلم ومهب نفحات کرم آن قبله اقبال و کعبه امانی وآمال باشد در هرچند روزی از ایام دوری واوقات مهجوری گلبن امید دورانرا برشحه تازه گرداند و غـنچه مقصود مهـجورا نرا بنفحه بشـکفاند

یك غنچه مقصود بصدسال نخندد
یك‌گلبن امید بصد فصل نروید

نی طی نـامه را گنجائـی ادای شکراین مکرمت است ونی زبان خامه را توانائی انهای عذر این‌موهبت لاجـرم‌درآن باب‌شروع ننموده‌بردعا اقتصار میرودلا یزال روضئه جاه وجلال دو. لتخواهان برشحات فضل آلهی‌تازه‌باد ودر جات ترقیات آن تـازگی بنفحات‌فیض نامتناهی بـی اندازه والـسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامـی

درحاشیه رقعه این‌مطلب یادشد .

خدمت شیخ الاسلامی در تمشیت امورشرعی ومصالح عرفی حسـب المقدر مساعی جمیله مبذول میدارد اگـر درآن‌باب استحسانی واقع شود ممکـن که سبب مزید آن کردد م

۱۱

رقعه مشتمل برقطعه بمیزان لطافت‌سنجیده بلکه کاغذی قطعه جوهرسیر اب دران پیـچیده بمفلـسان عور ونزد یکان دور رسید

ازغایت تعظیم نشاندند آنرا   برحلقه دیده چون‌نگین درخاتم

جواب آن بکلك اخلاص برلوح اختصاص مرقوم گشت و بدعای حسن عاـ قبت و خوبی خاتمت مختوم آمد قرین‌اجابت باد بالنبی وآله الامجاد

الفقیر عبد الرحمن الجامی

این سطر در حاشیه آمده است

آنچه همراه رفعه نامفردآن طالب‌علم‌یب کرده بودند بسیار در محل واقع شد امید است کـه وسیـله نجات وذریعه رفع در جات باشد

۱۲

دعاهایی که برلب نارسیده   نوید فاستجبـناها شنـیده
تحیاتی که باآن هست روشن   خروج از عهده حیوا باحسن

بشرف عرض رسانیده میشود شوق‌و آرزو مندی بملاقات شریف بیش ازآنست که بتحریر بنان و تقـریـرزبان‌شرح آن‌توان توقع چنان‌می‌بو د که‌مخلصانرا پیوسته بنوشته یـادفرمایند انشا الله که مانع فراموشی بوده باشد اگرمن بعدبعض آن قاعده کنند حاکمند دولت وسعادت مستد ام والسلام

درحاشیه رقعه‌نوشته شده

التماس آنکه خاطر شریف بمهم خد مت خواجه عطا الله مصروف دارند شاید که سر انجامی یابد

۱۳

دعائی بدایت آن مضموم مع الشوق‌والـغـرام و ونـهایـت آن مـعـدود الی یوم القیام والعین بینهما مفتوحه‌الی الا جابهٔ من‌الملك العلام بصورت نیاز نثار بساط جرات وانبساط مـی‌گردد میل و شعف بنیل شرف ملاقات بیش از آنست که بصرف (عشیات)وغدوات دراعمال ادوات (قلم‌ودو ات

برگ ۲ـ ب

ادا) شمه از آن توان کردلا جرم‌عنان قصدونیت از صوب آن امنیت معطوف داشته بدین دوبیت مصروف می گردد

زیرك آن‌کس که در خرابه دهر   در گنجینه‌های راز زند
جاه کوتاه زیر پای نهد   دست در دولت دراز زند

لایزال نهال روضه امیدبرومند بادوشاخ دوحه سعادت جاوید بدان‌پیوند والسلام والاکرام   الفقیر عبدالرحمن الجامی

درحاشیه رقعه

خدمت‌خواجه سلطان بیك‌مردی‌نیك‌است ملتمس آنکه بنظرعنایت ملحوظ گرددواز حسن رعایت‌محفوظ

نیز درحاشیه رقعه

ازسادات علوی شرمند گی بسیاراست ملتمس‌آنکه بنظر عنایت‌ملحوظ را از آن شرمند گی بیرون آرند

١٤

نی کلك توطفل معنی را   بنبات حسن بپرورده
غره صبح‌را زطره شام   رشك رخسار نوخطان کرده
قصه کوته شب‌دراز مرا   پاره پاره بروز آورده

صحیفه شریفه مشحون بمعانی‌وعبارات لطیفه نزدیکان دورو دوران نزدیك بحضور رامشرف‌ساخت درصورت هرخطی خطی روی نموده واز عکس‌هر حرفی فرحی پرتو انداخت‌ازشوك‌شکایت عنچهای شکروثنادمانید واز خارگله گلهای محمدت ودعاشکفانید آری

گرخوی توبگذرد به‌خارستانها   خارستانها شود بهارستانها

حکایت گله وشکایت بنابران واقع‌شدکه ایشان ازرقعه این‌فقیر تصور کرده‌اندودر تحت‌تحریر وتقریرآورده‌والا

ناید ازتو چنان معامله،   که کسی را رسد از ان گله
نیست از تو بجز گله گله مند   زآنکه لطف‌تواش‌ز بیخ بکند

حضرت‌حق سبحانه همواره‌درنظررافت خودشان داراد(و) یا آفت‌نظر

برگ ٥ـ٢

بخودشان مگذاراد والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۵

چنین که یارمرا روی خوب وخوی نکوست
عجب مدارکه گردند دشمنان همه دوست

زچشم وغمزه وابروچه حاجتش بسپاه
چوکشوردل واقلیم جان مسلم اوست

نامه مخبر ازمصالحه متضمن مصالح جمهور انام و صحیفه مشعر بموافقتی موافق مرافق کافه خواص وعوام ازساخت مخیم جاه وجلال ومعسکر دولت واقبال حضرت خلافت پناهی سلیمان دستگاهی عزالله تعالی انصاره(۱) وضاعف ملکه واقتدار ه بخاك نشینان آستا نوافخار که انا اللیل واطراف النهار بدعاگویی دوام دولت وخیرخواهی ارکان ملك وملت می گذرانند رسید وکلا گوشه قدرومنزلتشان باوج عزت وکرامت رسانید همه یك دل ویك زبان بوظایف شکرگزاری قیام نموده وقواعد منت وسپاس داری کارفرموده می گویند :

خسروا قاعده عدل فزون (کن) که زعدل
عرصه ملك توهر روز فزون خواهد شد

فتح و نصرت زخدا خواه که بی منت خلق
مدعی گرهمه شیرست زبون خواهد شد

لا یزال دولت موافقان در معرض ازدیاد بادو گردن مخالفان در ربقه انقیاد و السلام والاکرام

۱٦

زهی کرده از شوق شهباز طبعت
همایان قدسی هوای تذروی

زمردم فرستاده ای مطلعی خوش
کزاهل سخن مثل آن نیست مروی

الحق مطلعی است از معانی آن انوارذ کاطالع واز عبارات آن آثار حسن ادا لامع اگردر بعض اوقات باتمام آن پرد ازند .

برگ ۵-۱

(۱) در حاشیه رقعه صفات آمده

* وپرتـوا ندیشه برتـکمیل آن‌اند ازند.
شك نیست کـه بیت القصـیده نظم‌ایام و واسـطه العقد شـهور و عوام
خواهد بود حـق سبـحانه از هرچـه نباید مصون دارد و از هرچه نشاید
مامون و السلام الفقیر عبد الرحمن الجامی

۱۷

بعد از عرض نیاز معروض آنکه خد مت مولانا جلال الدین سید محمود را
بـقـصـد زیـارت مـادر وبـرا درعزیمت سمرقند شـده است التماس
آن دارند که عنایت نموده اتفات فرمایندو اجازت این سفـر از ملا زمان
آن حضرت حاصل کنند توفیق رفیق باد و السلام
الفقیر عبد الرحمن الجامی

۱۸

باکلك توگفت نامه کای گاه‌خرام صدتحفه خوش بروم‌آورده‌زشام
گرپای تو در میان نباشد نرسد مهجور انرازجانب‌دوست پیام
چون رقعه شریف بخط وعبارت لطیف‌متضمن رباعی
چنان‌در جودت وحسن‌بیان‌فرد کزان بهترتصورکم توان‌کـرد
بمطالعه این‌ضعیف‌رسید ازهرمصرع بردل محزون وسینه مجروح‌درتفرقه
مسدود گشت‌وباب‌جمعیتی مفتوح‌نایره‌شوق‌وصال اشتعال یافت‌وداعیه سفر
مفضی بدولت اتصال‌استکمال پذیرفت‌امابواسطه تمادی ایام‌روزه وتضاعف
ضعف‌هرروزه موعداین‌مراد بعیدافتادحق‌سبحانه وتعالی همکنانرا توفیـق
مصالح دینی ودنیوی رفیق گـردانادوالسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹

بعدازعـرض نیازمنـدی معرو ض‌آنکه مکتوب شریف‌مبنی‌از صحت و
سلامت‌وعافیت رسید وانواع‌بهجت وسرور رسانید وقضیه صلح‌که نوشته
شده بودامید است‌که عن قریب بوقو ع‌پیوند (د-؟)که مصلحت جمیع‌مسلمانان
ازهردو جانـب درآنـست وفقـیـران‌اینجائی راتمام همت ونهمت متـوجه
آنست که زودترواقع‌شودشك‌نیست‌که‌خاطرشریف ایشان نیزبرآن خواهـد
بودوحسب‌المقدور در آن باب‌اهتمام‌خواهند نمود مقاصد بروجه اکمل‌محصل
باد والسلام والاکرام

۲۰

بعدازعرض نیاز معروض آنکه دار ندگان مردم غریب وطالب علم وفقیرند اگر چنانچه عنایت نموده نسبت بایشان نوع احسانی واقع شود بسیار درمحل مینماید توفیق رفیق باد والسلام

۲۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت سیادت مآبی مردم عزیزاندوچندگاهست که بجهت امضای نشانی تشریف آورده‌اند وآن بامضا نرسیده‌است وبسیار مضطرگشته اند اگرچنانچه عنایت نموده التفات نمایندوامداد فرمایندکه مهم ایشان بکفایت انجامد بسیار درمحل مینماید توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده برزکر شیخ مزارابوالولیدبوده وکرمی را که اوبرزگر بوده فروخته اندودرحصه اول تعلل می‌کنند وقسمی راازآن حواله بکسی کرده‌اند که نمی‌دهد التماس آنکه عنایت نموده چنان کنند که حق اوبدورسد توفیق رفیق باد والسلام

۲۳

بعد ازعرض نیازمعروض آنکه بسیاری از بزرگان کوسویه التماس آن می دارند که سید میران درمیان ایشان کلان تر باشدوقطع مهمات ودفع مضرات بکند اگرچنانچه عنایت نموده ملتمس ایشان رامبذول دارند دورنمینماید توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت مولاناجلال الدین بایزید ملکی بمیعاد معین بشخصی فروخته است وازمیعادگذشته است ووجه آنرا ادا نمی‌کند التماس آنکه عنایت نموده اشارت (رودکه) آن وجه را ادا (کندو) تعلل نکند (توفیق) رفیق باد

۲۵

باسمه سبحانه

سلامی که چون که بلسان رمزازاصول ومبانی آن نکته گویم جزولای ازلی

درسم نیست وچون بمشام ذوق ازوصول بمعانی آن شمه بویم ازهموم ابدی ترسم
نی بافاتحه اخلاصی مقرون بغایت تذلل وابتهال ونهایت تو جه بدولت اتصال
تحفه موقف شریف وهدیه مجلس شریف می گردد داغ دل سوخته ازفراق دراثنای
علم آتش اشتیاق روشن تر ازآنست که درشرح وبیان آن بکاغذدور وی و
خامه دوز بان احتیاج افتدلاجرم طی آن بساط نموده وزبان انبساط کشوده
انها میرودکه درین ولاورقی بلکه یهزار باب محبت وولاسبقی مشحون
بنکته چندکه اوقات مطالعه آخرین شرحهای قصیده برده که بی شك کوی
سبق ازشرحهای اولین برده روی نموده محلو بلطایف ار جمند که بران کتاب
لطافت انتساب چون قطره شینم که چندبرگل سیراب بتازگی افزوده مطرح
پرتواندیشه گشت ومسرح نظر عقل فکرت پیشه آمد الحق هر معنی دقیق
که بتدقیق نظرموی شکاف شکافته بودندو بقوت مناسبت چون موی دابران
درهم یافته عقل باریك بین را میان آن وموی فرق نهادن دست نداد اماچون موی
برفرق نهادوهرعبارت پاك که بفهم دراك از بحر زخار خاطر گوهر بار گوهروار
استخراج کرده بودند وبالماس تفکرسفته درسلك انتظام آورده از ان تا
جواهر آبدار ولالی شاهوار تفاوتی چندان ندیدلاجرم آنرازیب وو شاخ
جان وزینت حمایل چنان گردانیدتو جه خاطرشریف باستنباط این نوع غرایب
وبدایع باوجود کثرت شواغل وموانع علامت آنست که ایشانرا تفرقه ظاهر
ازجمعیت باطن مانع نمی آید وازین معنی امیدوار گشته مسالت میرود
که حق سجانه و تعالی جمعیتی کرامت فرماید که این جمعیت درجنب آن محض
تفرقه نمایدبمحمد وآله الکرام علیه وعلیهم التحیه والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

درحاشیه گفته شده

چنین استماع افتاده که نسبت بخدمت خواجه سعدالدین مسعود که در
ین دیار بلکه درین روزگار غریب افتاده انواع الطاف وغریب نوازی بوقوع
پیوسته الحمدلله تعالی که آنچه فقیرانرا ازاخلاق کریمانه ملازمان در
خاطرمی گشت بظهور امده است که روز بروز در ترقی وازد یادباشد
باقی اجزا ١٦ شرح قصیده مصحوب مکتوب فرستاده شددرمحل قبول باد
ونیز در حاشیه سلام الله علیکم
٢٦

صبا ازمرومی اید فدایش بادجا ن من
که می گویدحدیثی مروی ازجان وجهان من

زجـانـان نامــه بــل کزمسیحانسخه دارد
پی د رددل بیمار وجـان نـا تـوان مــن

نامه ازعنوان آن نفحات صبح سعادت فایح وصحیفه از مضـمون آن لمعات آفتاب عنایت لایح مبنی از انتظام سلك جمعیت زمین بوسان ساحـت مجلـس همایون ومشعر بازدیاد مواد حشمت باریافتگان بارگاه دولت روزافزون مشام امید محرومان کلبه فراقر امعطر ساخت ودیده انتظار محبوسان زاویه اشتیاق رامنور گردانید

منت ایزدراکه ازنزهتکه لطف وجمال خاطرغمدیده راسرمایه شادی رسید
ازسرابستان شاه کشورجاه وجـلال تحفه زندانی منشـور آزادی رسید

اضعاف مضعفه آن معاطفه ملاطفه که از فحوای آن مطالعه افـتادعجز و شکستگی وشـوق ودلبسـتگی بموقف عرض رسانیده می شود وتخفیف تصدیع رابرین دوبیت اقتصار کرده می آید

امیدوارچـنانم کـه فیض فضل ازل همیشه کام ده شاه کامران باشـد
بقد دولت او خلعتی ببار آید که عطف دامن آن ملك جاودان باشد
والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷

فی الفتاوی الصغری لوقال الرجل ان فعلت کذافالف درهم من مالی صدقة لکل مسکین درهم واحد فحنت وتصدق الکل علی مسکین واحد جاز .کذافی الجنس الثانی من ایمان الخلا صه وکذاایضاالـثالــث فـی الـنـدز مـن فـضل فی کتاب ایمان خزانة المفتـیـن .

ولوقال لله علی اناتصدق بهـذا لدرهم علی مسکینین فتصدق علی واحد اجزا .ء کذافی الفصل الخامس والعشرین من ایمان المحیـط . نذر بقـرآة القرآن لایصح. کذا فی کتاب ایمان خزانة الفتاوی والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمدوآلـه وصحبه اجمعین .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸

باسمه سبحانه

هبت ربع وهیجت اشواقی اجرت دم مقلتی من آمـاقـی
ازرنج فراق ومحنت مشتاقـی حرفی گفتم فقس علیه الباقی

هرگاه قلمی بتراشم تادرجواب رقعه شریف ورقی بخراشم هیچ نیابم که بارها آنرا نگفته ونوشته باشم ازملالت تکرار اندیشه کنم واقتصار برعایت اختصار بیشه سازم

هرکه برمن زهجرت آید دردی — تحریر رباعی کنم یافردی
زان میترسم کزدم چون من سردی — برخاطر عاطرت نشیند گردی

نوشته شده بود که در قبله رویه هرات تعدیها واقع است تخصیص را جهتی نیست این واقعه در جمیع جهات شایع است

در نوبت حسن آن مه اوج جمال
ازدست رقیبان نکوهیده خصال
چه شرق وچه غرب وچه جنوب وچه شمال
ازجو رپرست واز جفا مالامال

واما قضیه دعاواستدعا که اشارتی بآن رفته بود دعارا نوحی می باید که رب لاتذر علی الارض گویان در هیچ دیارازین طائفه دیارنگذار دواستدعا راصاحب فتوحی که حقوق مستدعیانرا گذارده ازمدعیان دمار برآرد و درین روزگار این هردو مفقوداست واز جمله محالات معدود ظل عاطفت مبسوط بادوسایه شفقت ومرحمت مسدود والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹

آمد مرغی برگ گلی درمنقار — بروی خطی ازسنبل تر کرده نگار
مضمون خط آنکه ای خزان دیده گیاه — خوش باش که ازتویادکرد ابر بهار

رشحات اقلام دبیران عالی مقام سده سدره آیین لازالت ملثما لشفاه الملوك والسلاطین که سر چشمه حیات لب تشنگان وادی حرمان وسرمایه نجات سرگشتگان بوادی بعدوهجران است فی ایمن یوم واسعد ساعة بدین فقیر حقیر البضاعه رسید روضه جانرا خضرتی تازه دادوحدیقه جنانرا نضرتی بی اندازه بخشید برحصول این دولت ووصول بدین سعادت وظایف شکر گزاری ومراسم منت وسپاس داری بجای آورده شد وتخفیفاً للابرام و تحاشیاً عن اطالة الکلام بردعا اقتصار کرده آمد

برتاج وران شاه جهان سر بادا — برفرق زمانه سایه گستر بادا
آوازه بندگی وشاهی تاهست — ما بنده وشاه بنده پرور بادا

والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰

این نامه چه نامه است که چون طره جانان
صدجلوه خوبیست زهر پیچ وخم او
واین تازه رقم از قلم کیست که بادا
صدجان گرانمایه نثار قلم او

چون رشحه خامه مسکین نوازکه برصفحه نامه مشکین طراز مرغان اولی اجنحه رادام نهادست سلسله شوق مشتاقان دورو محرومان مهجور رادرجنبش آوردعنان آرزومندی برکاب بوسی حضرت خداوندی نه چنان از دست رفت که ببازوی طاقت و توانایی ونیروی مصابرات وشکیبایی امساك آن توان کرد

آمد نسیم سلسله مشکبوی دوست زنجیرمی در ددل دیوانه سوی دوست

لاجرم گستاخی نمود تسلیه خاطرمشتاق وتسکین حرارت اشتیاق را حرفی چند مبنی ازطرفی ازآن وسطری چند مشعر بشطری ازآن نگاشته خامه نیاز واخلاص ورقم زده قلم افتقار واختصاص می گردد

شوق چون غالب شود گیرم زمردم گوشه
خامه ازمژگان دوات ازدیده پرخون کنم
حسب حال خود نویسم پربیاض روی زرد
تابدین صورت غم هجران زدل بیرون کنم

ایزد تعالی دولتیان مخیم جلال وسعادتمندان معسکر اقبال آن حضرت راهرچه زودتر بمقر دولت ومستقرجاه وحشمت برساناد ودیده رمد دیده منتظر انرابذروه غبار موکب نصرت شعار روشن گرداناد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا زاده که رافع رقعه اخلاص اند اظهار فقرواحتیاج بسیار می کنندوسابقا نشانی داشته اند که ازاوقاف محقری دروجه معاش ایشان می داده اندوحالا آنرا بازبسته اند التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف بحال ایشان دارند تاآن محقر بدستور سابق که موافق شریعت مطهره بوده باشد بدیشان برسد توفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۹-۱ شماره رقعه ٦٤

۳۲

بعد از عرض نیاز معروض آنکه چون موصل رقعه شریف عزیمت مراجعت نمود این فقیر خواست که در جواب آن کلمه چند بنویسد هرچند گرد خاطر نفور ازرسوم عادی وتکلفات رسمی گشت ازمعانی فکری وسماعی چیزی جزین رباعی بخاطر نگذشت :

کی باشد کی که از جدایی برهیم   وزتفرقه منی و مایی برهیم
دربحر فنا ونیستی غرقه شویم   وزخود بینی وخود نمایی برهیم

حق سبحانه وتعالی توفیق کرامت خرق عادت مقتضی بهردولت وسعادت رفیق گرداناد والسلام والاکرام   الفقیر عبدالرحمن الجامی

درحاشیه نوشته شده:

میر خلیل الله عزیزی که درسلک ملازمان سلطنت شعاری منخرط است وبخدمت مولانا کمال الدین حسین خوارزمی نسبتی دارد اظهار احتیاج واضطرار کرده واستدعای سپارشی نمود اگرچنانچه التفات(-) بحال وی نمایند دورنمی نماید

۳۳

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه دارنده خواجه احمد راباهتمام ملازمان ایشان از عملهای دیوانی معاف داشته بوده اند وازآن هشت سال گذشته است درین ولاویرا درجمع عمله داخل داشته اند ومزاحمت مینمایند اگر چنانچه عنایت نموده التفات فرمایند که ویرا استخلاصی تمام حاصل شود دور نمینماید توفیق رفیق باد   والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳٤

بعد ازرفع نیاز مرفوع آنکه چون ازسفر مبارك بهراة رسیده شدو بخدمت صاحب اعظم خواجه سیف الدین مظفر اتفاق ملاقات افتاد آثار خیروصلاح از یشان مشاهد شدوچنین استماع افتادکه تغییر اوضاع واطوار پیشنه کرده اند وحالا بموجب فرمان جهانمطاع متوجه اردوی همایون شده اند التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف ازحال ایشان دریغ ندارند

برگ ۹-۱ شماره رقعه ٦٥-٦٦
برگ ۹-۱ شماره رقعه ٦٧

ودرامداد واعانت ایشان مساعی جمیله مبذول گردانند که چنین معلوم شد که درین مدت از یشان هیچ نوع بدنفسی نسبت بهیچ کسی واقع نشده است و امیداست که من بعد نیز واقع نگردد ومعاش ایشان بامسلمانان بهتر از پیشتر باشد توفیق رفیق بادوالسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۵

بعدازعرض اخلاص بلسان محبت واختصاص معروض آنکه قرب سلطان صاحب قدرت ومجال قبول سخن در آنحضرت نعمتی بزرگست وشکر آن نعمت صرف انفاس واوقات است بمصالح مسلمانان ودفع مفاسد ظالمان وعوانان واگر ناگاه ازممراین شغل عیاذا باللـه طبع لطیف راگرانی حاصل آید وخاطر شریف را پریشانی روی نماید تحمل آن گرانی را در کـفه حسنـات و زنـی عظیم خواهد بود ومصابرت بران پریشا نی رادرجمیعت اسباب سعادت دخلی

راحت ورنج چون بودگذران رنج کش بهر راحت دگران

زآنکـه باشـد بمزرع امید رنج تو تخم راحت جاویـــد

حق سبحانه وتعالی توفیق دستگیری ازپای افتادگان وپایمردی عنان ازدست دادگان رفیق گرداناد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

درحاشیه رقعه نوشته شده

سواد نشان گم شده فرستاده شـداگر امضافرمایند حاکم‌نند

۳۶

بعد ازعرض نیاز معروض آنـکـه مخادیم عظام که خـدام حـرم شریـف حضرت رسالت اند(۱) صلی الله علیه وعلی آله وسلم بجهت ضبـط حاصل موقوفات آن واخذ وایصال آن بمستحقان باین دیار تشریف آورده اند وسندها همراه دارند وشواهد وآثـار صـدق برایشان ظاهراست چنانچه این فقیررا دران هیچ اشتباهی نمانده است وخدمت پهلوان شیخ بایزید راهماناکه برین معنی وثو نست وامیدست که عن قریب برسد التماس آنکه حسب المقدور در امداد وتقویت ایشان مساعی جمیله مبذول دارند که بی شبهه آن وسیله امدادات صوری ومعنوی ازروحانیـت آنحضرت صلی(۲) الله علیه وعلی

برگ ۹ـ۱ ،شماره رقعه ٦۸
برگ ۹ـ۱ شماره رقعه ٦۹
(۱) (۲)درحاشیه صلی... نوشته شده

آله وسلم وهمم عالیه مجاوران خواهد بودچون معلوم است که همت شریف صرف این معنی خواهند نمود زیادت مبالغه نمی‌رود توفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۷

بعداز عرض نیاز عرضه داشت آنکه بواسطه حسن معاش خدمت خواجه سیف الدین مظفر رعایا راامید واری تمام حاصل شده درزراعت وعمارت کوشش نمودند وبحمدالله تعالی بسیاری ازمواضع معمور ومزروع گشته عجزه ورعایااز سرفراغ خاطر بدعاگویی دوام دولت بندگان حضرت اشتغال دارند ومردم عزیز می‌گویند که درین مدت کسی این نوع غمخوارگی رعیت نکرده ودر آبادانی کوشش ننموده مناسب دولت ابد پیوند چنان مینماید که بنوعی عنایت ومرحمت نسبت بایشان واقع شود که موجب مزیدامید واری رعایا وسبب نیک معاشی امثال ایشان شود و فرقی میان نیک معاش وبدمعاش ظاهر گردد ظل رافت وسایه عاطفت ابدالاباد ممدود بادم
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۸

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا حبیب الله متوجه اردوی همایون شدند واعتماد کلی برالتفات واهتمام خدمت شمامی دارند التماس آنکه زیادت از آنچ متوقع و ملتمس ایشانست عنایت ورعایت نسبت بایشان بحصول انجامد زیراکه اهلیت واستحقاق ایشان ظاهر است توفیق رفیق باد
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۹

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعه اخلاص خواجه تاج الدین احمد رابارودی همایون آورده اند بجهت امری که بعرض شریف خواهد رسانید التماس آن می‌دارد که عنایت نموده التفات خاطر بجانب اودارند که بروی بخلاف شریعت مطهره تعدی نرودتوفیق رفیق بادم

برگ ۹ـب ،شماره رقعه ۷۰
برگ ۹ـب شماره رقعه ۷۱
برگ ۹ ـب شماره رقعه ۷۲
برگ ۹ـب شماره رقعه ۷۳

٤٠

بعد ازعرض نیازمعروض آنکه سوادنشان سیورغال مخدومزادگان این‌فقیر فرستاده‌شدا لتماس آنکه عنایت‌نموده‌التفات فرمایندتامهر کرده شودکه دیوانیان مضا یقه می کنند و اینجاتدارك آن‌نمیتوان کرد توفیق رفیق‌باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤١

بعد از عرض نیاز معروض آنکه حال‌رعایا شهر و بلوکات بواسطه حوالا-تی که نسبت بایشان واقع می شودبمقام اضطرار رسیده است ونزد یك است که سلسله زراعت وسایر احوال‌ایشان از انتظام بیفتد و این قصه بخدمت صاحب اعظم خواجه معین الد ین گفته شد ایشان از آنجا که مقام انصاف و نیکخواهی ایشانست نسبت‌با مسلمانان بسیار اظهار عجز و در ماندگی کردند و گفتند که مضطر وحیران مانده‌ام از اردو حوالات بسیار واقع و پیش رعایا چیزی باقی نیست‌هرچه بوده با ضعاف گرفته اند التما س آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایندکه در حوالات تخفیفی واقع شود که اگرچه بعض آنهارا ضروری‌اعتقاد دارند ترك تعدی بر مسلمانان از آن ضروری تراست‌حضرت حق سبحانه توفیق آنچه مصلحت دنیا و آخرت در آن باشدرفیق گرد اناد بمنه وجوده و السلام الفقیر عبد الرحمن الجامی

٤٢

بعد از عرض نیاز معروض آنکه چنانکه معلوم این فقیر شده است خدمت سیادت انتساب را در باره فقرا طلبه‌علم و رسانیدن وظایف ایشان سعی واهتمام بسیار ست باردوی همایون‌تشریف نموده اند شك نیست که بنظر عنایت ملحوظ خواهند شد تو فیق رفیق بادم
الفقیر عبد الرحمن الجامی

برگ ۹-ب شماره‌رقعه ٧٤
برگ ۹-ب-شماره رقعه ٧٥
برگ ۹-ب- شماره رقعه ٧٦

٤٣

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا امیر علی فقیر وعیالمندند و بتحصیل علوم مشغول اگر چنانچه عنایت نموده و جهی شود که بفراغ بال و جمعیت خاطر بتحصیل مشغول توانند بود امید است که موجب از دیاد دولت و سعادت دو جهانی گرددتوفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبد الرحمن الجامی

٤٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب اقضوی اعظمی را مهماتست که بعرض شریف خواهند رسانید التماس آنکه عنایت نموده چنانچه مقتضای مکارم اخلاق ومراسم اشفاق آن حضرتست اهتمام فرمایند که بکفایت انجامد توفیق رفیق باد.

٤٥

ازلطف تو تاواسطی سرخ قبا — شدقطره زن ازسه رومی ماه قفا
آورد کهرهای کرانمایه بما — ازلجه بحر لجی جودو عطا

• • •

فیاض کرم زفضل بی اندازه — انداخت زمقدمت بشهر آ وا زه
شدباغ مراد نامرادان خرم — شدشاخ امید ناامیدان تازه

چون قاصد خبرمستغنی از القاب معنی بودازتصدیع اطناب در معرض جواب برین چند کلمه اقتصار افتادآمال وامانی دوجهانی میسر بادوالسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤٦

ای لطف تو شادی دل غمزده گان — جمعیت وقت وقت برهم زدگان
ماتم زده گان این دیاریم ونکرد — غیراز توکسی پرسش ماتم زده گان

هرچندواقعه حضرت خواجه قدس سرد(۱)مصیبتی استعام متساوی النسبه بکافه انام شك نیست که تفقد فقیرانی که بدروغ یاراست دم اخلاصی می زد ه

برگ ۱۰ـ۱ـ شماره رقعه ۷۷
برگ ۱۰ـ۱ـ شماره رقعه ۷۸
برگ ۱۰ـاـ شماره رقعه ۷۹
(۱) قدس سری درحاشیه

اندودعوی اختصاص می کرده ازمقوله مکارم اخلاق وطریقه مراسم اشفاق خواهد بود عجب حالی که تا آمدن حاملی رقعه هیچ آفریده درین معنی لب تفقدی نجنبانیده وقدم ترددی نرنجانیده حق سبحانه وتعالی ملازمان ایشانرا روز بروز توفیق اقامت قواعد مروت واشا عت عوائد فتوت زیادت کرداناد والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤٧

بعداز رفع نیاز مرفوع آنکه عارضه که دررقعه شریف نوشته بودند بدان امتدا دواشتند ا دمعلم فقیران اینجائی نشده بود بحمدالله که بصحت پیوسته است وهیچ پریشانی نمانده است احوال اینجائی بخیر گذرانست وهیچ تفرقه جزواقعه فرزند خدمت مولانافقیه واقع نیست بروی ظلمی رفت که درین مدت برهیچکس نرفته است شاید که حامل رقعه وقوف داشته باشد بعرض برساند دولت وسعادت دوجهانی میسر باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤٨

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت سیدقطب الدین بواسطه تقصیری که درمدت سفردرملازمت واقع شده است اظهار تشویر و شرمندگی می کنند التماس آنکه عنایت نموده نظر لطف ازحال ایشان دریغ ندارندوبطریق معهود بحسن التفات محظوظ گردانندتوفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

٤٩

بعد از عرض نیاز معروض آنکه درسفر مبارك از خدمت خواجه شمس الدین علی اخلاق حمیده مشاهده افتاده به جهت جزوی مهمی که ظاهرا مصلحت مسلمانان درآن مینماید بسعادت زمین بوسی مشرف خواهد شد التماس آنکه در کفایت آن مهم التفات نمایند واهتمام فرمایندتوفیق رفیق بادوالسلام والاکرام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۰-ا- شماره رقعه ۸۰
برگ ۱۰-۱ ،شماره ۸۱
برگ ۱۰-۱ ،شماره رقعه ۸۲
برگ ۱۰-۱- شماره رقعه ۸۳

۵۰

بعد از عرض نیاز معروض آنکه خد مت سید خلیل‌الله بجهت مهمی بدان جانب تشریف حضور ار زانی داشته‌اند التماس آن میدارند که نسبت یا ایشان وسایر قرابتان وخویشان امری‌که مخالف شریعت مطهره باشد واقع نشود توفیق رفیق باد وسعادت زیادت‌واسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۵۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌مبلغ بیست هزار دینار کپکی درهمین سال‌بخدمت خواجه نورالدین اکر م‌حواله‌داشته گرفته بوده‌اند وجها ت وی‌بان مصروف‌شده‌وحالا مبلغی دیگرکه ادای آن‌مقدوروی نیست ازوی مطالبه مینمایند وتشدد می‌کنند و برخاطر ایشان پوشیده نخواهد بودکه وی ازسایر این طائفه باخلاق حمیده‌وافعال پسندیده‌ممتازاست اگرچنانچه عنایت نموده التفات نمایند که‌وی راازین ورطه نجاتی حاصل آیدازمکارم اخلاق ایشان دورنمینماید توفیق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۵۲

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت‌حافظ شمس‌الدین که کمال‌ایشان در حفظ قرآن وقرائت وتجوید آن ازآن‌ظاهر تراست که بشرح احتیاج افتد درگنبد مقبره مدرسه بیگم‌مصدر حفاظ اندامادرآن باب نشان همایون حاصل نکرده‌اند التماس‌آنکه‌عنایت‌نمود ه‌اهتمام فرمایندکه پروانه همایون صادرشود تاهیچکس رامجال‌مضایقه نماند توفیق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۵۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌سید خاونشاه پروانه همایو ن حاصل‌کرده‌اند که‌فرزند ایشان رااز‌بلغ بدین‌جانب‌روانه گردانندومتعلقان

برگ ۱۰ـ۱ـ شماره رقعه ۸۴

برگ ۱۰ـ۱ ،شماره رقعه ۸۵

برگ ۱۰ـب ،شماره

ایشانرا اطلاتعرض نکنند وهما نجابزراعت‌خودمشغول باشندوحالاالمتاس آن‌دارند که این پروانه نیز حاصل‌شود که هرچه بناوجه از فرزندایشان گرفته اند باز گردانند توقع آنکه اگراین پروانه حاصل شدنی است درآن باب اهتمام‌نمایندوالا اعلا م‌فرمایند توفیق‌رفیق بادم
الفقیر عبدالرحمن‌الجامی

٥٤

بعدازعرض نیازمعروض آنکه این‌فقیررا باخدمت‌استاد سلام آشنایی دیرینه است بجهت حضرت خلافت‌پناهی پوستینی دوخته اند می‌خواهند که بگذرانند التماس آنکه عنایت‌نموده‌اهتمام فرمایند شایدکه درمحل قبو ل واقع‌شود توفیق رفیق باد الفقیرعبدالرحمن الجامی

٥٥

بعد از عرض نیاز معروض آنکه خد مت مولوی نشانی داشته است اماکم کرده اما نقل دفتر دارد التماس انکه‌عنایت نمود اشارت رود که امضای نشان او بکنند که مردی فقیرو عزیزاست ودیر گاه است‌که درین ولایت سرگردآن است تا بولایت خود رجوع‌نموده بدعای دولت مشغول باشد توفیق رفیق باد

٥٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درویش عبد الکریم که خادم و خادم زاده مزار متبرك حضرت‌خواجه است قدس‌سره و صلاحیت تمام دارد وبتحصیل علوم مشغول است نذری که در پایان‌پای مرقد مطهر آن حضرت می داده‌اند بطریق ارث‌تعلق بایشان‌می دارد ودرآن باب نوشته ملازمان نیز دارد ودر ین ولا شخصی مزاحم میشود التماس‌آنکه عنایت نموده دفع مزاحمت آن شخصی بکنند تا بفراغ خاطر بتحصیل‌ودعاکویی مشغول تواند بود توفیق رفیق باد الفقیر عبد الرحمن الجامی

برگ ۱۰ـب، شماره‌رقعه ۸۷
برگ۱۰ـب، شماره‌رقعه ۸۸
برگ ۱۰ـب، شماره رقعه ۸۹
برگ ۱۰ـب، شماره رقعه ۹۰

۵۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌سیادت مآبی نقایت انتسابی باردوی همایون تشریف آورده بشرف ملاقات‌مشرف خـواهند شد شك نیـست كه نسبت بایشان چنان التفات واهتمام‌خواهد بود كه احتیاج بـفضولی این فقیر نباشد اما بنابر فرموده ایشان‌التماس می رود كه در مـصحتی كه بعرض‌رسانند اهتمام نمـایند توفیق‌رفیق باد والسلام

الفقیرعبد الرحمن الجامی

۵۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه غیاث الدین عزیمت اردوی هما یون کـرده بشـرف ملازمت مـشرف‌خواهند شدالتماس آنکه التفات خاطر خـطیـر از جانـب او دریـغ نـدارندودر مصلحتـی كه رجـوع بـملازمان اهتمام‌فرمایند وفیق‌رفیق باد والسلام الفقیرعبد الرحمن الجامی

۵۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا جـلال الدین یـوسف محـضری مخبر از استعداد واستحقاق وصلاحیت‌واهلیت ایشان كه بخطوط اكابر موـ شح است بدست دارند واظهار فقر واحتیاج می كنند اگر چنانچه عنایت نموده وجـهی شود کـه فارغ الـبال‌بتحصیل علوم نافعه مشغول باشـند مناسب ولایق مینماید توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیرعبد الرحمن الجامی

۶۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌مولوی مولانا سعید كه در لنگر حضر ت امیر غیاث می‌باشند مردم دانشمندوصالح اند از مناصب شرعیه هرچه بدیشان مفوض گردد از عهده آن كه‌اینبغی بیرون می‌توانند آمدهرامدادی كه در آن باب واقع شود در محل خواهد بود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیرعبد الرحمن الجامی

برگ ۱۰ــب، شماره رقعه ۹۱
برگ ۱۰ــب، شماره رقعه ۹۲
برگ ۱۰ــب، شماره رقعه ۹۳
برگ ۱۰ــب، شماره رقعه ۹۴

۶۱

بعد از عرض نیاز معروض آنکه حمزه‌نام شخصی با زوجه خود وشخصی دیگر که زوجه خودرا باو متهم داشته است ظلمی بغایت شنیع بتقدیم رسانیده است‌چنانکه محضری که بدست دارنده است بآن گویاست ومردم بسیار بآنچه در آن محضر نوشته اند اخبار می کند چنانکه درآن باب‌شبهه نمانده است اگر چنانچه عنایت نموده بغور آن برسند از طریق شفقت برمسلمانان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیرعبد الرحمن الجامی

۶۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا رئیس الدین که فضایل وکمالات ایشان چنان ظاهر است که ازشرح مستغنی است بآن جانب توجه نموده اند شك نیست که التفات‌واهتمام نسبت بایشان در آن مرتبه خواهد بود که بی‌آنکه فضولی‌وگستاخی این فقیررا مدخلی باشد بنظر عنایت ورعایت ملحوظ شوند لاجرم‌درآن باب اطناب نمی رود توفیق باد والسلام والاکرام الفقیرعبد الرحمن الجامی

۶۳

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه مولانالطیفی که از اولاد خدمت مولانا لطفی است بجهت مهمی باردوی همایون‌تشریف خواهدآورد اگرچنانچه عنایت نموده در کفایت مهموی اهتمام‌فرمایند از مکارم اخلاق ملازمان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیرعبد الرحمن الجامی

۶۴

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه دارنده مظلوم مینماید وتظلمی دارد اگرچنانچه عنایت نموده اصغافرمایندوبغور حال‌او پرسیندشك‌نیست که سبب‌مزید دولت وسعادت دوجهانی‌خواهد بودتوفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۰ـب، شماره رقعه ۹۵
برگ ۱۰ـب، شماره رقعه ۹۶
برگ ۱۰ـب، شماره رقعه ۹۷
برگ ۱۰ ـب‌رقعه ۹۸

۶۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت صاحب اعظم خواجه شمس الدین محمد گرشا سف بجهت نشان سلاطین گیلا ن که موعود بوده است انتظار بسیار بودند ومی برندوچون استمالت آن خانواده قدیم بسیاد مناسب مینماید اگرچنانچه عنایت نموده اهتمام فرمایند که آن وعده بوفا انجامد وخواجه مشارالیه زودتر بان جانب متوجه شوند ازمراسم اشفاق ومکارم اخلاق مستبعد نمینماید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۶۶

باسمه سبحانه

بعداز عرض نیاز مندی وشکستگی عرضه داشت آنکه دیرگاه است که خدمت امیر حیدر بجهت بعضی گستاخیها که بواسطه همصحبتان بدازوی صادرشده بود بموجب فرمان همایون درحبس مانده است وحالاچنان معلوم میشود که بسبب این ریاضت اضطراری وقت وی صافی گشته وازآن کردار ها پشیمان شده وازهم صحبتان بدنفوروددرصدد آنست که چون ویرا صورت استخلاصی حاصل آید استرضای خصوم بکند ومن بعد دربند خصومت هیچ مسلمان نباشد وامید واری بعنایت بی علت حضرت پروردگارچنانست که ویرا برین نیت وعزیمت مستقیم دارد وهمانا که خدمت امارت مآبی نیز معنی ملهم شده اند زیراکه بعضی ا زخواص ایشان ازاستراباد رقعه مبنی ازمیل ایشان باستخلاص وی نوشته اند اگرچنانچه عنایت نموده اشارت رودکه ویرا ازحبس بیرون آرندودرسلك سایر بندگان انخراط یابد از مقتضای عواطف پادشاهان دور نمینماید حق سبحانه وتعالی ظل رافت وسایه عاطفت آن حضرت رابرمفارق عالمیان پاینده داراد بمنه وجوده والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۱ــ۱، شماره رقعه ۹۹

برگ ۱۱ــ۱، رقعه ۱۰۰

75

عکس ۱۴ شماره دستخط ۲۱۷۸ ،صفحه ب۹ شماره نامه۷۵(۷۰)

٦٧

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت‌سیدزاده نشان سلاطین دارد که آبا و اجداد ایشان از ما سوای مال ولشکر معاف‌می بوده اندالتماس آنکه عنایت نموده وجهی شود که آن نشان‌بامضارسد تا بفراغ بال بوظیفه دعا گویی و خیر خواهی قیام تواندنمود توفیق رفیق باد والسلام

٦٨

بعداز عرض نیاز معروض آنکه امیرعلی سپاهی را گرفته در زندان کرده اند و جمعی مردم معتمد پای بر جای‌ضمان وکفیل وی می شوند التماس آن مینمایند که بعرض همایون رسانیده نوعی سازند که استخلاص یابند اگر چنانچه در آن باب سعی جمیل‌مبذول دارند شك نیست که مثاب وما جور باشند توفیق رفیق باد. الفقیرعبد الرحمن الجامی

٦٩

بعداز عرض نیاز معروض آنکه میگویند قریت به بیست سال است که دارند گان را بآن متهم می دارند درموضعی چیزی یافته‌اندو بارها تفحص کرد اند هیچ ظاهر نشده است وحالاباز ایشانرا بآن جهت گرفته اند و مزاحمت مینمایند التماس آنکه عنایت‌نمود التفات فرمایند که برایشان حیفی نرود توفیق رفیق باد والسلام الفقیرعبد الرحمن الجامی

٧٠

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده می گوید که پسر قاضی خواف بروی دعوی دارد التماس آن‌می داردکه معامله ایشان را قاضی دیگر پرسد نه پدروی اگر چنانچه التماس‌اورا مبذول دارند چون محل تهمت است حاکمند توفیق رفیق‌باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ١١ـا، شمداره رفعه ١٠١

برگ ١١ـا، شماره رقعه ١٠٢

برگ ١١ـا، رقعه ١٠٣

برگ ١١ـا رقعه ١٠٤

۷۱

بعد ازعرض نیاز معروض آنکه مولاناشیخ محمد نام عزیز یست که در ولا یت غرجستان می باشد و مردم ویرا بصلاح و تقوی تعریف می کنند و بمطالعه علوم مشغول می باشد بجهت‌مونت معاش‌یك جفت‌گاو زمین زراعت می کند التماس آن مینماید که عنایت نموده اشارت رود که چنانچه مقتضای شریعت مطهره است مال ازوی بجنس گیرند که در تحصیل زر بوی تفرقه می رسد اگرملتمس وی را مبذول دارند شك نیست که سرمایه سعادت دنیوی واخروی خواهد بود توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌مولوی اعظمی ادام الله تعالی فضائله بجهت مصلحتی که بسمع شریف‌خواهند رسانید باردوی همایون توجه نموده اند التماس آنکه عنایت نموده‌بهروجه که مصلحت دانند در امداد و اعانت ایشان اهتمام فرمایند و تجویز آن نکنند که نسبت بایشان امداد امری که خلاف شریعت مطهره باشدواقع شود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌شیرین بیك وشیخ در ویش که دار ند گان رقعه اخلاص اند از مخصوصان خدمت خواجه مولانا اند و همراه ایشان با کوچ بهم عزیمت سفر مبارك‌داشته اند وحالا بجهت عدم استطاعت در خراسان مانده اند نه استطاعت آن‌سفر دارند ونه قوت مراجعت التماس آنکه عنایت‌نموده التفات خاطر شریف‌از حال ایشان دریغ نفرمایند باشدکه بوطن مراجعت توانند نمود توفیق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۱ــا، رقعه ۱۰۵

برگ ۱۱ــا، رقعه ۱۰۶

برگ ۱۱ــا، رقعه ۱۰۷

۷٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه شب پنجشنبه ششم ذوالحجه خدمت شاطر رقعه شریف رسانیدند وبر مضمون آن اطلاع افتاد شکر بسیار بجای آور ده شد که اتفاق سفر نیفتاده بود واگر نه عزیمت بعد قضاالله آن بود که پیش از ماه ذوالحجه بهر حال که باشد بیرون آمده شود اما بحسب اتفاق چند کس در حوالی که فقیران می باشند مریض شدند چنانچه از بعضی امید مقطع شده بود اما بحمدالله که اکثررا مرض بصحت بدل شد وبعضی دیگررا جانب صحت غالب است ودر خاطر چنان می بود که نافی اجزاه نفحات چندی نوشته شده بود اما مقابله نیافته بود و دارنده مستعجل بوده بد چنانست که بعدازین حق سجانه و تعالی توفیق دهد که هر چه زودترسر انجام یابد توفیق رفیق باد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانازاده که بانواع فضایل وکمالات آراسته اند دیرگاهیست که ایشانرا باین فقیرالتفات خاطری هست حالا عزیمت اردوی همایون کرده بشرف ملازمت خواهند رسید التماس آنکه عنایت نموده نظر لطف ورعایت ازحال ایشان دریغ ندارند ودر مصلحتی که رجوع بملازمان نمایند فرمایند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷٦

چه نامه است این که گویی میم اوفاست یقین کزخلقت اوراحظ اوفاست
به ناف نافه زان رومشك باشد که روزی چند بااو مشك باشد

لله الحمدوالمنه که اراجیفی که باهوای مخالفان موافق بودمر تفع شدو اکاذیبی که بامراد موافقان مخالف می نمود مندفع گشت لایزال احوال ایشان ازموجبات تفرقه مصون بادواوقات باسباب جمعیت مقرون والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۱ــب، رقعه ۱۰۸
برگ۱۱ــب ،رقعه ۱۰۹
برگ۱۱ــب، رقعه ۱۱۰

۷۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مولاناعلاالدین عیسی برافعال گذشته اظهار ندامت میکنند ومیگویند عزیمت آن دارم که درآینده بامثال آن قیام ننمایم وآنرا تاکید بایمان مغلطه می کندا لتماس آن میدارد که آنرا من بعد بآن کار تکلیف نکنندو معاف دارند تو فیق رفیق بادوالسلام

* * *

دیگر التماس دارد که بعد از توبه ا زجرم وادای جرمانه ازجریمه اودر گذرند .(۱) الفقیر عبدالرحمن الجامی

۷۸

بعدازعرض نیازمعروض آنکه شاه خواجه وکیخسرو میرآخر بسیارست سلطانی رسیده اند پانزده فرزندمانده است که اکثر صغیرند ومیگویند ازاسباب معاش آنچه بوده است بعضی رابموجب حکم همایون وبعضی رابی حکم گرفته اندومحقر ملکی مانده است که توهم آن دارند که آن هم دیوانی است که توهم آن دارند که آن هم دیوانی شود التماس آنکه چون جمعی صغار درمیانند عنایت نموده ودولت خواهی حضرت خلافت پناهی مدالله تعالی ظلال معدلته (۲) کرده اهتمام فرمایند که حق ایشان ضایع نشود و التفات فرمایند که نشان همایون حاصل شود که آن ملك راهیچ کسی متصرف نشود وبایشان بازگذارند تا بمعاش خودصرف کنندوبدعای دولت مشغول باشند توفیق رفیق باد وسعادت زیادت والسلام

الفقیرعبدالرحمن الجامی

---

(۱)درحاشیه بزکر آمده

بر۱۱ ـب،رقعه ۱۱۱

(۲) مدالله .. در حاشیه ذکر شده

برگ ۱۱ـب، رقعه ۱۱۲

۷۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه بسیارمردم عزیز نیکویی خدمت‌احمد دفتردار می‌گویند وفرمان همایون صادرشده‌است که اورا بند کرده بار دوبرند وجهت‌آن‌معلوم نیست‌التماس آنکه خاطر شریف بجانب‌اودارند و نگذارند که بی‌موجبی تفرقه باحوال‌اوراه یابد وچون اعتماد تمام برمکارم اخلاق‌ایشان هست مبالغه نمی‌رودتوفیق‌رفیق بادوالسلام

الفقیرعبدالرحمن الجامی

۸۰

بعدازعرض نیازمعروض آنکه بعضی شرکاقریه کوسویه اتفاق نامه نوشته اندالتماس آن‌می‌دارند که‌عنایت‌نموده اشارت رودکه خدمت سیدامیران‌در آن‌قریه کلانتر باشدونگذارد که‌درمیان شرکاظلم وتعدی رودواگر ازظالمان وعوانان‌حیفی‌متوجه شود دفع‌کند توفیق‌رفیق‌باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸۱

بعدازعرض نیازمعروض آنکه خدمت‌مولوی اعظمی مولانانوربخشی که براهلیت واستحقاق خودمنصب‌احتساب ولایت‌تون‌را محضری طویل الذیل که بالقاب واسامی اکابرواصاغرآن‌ولایت موشح‌است بدست‌دارند و رقعه قاضی آنجانیز دران‌باب حاصل‌کرده‌اند باردوی همایون توجه نموده بشرف دستبوسی مشرف خواهدشدالتماس آنکه عنایت نموده التفات شریف‌ازحال ایشان دریغ ندارندوچون‌درآن‌مهم بملازمان رجوع‌نمایداهتمام تمام مبذول فرمایند توفیق‌رفیق‌باد وسعادت زیادت والسلام

الفقیرعبدالرحمن الجامی

برگ۱۱ ـب‌رقعه ۱۱۳

برگ۱۱ ـب،رقعه ۱۱۴

برگ۱۱ ـب‌رقعه ۱۱۵

۸۲

بعدازعرض نیازمعـروض آنـکـه حسن معاش خواجه مجدالدین محمـد نسبت بارعایا برخدمت شماظاهرخواهدبود (وچنین استماع) افتاده که درحین وحشتی که مردم شهررا بادیوانیـان بنابر تکلیفاتی که متحمل نبوده است واقع شده بعضی مردم شکرگذاری اومی کرده‌اند اگرچنانچه عنایت فرموده نوعی سازند که اورادر امور دیوانـی فی الجمله مدخلی باشدکه ازمظلو می دفع ظلمی تواند کـرداز مـکارم اخلاق ایشان دورنمی‌نما یدتوفیق رفیق باد .

الفقیرعبدالرحمن الجامی

۸۳

بعدازعرض نیاز معروض آنـکـه قنبرعلی نام شخصی است درمیان دلالان که بسیاری ازتاجران مقبول القـول بشرارت وبدنفسی اواخبار کرده اند واین فقیر نیز ازبعضی تهمتها که درحق مسلمانان کرده‌است وقوف دارد وبه تجدیدازوی درحق دارنده چنانکه بعرض خواهند رسید میگویند امـری واقع شده‌است که مشتمل است برانواع ناشایست التماس آنکه خالصا لوجه الله واستدامه الدولة الحضرة السلطانیه اعزالله تعالی انصاره (۱) نوعی سازند که دست وی ازمسلمانان کوتاه شودواز شروی ایمـن شوند توفـیق رفیق باد وسعادت زمادت الفقیرعبدالرحمن الجامی

۸٤

بعداز عرض نیازمعروض آنکه مدت حبس وقید خدمت سیدنصرالله کسکنی امداد تمام یافت هرچند جریمه ایشان عظیم بوده باشد اگرچنانچه عنایـت نموده شرف نسب ایشانرا ملاحظـــه فرمایند وخاطرشریف بر (آنمعـنـــی) گمارند که ایشانرا صورت (استخلاصی) حاصل شود ازمکارم اخلاق ومراسم اشفاق مستبعد نمینماید توفیـق رفیق بـاد وسعادت زیادت والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۱ ـب رقعه ۱۱٦
(۱) تذکر آن درحاشیه آمده
برگ ۱۱ـ۱ ،رقعه ۱۱۷
برگ ۱۲ـ۱ ،رقعه ۱۱۸

۸۵

بعدازعرض نیازمعروض آنکه خدمت‌مولانازاده که رافع‌رقعه اخلاص‌اند ازاوقاف محقروظیفه داشته‌و حالا آنرا بربسته اندومی گویند که مارا ازهیچ جهت مدخلی که معاش گذردنیست‌التماس آنکه عنایت نموده التفات ازحال ایشان‌دریغ ندارندودرمهمی که‌رجوع نمایند چون بوفق مصلحت باشداهتمام فرمایند توفیق‌رفیق‌باد وسعادت زیادت‌والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا برهان الدین ومولانا جلال الدین محمود مردم فقیر و غریب وصالح‌اند وبتحصیل مشغول اگر چنانچه عنایت نموده وجهی شود که ما یحتاج‌ضروری ایشان را از اوقاف بایشان برسانند از قاعده شفقت و مرحمت دور نمینماید توفیق رفیق‌باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸۷

بعداز رفع نیاز معروض آنکه در پانزدهم ما ربیع الآخر بجهت استدعا حضرت خواجه بجانب تاشکند توجه‌واقع شد همه یاران در ضمان صحت وسلامت‌اند امیداست که‌عن قریب‌مراجعت واقع شود. معذور دارند که این کتابت بر پشت اسپ واقع شده‌است توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۸۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولوی مردم عزیزاند و استحقاق تمام دارند جناب صدارت مآبی ایشانرا براوقاف محقر وظیفه نوشته است التماس آنکه عنایت نموده اهتمام‌فرمایند که آن محقر بایشان برسدکه بسیار در محل خواهدبود توفیق رفیق‌باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱۲ـ۱ ،رقعه ۱۱۹

برگ ۱۲ـا، رقعه ۱۲۰

برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲۱

برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲۲

۸۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده که مردی فقیرمی نماید مصلحتی بسمع شریف خواهد رسانید اگر چنانچه التفات نموده امداد فرمایند از مکارم اخلاق ایشان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹۰

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده تظلمی دارد التماس آنکه عنایت نموده التفات نمایند و بغور حال اواهتمام فرمایند توفیق رفیق بـاد و السلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹۱

بعد از رفع نیاز مندی مرفوع آنکه چون رقعه شریف مبنی از رسیدن مخادیم در کنف صحت و وسلامت بمقام معلوم رسید موجب بهجت وسرور فقیران گشت امیدست که بروجه احسن وطریق ایمن مراجعت نیز که اهم مطالب و اتم مآرب است مبسرگردد و آن بهجت و سرور مضاعف شود بمنه وجوده دولت دینی ودنیوی وسعادت صوری و معنوی محصل باد والسلام والا کرام

۹۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درویش محمد کفش دوزر ابقلابی گرفته مدتی است کـه حبس کرده اند ضعیفه داردوطفلی صغیر ودایما در مقام تضرع وتظلم اند عنایت نموده وجهی شود که اورا از آن کار توبه دهند وبآن طفل صغیر بخشیده آزادکنند امیدواری چنانست که سبب از دیاد دولت وسعادت دوجهانی باشدتوفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲۳
برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲٤
برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲۵
برگ ۱۲ـ۱، رقعه ۱۲٦

۹۳

بعداز عرض‌نیاز معروض آنکه جناب امارت مآب امیر مظفر برخدمت میرکی غضبی فرموده‌اند ووی‌محضری که دلالت برحسن معامله ومعاش‌اومیکند وخطوط بسیاری ا زمردم قهستان برانجانب فرستاده ملتمس آنکه عنایت فرموده وجهی‌شودکه بی وجه بروی حیف‌وتعدی نرود توفیق رفیق‌باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹٤

بعدازعرض نیاز معروض آنکه خدمت‌شیخ‌خطیب‌بآن‌جانب‌متوجه بودند باین‌چند کلمه گستاخی کرده‌شد وچون‌مهم ایشان معلوم ملازمانست در ان شروع‌نمیرود توفیق‌رفیق بادوالسلام والاکرام

۹۵

بنمود ابری‌زجانب دشت‌وبرفت بر(۱)تشنه لبان زدور بگذشت‌وبرفت
برگشت امید ماجگرسوختگان ناریخته نم‌زراه برگشت‌وبرفت

هرچندامید ناامیدان بحصول‌نرسیدومرادنامرادان بوصول نینجامید امید هست‌که هرچه‌مصلحت دینی ودنیوی‌انسان بآن منوط باشدوسعادت‌صوری ومعنوی انسان بدان مربوط بروجه اجمل‌وطریق اکمل میسرگردد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹٦

بعدازعرض‌نیاز معروض آنکه مزارعان بساکوه تظلم می‌نمایند که کاریزهای ایشان خشک‌شده‌است‌و درمحصولات ایشان نقصان بسیار واقع شده‌است التماس آنکه عنایت‌التفات‌خاطر شریف‌ازحال ایشان دریغ‌ندارند وتفحص فرموده‌نگذارند که برایشان‌حیفی رودتوفیق رفیق‌بادوالسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱۲ـ ۱،رقعه ۱۲۷
برگ۱۲ ـ۱،رقعه ۱۲۸
برگ۱۲ـب رقعه ۱۲۹
(۱) در خمسة المتحیرین نوایی در انستیتوی خاور شناسی ابوریحان بیرونی‌شماره۲۲٤۲ برگ٤٤ ـب(از) نوشته شده
برگ۱۲ ـب‌رقعه ۱۳۰

۹۷

بعد از عرض نیاز معروض آنکـه خدمت مخدومی اعظمی ادام الله فضائله سمامحمدا چون از سفر معلوم رسیده‌اندهیچ‌چیز همراه نداشته اند وآنچه اینجا داشته اند همه تلف شده است‌چنانکه معـلو م‌ایشان (خـواهد بود) التماس آنکه بعرض‌حضرت(خلافـت‌پناهی) ادام الله تعالی ظلال جلاله (۱) رسانیده نوعی سازند که ایشانرا در (خدمت) وتربیت مخدوم زاده عالمیان انبته الله نباتا حسناً (۲) بگذارند واز سفر معهود معاف دارند تابدعای دوام دولت‌فارغ البال‌مشغول‌باشند دولت‌وسعادت مستدام والسلام والاکرام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹۸

بعدازعرض نیاز معروض آنکه مصحف‌شریف که حضرت سلطنت شـعاری خلافت پناهی تحفه روضـه شریفه‌حضرت رسالت صلی‌الله علیه وسلم ساخته فرستاده بودند ز دست خـدایقلی درنواحـی تربت مقدسـه جـام رسیدوفرح وسرور تمام‌بخاطر فقیران‌رسانید حضرت حق سبحانه آنحضرت را از هرچه نباید نگاه دارد و از هرچه نشاید در پناه والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۹۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه عبدالرحمن که بشرف ملاقات مشرف خواهند شدمردم صالح‌بصلاح‌نفس وحسن معاش ایشان گواهی می دهند التمـاس آنکه عـنایت نـموده‌التفات از حال ایشان دریغ ندارندو در مصلحتی که بملا زمان رجوع نما. یند اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱) ـ (۲) در حاشیه آمده

برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳۱

برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳۲

برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳۳

۱۰۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خواجه فخرالدین می‌گوید که پدراورا بعدد نام بردار نوشته اند و او مدت دوماهیست که بسفر رفته است باآنکه استعداد واستطاعت آن هم نداردالتماس آنکه تفحص فرموده نوعی شودکه بروی حیفی نرود توفیق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۰۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌ضعیفه چند درد دل و تظلم می کنند که‌خاتون امیر خلیل جارچی رانوکران‌خدمت امیر مظفر گرفته اند التماس آنکه چون امیر خلیل بدستست عنایت نموده و جهی سازند که آن ضعیفه خلاص شود که گرفتن و نگاه‌داشتن او مناسب نمینماید توفیق رفیق باد ه

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۰۲

بعد از عرض نیاز معروض آنکه خدمت امیر ویس را بجهت آنکه بجریمه متهم شده محبوس داشته اندچند روز ست که متعلقان او تظلم بسیار میکنند که حال او باضطرارانجامیده است اگر چنانچه می دانند که جریمه او قابل عفواست عنایت‌نموده التفات فرمایند که اورا صورت استخلاصی حاصل شود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۰۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت سید زاده که رافع رقعه اخلاص اند به تحصیل مشغول‌می باشند وبسیارمستحق و محتاج اند واز او قاف محقر وظیفه می‌داشته اندواز تغلب مباشران اوقاف نمی رسد التماس آنکه نسبت سیادت واحتیاج واستحقاق‌ایشانرا ملاحظه فرموده نوعی‌سازنده که مقضی الوطر این‌سفر مراجعت نمایندوبدعای دوام دولت‌بفراغ بال‌اشتغال فرمایند توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳٤

برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳۵

برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳٦

برگ ۱۲،ب رقعه ۱۳۷

۱۰٤

بعدازعرض نیاز وافتقار معروض آنکه خدمت دیوانه هشیار استاد سی کله (؟) راالتماس آن دارندکه ایشانرا بکلانتر انقصبه که حل وعقد امور بدست ایشان است ودر قیامت ازراستی وناراستی دران مسئول خواهند شد سفارشی رودکه با ایشان بموجب راستی عمل نمایند وبرایشان تعدی نرود توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

در حاشیه نگاش یافته

اگرچنانچه نموده خدمت مولاناجمال الدین زید توفیقه درین معنی اهتمام فرمایند ازمکارم اخلاق ایشان دورنمی نمایدم

۱۰۵

بعدازعرض نیازمعروض آنکه خدمت سیادت مآبی نشانی حاصل کرده بوده اند که مایحتاج ایشانرا ازاوقاف مدرسه تومان آغا که در قصبه کوسویه است بدهند آن نشان غایب شده است ومتولیان درآن باب تعلل مینمایند التماس آن می دارند که عنایت نموده اهتمام واقع شودکه آنرا بدلی حاصل شود توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۰٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مخدوم زادگانرا داعیه چنانست که ازعید مراجعت نمایند التماس آنکه عنایت نموده التفات فرمایند واجازت رفتن ایشان حاصل کنند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۰۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه سادات عظام خدمت سیدشرف الدین وسید قطب الدین بجهت بعضی مهمات باردوی همایون تشریف خواهند داد التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطرخطیر (ازجانب) ایشان دریغ ندارند ومساعی جمیله مبذول داشته وجهی سازندکه مقضی المرام ومکفی المهام زودتر مراجعت نمایند توفیق رفیق بادوسعادت زیادت والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۲ـب رقعه ۱۳۸
برگ ۱۲ـب، رقعه ۱۳۹
برگ ۱۲ـب رقعه ۱٤۰
برگ ۱۳ ـ۱، رقعه ۱٤۱

۱۰۸

بعداز رفع نیاز معروض آنکـــه همگنانرا امیدواری بودکه چون خدمت خواجه سیف الدین مظفر بر وجهی معاش کرده که سبب معموری مواضع ورفا ـ هیت عجزه ورعایا بوده وکم تصرفـی اوظاهرست عنایت ومرحمت بندگـان حضرت نسبت باوظاهر گردد واکنون تحمیلی واقع شده است که مردم عزیـز میگویند ادای انمقدور اونیست واگر تخفیفی واقع نشود منجر به بی عر ضی خواهدشد وسبب نومیدی خـوا هـندگشت ملتمس آنکه عنایـت نـمو ده اهتمام بنوعی فرمایند که نتیجه آن بزودی بظهور رسد که یقین موجـب ازدیاد مواد دولت بنـدگان حضـرت خواهد بودتوفیق رفیق باد والسلام
الفقیرعبدالرحمن الجامی

۱۰۹

بعدازعرض نیاز معروض آنکـــه خدمت مولوی اعظمی بموجـب فرموده حضرت سلطنت شعاری ادام الله تعالی(۱)ملکه چند گاهی بمنصب شیخی مزار متبرك کارگاه اشـتغال نمـوده اند و بواسطه کارت توجه وتردد مردم متفرق معرف بآنجا تفرقه بسیار بحال ایـشان راه یافته ومی یابد وحالاخاطر بـــران آورده اندکه ایشانرا صورت استخلاصی حاصل شود التماس آنکه چون معلو م ایشان خواهد بودکه امثال این منصـب دومرتبه ایشان است التفات نمایندو درکفایت آنچه بعرض رسانند اهتمام فرمایند وپوشیده نخواهد بودکه ا ز مناصب شرعیه هرچه بایشان تفویـض یابد ازشان ایشان هست که از عـــهد ه آن کماینبغی بیرون آیند توفیق رفیق بادوالسلام

۱۱۰

بعداز عرض نـیاز معـــروض آنکه خدمت سید محمد مجذوب رادرراه بااین فقیرملاقات واقــع شـد بسفر مبارك اظهار رغبت تمام کردند وفرمودندکه از خدمت ایشان التماس کن که مهمات مراساخته زود روانه کنندکه می خواهـم زود ساختگی کنم وبقافله ملحق شوم صورت حال این بود که نوشته شـد اگرعنایت نموده هرچه صلاح بـاشد بتقدیم رسانند حاکمند توفیق رفیق باد والسلام الفقیرعبدالرحمن الجامی

برگ ۱۳ـ۱ ،رقعه ۱٤۲
(۱)ادام الله ..درحاشیه آمده
برگ۱۳ ـ۱، رقعه ۱٤۳
برگ ۱۳ب ـ۱، رقعه ۱٤٤

۱۱۱

بعدازعرض نیاز معروض آنکه نشانی که مضمون آن آنست که محقر مالی از اوقاف خانقاه شاه ابوالغیث قدس سرمعاف میداشته اند همراه خدمت استاد حاجی ابرقوهی بخدمت فرستاده شد التماس عنایت نموده التفات فرمایند که امضا کرده شود که آن تعلق به بندگی مخدومی شیخ ابوالخیر میدارد واین فقیررا نسبت بخدمت ایشان اخلاص واختصاص بسیاراست وشك نیست که همت شریف ایشانرا درمصالح دینی ودنیوی اثرهاخواهد بود توفیق رفیق باد

الفقیرعبدالرحمن الجامی

۱۱۲

بعدازعرض نیاز معروض آنکه درین مدت که خدمت خواجه کمال الدین مظفر وخواجه شمس الدین محمد بدیوان نشسته انداز مردم بسیار شکرگذاری ایشان استماع افتاده است ودر مقام رعایت جانب نموده اند عنایت فرموده جانب ایشانرا رعایت نمایند واگرخلاف واقعی بعرض همایون رسانیده باشند تدارك فرمایند توفیق رفیق باد . داعی مخلص عبدالرحمن الجامی

۱۱۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا جلال الدین محمود که رافع رفعه اخلاص اند مردم صالح وطالب علم و فقیر وغریب اند واز اوقاف محقر و ظیفه داشته اند که معاش بدان می گذرانیده اند وحالا آنرا باز گرفته اندوا یشان مضطر مانده اندالتماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که فقیرانی که فقرو استحقاق ایشان بسیار ظاهر است بلکه توان گفت که از ایشان هیچکس مستحق تر نیست محروم نمانند وحاصل اوقاف بغیر ایشان معروف نگردد توفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳ـ۱ رقعه ۱٤٥

برگ ۱۳ـ۱ رقعه ۱٤٦

برگ ۱۳ـ۱، رقعه ۱٤٧

۱۱٤

بعداز رفع نیاز معروض آنکه حال مخادیم ولایت جام بکمال اختلال رسیده است چنانکه معلوم ایشان نیز خواهد بود وهمانا که درین ولا رسد لشکر بآن ولایت رسانیده اند وایشانرا قطعا استطاعت آن نیست و پاری نه همین صورت واقع بوده بعرض همایون رسانیده بوده اند وایشانرا معا ف داشته امسال نیز امیدواری تمام دارند التماس آنکه عنایت نموده در آن باب التفات نمایند واهتمام فرمایند توفیق رفیق باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۱٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه ازمردم عزیز چنین استماع افتاده است که خدمت امیر علا الدین علی غوری باخلاق حمیده موصوف اند وباو صاف پسند یده معروف ولطف وانعام ایشان با آینده و رونده ولایت غرجستان عام التماس آنکه چون بدستبو سی شریف مشرف شوند عنایت والتفات از حال ایشان دریغ ندارند واگر صاحب غرضی نسبت بایشان سخنی گفته باشد یاگوید طریق احتیا ط رامرعی دارند که بی موجبی بی عرضی بایشان لاحق نشود که امثال این مردم درین روز گار نادر می باشد ورعا یت جانب ایشان موجب معموری ولا یتی می گردد دولت وسعادت زیادت وعنایت وتوفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۱٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت خواجه شمسی الدین محمد از قصبه فوشنج بشرف دستبوس مشرف خواهند شد التماس آنکه عنایت نمو ده تظلمی که بسمع شریف رسانند بغور آن برسند که خرابی بسیار با حوال ایشان راه یافته است ودر آن باب محضری بدست دارند توفیق رفیق باد والسلام

برگ ۱۳ـ۱، رقعه ۱٤۸
برگ ۱۳ـ رقعه ۱۵۰
برگ ۱۳ـب، رقعه ۱۵۱

۱۱۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درآن‌روز که فرمان همایون بنـام میرکی سمر قندی رسید تـفحص کـرده‌شدپانزده روز بود که وی از شهر سفر کرده بود و چنـین گفتند کـه والده‌همراه‌داشته وبجـا نـب قـبلـه متوجه بوده واین فقیر عزیمت شمرقتد جزم کرده وتوقف بآن جهت واقع است که یکد و اشتر از کسی گرفته شده است و وی بطلب شتر رفته و هنوز نیامده انـشا الله تـعالی چون بیاید توقفی واقع نخواهد شد توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۱۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌سیادت مآبی سعادت اکتسابی بشرف ملاقات مشرف خواهند (شد)وبعضـی‌مهمات بعرض شریف خواهند رسانید التماس آنکه حسب المقدور درکفایت‌آن سعی جمیل مبذول دارند که بـی شك وسیله نجات‌ورفع درجات خواهدبود توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۱۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا درویش عـلی رادر شـبرغا ن والده وخو یشان هستند بنیت صله‌رحم عزیمت آن جانب کـرده بشرف ملازمت خواهد رسید التماس آنکه درمصلحتی که بملازمان رجـوع نماید التفات نمایند واهتمام فرمایند توفیق‌رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌سیادت مآبی را مهمی است که بسمع شریف خواهند رسانید التماس آنکه عنایت نمـوده التفات شـریف دریغ ندارند ودر کفایت مصـلحت ایشان‌اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد

برگ ۱۳ـب، رقعه ۱۵۲
برگ ۱۳ـب، رقعه ۱۵۳
برگ ۱۳ـب، رقعه ۱۵٤

۱۲۱

بعداز عرض نیاز عرضه داشت آنکه خدمت خواجه جلال الدین جامی وبرا در ایشان خواجه عبداللطیف که ازاولاد بزر گوار حضرت شیخ الاسلام اند قدس الله تعالی سره (۱) وبصلاح وسداد موصوف اند وبتحصیل علوم مشغول و مشغوف بجهت فی‌الجمله قرضی که واقع شده اختلال تمام بحال ایشان راه یافته است‌اگرفرمان همایون نفاذ یابد که مدت سه سال مال جزوی زراعتی که دارندبجنس گیرند واخرا جات وعوار ضات را بد ستوری که معاف می داشته اند معاف دارند امیدست که قرض ایشان مودی شودو اختلال حال ایشان‌اصلاح بذیرد وسبب مزید دولت واز دیاد شوکت‌ملازمان گرددبمنه وجوده الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جماعت قصابان تظلمی دارند بسمع شریف‌خواهند رسانید اگر چنانچه عنایت نموده بغور حال ایشان برسند ونگذارند که برایشان تغلبی رودشك‌نیست که‌سبب مزیددولت وسعاد ت دوجهانی خواهند بودتوفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه صورت‌حال خدمت میرزامحمد عمرپیش خدمت‌شما ظاهر خواهد بودواضطراب‌واضطرار وجزع‌وفزع‌خدمت‌والده‌وسا ئرمتعلقان ایشان‌از ان‌ظاهرترهمکنان‌دست امیدواری دردامن حلم‌و برد باری حضرت خلافت شعاری زده‌استظهارتمام بحسن اهتمام خدمت‌شما دارند التماس‌آنکه عنایت نموده‌حسب‌المقد.وردررعایت جانب‌ایشان مساعی جمیله بتقدیم رسانند ودرآن‌که‌مهم ایشان‌درآن‌حضرت بوجه‌خیرگذرد التفا ت فرمایند حضرت حق‌سبحانه همه‌را برآن‌دارد که‌رضای اودرآنست وتوفیق خیرات ومبرات رفیق گرداند والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱) درحاشیه قدس .سه.

برگ ۱۳ ـب، رقعه ۱۵۵

برگ ۱۳ـب رقعه ۱۵٦

برگ ۱۳ـب رقعه ۱۵۷

۱۲٤

بعدازعرض نیاز معروض آنکه عزیزی دیگر مولاناشهاب‌الدین‌اسمعیل نام‌از جانب‌تبریز تشریف‌آورده اندبعزیمت تحصیل می‌خواستند که بجهت وظیفه که ازاوقاف‌مقررشود باآن جانب برسند اماضعفی داشتند اگرچنانچه عنایت‌نموده بجهت وی‌نیزچیزی تعیین‌فرمایند دور نمینماید توفیق رفیق‌باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی فقیر وغریب است و بتحصیل مشغول اگر چنانچه ازاوقاف‌محقر وظیفه که معاش‌تواندگذرانید تعیین یابد درمحل می‌نماید توفیق‌رفیق باد والسلام .

۱۲٦

بعدازعرض نیاز معروض (آنکه)جناب سیادت مآبی بجهت جزوی مهمی که بسمع شریف‌رسیده باشد می‌خواستند که باردوی همایون متوجه شوند اماچون توهم سرما وبارندگی بودواستعداد دفع آن‌نی‌یکی ازمتعلقان راهمراه خدمت‌مخدومی آصفی‌فرستادندامیدوار می‌باشند که بهروجه که مصلحت دانند امداد فرمایند وزودترمتعلق ایشان مراجعت‌کند توفیق‌رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۷

بعداز عرض‌نیاز معروض آنکه مردم صالح بصلاح‌خدمت‌مولاناعلاالدین که‌حامل رقعه اخلاص است گواهی‌می‌دهند همانا‌که شخصی‌وی راباآنکه درسرای‌او چیزی یافته‌است متهم‌می‌دارد التماس آنکه‌عنایت نموده التفات فرمایند که نشان همایون‌حاصل‌شودکه باوی بموجب شریعت مطهره عمل‌نمایند وتعدی نکنندتوفیق رفیق‌بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٤ـ۱ رقعه ۱٥۸
برگ۱٤ ـ۱رقعه ۱٥۹
برگ ۱٤ـ رقعه ۱٦۰
برگ۱٤ـ۱شماره رقعه ۱٦۱

۱۲۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جمعی کثیر ازفقرآ طلبه علم بآوا زه آنکه اسباب تحصیل درین دیار مهیاست ازاطراف وجوانب سرگردان شده‌اند وبفکر معاش درمانده وخدمت مولانا زین الدین علی ومولانا نظام الدین ازان جماعت انداگرچنانچه عنایت نموده وجهی شود که محقری که بآن معاش توانند گذرانید ازاوقاف تعیین یابد ازطریقه شفقت ومروت دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۲۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه حافظ صدرالدین محمد که رافع رقعه اخلاص است مردی صالح است عرضه داشتی دارد التماس آنکه عنایت نموده آنرا اصغا فرمایند وبغور او برسند ووجهی سازند که بروی حیف وتعدی نرود توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۰

معروض آنکه جوی مزاررا بجهت دیوار دارالنعیم نعمت آباد لازال معمورا الی یوم التنا مقداری بالاتر می بایست بردخدمت خواجه قطب الدین طاوس کرم نموده اهتمام بسیار فرمودند وجوی راازبالای باغ نظرگاه گذرانیدند بر وجهی که آب بسیار خوب بلکه بسیاروخوب می‌آید وفقیران مزار بسیار از آن منت‌دار شدند وحالا مدتیست که بجویی که موعود بود بجد وجهد تمام مشغول اندویکبار به بعضی ازممرهای آن جوی رسیده شد آثار جهارجوی که درایام سابق می‌کنده اندظاهرست اماهیچ یك بنهایت نرسیده وجویی که حالا کنده می‌شوداگرچه ازهمه بالاتراست ومشکل ترمی نماید اماامید چنانست که بحسن اهتمام خواجه مشارالیه بلکه به یمن التفات ارکان دولت عن قریب برموجب دلخواه جاری گرددحاصل آنکه درکندن جوی مزار اهتمام نمودند وفقرا مزاررا دسترس شکرگزاری آن نیست آنرا بالکلیه بلطف وعنایت ملازمان بازمی گذارند چون عطاازتست شکرش هم تو گوی والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٤ــ۱ رقعه ۱٦۲
برگ۱٤ــ۱رقعه ۱٦۳

۱۳۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه آسیاب قریه غشه آنچه ملك شرکا آن بوده اکثر آن تعلق بفقرأ سرمزار گرفته التماس انکه آنچه رسد آن آسیاب می شود از لشکر وغیره بآن جماعت حواله ندارند وبار فقیر آنرا بر گردن ایشان ننهند و اگر چیزی ضرورت افتد هم باین فقیران رجوع کنند امیدست که حضرت حق سبحانه وتعالی سهل گرداند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۲

بعد از عرض نیاز معروض آنکه چنین می گویند که خواجه شهاب الدین برادر مولاناعلی صانعی را هرگز در اموری که تعلق به برادر وی می داشته مدخلی نمی بوده بلکه در امور دیوانی مطلقا مدخل ننموده وچند گاهست که درزمره مخلصان و مریدان خدمت مولانا شمس الدین محمد تبادکانی مدظله درآمده است وبآن طائفه محبت تمام دارد اگرچنانچه عنایت نموده التفات خاطر شریف بجانب وی دارند تا بروی ظلم و تعدی نرود دور نمی نماید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت امیر قاسم که اهالی مدرسه ایشان بصلاح نفس و حسن معاش ایشان گواهی می دهند بعرض می رسانند که ایشانرا استعداد آنکه یراق سفربقدر ضرورت توانندکرد باقی نمانده است التماس آن می دارند که عنایت نموده وجهی شود که مرسوم ایشان بقدر کفاف حاصل گردد یا اجازت دهند تا بفراغ بال بدعا گویی مشغول باشند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۴ــ۱، رقعه ۱٦٥

برگ ۱۴ــ۱، شماره رقعه ۱٦٦

برگ ۱۴ــ۱، رقعه ۱٦٧

۱۳٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌حافظ جمال‌الدین‌مردم عزیزانند عرضه داشتی دارند می خواهند که بسمع‌همایون برسانند التماس آنکه‌عنایت نموده التفات از حال ایشان دریغ‌ندارند ودر مصلحتی که رجوع نمایند اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت امیر جان احمد از هر ناملایمی که در گذشته ازیشان واقع شده اظهارندامت و توبه می کنند ومی گویند من بعدامثال‌آن‌واقع‌نخواهد شدالتماس‌آن‌میدارد که‌عنایت نموده‌التفات خاطر شریف‌ازحال اودریغ ندارند ودرمصلحتی که‌رجوع بملازمان نماید اهتمام فرمایندتوفیق‌رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳٦

بعدازعرض نیاز معروض آنکه‌خدمت امیربهلول التماس آن‌می‌دارد که‌التفات خاطرشریف شامل‌حال‌اودارند وچون‌در مصلحتی‌رجوع‌بملازمان نماید اهتمام فرمایند اگر چنانچه ملتمس اورامبذول دارند حاکمند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۷

بعدرفع‌سلام وسوق‌کلام * دربیان‌کمال‌شوق وغرام‌مرفوع آنکه اعتقاد آنست‌که اعتناواهتمام خدمت شمابجناب سیادت مآبی ازان بیشترخواهد بودکه بفضولی‌این‌فقیر احتیاج افتداامابنابر فرموده ایشان‌التماس‌می‌رود که‌التفات ازحال ایشان دریغ‌نفرمایندودررعایت ایشان اهتمام نمایندتوفیق رفیق‌باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٤ـ۱، رقعه ۱٦۸
برگ ۱٤ـ۱ ،رقعه ۱٦۹
برگ‌۱٤ـ۱ رقعه ۱۷۰
برگ‌۱٤ـب رقعه ۱۷۱

۱۳۸

بعداز عرض نیازمعروض آنکه حضرت‌خلافت پناهی خلدت دولته
دراندەرا مبلغ پاصدد ینارعنایت‌فرمایندبعداز عرض نیاز معروض آنکه حضر
ت خلافت پناهی خلدت دولته دارنده‌را مبلغ پانصد دینار عنایت فرموده
اندو همراهان اومستعجل اندالتما س آنکه کرم نموده وجهی سازند که آن
زور تر برسد تااز همراهان باز نماندتوفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۳۹

بعداز عرض‌نیاز معروض‌آنکه دارنده‌تظلمی دارد التماس آنکه گوش فرا
سخن او داشته بغور حال او برسندکه اظهار عجز ودر ماندگی بسیار
میکند توفیق رفیق باد

۱٤۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌سید محمد مجذوب بدست دارنده
دیوانه چولی نشانی فرستاده‌اند والتماس امضامی نمایند اگر چنانچه
اهتمام شریف درآن باب مبذول دارندشك نیست که موجب ازد یاد دولت
وسعادت دارین خواهد بود توفیق‌رفیق باد وسعادت زیادت والسلام

۱٤۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه ضعیفه دارنده را در وقت غارت بدخشان
لشکریان امیر مزید اسیر کرده برده‌اند و حالا خلاص یافته اما فرزند وی
همچنان گرفتارست التماس عنایت‌نموده وجهی شود که فرزند وی نیز
خلاص‌شود توفیق‌رفیق باد والسلا م الفقیر عبدالرحمن الجامی

می‌گویند گواهان داریم بران که حرالاصل اند . (۱)

برگ ١٤ــب، رقعه ۱۷۲
برگ ١٤ــب، رقعه ۱۷۳
برگ ١٤ــب، رقعه ۱۷٤
برگ ١٤ــب، رقعه ۱۷۵
۱ــ در حاشیه یاد شده

۱٤۲

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده مردی فقیرست از ولایت جام می گوید که آنجا بروی حیف وتعدی‌رفته است التماس آنکه عنایت نموده بخوراو برسند واشارت نافذ گردانندکه اگر کسی بروی ظلمی کرده باشد تلافی نمایند توفیق رفیق باد .

۱٤۳

بعداز عرض نیاز معروض‌آنکه دارنده شیخ احمد (را) نام بردار نوشته اند و مردم صالح گواهی می دهند که او را استطاعت آن نیست التماس آنکه عنایت نموده تفحص فرمایند که بروی حیف‌وتعدی نرودتوفیق‌رفیق باد

۱٤٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌پهلوان شمعون از رعایت و عنایت ملازمان شما شکر گذاری بسیار می‌کنند و بدان طالب مزید التفات و وا هتمام از حام اود ریغ ندار ندودروا هتمام از حال اود ریغ بدارندو در مصلحتی که رجوع نماید اهتمام‌فرمایند توفیق رفیق باد

۱٤۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درنده‌می کوید که مصحفی بخط حضرت امیر المو منین علی رضی الله تعالی‌عنه در مجلس همایون گذرانیده است وحالا آن مصحف موجود است التماس‌آنکه عنایت نموده وجهی شود که نسبت یوی شفقت ورعایتی‌واقع شود وبالکلیه محروم نشود والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٤ـب، رقعه ۱۷٦

برگ ۱٤ـب، شماره رقعه ۱۷۷

برگ ۱٤ـب، رقعه ۱۷۸

برگ ۱٤ ـب، رقعه ۱۷۹

١٤٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌امیرابومسلم که در آن سفر که استقبال می کرده‌اند خواجه قوام‌الدین سمنانی باایشان همراه بوده است التجا بخدمت شماآورده‌اند التماس آنکه چون بسیار محجوب ومتوهم اند چون سایر گناه کاران ایشانراایمن گردانند ودر آن حضرت بگذرا نندوعنایت دریغ نفرمایند توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

١٤٧

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعه اخلاص بزیارت‌حرمین شریفین زادهما‌الله تشریفا موفق‌شده‌اند می‌خواهند کلمه چندبسمع شریف برسانند التماس آنکه عنایت‌نموده اصغا نمایند وبهرچه مصلحت دانند اشارت فرمایند توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

١٤٨

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مهتر محمدچله سرایی که متروکه خدمت مولانا جعفرخطاط بوده بتغلب گرفته است باوجود آنکه ورقه مولانا مشار الیه سجل قاضی بدست دارندوپروانه همایون نیز صادر شده است که آن سرای را بورثه مذکور بازگذارد و مادام که بحسب شرع اثبات نکند مزاحم نگردد التماس آنکه عنا. یت نموده اهتمام نمایند که حق در مرکز قرار گیرد توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

١٤٩

خدمت امیر سید محمد امیر هاشم که بدان جانب تشریف آورده اند فرزند ارجمند ایشان وسایر متعلقان دیده‌انتظار برراه دارند التماس آنکه عنا یت نموده زودتر نوعی سازند که مراجعت فرمایند و درکفایت مهمات ایشا ن آنچه در وقت گخبه اهتمام نمایندوالسلام .

برگ ١٤ـب، رقعه ١٨٠
برگ ١٤ ـب‌رقعه ١٨١
برگ ١٤ـب، رقعه ١٨٢
برگ ١٤ـب، رقعه ٨١٣

۱۵۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌تظلمی دارد التماس آنکه گوش فرا سخن او کرده (بغور) او برسندونگذارند که برو تعدی رود توفیق رفیق باد والسلام .
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۵۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌مولانا محمود طالب علم صالح فقیر است اگر عنایت نموده اورا (از) اوقاف محظوظ گردانند ازطریقه شفقت و مرحمت دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام .

۱۵۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت خواجه جلال الدین محمودعرضه داشتی دارد بسمع‌شریف خواهدرسانید التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف دریغ ندارندواهتمام فرمایندتوفیق رفیق بادوالسلام

۱۵۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان مردم‌رعیت اندوتظلمی‌دارند التماس آنکه عنایت نموده تظلم‌ایشانرااستماع فرموده بهرچه مصلحت دانند اشارت فرمایند توفیق‌رفیق باد

۱۵٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده‌می‌گوید که خدمت سیدنصرالله سبزواری راقیدکرده‌اند بجهت‌حکایتی‌که درحق ایشان می‌گفته اندالتماس آنکه عنایت نموده وجهی سازند که بخلاف‌شریعت مطهره برهیچکس‌حیفی نرود توفیق رفیق باد والسلام

برگ ١٤ـب، رقعه ١٨٤
برگ ١٤ـب رقعه ١٨٥
برگ ١٤ ـب‌رقعه ١٨٦
برگ ١٤ـب‌رقعه ١٨٧
برگ ١٤ـب رقعه ١٨٨

۱۵۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان اتفاق نامه ازرعایای قریه کوسویه بدست دارند که خدمت خواجه عبدالرحمن که پدران وی‌دران قریه همیشه کلانتر می‌بود اند وبکفایت مهمات رعایا قیام می‌نمودند منصب پدران وی بوی تعلق گیردوبکفایت مهمات ایشان قیام نماید تارعایا بفراغ بال بزراعت مشغول توانند بودالتماس آنکه چون مصلحت رعایادران مینماید عنایت نموده دران باب اهتمام فرمابیندالفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۵٦

بساط زرکش شاهی چه نقش‌هادارد تن برهنه مانقش بوریا دارد
بکش‌زنطع امل پاکزین عمل عیسی زکرد بالش خورشید متکا دارد
بدست راحت اقبال‌دهر غره‌مشو، که زخم سلی اوبار درقفا دارد
کسی‌که برمحك همتش بود زرومس بیك‌عیار چه حاجت یکیمیا دارد
بسنك‌سرنه وآسوده زی‌زدرد سری که بهر تاج کران سنك‌پادشادارد
حضوردل که شه از ملك مال جست‌ونیافت
بکنج مصطبه بی جست وجو گدا دارد
بپشت پا زده جامی دو کو نراوهنوز
ز فقرچشم‌خجالت به پشت پا دارد

۱۵۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه می‌گویند بدرالدین رابعلت سمرقندی‌گری گرفته اندوجماعتی‌معتمدضمان‌وی می‌شوند ازخدمت شما التماس آن میدارندکه عنایت نموده دراستخلاص وی‌اهتمام فرمایند والتفات دریغ ندارند رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱٤ ــب رقعه ۱۹۰
برگ۱٤ ــب‌رقعه ۱۹۱

۱۵۸

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده پهلوان شمس بیـشتر عسی می بوده‌وحالا قباحت آن‌شغل بروی ظاهرشده ترك آن کرده التماس آنکه عنا یت نموده اشارت رود که هیجکس‌اورا‌بآن تکیف نکند تابفراغ بال بکسبی حلال که معاش او بآن گذرد مشغول‌باشد توفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۵۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه چون‌این فقیران بولایت سبزوار رسیدند خدمت خواجه کمال الدین‌حسن حمعان(؟) نسبت بـایشان وظـایف مروت و آدمی گری بجایی آوردند وچند پیاده‌همراه ایشان ساختند تا ایـشانرا از مواضع مخوف گـذرا نیدند الـتماس‌آنکه عنایت نموده‌التفات خاطرشریف از حال ایشان دریغ نـدارند وسایه‌عاطفت شامل احوال ایشان گـردانند شاید که بعضی از حقوق ایشان مودی‌گردد توفیق رفیق باد ـ
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٦۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه جماعت‌موالی در بعضی از مدارس بمطالعه مشغول بوده‌اند وبموجب شرط واقف‌عمل نموده و مـی کویند کـه آنچه بشرط واقف استحقاق آن دارند بایشان نمی رسانند اگر چـنانچه عنا یت نموده وجهی شود که بر ایشان‌حیفی نرود بسیـار در محل میـنماید توفیق رفیق باد والسلام .

۱٦۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه سیدزاده محمد قاسم نام از بلخ آورده‌اند وحبس کرده اند رقـعه بدین فقـیرنوشته وبروح حضرت رسالت صلی الله علیه وسلم سوگند داده که وجهی سازند که بعرض همایون رسا‐

برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۲
برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۳
برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹٤

نیده شود وسبب استخلاص وی کردد التماس آنکه چون سوگندی عظیم داده است عنایت نموده نوعی سازند که خلاص شود که جمعی دیکررا که با او همراه آورده بوده‌اند خلاص شده‌اند و او ازین معنی بسیار متالم است توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۶۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده محمود بیر که درده خود باعانت مشغول است مردم نیك می گویند که ویرا چندان جهت دنیوی نیست که از عهده مدی نامبر دار بیرون تواند آمد التماس آنکه عنایت نموده وجهی شود که ویرا باین علت مزاحم نشوند توفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۶۳

بعداز عرض نیاز معروض می کردد که آنچه در رفعه اخیر فرموده بودند عین مصلحت در محض صواب بود امادر رقعهای حضرت خواجه که عنایت نموده باین فقیر نوشته اند بتکراراشعار بآنکه خاطر شریف ایشانرا برفتن فقیر بآن جانب التفات تامی هست واقع شده است واین فقیر نیز در مقابله آن آنچه مشعر باین معنی بوده عرضه داشت ملازمان ایشان کرده بیش ازین تاخیر کردن مفضی بتوهم تکاسل وتساهل میگردد ومقصود این فقیر از رقعه که بآن مصدع شده بود آن بود که صدق وکذب اخبار اراجیف گویان که ملایم سفر بآن جانب نمی‌نمود معلوم شود الحمد لله که همه غیر واقع بوده است عزیمت حرکت بیش از عید بعد قضاء الله تعالی رفته شود اکر چنانچه بیش از رسیدن این فقیر استجازه این معنی می باید کرد کرم نمایند والا بوقت ملاقات گذارند توفیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

از کتاب نفحات الانس بجهت بعضی موانع که کاتب را بود آن مقدار که توان فرستاد تکمیل نیافته بود امابعد ازین بقدر وسع اشتغال بآن واقع خواهد شود انشاءالله تعالی م (۱)

برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۵
برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۲
برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۷
(۱) در حاشیه آمده

۱٦٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مردم‌صالح بنیکوئـی خدمت خـواجه زین العابدین گواهی می‌دهند التماس آنکه عنایت نموده التفات از حال ایشان دریغ ندارند و اگر اهتمام فرمایندکه ایشانرا از عملهای دیوانی معـذور دارند تا بفراغ خاطر بکشت وزراعت‌اشتغال نموده دعای دولت روز افزون گویند از مـکارم اخلاق ایشـان دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام وا لاکرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٦٥

بعداز عرض نیازمعروض آنـکـه‌مولانا حسین نشاپوری راباوجود فقر واحتیاج تمام مرضی واقع بوده‌اسـت‌چنین می‌گویند که‌وعده رفته بود ه است‌که‌اورا ازخانقاه میرزا مبلغ‌دوا شرفی بدهند اگرچنانچه فقرواحتیـاج اوراملاحظ فرموده‌وعده وفاشود دو رنمینماید توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٦٦

بعداز عرض نیازمعروض آنـکـه‌خدمت بیکه بیگیم ازولایت فراه‌رقعه نوشته بودند وازخـدمـت شماالتماس‌عنایت ورعایت کرده‌اگر چنانچـــه ملتمس ایشانرا مبذول دارند ازعموم‌لطف ورافت وکمال شفقت وعاطـفـت دور نمی‌نماید توفیق رفیق‌بادوالسلام‌والاکرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٦٧

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه‌دارنده بران شخص که‌متهم است‌کـه داماد اورا کشته است یك‌گواه‌گذرانید است‌وحالامی خواهد که‌گواه دیگر گذراند می‌گوید که‌جمعی بحمایت آن‌شخص‌بدار القضا حاضرمی‌شـوند و گواهانرا تهدید می‌دهند التماس آنکه‌عنایت نموده نگذارند که‌کسی حمایت کند تامعاطه ایشان بموجب شریعـت‌بقطع رسد توفیق رفیق‌باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۵ـ۱، رقعه ۱۹۸
برگ ۱۵ـ۱ ،رقعه ۱۹۹
برگ‌۱۵ ـ۱ رقعه ۲۰۰
برگ ۱۵ـ۱ ،رقعه ۲۰۱

۱٦۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مخادیم ازفرزندان خدمت‌شیخ‌الاسلامی شیخ حافظ عمروردهی اند قدس سره‌می‌خواهند که بخدمت ایشان ملاقات نموده فاتحه خوانند ودعایی گویندا گردرآن باب‌اهتمام فرمایند حاکمند توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱٦۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه برحامل رقعه خواجه قاسم حیفی‌رفته است التماس آنکه عنایت نموده‌التفات‌شریف ازحال اودریغ ندارند ودر مصلحتی که رجوع نماید اهتمام‌فرمایندتوفیق رفیق بادم

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت خواجه زاده اعظم خواجه‌قاسم بشرف دسبوسی مشرف خواهند شدالتماس آنکه عنایت وشفقت دریغ ندارند ودرمصلحتی که بملازمان‌رجوع‌نماید سعی جمیل مبذول‌دارند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت سید زادها درین دیار غریب اندوفقر واحتیاج تمام دارندو بتحصیل‌مشغول شده‌اندا گرچنانچه عنایت‌نموده وجهی شود که ایشانرا ازاوقاف چیزی‌بدهند که بآن معاش توانند گذرانید شك‌نیست که‌سبب مزید سعادت‌دوجهانی خواهد بود والسلام‌والاکرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۲

بعداز عرض نیازمعروض آنکه‌خدمت خواجه معین الدین محمدکه در سفرمبارك‌شرف موافقت ایشان دست‌داده بودبآن جانب‌متوجه بودندباین دوسه کلمه گستاخی کرده‌شد دولت‌وسعادت لایزال لازم‌وقت ورفیق حال باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱۵ـ۱ ،رقعه ۲۰۲
برگ ۱۵ـ۱ رقعه ۲۰۳
برگ۱۵ ـب‌رقعه ۲۰٤
برگ۱۵ـ ب ،رقعه ۲۰۵
برگ۱۵ـب‌رقعه ۲۰٦

۱۷۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه احوال‌دعا گویان اینجایی موجب خیر گذرانست‌امیدواری بعنایت بی علت‌حضرت حق‌سبحانه وتعالی آنست که هرروز جمعیت صوری ومعنوی ایشان‌درترقی وتزاید باشد چون‌خدمت خواجه شمس الدین‌محمدمتوجه بودندباین‌کلبه گستاخی رفت توفیق‌رفیق باد
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی اعظمی بانواع فضائل وکمالات متحلی اند وشرف خدمت وصحبت حضرت خواجه نیز دریافته اند ایشانرا جزوی مهمی‌است‌که بعرض‌خواهند رسانید التماس آنکه عنایت نموده درکفایت آن‌اهتمام فرمایندونشانی که در بایست باشدبیکی از ملازمان اشادت فرمایندکه تکمیل آن بکنند که ایشانرااستطاعت تکمیل آن نیست توفیق رفیق‌باد والسلام.
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۵

بعداز عرض نیازمعروض آنکه بعضی ازمردم کراسان بعرض شریف رسانیده بودندکه مقداری‌زمین خالصه است ومیخواهند که آنجا مسجدی بنا کنند وایشانرا وعده کرده بوده‌اندکه بعضی ازملازمان آن‌حضرت متصدی عمارت‌آن خواهند شدحالاآن جماعت‌می‌گویند که وقت عمارت می‌گذرد التماس آنکه عنایت نموده بهرچه مصلحت دانند اشارت فرمایندتوفیق رفیق باد

۱۷٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه شهاب الدین اسحاق بآنجانب توجه نموده بشرف دستبوس مشرف‌خواهند شد امیدست که فقیران اینجا بی بوسیله ایشان ملتفت خاطرعاطرعزیزان شوند سعادت دوجهانی میسر باد والسلام والاکرام.
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۵ـب ،رقعه ۲۰۷
برگ ۱۵ـب‌رقعه ۲۰۸
برگ ۱۵ـب ،رقعه ۲۰۹
برگ ۱۵ـب، رقعه ۲۱۰

۱۷۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌سیادت مآبی سعادت اکتسابی بآن جانب تشریف آورده بعضی مهمات بسمع شریف خواهند رسانید که در آنجاحق بجانب‌ایشان مینماید ودران باب سند های قوی بدست دارند اگر چنانچه عنایت‌نموده التفات فرمایند که حق درمرکز خود قرار یابد از طریقه شفقت وخیرخواهی ایشان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه بعضی‌از طلبه علم که در قریه کوسویه بتحصیل مشغول اندمی گویند که‌مدتی است که در مدرسه مذکوره بتحصیل و تدریسی مشغول اند ومدرس وطلبه را وظیفه معتدبهانرسیده است باوجود آنکه‌حاصل بسیاراست التماس آن میدارند که عنایت نموده اشارت رود که‌امینی براستی‌تفحص فرماید باشدکه وظیفه ایشان برسد توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۷۹

خدمت مولوی بتحصیل مشغول اند وفقر و احتیاج تمام دارند اگر چنانچه عنایت نموده اهتمام فرمایند واشارت‌نمایند که ایشانرا ازاو قاف محظوظ گردانند از مکارم اخلاق ومراهم‌اشفاق ور نمینماید توفیق رفیق بادوالسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه شخصی‌نسبت بر برادر دارنده رقعه نیاز امری باز نموده است که می گویندخلاف واقع است التماس آنکه عنایت نموده و تفحص فرموده نوعی سازندکه برهیچ کسی حیف وتعدی نرود توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۱
برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۲
برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۳
برگ ۱۵ــب، رقعه ۲۱۴

۱۸۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خواجه عبدالاحد رابا شخصی دعویـی است شرعی وبدار القـضا حاضر نمیـشودالتماس آنکه عنایت نـموده اشارت رود که انقیاد شـریعت کنـد وبدارالقضا حاضر شـود توفیق رفیـق باد
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌سیادت مآب سـید معز الدیـن را از ولایت گناباد بعضی موء اخذات دیو انی طلب‌دا شته اند مردم‌عزیز نیکو- یی او میگویند التماس آنکه التفات‌خاطر شریف بجانب ایشان دارند که بر ایشان حیف وتعدی نـرود توفیق‌رفیق باد والسلام .
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۳

وفقهم الله تعالی لمایحب ویرضـی‌چون‌جناب سیادت‌مآبی سعادت اکتسا بی بآن صوب تـوجه نموده بـودندباین دعای مقرون باخـلاص مشحون باختصاص خودرا بخاطر شریف داده‌گستاخی واقع شد والدعآ معاوالسلام والا کرام .
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸٤

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه‌چنین استماع‌افتاد کـه بعـضی مردم نسبت بخدمت مولانا صانعی سخنا ن‌میگویند التماس خاطرشریف بجانـب اودارند واگر سببی مجدد واقع‌شـده‌باشد احوال گذشته راسبب نسا زد که آن‌امری بود عام‌وخصوصیت‌بهیـچ‌کسی‌نداشت توفیق رفیق باد
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۵ـب، رقعه ۲۱۵
برگ ۱۵ـب، رقعه ۲۱۶
برگ ۱۵ـب، رقعه ۲۱۷
برگ۱۵ـب‌رقعه ۲۱۸

۱۸۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولاناشیخ محمد ومولاناسعید مردم فقیر وغریب‌اند و به نیت تحصیل آمده‌اند وازجهت معاش(احتیاج)تمام دارند اگرچنانچه عنایت نموده‌وجهی‌شودکه ایشانرا سدجوعی ازاوقاف میسرگردد بسیار درمحل مینمایدتوفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا شیخ ابوسعید مجلدجلدی ظفر نامه ساخته بوده‌اند وازآنچه‌مقرر شده‌بوده چیزی باقی مانده است التماس‌آن میدارد که‌عنایت نموده‌التفات فرمایند که‌آن بقیه واصل‌شود که احتیاج تمام دارند والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۷

بعدازعرض نیاز معروض آنکه دارنده‌مردی فقیرست وازمهتر احمد رکابدار حمامی باجارت‌گرفته بود ه‌است یکساله وبدل اجارت رسانده وحالاازمدت اجارت‌وی یکماه گذشته‌ودارنده میگوید که بدان مبلغ‌که باجارت گرفته بودم زیان‌میکند مهترمذکور نه‌ازبدل اجارت چیزی‌کم‌میکند ونه حمام راباز ومیگیرد ووی راتکلیف‌میکند که بدل اجارت رابهمان مبلغ جواب گوی التماس آنکه عنایت‌نموده‌التفات فرمایند که‌این فقیر ازتغلب وی خلاص یابد توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

این‌فقیررا باین شخص‌نوع اختصاصی هست‌اگرچنانچه‌درین باب‌اهتمام نمایند منت عظیم خواهد بود (۱)

برگ۱۵ ـب‌رقعه ۲۱۹

برگ ۱٦ ـ۱،رقعه ۲۲۰

برگ ۱٦ـ۱ ،رقعه ۲۲۱

(۱) درحاشیه آمده

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت شیخ الاسلامی ملاذالانامی بعزیمت اردوی همایون بیرون آمده بودند چون خبر الطافی که نسبت بایشان واقع شده بود رسیدآن‌عزیمت‌درتوقف افتاد التماس آنکه دراتمام لطفی‌که کرده‌اند ودرایجاد وعده که‌ارموده‌اند اهتمام نمایند که تفرقه وتشویش ایشان تابحدی است که درحیز تحریر وتقریر نمی گنجد دولت وسعادت دوجهانی میسر بادوالسلا موالاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۸۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآبی امیر نورالدین محمد قناد راپیش ملك‌اسکندر فراهی‌مبلغی بوده است‌وآنرا بوکیل خود شیخ احمد حواله داشته بوده استکه از محصولات مزارع وی‌ادانماید ودرین چند سال بواسطه تفرقهاییکه بوده‌است میسر نشده است‌وخدمت سید مشارالیه دارنده رقعه نیاز(مولانا) حسن را همراه شیخ احمد مذکور باردوی همایون فرستاده اندالتماس عنایت نموده اهتمام‌فرمایند که فرمان جهان‌مطاع حاصل شود که ارباب تغلب دست‌از (آن)مزارع باز دارند وقرض‌خدمت سیدمذکور راادانمایند که درین مدت اختلال بسیار باحوال ایشان راه یافته است وبدان‌وجه احتیاج تمام دارند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

دیگر معروض آنکه خدمت‌سیدمذکور راقرضی واقع است ووجه آن غیرازین مبلغ مذکور چیزی دیگرنیست مقصود آنکه المتفات دریغ نفرمایند (۱) م

برگ ۱٦ـ۱،رقعه ۲۲۲

(۱) درحاشیه آمده

برگ ۱٦ـ۱ ،رقعه ۲۲۳

۱۹۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا کمال الدین حسین بانواع فضائل واخلاق حمیده متصف اند امااز جهت ضیق معاش تفرقه بسیار دارند اگرچنانچه عنایت نموده وجهی شودکه (از)اوقاف وغیرآن محقری که مدد معاش ایشان شود بایشان برسد ازمراسم اشفاق ومکارم اخلاق دورنمی‌نماید توفیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۱

بعد از عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآبی مردم عزیزوفاضل اند ودرین دیار غریب اند وفقر وعیال‌مندی واحتیاج تمام دارند جزوی‌مهمی بسمع شریف خواهند رسانید التماس آنکه عنایت نموده وروحانیت اجداد کرام ایشانرا ملاحظه فرموده امدا دواعانت ایشان فرمایندوالتفات‌واهتمام ازحال ایشان دریغ ندارندتوفیق رفیق باد . م الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مولانانورالله ولدمقری محمود مردی صالح است و پدروی ویرا در حیات خودگردانیده بوده و منصب اذان مسجد جامع رابوی تفویض نموده وهمانا که آنرا بسمع شریف رسانیده بوده حالا مقری شیخ یوسف بآن جانب توجه نموده قصد آن دارد که در آن باب نشان همایون حاصل کند التماس امدادی می دارند اگر چنانچه ملتمس ایشان مبذول گردد از مکارم اخلاق‌ایشان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا قاسم ومولانا نورالله مردم‌فقیر وصالح وغریب انداز نواحی همدان بقصد تحصیل باین‌جانب‌آمده اگر چنانچه عنایت نموده و جهی شود که از او قاف آنچه ما یحتاج ضروری ایشان باشد بایشان برسد و بفراغ بال به تحصیل مشغول باشند بسیاردر محل مینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱٦ــ۱رقعه ۲۲٤
برگ ۱٦ ــ۱ رقعه ۲۲۵
برگ ۱۲ــ۱، رقعه ۲۲٦
برگ ۱٦ــ۱، رقعه ۲۲۷

۱۹٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده مولانا لطف‌الله مردی‌طالب‌علم صالح فقیر ست اگر چنانچه و جهی‌شود که ازاو قاف بقدرحاجت محظوظ گردد از طریقه شفقت و مرحمت دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۵

بعداز رفع‌نیاز مرفوع‌آنکه خبرچنان رسید که خدمت ایشانرا فی الجمله درد پایی بوده است امابحمدالله که در عقب آن مژدره صحت نیز دادند این فقیررا نیزبا ایشان درین معنی موافقتی واقع است

وه که باز ازدرد زانو ماند برجاپای من

تاچه خواهدکرد بامن دردپا بر جای‌من

صحت وسلامت مستدام باد والسلام‌والا کرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا عماد الدین احمد عزیمت اردوی همایون کرده بشرف ملازمت خواهدرسید التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف بجانب او دارندودر مصلحتی که رجوع بملازمان نماید اهتمام فرمایند توفیق رفیق بادوالسلام والا کرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا نظام الدین را در شهر نام برد ار نوشته اند و ایشان میگویند که مارا در شهر هیچ نوع جهتی نیست وسالهاست که متوطن ولایت کرخیم‌ودران ولایت شرکت داریم التماس آنکه عنایت نموده و جهی شود که‌ایشان نام دار کرخ باشند ونام ایشانرا از دفتر نامبر داران شهر اخراج‌کنند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٦ـ۱، رقعه ۲۲۸
برگ ۱٦ـ۱، رقعه ۲۲۹
برگ ۱٦ـ۱، رقعه ۲۳۰
برگ ۱٦ـ۱، رقعه ۲۳۱

۱۹۸

بعداز عرض نیازمعروض آنکه مولاناعبد الکریم که دارندهء رقعه اخلاص است مردی صالح است مدتی مدید باوی همسایگی واقع بوده هرگز ازوی امری نا ملایم مشاهد ومحسوس نشدهاست التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف از وی دریغ ندارند ودر مهمی که رجوع نماید اهتمام نمایند توفیق رفیق باد م .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۱۹۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا علاءالدین علیرا التماس آن هست که نشانی مشتمل برآنکه هرجا برسند تعظیم واحترام ایشانرا واجب دانند و متعلقان ایشانرا بهیچ نوع تعرض نرسانند والا غان ایشانرا نگیرند حاصل شود توقع آنکه عنایت نموده در آن باب اهتمام نمایند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندهء رقعه اخلاص ازین دربازاراسپ خرید و فروخت میکرده وبدان سبب تفرقه ها کشیده ومی کشد وحالا می گوید ترك این کار کردهام التماس آنکه باوجود آنکه درین کار محذوری شرعی نیست که بدان موءاخذ باید شد ترك آن گرفته است عنایت نموده التفات خاطر شریف بدان مصروف گردانند که من بعد بدان سبب مزاحم او نشوند توفیق رفیق بادالفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۱

بعداز عرض نیازمعروض آنکه ضعیفه دارنده عرضه داشتی داردمی خواهد که بعرض شریف برساند اگر چنانچه عنایت نموده اصغا فرمایند و بغور آن برسند ازمکارم اخلاق ایشان دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام والاکرام. الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ١٦ــ١، رقعه ۲۳۲
برگ ۲۱ــب، رقعه ۲۳۳
برگ ۲۱ــب، رقعه ۲۳٤
برگ ۲۱ــب، رقعه ۲۳۵

۲۰۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا فضل الله بانواع فضائل وکمالات آراسته انداما باوجود عیال‌مندی فقر واحتیاج تمام دارند وا ز اوقاف بجهت مدد معاش ایشان‌محقری‌تعیین یافته است اماچون‌پروانه همایون برطبق آن‌صادرنشده استگاه‌گاهی‌درآن تعلل مینمایند التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که درآن‌باب پروانه‌حاصل شودتوفیق‌رفیق باد.

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه‌خدمت‌خواجه محمد علی کرم‌نموده مهمات سرمزار رامتقبل شده‌اندکه‌مضبوط دارند التماس آنکه‌عنایت نموده التفات ازحال‌ایشان دریغ‌ندارندواگر نشانی عنایت فرمایند که‌درآ بی که بسر مزار می‌آید هیچکس بی‌جهتی‌مدخل نسازد دورنمینماید توفیق‌رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌چون خبرمقدم شریف ازآستانه روضه مقدسه سلام الله علی من‌حل فیها(۱)رسید موجب جمعیت وحضورهمه فقیران گشت دیده انتظار بررا هست‌امیداست که‌عن قریب بشرف‌ملاقات برسند حصول مرادات ووصول‌بسعادت‌میسر باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ١٦ ـب،رقعه ۲۳٦

برگ ١٦ ـب، رقعه ۲۳۷

برگ١٦ ـب رقعه ۲۳۸

(۱) سلام‌الله ... درحاشیه

۲۰۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی اعظمی مولانا شهاب الدین احمدخوافی که شغل احتساب تعلق بخدمت ایشان دارد باو جود ضعف پیری ضعفهای دیگر ایشانرا طاری شده است ومجال سوارشدن واطراف وجوانب گشتن ندارند چون درنشان همایون باستخلاف ماذون بوده اند خدمت سیادت مآبی شاه غیاث الدین راکه نسبت فرزندی بشیخ العالم نیزدارند بخلافت خود نصب فرموده اندوچون علم وصلاح ایشان ظاهرست بسیار مناسب مینماید اگرچنانچه عنایت نموده وجهی شودکه درآن باب نشانی واقع شود تا موجب اطمینان شوددور نمینماید توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده را مصحفی که درصددهدیه کردن آن بوده است پیش سیداسترابادی که وفات کرده بوده ومی گوید که گواهان دارم که آن مصحف ملک منست التماس آنکه اشارت فرمایند که مصحف رادر محکمه قضا حاضر کردانند تابهرچه قاضی اسلام حکم کنند برآن بروند توفیق رفیق (باد)

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت شیخ زاده طوسی که از فرزندان شیخ حافظ عمر وردهی قدس سره (۱) اندو بصلاح نفس موصوف درمدرسه تومان آغازدر قریه کوسویه امام وحافظ اندالتماس آنکه عنایت نموده اشارت رود که وظیفه ایشانرا بایشان برسانند ودرآن تعلل ننمایند توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱٦ـب ،رقعه ۲۳۹

برگ ۱٦ ـب، رقعه ۲٤۰

(۱) درحاشیه آمده

برگ ۱٦ـب رقعه ۲٤۱

۲۰۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکـه خدمت‌امیرجلال‌الدین یـعقوب را بـا یکی‌از عزیزانی که این فقیر راباایشان‌طریقه اخلاص ومحبت درمیـان اسـت نسبت قرابتی هست التماس آنکـه‌عنایت نموده التفات خاطر شریف از حال ایشان دریغ ندارند ودرمصلحتی‌که بدلازمان رجوع نماید اهتمام‌فرمایند توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۰۹

بعداز عرض نیازمعروض آنکـه‌خدمت مولانا اویس‌درویشی صالـح ونیازمندست توقع آن‌می‌داریم کـه بنظر عنایت ملحوظ گردد وازحسـن التفات ورعایت محظوظ توفیق‌رفیق‌باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکـه باباحاجی عید گاهی میگوید که آب‌عید گاه بدستور سابق نمید هند التما س‌آن می‌دارد که اشارت‌رودکه بردرختان عیدگاه حیفی نرود توفیق رفیـق‌بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکـه دارنده را مددی نوشته‌اند می‌گویـد که مرااستطاعت آن نیست التماس‌آن‌میدارد که‌عنایت نموده اشارت رود که تفحص فرمایند وبروی حیف‌وتعدی‌نرود توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکـه‌خدمت مخدومی مولانا مردم دانشمند وعزیزاندقضیهٔ دارندکه بسمع شریف‌خواهند رسانید التماس آنکه بغورحال ایشان رسیده نوعی سازندکه برایشان‌حیفی نرود توفیق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۱۶ ـب‌رقعه ۲٤۲
برگ ۱۶ ـب، رقعه ۲٤۳
برگ۱۶ ـب‌رقعه ۲٤٤
برگ۱۶ـب ،رقعه ۲٤٥
برگ۱۶ـب‌رقعه ۲٤۶

۲۱۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه درویشان مجاور ان غار خواجه احمد عباس‌اند دران نواحی محقر وقفی‌هست که مصرف آن‌مجاوران می بوده‌است‌وهرگزدستور نمی بوده‌است که رسم الصداره ازآنجا بگیرند وحالااضعاف آن‌گرفته اند التماس آنکه عنایت‌نموده وجهی شود که درویشان آنجا معاش‌توانندکرد وبر ایشان خلاف قاعده حیف و تعدی نرود توفیق رفیق باد .

۲۱٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دیرگاه است که جناب مخدومی‌سیادت مآبی رانسبت باین فقیر التفات‌خاطری‌هست وهماناکه درین‌ولا بزرگوار ایشان درنواحی بلخ‌بجوار رحمت حق‌سبحانه پیوسته اند بحکم ضرورت بآن‌جانب متوجه شده بشرف ملاقات شریف‌مشرف خواهندشد التماس آنکه عنایت نموده بهرچه مصلحت دانند اشارت‌نمایند ودرکفایت‌مهمی که بعرض‌رسیده شود اهتمام فرمایند توفیق‌رفیق بادوسعادت زیادت والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۵

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارندگان رقعه نیاز خواجه محمود و خواجه سلطان احمد مردم‌مزارع اندوتاغایت استماع نیفتاده است‌که از ایشان نسبت برعایا ظلم وتعدی‌واقع‌شده باشد التماس آنکه عنایت نموده التفات‌خاطرازجانب‌ایشان دریغ‌ندارندونگذارند که برایشان تعدی رودبی موجبی توفیق رفیق باد والسلام

برگ ۱۷ـ ۱، رقعه ۲٤۷

برگ ۱۷ـ۱ رقعه ۲٤۸

برگ۱۷ ـ۱ ،رقعه ۲٤۹

۲۱٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا زاده شهرسبزی ومولانا ابویوسف مردم دانشمند وعزیز وپیروفقیراند واز هیچ جامدخلی ندارند و باندك چیزی قانع انداگرچنانچه عنایت فرموده اهتمام فرمایند که از اوقاف محقر چیزی برای ایشان تعیین یابداز مکارم اخلاق ایشان دورنمی نماید توفیق رفیق باد.

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه همانا دارنده امیر محمدیارك که درسلك ملازمان انخراط داشته بی‌اجارت باین جانب آمده بوده ونسبت بوی حکم سیاستی واقع شده بوده‌ازین فقیراستدعاشقاعتی نمود این فقیراورا ازخدمت خواجه سیداحمد شفاعت کرده نگذاشت که اورا بسیاست رساند وحالااورا بآن جانب روان گردانیده التماس می‌روکه اورا بدستور سابق‌درسلك ملازمان راه‌دهند وجریمه که صادر شده‌عفوفرمایند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۱۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب مولوی مخدومی مولاناشهاب الدین احمدخوافی رادرآن وقت که از منصب احتساب استعفا می‌کردند این فقیروعده کرده بود که اگرمخادیم امدادنفرمایندواز عهده این کار کما ینبغی بیرون نتوانند آمدازایشان درخواست کرده‌شود که شمارامعذور دارندالتماس آنکه چون امدادایشان کماینبغی‌واقع‌نشود وازعهده آن بیرون نتوانند آمد وجهی شودکه ایشان رامعاف‌دارندتوفیق رفیق بادوالسلام.

برگ ۱۷ ـ ۱، رقعه ۲۵۰

برگ ۱۷ـ۱، رقعه ۲۵۱

برگ ۱۷ـ۱، رقعه ۲۵۲

۲۱۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا زاده (۱) مردم عزیزانند ازولایت بدخشان بنیت تحصیل تشریف آورده اند وجهتی ظاهر که ماده معاش ایشان باشد واقع نیست اگرچنانچه عنایت نموده مایحتاج ضروری ایشان ازاوقاف تعیین یابد ازطریق مصلحت دور نمینماید توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه حکایت وظیفه خدمت مولانانظام الدین (۲) احمد خوافی ومحتسبان ایشان بسمع شریف رسانیده شده بودالتماس آنکه عنایت نموده اشارت رود که ازمحلی که بسهولت وصول یابدتعیین یابدتا بفراغ خاطر بامراحتساب اشتغال توانند نمود وترویج شریعت مطهره توانند کرد توفیق رفیق باد والسلام

۲۲۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت حامل رقعه اجازت خواسته بشهر آمده بوده وتوقف وی ازمیعاد مراجعت تجاوز کرده ازمواخذ آن خوفی دارد التماس آنکه چون توقف را عذرها دارد عنایت نموده وجهی شود که تقصیر وی بعفو مقرون گردد توفیق رفیق بادوالسلام

۲۲۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه متعلقان امیر زاده یارمحمد اضطراب بسیار دارند ومی گویند که هنوز ویرا آفتی نرسیده وخدمت امیر بهبود داعیه درخواست او کرده ویرا نگاه داشته است اگرچنانچه وجهی شود که آن حضرت چنانچه مقتضای کرم ایشانست ازسیاست وی تجاوز نمایند سبب مزید سعادت خواهد بود توفیق رفیق باد

---

(۱) درحاشیه آمده

برگ ۱۷ـ۱ رقعه ۲۵۳

(۲) درشماره ۲۳۹ و ۲۵۲ شهاب الدین یاد شده

برگ ۱۷ـ۱، رقعه ۲۵۴

برگ ۱۷ـ۱، رقعه ۲۵۵

برگ ۱۷ـ۱، رقعه ۲۵۶

۲۲۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه باوجود آنکه فضل وکمال واستحقاق واستیهال خدمت مولوی اعظمی عزالدین ملک احمد ازآن ظاهر تراست که بشرح احتیاج افتد هریك ازائمه اسلام ومشاهیرانام درآن باب چیزی نوشته اند و اظهار آن کرده التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر شریف بجانب ایشان دارند ودرمصلحتی که رجوع نمایند اهتمام فرمایند وچون امثال ایشانرا احتیاج باین مبالغه هانمی باشد برهمین اقتصار کرده شد توفیق رفیق بادو اسلام .

قضیه قضا مولانا نظام الدین بسمع شریف رسانیده شده بود هرچه در آن باب مصلحت دانند حاکمند . (۱)

۲۲٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده را فرزندی بوده وبشخصی نکاح کرده اماهنوز درخانه پدر بوده شخصی دیگر بشرارت موصوف است دعوی کرده که فرزند ترامن نکاح کرده ام وگواهان گذرانیده امازمان نکاح او متاخر است فتوی ائمه اسلام حاصل کرده است که نکاح شخص دوم اعتبار نداردامامی گوید که او بغایت سفیه است وتهدید میدهد وایذا می کند التماس آنکه عنایت نموده وجهی سازند که شراواز سراین مسلمان وفرزند وی دفع شود توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآب بجهت مهمی باردوی همایون تشریف خواهند آورد التماس آنکه عنایت نموده مساعیء جمیله در کفایت آن مبذول دارند که مردم بسیار عزیزاند و شك نیست که استرضای خاطر شریف ایشان وسیله سعادت دینی ودنیوی خواهد بود توفیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱) از قضیه به بعددرحاشیه نوشته شده

برگ ۱۷ـ۱ ،رقعه ۲۵۷

برگ ۱۷ـب رقعه ۲۵۸

برگ ۷۱ـب، رقعه ۲۵۹

۲۲۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه امیردرویش معمد و امیر درویش احمد کوکلتاشان خدمت میرزاسلطان محمودراعنایت نموده بخشیده‌اند امادر فر- ستادن امیر درویش احمد فی الجمله تاء خیری واقع است و ایشانرا میکو یندانند ك ضعفی ومرضی هست اگرچنانچه کرم فرموده وجهی شود که ایشانرا در خارج زندان درین مدت‌تاء خیر بمعتمدی بسیارند در محلی که هوایی داشته باشد واز عفونت‌زندان خلاص یابند از مراسم اشفاق و مکارم اخلاق ملازمان دور نمینمایدتوفیق رفیق باد م

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا قاضی‌که رافع رقعه‌ء اخلا ص اند مدتی درین ولایت بتحصیل‌مشغول می بوده اند وحالا عزیمت وطن کرده اند و احرام ملاقات پدربزرگوار خود بسته التماس آنکه‌عنا یت نموده التفات شریف از حال اودریغ ندارندودر مصلحتی‌که بملا ز مان رجوع نمایداهتمام فرمایند توفیق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲۸

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌می کوید که بجهت حمام شیخ زاده صدر ممر آبی محدث در خانه اونهاده اند وبسبب آن خانه‌ء اوروی بویرانی نهاده است التماس آن می‌دارد که تفحص فرموده بغور او بر- سند توفیق رفیق باد والسلام   الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۲۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه میگویند خدمت امیر سای نرد (؟) بخشی راحضرت‌خواجه رقعه نوشته طلبیده‌اندالتماس می دارد که عنایت نموده التفات واهتمام دریغ ندارند وسعی‌جمیل مبذول دارند که زودتر اورا اجازت فرمایند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۷۱ــب، رقعه ۲۶۰
برگ ۷۱ــب، رقعه ۲۶۱
برگ ۷۱ــب، رقعه ۲۶۲
برگ ۷۱ــب، رقعه ۲۶۳

۲۳۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت استاد حاجی محمد بشرف ملازمت مشرف خواهند شدوجوانی نیکوخصالمی نماید التماس آنکه عنایت نموده التفات واهتمام از حال او دریغ ندارند توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۳۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمتمولانا خواجه بجهت جزوی مهمی دار- نده رقعه امیر حاجرابملازمت مخادیم فرستاده اندالتماس آنکه چون آن مهمرا بسمع رساند عنایت نمودهاهتمام نمایند والتفات فرمایند که بران وجه که مصلحت دانند آن مهمسرانجام یابد توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۳۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمتخواجه جمال الدین عطاءالله رابمسا عی جمیله خدمت شما استطاعتسفر مبارك حجاز حاصل آمده است و می خواهد که شکر گذاری اینمعنی رادر مواضع شریفه و منازل متبرکه بوظیفه ء دعاگویی وخیر خواهیدینی ودنیویقیام نمایدالتماس آنکه عنایت نموده نشان راهی حاصل شودکه هرگاه عزیمت مصمم شود مانعی نباشد توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۳۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمتخواجه عبد الخالق مردی بهمت و مرو تست و حضرت خواجه عبیدالله رانسبت بایشان التفات واهتمام بسیار ست ودر آن وقت که بمرو تشریفآورده بودند در منزل ایشان نزول کرده بودند وحالا تظلمی دارند میخواهند که بعرض همایون برسانند التماس آنکه عنایت نموده وسعیجمیل مبذول داشته نوعی سازند که مطلوب ایشان بروجه احسن میسرگردد توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۱۷-ب، رقعه ٢٦٤
برگ ۱۷-ب، رقعه ٢٦٥
برگ ۱۷-ب، رقعه ٢٦٦
برگ ۱۷-ب، رقعه ٢٦٧

٢٣٤

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت خواجه سیف الدین ولدخواجه رمضان تونی را قدری اسباب بوده است که درمدت غیبت ایشان غایبی کرده بوده اند التماس آنکه عنایت نموده اشارت فرمایند که چون اسباب ایشانرا بی جهتی گرفته اند بایشان باز گذارند توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٣٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمتی که دارنده پهلوان پیراحمد را فرموده بوده اند می گویند که کماینبغی بجای آورده است وبتکمیل وتتمیم آن هنوز مشغول است حالا عزیمت آن کرده که بشرف دستبوس برسد شك نیست که بنظر لطف وعنایت ملحوظ خواهد گشت توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

٢٣٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه رعایا کم براق راتوهم آن شده است که جناب امارت مآبی رابواسطه ناملایمی که از یشان واقع شده است ملال خاطری هست التماس آنکه عنایت نموده وجهی سازند که توهم آن فقیران مرتفع شود واگرجریمه ازیشان صادرشده باشد عفو فرموده بسرعنایت باز آیند توفیق رفیق باد والسلام

برگ ـ١٧ـب، رقعه ٢٦٨

برگ١٧ـب رقعه ٢٦٩

برگ ١٧ـب رقعه ٢٧٠

۲۳۷

هو

خواجه کمل عبیدالله که نفس پاك او
چون خطا بارجعی ازموطن‌اصلی شنید
درشب سلخ‌مه موت‌نبی‌همچون نبی
نزد شاه مقتدردر مقعد صدق آرمید
چون شهید عشق ومقتول‌فنا فی‌الله بود
یافت عارف‌سال تاریخش زمقتول شهید(۱)

۲۳۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده میگوید که پارینه اورا مددی نوشته بود (نـد)وبی‌آنکه وی‌رااستعداد آن اثبات‌گردد ازوی‌گرفته اند التماس آن(میدارد‌که)عنایت‌نموده تلافی ... وتفحص فر(مایند)اگر بروی ....(۲) بدهند توفیق رفیق‌باوالسلام

۲۳۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌ضعیفه دارنده تظلمی داردا‌گرچنانچه آنرا اصغا نموده بغور حال‌وی برسندازطریقه شفقت ومرحمت دورنمینماید

برگ‌٢٤ـب، رقعه ۲۳۹ .

---

(۱)این قطعه شعر برروی سنگ‌مزارخواجه عبیدالله احرار درسمرقند حك ونگارش یافته

رقعه ها ی‌شماره ۲۷۱ـ۲۷۸در برگ‌۱۸ به قلم خواجه عبیدالله احرار تعلق دارد

(۲)خوانده نشد. برگ ۲۰ـ۱،رقعه رقعه های شماره ۲۸۰ـ۲۹۲در برگهای ۱۸ب ۲۰ـ۱ تعلق دارد به قلم‌خواجه عبیدالله احرار

رقعه های‌شماره ۲۹٤ـ۲۳۸ دیر برگهای‌۲۰ـ۱ـ۲٤ ب‌تعلق به قلم‌خواجه احرار دارد .

برگ‌۱۸ـ،رقعه ۲۷۹

۲٤۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه چنان‌معلوم شدکه حضرت‌خواجه (۱) ذکررفتن ونارفتن این‌فقیر می‌کرده‌اندخدمت‌خواجه کلان ذکر بعضی موانع کرده‌اند ایشان آنرا برتعلل حمل‌فرموده‌اند وحالاداعیه رفتن بآنجانب قوی‌شده است عزیمت چنانست بعدقضا الله سبحانه که بیش‌از آنکه هواگرم‌گردد رفته شود التماس‌آنکه اگرپیش‌از خیربا واستجازه از ملازمان حضرت سلطنت‌شعاری خلدملکه (۲)می‌یابد کرد عنایت‌نموده اجازت‌حاصل کنند واگر خیربادواستجازه بیکبارمی‌توان کرد اعلام فرمایند شایدکه آن معنی میسر گردد حق‌سبحانه وتعالی‌توفیق مصالح‌دینی ودنیوی‌رفیق کرد اناد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌پهلوان محمد شیربان از ابنای جنس خودمیگویند بانواع صلاحیت ممتازاست و با ایشان نسبتی ندارد التماس آن می دارد که از عنایت عام واهتمام تمام ملازمان محظوظ گردد و در مهمی که رجوع نماید التفات دریغ نفر یند توفیق رفیق باد وسعادت زیادت .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه بعضی‌از جماعت بخشیان تخلف کرده بمخالفان رفته بوده اندو بجرم آن‌برهمه آنجماعت تحصیلی واقع شده واز آنجمله امیر عبدالخالق و امیرعبد العظیم اند که مردم عزیز به نیکیء ایشان گواهی میدهند وهرچه‌در حوزهء تصرف ایشان بوده بضبط ملازمان در آمده ونسبت با امیرعبدالخالق بکرات تشدد وشکنجه واقع شده چنانکه می گویند متصدیان آنراجزم بآن حاصل شده که اورا چیزی نمانده است التماس آنکه چون حال‌برین موجب باشد عنایت نموه اهتمام فرمایند که ایشانرا مخلصی حاصل‌شود توفیق رفیق باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

(۱)درحاشیه ادام الله تعالی ماامکن‌البقا
(۲)درحاشیه آمده

برگ ۲۵ـ۱ ،رقعه ۳٤۰
برگ ۲۵ـ۱، رقعه ۳٤۱
برگ ۲۵ـ۱، رقعه ۳٤۲

69

بعد از عرض اخلاص طلبان [illegible]

معروض آنکه قرب سلطان صاحب [illegible]

و کمال قبول سخن در آن حضرت [illegible]

و دیگران بعضی انفاس و اوقات

مصالح مسلمانان و دفع مناقشات

دعوا میان [illegible]

طمع [illegible] گرانی حاصل آمد [illegible]

وسائل [illegible] تحمل آن گرانی

حسنات [illegible] عظیم خواهد بود [illegible]

و آن وسائل را در [illegible] اسباب

[illegible] راحت و رنج [illegible]

رنج [illegible] راحت دیگران [illegible]

رنج [illegible] راحت [illegible]

[illegible]

[illegible] داد کان [illegible] والاکرام

عکس ۱۳ دستخط شماره ۲۱۷۸ صفحه آ ۹، شماره نامه (۶۹) ۶٤

۲٤۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خدمت‌خواجه زین‌العابدین‌وخدمت‌استاد مجدالدین بجهت مهمی باردوی همایون‌تشریف می‌آورند التماس آنکه عنایت نموده التفات‌شریف ازحال ایشان‌دریغ ندارند ونگذارند که بسخن ارباب غرض برایشان حیف‌وتعدی‌رودکه درین چندگاه ایشانرا تفرقه بسیار رسیده‌است توفیق‌رفیق‌باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه می‌گویند خدمت مولاناکمال الدین‌اظهر رادران امری که بتو هم‌آن محبوس‌داشته اندمدخلی نبوده‌است وبا ز خواستی که واقع شده‌بنابر آن‌بوده‌که درمجلس همایون سختی‌نااندیشیده ازایشان صادرشده‌است التماس‌آنکه‌عنایت نموده وجهی شودکه ناملایمی بایشان‌لاحق نشود توفیق‌رفیق‌باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه‌درین مدت چنین مسموع‌شده‌است‌که خدمت‌مولانا علاالدین علی‌صانعی‌نسبت‌بارعایادرمقام‌نیک نفسی‌وصلاح‌اندیشی وخیرخواهی بوده‌است ومعلوم نشده‌است که‌منافی این امری‌واقع شده باشد التماس‌آنکه چون حال بریـن‌طریقه باشد التفات واهتمام ازحال ایشان دریغ‌ندارند وتقویت ورعایت‌اورا برذمه کرم‌عمیم خودلازم شمارند درین چندروز درهمین معنی رقعه‌نوشته شده‌بود اماچنان گفتند که نرسیده‌است‌اگر رسیده‌باشد درتکریرتصدیع معذور دارندتوفیق رفیق باد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۵ــ۱،رقعه ۳٤۳

برگ۲۵ــ۱ رقعه ۳٤٤

برگ ۲۵ــ۱شماره ــ۳٤٥

۲٤٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولوی اعظمی مولاناسیف الدین که بصلاح ونیك نفسی موصوف اندومدت عمرخود بتحصیل علوم ودرس آن گذرانیده اندوبشرف ملاقات مشرف خواهند شدمدت بیست سال است کما بیش که اشراف خانقاه شیخ چاوش تعلق بایشان میداشته حالا بی موجبی شرعی ایشانرا عزل کرده اندوبشخصی دیگر مفوض ساخته التماس آنکه عنایت نموده التفات ازحال ایشان دریغ ندارند ونوعی کنند که حیفی که بر ایشان رفته باشد تدارك وتلافی یابد که فقر واحتیاج وعیالمند دارند وجهتی که مدد معاش باشد موجودنی توفیق رفیق باد(۱)م

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت حافظ که بصلاح نفس موصوف است وتلاوت وقرائت وی چنانچه بسمع شریف خواهد رسیدخالی از چاشنی نیست بآنجانب تشریف آورده مد عایی دارد اگرچنانچه درتحصیل آن مصلحتی باشدوامدادی واقع شوددرمحل مینماید که اظهار اضطرار بسیار می کند توفیق رفیق باوالسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٤۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت حاجی یوسف که ازمجاوران حرم شریف مکه زاد هاالله شرفا(۱) استوویرا وجهی که ملازمان آنحضرت قرض گرفته بوده اندوباسترابادحواله داشته بوده اندوحالامحروم آمده است التماس آنکه عنایت نموده وجهی سازندکه وجه وی حاصل شودکه درین دیار غریب اندوالتجا بخدمت شمادارندتوفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱)ازعیا لمندی به بعددر حاشیه آمده
برگ ۲۵ـ۱ ،رقعه ۳٤۷
برگ ۲۵ـ۱،رقعه ۳٤۸
(۲) در حاشیه نگارش یافته

۲٤۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب مخدومی راالتفات تمام بجانب فقیران هست وازایشان اوصاف خمیده واخلاق پسندیده مشاهده افتاده واز قواعد مروت وخصایص انسانیت که ازآن جانب نسبت بایشان واقع شده شکر گذاری بسیار دارند شک نیست که آنروز بروز زیادت خواهد بود توفیق رفیق وسعادت زیادت والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٥۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا علاءالدین علی قوشچی درباب استجازت که بعرض رسانیده شده بود مبالغه تمام دارند وخاطر ماندگی بسیارمی کنند التماس آنکه عنایت فرموده چنان کنند که زودتر اجازت حاصل شود توفیق رفیق بادوالسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٥۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت سید زاده جوانی صالح است و بتحصیل مشغول محقری ازاوقاف جهت معاش ایشان تعیین یافته بوده است کیفیت آنرا بعرض شریف خواهندرسانیدالتماس آنکه التفات خاطرخطیر ازحال ایشان دریغ ندارندودرکفایت مهم ایشان اهتمام فرمایند بروجهی که بزودی مراجعت نمایند توفیق رفیق بادوالسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲٥ــ ب رقعه ۳٤۹

برگ ۲٥ــ ب، رقعه ۳٥۰

برگ ۲٥ ــ ب رقعه ۳٥۱

۲۵۲

بعداز عرض نیازه عروض آنکه حامل ضراعت مولانا نجم الدین عبدالحمید راباشیخ زاده ابهری محقر وظیفه تعیین یافته بوده وباز بتنصیف آن فرمان همایون صادر شده ومی گویندکه آن بمعاش ایشان وفانمی کندو بتشو یش میگذرانند وحالاعزیمت آنجانب کرده التماس آن میدارند که وظیفه ایشان بدستور اول تکمیل یابدتا بفراغ خاطر بتحصیل علوم مشغول توانند بودو بدعاگویی دوام دولت قیام توانند نمود اگرچنانکه عنایت نموده ملتمس ایشانرا مبذول دارندشك نیست که مزیدجاه وحشمت دوجهانی خواهد بودتوفیق رفیق باد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۵۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآبی درین دیارغریب اند وفقیر وعیال مند وازراه دور بامیدی آمده اند که بسمع شریف خواهندرسانید التماس آنکه عنایت نموده وجهت سیادت وغریب وفقر وعیال مند ی ایشانرا ملاحظه فرموده وجهی سازند که نومیدنشوند واز موايد انعام واکرام آن حضرت بهرمندگردند توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۵٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت خواجه علاالدین
که از انتظار لطف اوست روشن اولوالابصاررا چشم جهان بین
درین ولانظر بصیرنشان بآن بیناگشته رمدفراق دیده ودیده آفت هجران رسیده رابغبار موکب مخادیم روشن سازدشك نیست که بعد ازحصول آن دولت و صول بآن سعادت مشمول عواطف کریمانه خواهد شد چشم خدمت مولانا فضل الله را نزدیك بآن آورده بودکه بیاض عارضی آن بتمام د و ر شوداما بواسطه این سفر درتاخیر ا فتاد توفیق رفیق باد وسعادت زیادت والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۵ ـب،رقعه ۳۵۲
برگ ۲۵ـب رقعه ۳۵۳
برگ ۲۵ـب، رقعه ۳۵٤

۲۵۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه زین الدین ابوبکر که از فرز
ندان حضرت شیخ الا سلام اند قدس‌الله سره باردوی همایون تشـریف
آورده بشرف ملاقات خواهند رسیدوبعرض خواهند رسانید که شخصی
را که قاضی گوسویه که در دیانت‌اوشبهه ء نیست بشرارت وبدنفسیء
او گواهی میدهند با متعلقان ایشان‌بحثی وخصومتی هست ومی خواهد که
بتغلب پیش برد وبآنچه مقتضای‌شریعت مطهو است راضی نیست التماس
آنکه عنایت نموده التفات فرمایند که نشانی حاصل شود که مطلقا از قانون
شریعت تجاوز ننمایند واگر بخلاف‌شریعت چیزی بحمایت گرفته باشد
بایشان باز گردنند وهیچ کس حمایت‌نکند توفیق رفیق باد وسعادت زیادت
والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۵٦

بعداز عرض نیازمعروض آنکه مخادیم‌کرام وسادات عظام را سابقا وظیفه ء
مقررمی بوده وحالا بسببی که بعرض‌خواهند رسانید اختلالی بآن راه یا-
فته است اگر چنانچه عنایت نموده‌وجهی شود که آن وظیفه بـدستور
سابق بایشان مع الزیاده وصول یابدتامـدد مـعاش ایشـان گردد بـسیار
مناسب و در محل مینماید توفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۵۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان رقعه ء اخلاص می گویند که بر
ما ظلم وتعدی رفته است که بعرض‌خواهند رسانید التماس آنکه عنایت
و عاطفت شامل‌احوال ایشان داشته بغور ایشان برسند ودست تعدی و
ظلم ظلمه راازایشان کوتاه گردانندواگر کسی را با ایشان معامله ء با-
شد بشریعت مطهره رجوع فرمایند ونگذارند که بی حجتی شرعیه برایشان
تغلب نماید که شك نیست که موجب مزیددولت وسعادت دارین خواهد
بود والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۵-ب، رقعه ۳۵۵
برگ ۲۵-ب، رقعه ۳۵٦
برگ ۲٦-۱، رقعه ۳۵۷

۲۵۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعه اخلاص درویش افراسیاب بجهت مهمی متوجه اردوی همایون‌شده بدستبوس شریف مشرف خواهد شد التماس آنکه عنایت نموده التفات‌خاطر از حال او دریغ ندارند ودر مصلحتی که بعرض رساند اهتمام‌فرمایند توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۵۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه چون‌خدمت مولانا شمس الدین تشریف می آوردند از کتاب نفحات الانس جزوی‌چند نوشته بود اما هنوز مقابله نیا فته بود ازین جهت در ارسال آن توقف افتاد درخاطر چنانست که بزودی مقابله کرده بآنجانب برسد توفیق‌رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٦۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه خضر بعمارت حوضی که معلوم ایشان خواهد بود مشغول شده بودندوجهاتی که بدیشان تعلق می داشته نذر آن کرده بوده‌اند و حالا دیوانیان‌در آن‌باب مضایقه می نمایند التماس آنکه عنایت فرموده نوعی سازند که به نذزخودوفا توانندوآن عمارت درتا خیر نیفتد که لاشك امثال این خیرات‌موجب‌از دیاد دولت وسعادت دوجهانی خواهد بود والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٦۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌امیر حاجی محمد بخشی ازو ظایف مر حمت واشفاقی که نسبت بوی واقع‌شده است شکر گذاری بسیارمی کند و خودرا از ادای آن قاصر می داند وطالب زیادتی التفات می باشد حضرت حق سبحانه همکنان را توفیق مصالح‌دینی ودنیوی رفیق گرداناد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲٦ـ۱، رقعه ۳۵۸
برگ ۲٦ـ۱، رقعه ۳۵۹
برگ ۲٦ـ۱، رقعه ۳٦۰
برگ ۲٦ـ۱، رقعه ۳٦۱

۲٦۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا عبدالمجید ویاران ایشان مردم عزیز و غریب اند ودر تحصیل علوم‌اجتهاد تمام نموده انـد ومی نـمایند التماس آنکه عنایت نموده التـفات‌خاطر شریف از حال ایشان دریغ ندـ ارند واهتمام تمام در آن که معاش‌ایشان بوجهی گذردکه بتحصیل مشغو ل توانند بود وبدعا گویی دوام دولت اشتغال توانند نمود مبذول دارند تو فیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٦۳

بعداز عرض نیازمعروض آنـکـه‌مشایغ کوسویه ازسایر اولاد کـرام حضرت شیخ‌الاسلام قدس‌الله تعالی‌سره(۱) بفقر وعجز امتیاز تمام‌دارند اگرچنانچه عنایت نموده درکفایـت‌مهمات ایشان التفات واهتمام دریـغ ندارند ازمکارم اخلاق ومراسم‌اشفا قایشان غریب نمی‌نماید توفیق‌رفیق‌باد والسلام والاکرام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٦٤

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه‌خواجه اسمعیل خواجه‌علی فخرالدین مدتیست که محبوس است‌بی آنکه به‌حسب شریعت بروی امری ثابت‌شده باشد جماعتی‌ضعفاتظلم بسیارمی‌نمایداگر چنانچه عنایت‌نمـوده‌اشارت رود که اورا بگـذارند و بخلاف شـریعت‌نعرض‌نرسانند ازطریقه شفقت‌ومرحمت دور نمی‌نماید توفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٦٥

بعداز عرض نیاز معروض‌آ نـکـه‌درویش دارنده عرضـه‌داشتی دارد التماس آنکه اصغا فرمـوده بهر چه‌مصلحت‌دانند اشارت فرمایند توفیـق رفیق بادوالسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲٦ـ۱، رقعه ۳٦۲
(۱)قدس ... درحاشیه
برگ۲٦ـ۱، رقعه ۳٦۳
برگ ۲٦ـ۱، رقعه ۳٦٤
برگ ۲٦ ـ۱،رقعه ۳٦٥

۲٦٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جمعی راکه سیاست کرده‌درزندان انداخته بوده‌اند وبعدازآن خلاص یافته همانا که عرضه داشتی بجهت دفع بعض توهمات بعرض رسانیده بوده اندبنا برآن ایشانرا باردوی طلبیده‌اند اگر چنانچه عنایت نموده التفات فرمایندکه حیفی که برایشان رفته مضاعف نشود از مکارم اخلاق ایشان‌دور نمینماید توفیق رفیق باد والسلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٦۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا شرف‌الدین حسن‌را پدر عزیز ایشان استدعای آن‌کرده اند که تشریف حضور بولایت‌قزوین ارزانی دارند التماس آنکه عنایت نموده ووجهی سازندکه اجازه‌رفتن‌ایشان‌حاصل شود تافارغ‌البال بشرف‌ملازمت پدربزرگوار مشرف‌گردندتوفیق رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲٦۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه آرنده رقعه اخلاص ولدامیرعبدالعلی بجهت مهمی که بسمع شریف‌خواهندرسانید باردوی همایون تشریف‌داده التماس آنکه عنایت نموده‌در باب‌مهم ایشان اهتمام‌فرمایند که عجزوفقر ودرماندگی بسیار دارندتوفیق رفیق‌باد وسعادت زیادت والسلام

فتوی کرده بوده‌اند که خشتهای‌مقبره‌پدر خودرامی‌توانند فروخت و می‌گویند که خدمت خواجه خضر بجهت‌عمارت حوض‌می‌خرند التماس‌آن دارد که رخصت ملازمان حضرت‌خلافت‌پناهی‌نیز حاصل کنندم (۱)

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲٦ــ۱ ،رقعه ۳٦٦

برگ ۲٦ــ۱ ،رقعه ۳٦۷

(۱)ازفتوی کرده تاآخیر درحاشیه آمده

برگ ۲٦ــب، رفعه ۳٦۸

عکس ۲ ،دستخط شماره ۲۱۹۸،
صفحه آ ۱۸، شماره نامه(۲۷۲)

۲۶۹

بعداز عرض نیاز معروض آنکه برخواجه سلطان احمد که از جمله مزارعان نواحی سرخس است شخصی بحثی دیوانی دارد بعضی از صلحا آن نواحی به نیکویی خواجه مشارالیه گواهی می دهد التماس آنکه عنایت نموده وجهی شود که بروی حیف و تعدی نرود و قضیه ایشان بموجب راستی پرسیده شود توفیق رفیق بادو السلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا زاده شهرسبزی و مولانا ابو یوسف مردم پیر و دانشمند و فقیراند قناعت تمام دارند و باندك چیزی معاش ایشان می گذرد التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که از اوقاف بجهت ایشان محقر وظیفه تعیین یابد که بسیار درمحل خواهد بود توفیق رفیق بادو سعادت زیادت والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۱

خدمت خواجه محمود باسایر نیاز مندان نیازمندی رسانند فیه (؟) ایام (۱)

۲۷۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه چون اجازت خدمت مخدومی را برفتوی ائمه موقوف داشته بودند و فتوی ائمه حاصل شده است که اولی بحال خدمت ایشان سفر مبارك است التماس آنکه عنایت نموده پروا نه نشان راه حاصل کنند که محل بسیار نیك است و خاطر شریف ایشان بسبب آن بسیار متفرق توفیق رفیق بادو السلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۶ ـ ب رقعه ۳۶۹

برگ ۳۶ ـ ب رقعه ۳۷۰

برگ ۲۶ ـ ب رقعه ۳۷۱

(۱) این سطر را نمیتوان رقعه جداگانه دانست درحاشیه آمده و سقطاتی دارد.

برگ ۲۶ ـ ب، رقعه ۳۷۲

۲۷۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا شمس الدین کرمانی در استراباد فوت شده اند واکابر آنجایی بخدمت برادرایشان مولانا جلال الدین محمود مکتوبات نوشته بودندوعلیحده قاصدی فرستاده که زودتر بآن جانب متوجه شوند چون مکنت واستطاعت آن نداشتند که بسهولت بآن جانب توانند رفت احرام ملازمت بستند که بهرمصلحت که اشارت رود بموجب آن قیام نمایند التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که متروکات وی مضبوط ماندکه درکرمان دوفرزند صغیرداشته است تا حق ایشان ضایع نشود توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۴

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت خواجه ناصرالدین که ازاولاد حضرت مولانا زین الدین ابوبکرتایبادی اندقدس الله تعالی روحه نشانی که داشته اندبدان جانب فرستاده والتماس امضای آن دارند متوقع آنکه عنایت فرموده همان دستوررا که در باقی نشانها معهود است نسبت بآن بتقدیم رسانند بی شک موجب ازدیاددولت وسعادت خواهدبود .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۵

بعداز رفع نیاز معروض آنکه دارنده مولانا نورالدین علی بتحصیل مشغول است وفقر وفاقه تمام دارد اگرچنانچه عنایت نموده وجهی شودکه ازاو قاف چیزی مددمعاش وی گردداز عموم الطاف وشمول اعطاف ملازمان دور نمینماید توفیق رفیق باد .

برگ ۲۶ـب ،رقعه ۲۷۳

برگ ۲۶ ـب، رقعه ۲۷۴

برگ ۲۶ـب رقعه ۲۷۵

۲۷۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت امیر علاالدوله می‌گویند که مردی فقیرم و بی زهدی هم نیستم و بی‌طبعی هم التماس آن میدارد که عنایت نموده اهتمام فرمایند که زودتر نشان او امضا یابد که فرزندان ومتعلقان او دردست محصل‌اند توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۷

بعدازرفع نیازمعروض آنکه دارند ه‌وسایر فقیران تظلم می کنند که برهر سر مقداری ملخ اند اخته اند وبعدازتشویش بسیار که ملخ می آرند از یشان سرانه آن می طلبند وایشانرااستطاعت آن نیست و تفرقه بسیار بایشان راه می یاید اگر چنانچه عنایت نموده چنانکه ملخ را دفع می کنند سرانه آنرا نیز دفع کنند عندالله ضایع نخواهد بود توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۷۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا شیخ حسن را که صاحب جمع مدرسه میرزا می‌بود اند واکثر طلبه‌علم از ایشان راضی اند اختلالی بحال راه یافته است واز آن جهت تفرقه تمام دارند اگر چنانچه عنایت نموده وجهی شود که تلافی آن کرده شودو بجمعیت خاطر بحال خود مشغول توانند از مکارم اخلاق ایشان دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۲٦ ـب‌رقعه ۳۷٦

برگ ۲٦ـب، رقعه ۳۷۷

برگ ۲٦ـب، رقعه ۳۷۸

۲۷۹

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌تا جرست و مردی نیک مینماید خدمت امیر مغول‌در بلخ‌ازوی‌باسم قـــرض‌مبلغی کثیر گرفته است و میگوید که حالا نیز بآن معترفست التماس آنکه‌عنایت نموده با او در آن‌باب سخنی گویند و بهروجه که مصلحت دانندجنان کند که تدارك و تلافی حال او بکندکه بسیار شکسته ودرهم ریخته‌شده است واگر حالا چیزی نیست از وی تمسکی ستانند و میـعادی مـقررگردانند دورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۰

بعداز عرض نیاز منـدی و شکستگی‌و شرح تعلق ودلبستگی بشرف ملا- قات که بهترین مرادا تست معروض‌می گـردد که چـون در سـفر مبارك بخطه بغداد رسیده شد جناب سیادتمآبی که این مکتوب مصحوب ملازمان ایشان است نسبت بفقیران تلطف وتفقد بسیار نمودند ودر دقایق غریب نوازی تقصیر نفرمودند التماس آنکه‌چون بشرف دستبوس برسند عنایت وتفقد از حال ایشان دریغ ندارند ودر مهمی که رجـوع بملازمان نـماید اهتـمام فـرماینـد این رفعـه نـیازروز یکشنـبه دوم رمضان از بـغداد نوشته شد عزیمت چنانست که بعدتوفیق‌الله سبحانه بعدازعید بزیارت حرمین شریـفین زاد هماالـله تعالی‌شرفا عزیمت واقع شود واز اطراف و جوانب قافله بسیار جمع شده اند واحوال بادیه رابغایت نیک‌نشان مـی دهند امیدواری چنانست که بی تفر قه و تشویشی دراقرب او قات دولت ملاقات دست دهد مـرادات دنیوی وسعادات اخروی محصل باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲٦ـب، رقعه ۳۷۹

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ۳۹۹

رقعه های تحت شماره ۳۸۰ـ ۳۹۸در برگهای ۲۷ـ۱ـ۲۸ـب بقلم عبدا- لاول ـخواجه علـی‌ومحمـدتقی‌الدین‌تعلق دارد .

۲۸۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت درویش صوفی سمع از مردم حاجی و صالح اند می گویند که امیر جنیدنسبت بایشان بی‌ادبی کرده و سخنان بی ادبانه گفته التماس آنکه عنا یت نموده بهر نوع که مصلحت دانند قضیه ایشانرا تفحص فرمایند واسترضای خاطر درویش صوفی بکنند توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه امیرقاسم اختچی رابواسطه احتیاج وعیالمندی میل دهقنت وزراعت شده استالتماس آن میدارد که عنایت نموده وجهی سازند کـه اورا از ملازمت و لشکر وسایر تکیفاتیکه می باشدمعاف ومعذور دارند تا بفراغ خـاطر بکارخود ودعاگویـی دوام دولت مشغول تواند بود توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۳

بعداز عرض نیاز معـروض آنکه دارندهٔزکات خوددر نشاپور داده وتمسک مزکی نشاپور در دست دارد وبعدازآن حولان‌حول نشده‌اینـجانیزاز و ی زکات می گیرند چون فـرمان همایون‌چنان صادر شده است کـه زکات را بموجب شرع گیرند اگر چنانچه عنایت نموده وجهی شودکه بخلاف شرع بروی تعدی نرود دور نمینماید توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌سیادت مآبی از نواحی همدان بقصد تحصیل بخراسان تشریف آورده‌اند وچند گاهست که در قصبه کوسویه در مدرسه تومان آغاباستفاده مشغول‌می بوده‌اند وهماناکه ازآن ممرآنقـدر کـه بـمـعـاش ایشان‌وفاکنه نمیرسیـده است حـالا بجهت ضـرورت متوجه اردو شـده اند اگر چـنانچه عنایت نموده وجهی شود که آنچه ما یحتاج ایشانست بایشان برسد شک نیست که محلی از ین بایسته تر و مصرفی ازین شایسته ترنخواهد بودتوفیق رفیق بـاد والسـلام والاکرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۹ـ۱، رقفه ٤۰۰

برگ ۲۹ـ۱ رقعه ٤۰۱

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ٤۰۲

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ٤۰۳

۲۸۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعه اخلاص را عرضه داشتی است بسمع شریف خواهند رسانیدالتماس آنکه بهر چه در آن باب مصلحت دانند اشارت فرمایند توفیق‌رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۶

سلامی کرده از سین تیز دندان کشاده عقدها از رشته جان
سلامی ازکمند طره لام دل صاحب دلان آورده در دام
سلامی خوشتر از فردوس اعلی الف در وی کشیده قد چوطوبی
بزیر آن الف از چشمه میم عیان درپای‌طوبی عین‌تسنیم

تحفه صحبت شریف وهدیه مجلس‌منیف گشته معروض آنکه چون‌خدمت خواجه عطاالله را شوق رکاب بوسی‌عنان گیر شده بود خود را بر فتراك او بستن واجب نمود لا جرم این رقعه‌مصحوب رساله که بتجدیدبترحرین پیوسته بودبحضور فرستاده‌شد اگرمصلحت دانند بعرض همایون برسانند والا:

هرچه نه مقبول دل پاك تست با یدش‌از لوح بیان‌پاك شست

دولت عاجل‌مفضی بسعادت آجل‌بروجه‌اکمل میسر باد و محصل والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مخدوم زاده از اولاد شیخ بزرگوار شیخ زین الدین اند رحمه الله تعالی‌وبجد تمام به تحصیل‌مشغول اندودرآن معنی قابلیت و استعداد کامل دارندعرضه داشتی دارند می‌خواهند بسمع شریف‌برسانند اگرچنانچه عنایت‌نموده اصغانمایند وبه‌مقتضای آن بهر نوع‌که مصلحت‌دانندااشارت‌فرمایندودورنمینماید توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۹ــ۱، رقعه ٤٠٤

برگ ۲۹ــ۱، رقعه ٤٠٥

برگ ۲۹ــ۱، رقعه ٤٠٦

۲۸۸

دی پیك خجسته پی ازآن مایه ناز آورد بسوی‌من یکی نامه راز
هرچند رسانمش بپایان زآغاز از بسکه خوش آیدم زسر گیر م باز

نامه مشکین طراز که از رشحه خامه‌مسکین‌نواز برمهجوران جراحت‌رسیده کاغذی بود درو مرهم راحت پیچیده‌دراعز اوقات چون‌الذ اتوات بقحطیان خشك سال فراق وبی زادان بادیه‌اشتیاق رسید

دل ازو کام وبدن‌قوت وجان قوت گرفت

اضعاف الطاف واعطافی که ازمضمون‌آن مفهوم کشت نیاز مندی وشکستکی وشوق ودلبستگی مرفوع میگردد تفرقه جزدوری صوری ومفارقت ضروری واقع نیست امیدواری چنانست که‌آن‌نیز بزودی مرتفع شود ایام وساعات باکتساب سعادات مصروف باد وعین عاهات وآفات از ساحت مرادات مکفوف والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۸۹

عمارت شایشته می‌کنند و امامت‌نیزتعلق بایشان می دارد التماس آنکه چون عمارت مسجد باتمام رسد اشارت رود امامت مسجد تعلق بایشان داشته باشد وکسی بخلاف شریعت‌مزاحم ایشان نشود وتفرقه نرساند توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

در حاشیه یاد شده:

داعی زاده زاده الله دواعی السعاده‌دعا میر ساند

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ٤۰۷

برگ ۲۹ـ۱، رقعه ٤۰۸

۲۹۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه اینفقیررا در سفر مبارك با جناب مخدومی شیخ نظام الـدین سلطان بخـت که‌حامل رقعه اخلاص اند اتفاق موافقت و مرافقت دست داد ودر طریقه ترددوتفقد تقصیر ننمودند چـون از حرم شریف زاده‌الله تعالی شرفا اینفقیربجانب شام متوجه شدو ایشان بجانب بغداد این تذکره نوشته شـد باشدکه بدین بهانه بگوشه خاطر شریف بکذرد التـماس آنکه عنایـت نموده‌التفات از حال ایشان دریغ ندارند و در مهمی کـه رجوع بملازمـان نمایداهتمام فرمایند دولت وسعادت جاوید مسیر باد بالنبی وآله الا مجاد واسلام‌والا کرام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹۱

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه جناب سیادت مآبی مولانا خواجه‌مردم عزیزند واحرام‌ملاقات‌شریف بسته‌اندوازقبل بعضی ازدرویشان عرضـــــه داشتی‌داردمیخواهند که بعرض‌همایون‌برسانند التماس آنکه عنایت نـموده التفات واهتمام دریغ ندارندتوفـیـق‌رفیق باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹۲

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه خدمت‌بدرالدین که انواع محنتهاکشیده ورنجها وابتلاها دیده‌حالاازهمه فکـرهای فاسد دل‌پرداخته‌است وبفقر و نامرادی خودساخته کسی‌باردوی‌همایون‌فرستاده که نشان جهانمطاع حاصل‌کند که‌من بعد هیچکس‌مزاحم اونشود وبی‌موجهی تفرقه اونرساند التـماس آنکه عنایت نموده امداداو فرمایـندکه‌غالب ظن‌این فقیرآنست‌که دریـن معنی صادق است‌تابفراغ بال بـــدعاگویی مشغول‌باشد توفیق‌رفیق بـاد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۹ ــب‌رقعه ۴۰۹

برگ ۲۹ــب ،رقعه ۴۱۰

برگ ۲۹ ــب‌رقعه ۴۱۱

عکس ۱۷ شماره دستخط ۲۱۷۸
صفحه ب ۱۲، شماره نامه ۱۳۰

۲۹۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه یاخدمت خواجه حبیب الله شخصی راد عوای شرعی است التماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که نسبت باایشان حکمی بخلاف شریعت مطهره نرود ودرآن باب...شودتاایشان بدرك (؟)رجوع توانندکرد توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت حافظ مردم عزیزاند ورعایت ایشان لازم التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر ازجانب ایشان دریغ ندارند ونگذارند که برایشان حیفی رود توفیق رفیق باد والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹٥

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده را مددی نوشته اند ووجه آن گرفته و ظاهر چنان مینماید که اوراستعداد آن نبوده التماس آنکه عنایت نموده تدارك آن بکنند ووجهی سازندکه آن حیف ازوی مرتفع شودتوفیق رفیق باد الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹٦

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جماعت غریب زادگان تظلمی دارند که برایشان تعدی میرود التماس آنکه عنایت نموده بغورایشان برسندو نگذارند که برایشان تعدی رود توفیق رفیق بادوالسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ۲۹ ـب رقعه ٤۱۲

برگ ۲۹ـب رقعه ٤۱۳

برگ ۲۹ـ برقعه ٤۱٤

برگ ۲۹ـب رقعه ٤۱٥

۲۹۷

خدمت مولانا نعمةالله قاضی که همیشه درصدد دعاگویی ودولتخواهی ملازمان حضرت خلافت‌پناهی می‌باشددرین چندروز بنا برتهمتی که آنجا کرده‌اند فرمان همایون‌صدور یافته بوده‌که تفحص آن بکنند چنین استماع افتاد که غیر واقع بیرون آمده است‌التماس آن‌میدارد‌که چون‌منصبی‌شرعی بدو تفویض کرده‌شده‌است ودر ین‌مدت امری منافی آن‌منصب‌ازوی ظاهر نگشته اگربعد الیوم مثل این‌تهمتی‌واقع شودتحقیق ناکرده امری که موجب بی‌عرضی وعلامت بی‌عنایتی باشدواقع نشودبلکه می باید که آثار عنایت ظاهر شود والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹۸

بعداز عرض نیاز ملتمس آنکه لتفات خاطر شریف‌ازخدمت امیر بهلول دریغ ندارند ودر مصلحتی که‌رجوع بملازمان نماید اهتمام‌فرمایند توفیق رفیق باد وسعادت‌زیادت والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۲۹۹

چنین استماع افتادکه‌خواجه‌کیاراکه‌چون کیا پایمال حوادث شده‌از بیخ وبن‌بآن جانب آورده‌اند گناه‌وی‌آنکه‌درایام ترکمان برگمان آنکه کاری میکند خودرا سپربلای رعایا ساخته ومعاملات ومهمات ایشانرا پرداخته و میگویند محضر هاازمردم ولایت‌بدست‌دارد که بحسن معاش اوگواهی داده اند التماس آنکه عنایت نموده‌التفات‌شریف دریغ ندارندوحسب‌المقدور اهتمام فرمایندکه بیرون ازقاعده‌بروی‌حیفی نرود خدمت‌خواجه عادلشاه را نیزدرین باب مبالغه بسیار است‌والسلام

۳۰۰

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌را با شخصی معامله شرعیه است و می گویدکه قاضی لنگر در آن معامله مساهله مینماید التماس آنکه عنایت نموده و تفحص فرموده وجهی‌سازند که بروی حیفی نرود توفیق رفیق بادو السلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۲۹ـب رقعه ٤١٦
برگ ۲۹ـب‌رقعه ٤١٧
برگ ۲۹ ـرقعه ٤١٨
برگ ۲۹ـب رقعه ٤١٩

۳۰۱

بعداز تعرض بعرض تضرع ونیازمعروض آنکه جناب مخدوم امجداکرم لازال لمما الفضل والافضال نیرآاعظم(۱) بآن جانب تشریف داده اند وحال ایشان چنانکه پیش ایشان ظاهر خواهدبودخالی ازاختلالی نیست فقیران امید وار می باشند که ان بحسن اهتمام ایشان تدارك یابد بیمن التفات ایشان تلافی پذیرد توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه سیدمحمد وقفیه کاریز قفای عیدگاه رافرستاده التماس آن می دارد که عنایت نموده اشارت رود که بموجب شریعت مطهره پرسیدشود وهیچکس ازمقتضای آن استنکاف ننمایدتوفیق رفیق باد

۳۰۳

بعداز عرض نیازمعروض آنکه خواجه سبحان پیش شخصی امانتی گذ- اشته بوده است دران خیانتی کرده است وحالاگریخته است التماس آنکه عنایت نموده اگر درآن باب فکری بصواب می توان کرد اهتمام والتفات دریغ نفرمایند توفیق رفیق باد والسلام .

۳۰٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب سیادت مآب سیدعلی اکبر شکر گذاری احسانهای که نسبت بوی واقع شده است می کندوچشم برمقتضای لئن شکر تم لازیدنکم می داردو السلام

---

(۱)لازال تااخیرشماره یك درحاشیه ذکرشده

برگ۲۹- برقعه ٤۲۰

برگ۲۹ -برقعه ٤۲۱

برگ ۲۹-ب رقعه ٤۲۲

رقعه های تحت شماره ، ٤۲۳- ٤٦٤ دربرگهای ۲۰-۱ -۲٤ب به قلم محمد نبادگانی ،محمدابن امین الدین ،صوفی علی ،محمد عبدالله محمد بن عبدالملك ،محمد یحیی تعلق داردرك به مقدکتاب

برگ ۲٤ -ب رقعه ٤٦٥

۳۰۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه درویش حاجی علی الدوام بعمارت عیدگاه مشغول است ودر نشاندن درختان وتربیت آن سعی تمام می نماید و از دیوان اعلی ودیوان وقف وظیفه مقرردارد التماس آن میدارد که عنایت نموده التفات خاطر شریف از حال اودریغ ندارند وامداد و اعانت اوفرمایند که در اموری که بعهده اوست قصور وفتوری واقع نشود توفیق رفیق باد .
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه میگویند شرط واقف‌مدرسه کوسویه ومدرس است‌یکی خدمت شیخ‌زاده‌عبدالفتاح‌است وایشان مصمرشده‌اند وضعفی تمام دارند وبامر تدریس کماینبغی قیام نمی‌توانندنمود وبآن‌راضی شده‌اند که کسی‌دیگر شریك باشداگرچنانچه اشارت رودکه خدمت مولانا ابابکرکه‌هم آنجامتوطن اندودانشمندوصالح‌اند ودایم بدرس وتعلیم‌طلبه مشغول اند دران‌مدرسه مدرس باشندوباشیخ زاده شریك باشندودورنمینماید توفیق رفیق باد .
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه مردم‌بلوك سبقر تظلم میکنند ومی گوشند که خرابی بسیاربه بلوك‌ماراه یافته و درین چندگاه از پیاده و نام بردار چیزی معاف می داشته اندالتماس‌انکه عنایت نموده‌وجهی سازند که بر ایشان حیفی نرود وبهمان دستور که درین چند سال با ایشان عمل می کرده اند عمل کنندتوفیق رفیق باد والسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۰۸
برگ ۳۹ـ۱ رقعه ۵۰۹
برگ ۳۹ـ۱ـ رقعه ۵۱۰
رقعه های تحت شماره ۴۶٦ـ ۵۰۷ـدر برگهای ۳۵ـ۱ـ۳۸ـ ب به قلم‌ابو سعید،محمدابن امین الدین،سعدالدین‌محمد بن‌حسن بن علاءالعطار محمدیحی محمد عبدالله، عبیه‌الله تعلق داردرك به مقدمه کتاب

۳۰۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه شمس الدین محمد عزیمت ار دوی همایون کرده بشرف ملازمت‌سعادتمند خواهندشد التماس‌آنکه نظر لطف وعنایت ورعایت از حال ایشان‌دریغ ندارند ودر مصلحتی که رجوع نمایند اهتمام فرمایند توفیق رفیق‌باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۰۹

بعداز عرض‌نیاز معروض آنکه ضعیفه دارنده می گوید که شوهروی رابمهمی فرستاده بوده اند ومریض شده وبدین سبب درآن مهم نقصیری واقع‌شده حالا بجهت تقصیر اورا محبوس داشته اند التماس آنکه چون‌حال برین گونه باشد عنایت نموده التفات فرمایند که آن مسلمان را صورت استخلا صی واقع شود توفیق رفیق باد والسلام.

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۰

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه اویس جزوی مهمی دارد که بسمع‌شریف خواهد رسانیدالتماس‌آنکه عنایت نموده التفات نمایند واهتمام فرمایند (چونکه) دیرگاهست که درین شهرند... (۱) خودرجوع نموده بکشت‌وزراعت مشغول باشند توفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۱

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جناب‌مخدومی شیخ الاسلامی باو جود ضعف وپیری بنابر ضرورتی بآن جانب تشریف آورده اند شك نیست که در کفا یت مصلحتی که بعرض رسانند التفات‌خواهند نمود واهتمام خواهند فرمود توفیق رفیق بادوالسلام والا کرام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۱۱

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۱۲

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۱۳

(۱) نیم سطر خوانده نمی شود .

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۱٤

۳۱۲

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا شهاب الدین‌احمد راکه بتحصیل علوم مشغول اند ومحقر وظیفه براوقاف نوشته بوده اند وهماناکه بتمام واصل نمیشود دگر چنانچه‌عنایت نموده‌اهتمام‌فرمایندکه بایشان برسند تامدد تحصیل ایشان‌شود در محل مینماید توفیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌درویشان که از فرق تا قدم ایشان آثار فقر ظاهر است بخدمت خواهندرسید التماس آنکه نظر عنایت بجانب ایشان دارند ودر مصلحتی که رجوع‌کنند اهتمام فرمایند توفیق رفیق باد والسلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱٤

بعداز عرض نیاز معروض آنکه جمعی‌مردم مقبول القول‌میگویندکه تولیت وشیخیء لنگر خدمت مولانا محیی الدین را فرزند ایشان سلطان شیخ علی به برادر خوردتر خودسلطان‌ناصرالدین‌تفویض میکنند ومسلم‌میدارند وجمعی درویشان بصلاح‌ونیك معاشی سلطان ناصر الدین گواهی (میدهند) (۱) اگر چنانچه عنایت‌نموده نوعی سازند که‌این‌امر تعلق بدیشان گیرد ودر لنگر رونق ورواجی‌پیداشود دورنمینماید توفیق رفیق باد السلام . الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ٥١٥

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ٥١٦

برگ ۳۹ـ۱ رقعه ٥١٧

(۱) بیواسطه

۳۱۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان رقعه اخلاص رامقداری قند بوده است وشربت داران میرزا یاد گارمحمدخریده بوده‌اند و برات وجه آن بیرون آمده بوده است و آن‌کس که خریده وتصرف کرده و وجه راقبول کرده موجوداست‌وحالا محروم‌مانده‌اند وبسیار مظلوم اند التماس آنکه اگر ممکن(شود-؟) که تلافی‌احوال‌ایشان‌توان‌کرد عنایت‌دریغ نه داردکه موجب سعادت دینی‌واخرت خواهدبودتوفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه موالی‌عظام که نام شریف برادر شان عبد الله است بتحصیل علوم مشغول اندوهیج جهتی که معاش ایشان گذرد ندارند از الطاف عمیم مخادیم آنجایی‌امیدوار می باشد که عنایت نموده التفات فرمایند باشد که ایشانرا فی‌الجمله جهتی معین شود که مدد تحصیل ایشان شودتوفیق رفیق بادوالسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه این‌فقیر بروفت وروب خانهٔ مدرسه مشغول بود بقصد آنکه بسر درس‌پیشتر بازرود وبتسوید آنچه از تفسیر کلام مجیدمیسر شود اشتغال‌نماید خدمت دارنده متوجه بملازمت شده آنجارسیدباین چندکلمه گستاخی نمود توفیق رفیق باد والسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹-۱، رقعه ۵۱۸

برگ ۳۹-۱، شماره ۵۱۹

برگ ۳۹-۱، رقعه ۵۲۰

۳۱۸

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه جلال الدین بایزید لاری بجهت مهمی که بعرض شریف خـوا هـدرسانید باردوی همایون توجه نـموده التماس آنـکه عنایت نمـوده التفات‌خاطر شریف از حال وی دریغ ندارند ودر مصلحتی که رجوع نماید اهتمـام‌فرمایند توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۱۹

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه دارند گان‌در املاك خاصه خرمنی چند سمت رسیده دانسته اندسسان (۱)چرانیده اندالتماس آن‌می‌دارند کـه عنایت نموده اشارت رودکه بردستورمعهودآنرادر دیوان مجری‌دارندتوفیق رفیق باد .

۳۲۰

بعداز عرض نیازمعروض آنـکـه‌والده خدمت حافظ درباورد بیمار بوده ومکتوبی نوشته واورا طلب داشتـه‌اگرچنانچه عنایت نموده نوعی شود که‌اورا اجازت دهند روزی برود واورا ببینند وخاطر اورا بدست آرد دو ر نمینماید توفیق‌رفیق بادوا لسلام

۳۲۱

بعداز عرض نیازمعروض آنـکـه‌خدمت امیر ملك‌محمد بشرف ملاقات مشرف خواهندشد سابقه‌این‌فقیر بـاایشان حاضر خاطرشریف‌خواهد بـود التماس آنکه عنایت نموده گوشـه‌خاطری بجانب اودارند که‌احوال ا و بغایت پریشان است‌ودر ماندگی‌بسیاردارد توفیق رفیق باد .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۲۱

برگ ۳۹ـ۱، رقعه ۵۲۱

برگ۳۹ ـ۱،رقعه ۵۲۲

(۱)سئسان یعنی خدمتگاران دربارکه‌اسب‌میچرانند .

برگ ۳۹ـ۱رقعه ۵۲۳

برگ۳۹ـب رقعه ۵۲٤

۳۲۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌مولانا خرمی از مشهد مقدس رضوی سلام الله تعالی علی من دفن به (۱)تشریف آوردند و فقیران سرمزار از یمن قدمش بفتوحات رسیدند سایه‌عزو اقبال لا یزال ممدود باد

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۲۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت‌خواجه قاسم‌که دارنده‌ء رقعه اخلاص است مردی نیـک می نماید وبـروی‌تغلبی رفته است چنانکه محضری که بدست دارد بآن شاهد است التماس‌آنکه عنایت نموده التفات شریف از حال او دریغ ندارند و بغور حال اوبرسند و آن شخص متغلب حالا درین شهر است اگر چنانچه وجهی شودکه معامله عایشان بقطع رسدورنمی‌نما ید توفیق رفیق باد والسلام الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۲۷

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارندگان اظهار سابقه خدمتی نسبت بملا زمان آن حضرت می کنند التماس آن‌دارند که عنایت نموده نوعی شود که کلمه چند بعرض همایون بـرسانندا‌گر چنانچه الـتفات شریف مـبذول دارنـد که آن معنی میـسر گردد ازمکارم اخلاق ایشان مستبعد نمی نماید توفیق رفیق باد وسعادت زیادت وا لسلام .

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۲۸

بعداز عرض نیازمعروض آنکه دارنده‌ضعیفه است فقیره از دست شخصی شکایتی دارد وچنانکه خود میکویدحق‌بجانب او مینماید التماس آنکه عنایت نموده اشـارت فرمایند که مـعامله‌ایشان بر وجهی که حیفی واقع نشود پرسیده کردد توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

---

(۱) سـلام الـله .. درحاشیه آمـده

برگ ۳۹ـب، رقعه ۸۲۵

برگ ۳۹ـب، رقعه ۵۲۹

برگ ۳۹ـب، رقعه ۵۳۰

برگ ۳۹ـب، رقعه ۵۳۱

۳۲۹

خدمت درویش‌محمود مقری بسیار سال‌یافته شده اند و ضعف واختلال تمام
با حوال ایشان راه یافته است وعر ضه داشتی فرستاده انـد والتماس
آنکه عنـایت نموده التفات فـرمایندباشد که ملتمس ایشان حاصل‌شود و
بفراغ بال بدعا گویی اشتغال نمایـندتوفیق‌رفیق باد والسلام والاکرام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۳۰

بعداز عرض نیاز معروض آنـکـه مخادیم راچنانچه ازرقعه شریفه ایشان
معلوم‌خواهند کرد خاطر برآنست که برآن ضعیفه مذکوره درآن‌رقعه امـری
بخلاف شریعت‌مطهره واقع‌نشود چون‌مدعای‌ایشان برموجب شریعت مینماید
اگر چنانچه دران باب التفات نمایندور نمینماید توفیق رفیق بادوالسلام
الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۳۱

ضعف‌حال ضعیفه دارنده‌از کمال‌ظهوراز بـیـان مسـتغـنـی‌است‌شك‌نیست
که هرکس ترحم نموده بـروی‌شفقتی(کند)مثـاب وما جور خـواهـد بـود
سبحانه وتعالی همکنانرا توفیق‌خیرات‌گرداناد بمنه وجوده

۳۳۲

بعدازعرض نیاز معروض آنـکـه شخصی برخدمت مولانا بهاءالـدین‌عمر
تغلبی کرده‌وبی جهتی‌شرعی مبلغـــی‌گرفته مولانا مشارالیه می‌خواهند که
این‌قضیه رابعرض همایون برسـاندتابغور حال اوبرسند التماس عنایت
نموده امداد فرمایند توفیق رفیق باد. الفقیر عبدالرحمن الجامی

برگ ۳۹ـب، رقعه ۵۳۲
برگ ۳۹ـب رقعه ۵۳۱
برگ۳۹ ـبرقعه ۵۳٤
برگ ۳۹ ـبرقعه ۵۲۵

۳۳۳

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دارنده مردی فقیرومظلوم مینمایداگر چنانچه عنایت نموده عرضه داشت اورااصغا فرمایند وبآنچه مقتضای شفقت و مرحمت باشد بااوعمل نمایند هرآینه وسیله سعادت دنیوی واخروی خواهد بود توفیق رفیق بادو سعادت زیادت والسلام

الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۳٤

بعداز عرض نیازمعروض آنکه متعلقان خدمت مولاناعلاءالدین علی قوشچی ازجانب سمرقند رسیده اندومی خواهند که درعقب ایشان بروندو بنشان راه محتاج اندالتماس آنکه عنایت نموده اهتمام فرمایند که می خواهند زود تر بایشان ملحق شوند توفیق رفیق باد .

۳۳۵

بعداز عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا عبدالکریم که صلاح وصلاحیت وی پیش ایشان ظاهر خواهد بوداحرام شرف ملازمت بسته است شک نیست که بنظر التفات ملحوظ خواهدشدواز سعادت اهتمام محظوظ خواهد گشت توفیق رفیق بادوالسلام .

برگ ۳۹ ـب رقعه ۵۳٦

برگ ۳۹ـب رقعه ۵۳۷

برگ ۳۹ ـب رقعه ۳۵۸

۳۳۶

بعداز عرض نیاز معروض آنکه دلو نده ضعیفه استسیده غریبمیخوا-
هدکه بسمرقند که وطن اوستوکسانوی آنجایند مراجعتکند التماس آ ن
میدارد که از اوقافوغیرآن امدادیواقعشود که اینسفر میسر گردد
توفیق رفیق باد . الفقیر عبدالرحمن الجامی

۳۳۷

بعداز عرض نیاز معروضآنکه درویش عطار قلیرا درینشهر حال
بتفرقه میگذرد التماس آنکه عنایتنموده وجهی سازند که زودترمراجعت
نماید وبمتعلقان خودپیوندد توفیقرفیق باد .

الفقیرعبدالرحمن الجامی

برگ۳۹ــ۱ ،رقعه ۵۳۹
برگ۳۹ ــبرقعه ۵٤۰

ازین بعدتا آخرمرقعوی رقعه هایتحتشماره ۵٤۱ــ٦۰۱ درورقهای ٤۰ــ ۱
ــ٤۵ــب همه تعلق به قلمدیگراشخاصدارد، رقعه های جامی باهمین رقعه
(۵٤۰) تمامميشود جمع۳۳۷ شمارهمسلسل رقعه های جامی رامندربالا ی
ورق از ۱ تا ۳۳۷ نوشتم .

توضیحات

شماره ۱. برای سلطان حسین با یقرا (سالهای ۱۵۰۶-۱۴۶۹) در را-
بطه با اقدام بدفاع ازمرز های دولت‌خود بسال۸۷۸ هجری /۱۴۷۴-۱۴۷۳
میلادی‌در برا بر پسران ابوسعید(مقتول بسال ۱۴۲۹) یعنی میرزا سلطان‌احمد
حکمران ماورا النهر ومیرزا سلطان‌محمود حاکم حصار، ار سال شده .
اشخاص اخیر بخراسان آمدند وشهر بلخ را محاصره کردند .

عبدالواسع النظامی شاگرد ونو یسنده شرح حال جامی آغاز این نامه
جامی را نقل ومتن انرا که در پاسخ‌او (جامی) بسلطان حسین‌نوشته شده
حکایت‌میکند دستنویس‌شماره ۱۲۵۴صفحه آ ۱۰۷ سلطان‌حسین ازجامی‌در
مورد وقایعی که‌روی داده طلب مشو رت نموده بود و جامی به‌وی توصیه
میکند تصادمات را بطریق صلح آمیزحل وفصل کند .
این نامه پس از ۸ ژانویه سال۱۴۷۴ یعنی هنگامی نوشته شده که
جامی از مکه بهرات مراجعت کرده‌است . (رجوع شود بتوضیح نامه
شماره ٦)

علیشیر نوائی نیزمتذ کرمیشودکه پس از مراجعت جامی از مکه ومد-

توضیحات برای‌نامه ها درموارد ی‌داده‌شده که ،توانسته ایم واقعه یا
شخصیت مذکوررادر آنهامعین‌ومشخص‌نمایم ویااطلاعات متن‌شناسی دیگر ی
راازمجموعه های نامه ها ودستنویسهای‌دیگر کشف واستخراج نمائیم .

ینه بهـرات سلـطان حسـین در حال یورش ببلخ بود (خمسته المتحیر ین صفحه ب ـ۲۹) .وقایع تاریخی مربوط باین یورش سلطان حسین را خواند میردر حبیب السیر مشرو حـاحکایت میکند (جلد ٤. صفحات ١٦٦ـ ١٦٤).

جالب است که جامی در این واکثردیگر نامه های ارسالیش برای سلطان حسین اغلب از عنوان «دولتـخوا هان آن حضرت» استفاده میکند. وحتی در منشآت« خود برای گروهـی از نامه های خود که برای سلطان ارسال نموده این عنوان را بکار برده :

رقعه هایی که بملازمان سلطنـت شعاری حضرت خلافت پناهی نوشته شده» که گواه بروجود نـوع خـاص بپادشاهان بوده، خطابی که منزلـت آنهارا ایده آلیزه، میکرده .

شماره ۲. برای علیشیر نوائـــی ارسال گردیده وگواه بردوستی فراوان وتماسهای خلاق نزدیك دوشاعر بزرگ میباشد. اثرموسوم به «نفحات الانس» کتاب مشهوری است که حاوی نظرات فرقه تصوف وشرح حال شیوخ صوـ فی قرون هشتم تا پانزدهم میباشد .تنظیم این اثر بخواهش علیشیر نواـ ئی درسال ۸۸۱هجـری (سالـــهـــای۱٤۷۷ ـ۱٤۷٦) آغاز گـردید و سال ۸۸۳ـ (۱٤۷۹ـ۱٤۷۸) بپایان رسید.(علیشیر نوائی. کتاب خمسته المتحیرـ ین صفحه (۵۰) عبدالرحـمن جامـی. نفحات الانس ،صفحات ۵۷،۳ خواندمیر .مکارم الا خلاق ،صفحه ب۶۲)وآنگونه که از نامه های دستخط جامی (شماره های ۱۰۸ر۱۰۲) ۱۹۷ر ۹۱۲ و۳۵۹ـ۳۵۳) . برمیاید بقطعات جهت آشنایی برای او ارسال میشده .زمان نوشتن نامه بیـن سالهـای ۱۸۸ر ۱٤۷٦ و ۸۸۳ر۱٤۷۹ ـ۱٤۷۸ یعنی هنگامـی میباشد که نفحات الانس نوشته میشده.

جامی بخش شعری نامه رادر«منشآت»خود فصل» بارکان دولت» نقل نموده کلیات جامی (دستنویس شماره ۱۲۳۱ ،صفحه ب ـ ۵٤٦) .

شماره۳ .این نامه که برای سلطان حسین بایقرا نوشته شده نیزدرمنشآت جامی در قسمت« به ملازمان حضر ت »سلطنت شعاری»درج گردیده. (دستنوـ یس شماره ۱۳۱۳ ،صفحه آ۵۳)وآنگونه که ازمحتوای آن برمیآید پاسخ نامه سلطان است که توسط اوهنگام یکی ازلشکرکشی ها یش نوشته شده .

شماره ٤ .این نامه ،پاسخی است وبنظرمیرسد که جامی آنراعجولانه نوشته است زیراخط آن ازخصوصیت خـــطنامه هائی برخورد ارمیباشد کــه در

شرایط غیر عادی نوشته شده‌انـــد(بایاد داشتی‌مقایسه شودکه اوسوار براسب نوشته است فـاکسمیل نامه های منضم‌بچاپ روسی‌نامه های جامی شماره ۱۲۱ ،صفحه ٤۰)

شماره ٥. بنظر میرسد برای‌علیشیر نوائی نوشته شده زیراجامی ازگیرنده نامه تقاضا میکند که همه متن رابعرض‌همایون یعنی بسلطان‌حسـین بایقرا برساند .دراین‌نامه جامی‌همچون مدافع‌منافع مردم‌اقدام مینماید وبرای تقلیل مالیات فوق‌العاده ازمـردم ،رشدآزادوبلامانع تجارت‌وحفظ آرامش‌اهـالـی (هرات) کوشش میورزد وسواستفاده‌مقامات راکه گناه آنهابرخودسری هـا صورت میگیرد محکوم میشمارد .

یادآوری ازمالیات «دودی»مـجـا زمیسازد برآن‌شد که ایـن‌نامه پس از قیام مردم‌هرات‌درربـیع‌الاول سـا ل۱٤۹٦ که بمناسبت وضع مالیات‌دودی صورت گرفت‌نوشتـه شـده(تاریـخ‌جمهوری ازبکستان شوروی ،جلد۱ ، صفحه ٤۸۷ ،یاکوبوفسکی خصائصـی‌زندگی اجتماعی وفرهنگی ، صفحه ۱٥ . برخی ازعبارات نامه نظیر :«آوازه باطراف رفته است که کسی‌منبعدمتعرض حال‌تجار نمیشود »،«...دلالان کــه بیشتر مهجور بوده‌اند» ممـکی است که یادآوری از بعضی اقدامات‌حسین بایقرا معطوف‌به تنظیم امورشهرهرات پس‌ازرسیدن‌او بسلطنت باشد .مانندمعاف‌شدن اهالی ازمالیات های‌فوق ـ العاده بمدت‌دوسال درمـاه‌صفرسـال۸۷٥ اوت سال ۱٤۷۰ . (خواند میر ، حبیب السیر، جلد٤،صفحه ۱٥۲) .

شماره ٦.در زمره نامه های جـامی برای علیشیرنوائی هنگام‌سفرحج د ر سالهـای ۱٤۷٤ ـ۱٤۷۲ م.یـباشـد(رجوع شـود همچنـین به نامه هـای ۳۹۹،ر ۳۹۳ و٤۰۳) . ایـن نـامـه درفصل«بارگان‌دولت»ازکتاب» منشآت» جامی درج‌گردیده (دستنویس‌شمار ۱۳۳۱٥ ،صفحه آ٥٤٦).علیشیرنوائی درخمسته المتحیرین (صفحه ٤۱سطراول شعراین نامه ونیز ابتدا وانتهای پاسخ خودبآن‌راکه در همان زمان‌ارسال‌شده نقل نموده است .چهارسطرشعری که جامی دراین نامه نوشته سطورآغازازغزلی است که اودر بغداد سرو ده .(غزل‌مذکور تماماً توسط آ.میرزایف‌دراثرش موسوم به«علیشیرنوائـــی وعبدالرحمن جامی »، صفحه ۱۱ وآ .افصح زاددر«عبدالرحمن‌جامی» ،صفحه ۸٦نقل‌گردیده .درباره‌این نامه جامی‌همچنین درکتاب برتلس‌بنام «نوائی‌ـ وجامی» صفحات ۱۲۳،۲۳۲ سخن‌رفته است) .

چنانکه ازمتن نامه برمیاید که جامی آنرا در بغداد درراه مکه نوشته .او نزدیك به چهارماه ازاواسط نوامبـــر سال۱٤۷۲تا اواسط ماه‌مارس‌در بغداد بسر برده .این‌مطلب رامیتوان ازمسیر سفراوکه توسـط فخـرالدیـن علی‌در «رشحات» (صفحات ۱٥۱ ـ۱٥۰) بپایه اظهار خود جامی تـوضیح داده شـده استنساخ نمود. سفـر مذکور با این‌توالی صورت گرفته :

عزیمت ازهرات بمکه :

خروج ازهرات ـ۱٦ربیع‌الاول‌سال۸۷۷ (۲۱اوت‌سال ۱٤۷۲). رسـیدن ببغداد نیمه جمادی‌الثانی‌همان سـال(نزدیك به ۱۷ نوامبرسال ۱٤۷۲ . رسیدن بسواحل دجلـه نیـمه شوال‌همانسال (نزدیك ۱٥مارس ۱٤۷۳). عزیمت ازسواحل دجله ،۲۰شوال همان‌سال (۲۰مارس‌سال ۱٤۷۳).خرو ج‌از نجف ،آغاز ذیعقده ،همان سال(۳۰ مارس‌سال ۱٤۷۳) .رسیدن بمدینـه ۲۲یا۲۳ ذیعقده ،همانسال(۲۰یا ۲۱آوریل سـال ۱٤۷۳ .رسیـدن بمکـه ذیـحجه همانـسال (٤ مـاه‌مه سـال۱٤۷۳) .

مراجعت ازمکه بهرات:

خروج از مکـه ۱٥ ذیحـجه هـمانسال(۱۳ماه‌مه سال ۱٤۷۳).رسیدن بمدینه ۲٥ ذیحجه هما نسال(۲۳مـاه‌ـمه سال ۱٤۷۳) . خراج از مـدینه ـ ۲۷ ذیحجه هما نسال (۲٥ ماه مه سال۱٤۷۳). نزد یك به ۲٥ مـحرم سال ۸۷۸ (نزدیك به ۲۲ ژون سال ۱٤۷۳)، خـروج از دمـشق ٤ربـیـع الاول ۸۷۸ (۳۰ ژوئیه ۱٤۷۳) . ورود به‌حلب ۲۰ ربـیع الثـانی سـال ۸۷۸ (۱٤ ماه اوت سال ۱٤۷۳) ورود بتبریز ۲٤ جمادی الاول ۸۷۸ (۱۷ سپتا مبر سال ۱٤۷۳)، خروج از تـبریز ٦جمادی الثانی سال۸۷۸ (۲۷ماه اکتبر سال ۱٤۷۳) . ورودبه ری یکم رجب‌سال ۸۷۸(۲۲ نوا مبر سال ۱٤۷۳)، ورود بهرات ۱۸ شـعبان سال ۸۷۸(۸ ژانویه سال ۱٤۷۳) .

شماره ۷ بنظر میرسند مرسل الیه علیشیر نوائی است . ازمتن نامه بر میآید جامی وگـیرنده دارای دوستـی‌استوار اند. در«منشآت» جامی(دستنو یس ۲۸٤/۱ صفحه ب ۷) این نامه‌در فصل «بار کان دولت» جادار دودر مجموعه نامه های موسوم به «مکتوـبات تیـموریه» (دستـنویس ۲۲۷۸ صفحه آ ۸٥) که این نـامه در زمره‌نامه های جامی نیزنقل گردیده تذکر داده شده کـه برای علیشیر نـوائی‌نوشته شده .

شماره ۸. گیرنده- علیشیر نوائی. این نامه گواه برمعاشرت نزدیك و خلاق دوشاعر است علیشیر نوائی درپاسخ نامه شعری «نظیره‌ای» رانوشته که در آن همان قافیه ووزن تکرارگردیده :

مطلع:

چشم شوخ یارو از دنبال ابرو خال+هست آهوئی که چرغی باشد از- دنبال او(رجوع شود به حامدی. نوائی و جامی ، صفحه ۹۸)

آنکونه که از خط نامه برمیآید(تند نویسی) شعرفی البد یهه نوشته شده .

شماره ۹- این نامه پاسخی است وآنطور یکه شعر اختتامی آن گواهی میدهد برای سلطان حسین بایقر اهنگام عزیمت از هرات نوشته شده ولی توسط علیشیر نوائی ار سال‌گردیده (بآ غاز نامه توجه شود). از اینرو در «جامی در فصل» بار کان‌دولت درج شده است . (دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحه آ ۵٤۲).

شماره۱۰- این نامه پاسخی است. بنا بر مشابهت با نامه شماره ۱ که خطاب بسلطان حسین بایقر است ودرآن موالف بکیر نده باکلمه دولتخوان هان «خطاب یکند این نامه نیز برای حسین بایقرا که درسفر بوده، نوشته شده ..رقیدی که بنامه افزوده شده‌ازیك شخصیت‌روحانی باعنوان«شیخ‌الاسلام»ذکری بمیان آمده واین‌همان است که جامی درنامه دیکر (رجوع‌شود به نامه‌؛شماره ۵۱٤ر۵۰۸) برای او همچون «پیروضعیف» توصیه مینماید .

شماره۱۱. برای‌علیشیرنوائی‌نو شته شده‌وگواه برمعاشرت نزدیك و خلاق دوشاعراست این نامه که پاسخ‌جامی‌به اشعار(قطعه) طرف‌مکاتبه اش است درفصل« بارگان دولت»از«منشآت» جامی‌نیز‌آمده است.(دستنو- یس‌شماره ۱۳۳۱ ،صفحه‌ب ٥٤٥) .قیدی‌که درحاشیه نامه است‌گواهی میدهد که‌مرسل‌الیه (نوائی) بتقاضای‌جامی بمحصلان مدرسه کمك ما د ی رسانده .

شماره ۱۲.ظاهرا برای سلطان‌حسین بایقرا نوشته‌شده ودرمنشآت جامی‌در بخش« به ملازمان‌حضرت شعاری»درج گردیده‌است .(دستنویس۱۳۳۱ ،صفحه آ۵۳۹) .

شماره (۲۹)۲۸. خطاب به علیشیر نوائی است. این نامه در «منشآت» جامی در فصل «به ملازمان حضرت سلطنت شعاری» نقل گردیده (دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحه ب ۵٤۲ همچنین نوائی آنرا در اثر «خمسته المتحیرین» (صفحه ٤٦) بدون دو قید کوچك موجود د ردستخط که حاوی سفارش چند شخص توسط جامی است نقل نموده. نوائی متذکر میشود که این نامه را در اندخود دریافت نموده. گرچه جامی در فصل «به ملازمان حضرت سلطنت شعاری» طبق معمول خود نامه هایش راکه خطاب به حسین بایقر است گنجانده معهذا این نامه بنابر تایید علیشیر نوائی. خطاب به وی (به علیشیر نوائی) است.

لذا در این فصل «منشآت جامی» نامه هائی هم که خطاب بنوائی است ممکن است مشاهده شود.

شماره (۳۰)۲۹. خطاب به علیشیر نوائی است. این نامه همچنین در «منشآت جامی» در فصل «بارکان دولت» درج است» (دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحه آ ٥٤١)، ضمنا توسط نوائی هم در خمسة المتحیرین صفحه ۳۸ گنجانده شده و در آنجا گفته شده است که نامه مذکور در پاسخ نامه نوائی از مرو هنگام قشلاق سلطان حسین در آنشهر دریافت گردیده.

درنقشه خط میر علیشیر نوائی تنظیمی آ.آ. سمیونف ومکمل ای. آ. سلطانف (رجوع شود به عزت سلطان «دفتر قلب نوائی» صفحه داخل جلد) سال اقامت نوائی در مروفقط ۱٤۹۹ ذکر گردیده. این نامه گواهی میدهد که نوائی قبل از این تاریخ هم حتی در حیات جامی (متوفی بسال ۱٤۹۲) درمرو بوده است.

شماره (۳۱) .۳۰. نامه خطاب بسلطان حسین بایقرا است و حاوی القاب پر طمطراق او:

«حضرت خلافت پناهی سلیمان دستگاهی» وغیره میباشد و در منشآت جامی در فصل «به ملا زمان حضرت سلطنت شعاری» آمده است (دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحه ب ٥۳٦). جامی طی آن دررابطه باحصول دریکی از منا زعات داخلی ابراز مسرت میکندو بعقیده او این مصالحه «متضمن مصالح جمهورا نام» و «موافق مرافق کافه خواص و عوام» است.

شماره (۳۲) ۳۱. گیرنده و علیشیر نوائی است. آغاز نامه که شعر است توسط علیشیر نوائی درخمسته المتحیرین (صفحات ٤١-۳۸) همراه

با توضیح مشروح تاریخچه کتابت آن نقل گردیده: هنگامی نوائی ضمن مصاحبه باجامی قصیده «دریای ابرار» اثر خسرو دهلوی (متوفی بسال ۱۳۲۵ میلادی) را ستود. پس از چندی جامی قصیده «لجة الاسرار» سروده خوددر پاسخ باین قصیده را باوارائه نمود.

نوائی نیز بنوبه خود در پاسخ اشعار جامی قصیده تحفة الافکار را ساخت مطالع قصائد فوق از اینقرارند:

مطلع دریای ابرار:

گوس شه خالی و بانگ غلغلش درد سرست

هرکه قانع شد به خشک وتر شه بحر و برست

مطلع لجة الاسرار:

کنگر ایوان شه کز کاخ کیوان برترست

رخنه مادان کش بدیوار حصار دین درست

مطلع تحفة الافکار:

آتشین لعلی که تاج خسروانرا زیورست

اخگری بهر خیال خام پختن در سرست

باری این نامه پس از انکه جامی شعر مذکور نوائی را خواند و بآن ار زش عالی نهاد ار سال گردیده.

تاریخ نوشتن نامه را بنحو مشر وط میتوان زمان اتمام قصیده تحفته الافکار نوائی یعنی رجب سال ۸۸۰ هجری نوامبر سال ۱۴۷۵ شمرد. (ماده تاریخ سرودن این قصیده درپایان آن از اینفرار است: یوم جامع شهر رجب).

این ماده تاریخ همچنین با سال سرودن قصیده لجة الاسرار توسط جامی منطبق است که در پایان این قصیده باکلمه «فرخ» بیان گردیده. (صفحه ۸۸۰)

متن تحفة الافکار در اطلاعیه حسلیمانف بنام «علیشیر نوائی و عبد الرحمن جامی» صفحات ۱۸ـ۴ (همراه بالجة الاسرار جامی) تماما نقل گردیده است.

شماره (۳۳) ۳۲. گیرنده بنظرمیرسد علیشیر نوائی باشد که جامی اغلب جهت ارائه کمك مادی بتنگدستان در نامه های دیگر هم باورو میآورد. نام مولا نا جلال الدین سیدمحمود همچنین در نامه های شماره (۱۲۰) ۱۱۵، (۱٤۷) ۱٤۲ و(۳۷۳)۳۲۷ ذکر شده است و جامی اورا همچون تنگدستی که بعلم اشتغالمیورزد معرفی میکند و گاه تقا ضای رسانش کمك مادی باوازمحل در آمدهای وقف میکند وگاه خواهش میکند که باو اجازه عزیمت به خراسان داده شود .

مورد اخیر گواه برآنست که خر وج از حدود دولت سلطان حسین با یقراتحت نظارت قرار داشته (همچنینرجوع شود بنامه های شماره (۲٦٦) (۲٦۱)، (۳۷۲) ۳٦٦، (۵۳۷) ۵۳۱)وغیره .

شماره (۳٤) ۳۳. گیرنده علیشیرنوائی است. این نامه درپاسخ بنامه تبریك علیشیر نوائی بمناسبت مرا جعت موفقانه جامی ازمکه نوشته شده (۸ژانویه سال ۱٤۷٤- بتوضیح نامه شماره ٦ مراجعه شود).
نوائی نامه خود را از بلخ که آنهنگام همراه با سلطان حسین در آنجا اقامت داشت به هرات ار سال نمو. ده. (رجوع شود بتوضیح نامه شماره ۱). بنابراین اطلاعات تاریخ نامهجامی را میتوان بقدر کافی دقیق از اینقرار معین نمود: رمضان سال ۸۷۸(۲۰ژانویه تا۱۸ فوریه سال۱٤۷٤) که پس از شوال سال مراجعت جامیاز مکه بهرات است .

این نامه در «منشآت»جامی فصل«به ملا زمان حضرت سلطنت شعاری» آمده است . (دستنویس شماره۱۳۳۱، صفحه ب ۵٤٤) . نوائی آغاز این نامه وتاریخچه کتابتآنرا درخمسته المتحیرین (صفحه ٤۲) نقل میکند .
النظامی شرح حال نویس جامی دراثر «مقامات مولوی جامی» (دستنویس شماره ۱۳۵٤، صفحه آ۹۸) نیزابتد ای رباعی نامه تبریك نوائـی را نقل میکند .

شماره (۳۵) ۳٤- بنظر میرسدکه گیرنده علیشیر نوائی باشد . در این نامه جامی ازحل و فصل مسالمتآمیز یك منازعه فئودالی داخلی ابراز مسرت میکند و مینویسد که «مصلحتجمیع مسلمانان از دو جانب (خراسان وماورا النهر) در آنست میتوان پند اشت که جامی در باره یورش سلطان حسین به قندوز در سال ۸۹٦/۱٤۹۱ علیه حکمران حصار (سلطان

ئی در خمسة التحیرین (صفحه ٤٥)متذکر شده است (رجوع شود به بار تولد. میر علیشیر وزنده‌گی سیاسی(صفحات ٢٤٦- ٢٤٥). علیشیر نوا- محمود) وحکمران قندوز (خسرو شاه)اطلاع میدهد که جامی مخالف یورش سلطان حسین به قندوز بود واز نو ائی خواهش نموده که مانع این کار شود. ولی یورش صورت گرفت ونوائی ناگزیر شد همراه باحسین بایقرا عزیمت کند. آنگاه جامی از نوائی‌تقاضا نمود که او (جامی) را در جریان کار گذارد وطی سراسر یورش بین آنها مکاتبه ادامه داشت .

شماره (٣٦) ٣٥- این یکی ازنامه های کثیرجامی بمقامات‌مسوول دولتی است که حاوی توصیه تقسیم حاصل‌وقوف ، ار ائه کمک مادی ویابر قراری مستمری برای‌محصلان و مدرسان نیاز مند مدارس هرات میباشند . گیرند گان این نامه ها صدرها. یعنی مسوولین امور او قاف بوده‌اند. این فرض ونظر توسط‌نامه از مقرر شدن مستمری ازطرف صدر برای یك نیازمند از شخص‌مسوول دیگری که‌ممکن‌است علیشیر نوائی باشد خواهش میکند پرداخت‌آنرا ترتیب دهد .

این موضوع که علیشیر نوائی نیزدرمقرر ساختن مستمری‌برای محصلان ومدرسان مدرسه شرکت داشته ازنامه های محمدبن امین الدین در(آلبوم نوائی)نیزبر میآید. در این نامه‌هامو لف از گیرنده تقاضا میکند که‌از محل اعتبار وقوف برای محصلان وجوهی اختصاص داده شود. واغلب گیرنده نامه را بالقب امیر گرامی‌میدارد ودریکی از نامه های خود او را دقیقاً: «امیر کبیر، امیر علیشیر»میآمد (نامه شماره ٤٥٧/ ٤٥١) .

شماره (٣٧) ٣٦- آنگونه که ازمتن‌این نامه برمیآید برای در بارحسین بایقرا نوشته شده . این قبیل نامه‌گواه بر کاغذ بازی در ادارات دولتی بوده وجامی با پیروی از اصول انسا ند وستانه . خود کوشش میورزد بمردم رساند و حل وفصل امور آنهارا تسریع نماید .

شماره (٣٤) ٤٢- چنانکه متن آن‌حاکی است خطاب به علیشیر نوائی نوشته شده و منسوب بگروه نامه‌هائی است که مناسبات خلاق دوشاعر را باز تاب میکنند .

این‌نامه درنشآت جامی‌نصل شده‌است‌بار کان دولت نقل شده است (دستنویس شماره١٣٣١، صفحه آ ٤٥٣) .

قصیده برده نام رایج اثر عبدالله شرف‌لدین محمد بن‌سعید البو سیری شاعر مصری (متوفی بسال ۱۲۹٤ر٦٩٤) تحت‌عنوان «الکواکب الدریه فی‌مد ح خیرالبریه است. این اثر باقتباس ا زقصیده متن کعب‌ابن زهیر شاعر قرن هفتم میلادی سروده‌شده.

درقرون بعدتفسیرهای بسیاری‌براین اثرودیگر انواع‌آن نوشته شده (رجوع شودبه م.د.خ. جلد۲صفحات۱۰۵ـ ۸۵ وشماره های ۹۸۹ ۹٤٤ تذکر موجود درنامه مذکور جامی که طی آن این شاعر از نوائی خواهش‌میکندعقیده خودراا برازدار دودرزمره آثار فوق‌الذکرمیباشد. باری درفهرست آثار جامی(رجوع‌شود به برتلس. نوائی وجامی‌صفحات ۲٤۰ـ ۲۳۹) وکلیات او(دستنویس شماره۱۳۳۱) از تفسیر برقصیده برده نام برده نشده. بنظر میرسدکه درنامه سخن برسر ترجمه منظوم قصیده‌عبدالرحمن جامی ازعربی بفارسی است‌که در برخی‌دستنویس های‌حاوی متن‌قصیده بوده ملاحظه میگردد (رجوع شود به م.د.خ. جلد ۲، صفحات ۹۵ـ۸۹، شماره های ۹٤۷، ۹۵۰، ۹۰۹).

شماره (٤٤) ۰٤۳ گیرنده سلطان‌حسین بایقر است. این‌نامه درمنشآ ت جامی در قسمت «بملازمان حضرت‌سلطنت شعاری» درج گردیده. (دستنو یس شماره ۱۳۳۱، صفحه آ ۵۳٦). ازمتن نامه معلوم میشود که پاسخ است و ظاهرا در زمان اقامت حسین‌بایقرا در قشلاق برای وی بمرو ار سال گردیده. سال تنظیم آن معلوم‌نیست. خواند میرفقط تاریخ یک اقامت وی در قشلاق (مرو) راذکرمیکند ـسال ۸۹۲ (۱٤۸۷). (حبیب السیر جلد ٤، صفحه ۱۷۹).

شماره (٤۵) ٤٤. حاوی توضیح‌جامی در باره حکم شریعت در مورد مساله تقسیم صدقه بشکرانه انجام‌کاری است. بنظر میرسد عبدالرحمن جامی این یاد داشت را بخواهش یکی‌از مقامات درباری نوشته است وباین جهت در «آلبوم نوائی» درج گردیده

هما نطور که خود جامی خاطر نشان میسازد توضیع او مطابق بااحکام موجود در آثار فقهای‌اسلامی بقرارذیل صورت گرفته :

۱ـ فتاوی الصغری. مولف ـ نجم‌الدین ابو یعقوب یوسف بن احمدبن

ابو بکر الخبم الخواردمی (قرن ۱۳میلادی) رجوع شود به م.د.خ.، جلد ٤. صفحه ۱۹۷، شماره ۳۰۱٦ .

۲ـ خلاصه ، یعنی خلاصه الفتاوی.مولف طاهر بن احمدبن عبـدالر شید افتخار الدین البخاری (متـوفی بسال۱۱٤۷/ ٥٤۲) رجوع شود به م.د.خ، جلد ٤ صفحه ۲۰۲، شماره ۳۰٦٤ .

۳ـ خزائن المفتیین . مولف امام‌حسین بن محمد السمعانی الحنفی(این اثرسال (۳۱٤۰ـ ۱۳۳۹ ۷٤۰ بپایان‌رسیده. رجوع شودبه حاجی خلیفه ، دوجلد ۳، صفحه ۱۳٦ شماره ٤۷۰۲

٤ـ المحیط مولف رضی الدیـن‌محمدالسرخسی (متوفی بسال ۱۱٤۹/ شماره (٥٤٤) رجوع شودبه م.د.صفحه ۲۰٦ـ ۳۰۷.

شماره (٤٦) ٤٥. پـاسخ سلطان‌بایقر است ودرمنشآت جامی‌در قسمت «به ملا زمان حضرت سلطنت شعاری»مندرج اسـت. (دستـنویس ۱۳۳۱،

شماره (٤۷) ٤٦ چنانکه ازمتن‌نامه برمیآید گیرنده علیشیر نوائی است جامی دراین نامه در برابر ماههچون‌زرمنده راه عدالت وسعادت مردم قد علم میکند و موائی را فرامیخواند که در قطع ظـلم و جوری کـه از جنوب هرات‌گسته ش یافته اقدام نماید.جامی‌راجع باین‌موضوع قبلاًهم‌متذکرشداست صفحه ب ٥۳۷) .

شماره (٤۸)٤۷ .گیرنده سلطان‌حسین بایقرا است . آنـگونه که از متن آن برمیآید اسلطان بالشکر یانش‌خارج از هرات بوده . دو رباعی موـ جود در این نامه در منشآت جامی‌درج‌گردیده (دستنویس ۱۳۳۱، صفحه آ ٥٦٥)ولی‌در آنجامتن‌کامل نامه موجودنیست .

شماره (٦٤) ٦۰.ر جوع شود بتوضیح نامه شماره (٤٦) ۳٥.

شماره (٦٥) ٦۱. این نامه پاسخی‌پاسخی ازقرار معلوم خطاب به علیشیر نوائی نوشته شده ودرفصل «بارکان‌دولت» منشآت جامی هم نقل گردیده. (دستنویس شماره ۱۳۳۱ صفحه ب٥٤٥) جامی درقید بر نامه از گیرـ نده تقاضا میکند به شخص بنام میرخلیل الله به یاد گار خویش وی موـ سوم به کمال الدین حسین خوارزمی‌کمك شـود. شخص اخیر دانـشمند مشهور اهل تصوف ازسرزمین خوارزم‌بوده ودرزمان حکومت‌شاهرخ (۱٤٤۷ ـ ۱٤۰٥) میزیسته. وبـعلت اشعارصوفیانه افراطی‌خود بکفرمتهم شدواز

خوارزم بهرات احضار گردید وتحت‌محاکمه قرار گرفت ولی براثردانش عمیق‌خود درفقه توانست تبرئه گردداضافه براشعار، چند اثر با و تعلق دارد. مانند: شرح برمثنوی جلال الدین رومی شرح قصیده برده (رجوع شودبه توضیح نامه شماره (٤٣)٤٢ وغیره .

اوسال ١٤٢٧_ ١٤٢٦/ ٨٣٠ در خوارزم فوت نمود علیشیر نوائی مجالس النفائس صفحات ١٠_٩، خواندمیر. حبیب السیر، جلد ٤، صفحه ٩)

شماره (٦٧) ٦٢. باتکیه باینکه جامی در این نامه از سلطان همچون شخص سوم (ایشان) یاد آور میشود.میتوان گفت که برای یکی از ملازمان (بنظر میر سدعلیشیر نوائی) نوشته شده نظیراین یاد آوری ازشخص سلطان با کلمات «خدمت ایشان» درنامه دیگر جامی مشاهده میشود(آلبوم نامه شماره ٢٢٤/٢٢٩). نامه گواه‌برآنست که در جامعه فیودالی، شاه به شخیتها ومقامات روحانی امتیازاتی در وضع مالیاتهامیداده. این موضوع توسطدیگر نامه های‌جامی (شماره‌های١٠١ر ٦٩،١٤٥ر١٤٠ ،١٥٥ ر١٥٠، ١٩٨ر١٩٣) که درآنها ونظیراین امتیازات رابرای اشخاص‌دیگر متعلق به اقشارخواجه شاید،شیخ درخواست‌میکندنیز تأییدمیگردد .

شماره (٦٨) ٦٣.خواجه سیف‌الدین‌مظفر که درنامه ازاونام برده‌شده‌یکی ازوزرا سلطان حسین بایقراست که پس‌ازجلوس‌او بتخت سلطنت(سال_ ١٤٦٩) باین‌سمت انتصاب یافته.ولی‌بعددر نتیجه سواستفاده مالی زندانی شدودر ژانویه سال١٤٨٦اعدام گردید(خواندمیر،حبیب‌السیر، جلد٤،صفحات ١٣٨،٣٧٩،٣٣٠) .

این‌نامه توصیه ،توسط جامی‌پس‌ازمراجعت‌وی ازمکه بهرات در٨ژانویه سال ١٤٧٤نوشته شده .(رجوع‌شودبه‌توضیح نامه شماره ٦) .جامی‌خواجه سیف‌الدین‌رامقام سامی‌میشمرده‌وتصادفی نیست‌که اودردیگر نامه های توصیه ای‌خود(شمارهای ٧١ر٦٦،١٤٢ر١٣٧)بگیرنده (علیشیر نوائی‌یاسلطان‌حسین بایقرا) مشورت میدهدکه نسبت باوباالتفات باشند .

شماره (٦٩) ٦٤.گیرنده_علیشیرنوائی‌این‌نامه درمنشآت جامی درفصل

«بارکان دولت» درج است (دستنویس شماره ۱۳۳۱ ،صفحه ب ۵۴۲) .جامی طی آن بنوائی توصیه مینماید که خدمت دشوار دردربار را بخاطر «مصالح مسلمانان» و «دفع مفاسد ظالمان» ترك نگوید تاامکان باشد ازمردم در برابر تضییق وظلم دفاع نمود .

مکاتبه بین نوائی وجامی بامتن مشابه این نامه درخمسة المحیرین نوائی نیز موجود است (صفحه ۴۱) . نامه مذکور جامی در مجموعه نامه ها ازمنبع انستیتوی خاور شناسی فرهنگستان علوم ازبکستان نقل شده است (معین بن حاجی محمد الفراهی «مجموعه رقعات ومنشآت»،دستنویس شماره ۲۹۶ ،صفحات ب-آ ۱۴۴). درآنجا آمده است که این نامه خطاب به مجدالدین محمد (یکی ازمقامات دربارسلطان حسین بایقرا، متوفی بسال ۱۴۹۴ ،مغضوب)میباشد .ولی این نظرصحیح نیست .درآلبوم نامه ای ازجامی (شماره ۱۱۶ر۱۱۱)وجوددارد که درآن جامی احتمالاً بخواهش مجدالدین از سلطان حسین بایقرا تقاضامیکند اورابخدمت دربار بپذیرد ونه اینکه اورا درخدمت باقی گذارد .(رجوع شود به توضیح نامه شماره ۱۱۶ ر ۱۱۱) .

شماره (۷۰) ۰۶۵ ازقرار معلوم خطاب به علیشیر نوائی است وگواه بر آنست که درخراسان استفاده ازوقف یا بخشی ازدرآمدهای آن بود که درمکه رایج بوده شماره (۷۱) ۶۶ رجوع شود بتوضیح نامه شماره ۶۸ .

شماره (۷۴) ۶۹ .مخدوم زادگان بمعنی شاهزادگان اشراف زادگان ویا پسران مقامات عالی مذهبی است .ولی دراین نامه معلوم نیست که جامی پسران کدام یك ازاین اقشار را درنظردارد .

شماره (۷۵) ۰۷۰ بنظرمیرسد موردخطاب نامه علیشیر نوائی باشد .جامی دراین نامه ازمنافع مردم زحمتکش دفاع میکند که از مالیات های کثیر فوق العاده خسران میبینند .جامی ابتدا همانطور که درنامه آمده صاحب اعظم خواجه معین الدین را مورد خطاب قرار میدهد که «اظهار عجز ودر ماندگی» نموده و نمیتواند تغییری دروضع دهد وسپس طی همین نامه به علیشیر نوائی رو میآورد .

شماره (۷۶) ۰۷۱. این نامه درزمره نامه های خطاب به علیشیر نوائی یا صدرهائی است که بر تقسیم عوایداوقاف نظارت داشته اندو گواه برآنست که جامی مراقب وضع مادی محصلان ومدرسان مدارس هرات

بوده (رجوع شود بتوضیح نامه شماره (۳٦)۳٥) .شماره(۷۷)۷۲.
رجوع گردد بتوضیح نامه شماره (۳٦)۳٥ بنظر میرسد علیشیر نوائی باشد در آن جامی از راجعت گیرنده نامه ازسفر اظهار مسرت مینماید .(چون دراشعار اودریا سخن رفته ممکن است نوائی دراسترآباد واقع درسواحل دریای خزر بوده .اودرسالهای ۱٤۸۸ـ ۱٤۸۷ حکومت آن ناحیه را برعهده داشته وسال ۱٤۸۹ از آنجامراجعت نموده است. رجوع گردد به : بارتولد .میرعلیشیرو زندهگی سیاسی، صفحه ۲٤۳) .

کلمه «واسطی» که درشعر آمده نوعی نی است که در ناحیه واسط (مابین بصره و کوفه) میروید و ازآن قلم تهیه میکرده اند .

شماره (۸۰) ۷٥. کلمه «خواجه» که در نامه آمده است بنظر میرسد خواجه عبیدالله احرار باشد که درباره تاریخ فوت او توسط خود جامی ماده تاریخ نوشته شده است(رجوع شود بشماره (۲۷۹) ۲۷٤) که طبق آن تاریخ فوق خواجه عبیدالله سال ۸۹٥(۱٤۹۰) است
دعای آخرنامه احتمالا مربوطبه نزدیکان خواجه احرار (ملازمان ایشان) ومریدان او است .

شماره (۸۲) ۷۷. آنگونه که ازمتن نامه بعدی (۸۳ر۷۸) برمیاید و جامی در آن از «سفرمبارك» یعنی سفرمکه سخن میگوید در اینجا نیز جامی سفر خود بمکه برای انجام فرائض حج در سال های ۱٤۷٤ـ ۱٤۷۲ رادر نظردارد .(رجوع شودبه توضیح نامه شماره ٦). لذا گیرنده علیشیر نوائی است که در ترتیب دهی این سفر شرکت فعال داشته وبا جامی درمدت این سفر مکاتبه مینموده. این بزودی پس از مراجعت جامی بهرات نوشته شده. (ژانویه سال ۱٤۷٤) .

شماره (۸۳)۷۸. در این نامه نیزنظیرنامه قبلی طرف مخاطب علیشیر نوائی است این نامه سال ۱٤۷٤ نوشته شده .

شماره (۸٦)۸۱.خواندمیرازمدرسه بیگم همچون یکی ازموسسات تحصیلی زمان جامی که درهرات دایر بودهاند سخن میگوید.این مدرسه همچون دارالایتام شهرت داشته (حبیب السیر، جلد ٤، صفحه ٦۰٥).

شماره (۸۷) ۸۲. در نامه احتمال دارد که سخن ازدوخاوند شاه میر و دیکی سعیدبرهای الدین خاوند شاه که از شیوخ متنفذ بلخ درزمان جامی‌است او زمانی در هرات اقامت داشت ولی سال ۸۵۷/۱٤۵۳ ببلخ مراجعت نمودو درآنجا فوت کرد. دیگری محمد بن خاوند شاه (میرخواند) یکی از پسران‌سعید برهان الدین‌خاوند شاه میباشد. (خواند میر ،حبیب السیر، جلد ٤ ،صفحه ۱۰۵، علیشیر نوائی. مجالس النفائس، صفحه ۱٤۵) این تاریخ‌نویس مشهور هرات در قرن۱۵ مولف روضه الصفا است وبسال ۹۰۳/۱٤۹۸ درهرات فوت نمود .م.د.خ.جلد ۱، صفحات ۳۹،۳۱).

شماره (۹۰) ۸۵.منظور از«مزا رمتبرك حضرت خواجه اقدش «احتمالا گور خواجه عبدالله انصاری ملقب به«پیرهرات» (متوفی بسال ۱۰۸۸ ر ۱٤۸۱) میباشد. این گور در شمال‌شرق هرات درکاز رگاه قراردارد. (ماسون .درتاریخ نقشه ریزی‌هرا ت‌صفحه ۱۳۸) .

سال ۱٤۲٦ـ ۸۲۹/۱٤۲۵ توسط‌شاهرخ پاد شاه تیموری نزد گور انصاری بنائی برای زائران احداث‌گردید وبرای نگهداری خدام‌آن اوقاف معین شد (عبدالرزاق سمرقندی.مطلع سعدین ،صفحات ۳٤۲ـ۳٤۱)

شماره (۹۳) ۸۸. رجوع گردد به‌توضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۹۷) ۹۲. مولانا لطفی که ذکر آن در نامه آمده ، شاعر مشهور از بك ومعاصر جامی ونوائی است(متولد تقریبا سال ۱۳٦٦ ومتوفی بسال تقریباً ۱٤٦۳) نوائی در مجالس‌النفا ئس هنگامی که ازاو سخن‌میگوید (صفحات (۷۳ـ۷٦ اطلاعاتی د رباره پسران اونمیدهد وشاعر ملقب به لطفی همچون شاعر کم شهرت ترکزبان‌که‌در جوانی فوت نموده معرفی میشود (همانجا صفحه ۷۵).درتحقیقات‌مربوط به لطفی‌ـ(مالایف. تاریخ ادبیات ازبک، کتاب یکم ، صفحه ۳۲۳، رستمف. شعر ازبکی ، ارکنف. لطفی)، اطلاعاتی در باره پسران او وجود ندارد. بادر نظر گرفتن این نامه جامی میتوان‌اند یشید که اگر لطفی پسری هم داشته که‌شاعر بوده اوهم‌آنچنان‌مشهور نبوده که ازوی در تذکره های شاعران هراتی قرن پانزده ذکری‌بمیان آید .

شماره (۹۹)۹٤. درنیمه دوم سده۱۵درگیلان دولت سیدی وجود داشته

(سالهای ۱۵۹۲ـ۱۳۷۰) که مرکز آنلاهیجا نبوده .این دولتدرنتیجه جنبش در ویشی که اواسط قرن ۱٤در مازندران وگیلان گسترش یافت بوجود آمد. (پیگولوسکایا. تاریخ ایران، صفحات ۲۳۰ـ۲۲۹، پترو شفسکی ،اسلام در ایران، صفحه ۳۵۹. باریمعلوم نیستکه جامی ازکلمات سلاطین «سیدهای حاکم این زمان را درنظردارد ویااعقاب دودمان قدیمی دیگری را .

شماره (۱۰۰)۹۵.چنانکه از متن برمی آید این نامه برای سلطان حسین بایقرا نوشته شده آن احتذالأصحبت برسرپسر عموی علیشیر نوائی یعنی امیر حیدر است که درلشکرسلطان حسین بایقرا خدمت میکرده. هنگامیکه نوائی حکمران استر آباد بود. (سالهای ۱٤۸۹ـ۱٤۷۸) بسفارش اوامیر حیدر برای کار های دولتی بهرات رفت و در آنجا بدون اطلاع نوائی بسلطان در باره تلاش سوءقصد بجان نوائی در ستر آباد سخنانی گفت. همین موضوع موجب خشم سلطان ومحبوس نمودن حیدرشد. حیدرپس از آزادی اززندان خدمت لشکررا ترك گفت ودرویش شد وببلخ وسپس بقند وزرفت . هنگام نزاع سیاسی مابین خسرو شاه حکمران قندوزوحسین بایقرا (سال ۱٤۹۹)امیر حیدر بعنوان سفیر خسرو شاه بار دوگاه حسین بایقرا آمد ولی بازداشت ومتهم به خیانت شدو اعدام گردید (سمیونف. مناسبات متقابل علیشیر نوائی وسلطان حسین میرزا صفحات ۲٤۵ـ ۲٤۳ خواند میرحبیب السیرجلد٤ ، صفحات ۱٦۹ـ ۱۸۳، ۲٤٤ـ ۲٤۲) .این نامه را میتوان مورخ سال ۱٤۸۸ یعنی هنگامی دانست که «خدمت امارتمآبی» یعنی امیرعلیشیر هنوز حکمران استر آباد بود.

شماره (۱۰۱)۹٦. رجوع شود به توضیح نامه شماره (٦۷۵) ٦۲ .

شماره (۱۰۵) ۱۰۰ این نامه گواه بر آنست که در زمان سلطنت حسین بایقرا اخذ «مال» یعنی خراج فقط شکل نقدی داشته ولی مواردی هم بوده است که طبق فرمان خاص خودسلطان یاعالیترین مقامات مالی (که بنظر میرسد این نامه جامی برای آنها ار سال گردیده) بجای «مال» نقدی «مال» جنس نیزاخذ میشده.جامی نظیر همین توصیه را برای شخص دیگری که از قشر خواجگان بودهنیز نوشته است (شماره ۱۵۵/ ۱۵۰)

شماره (۱۰۸) ۱۰۳. بنشانی علیشیر نوائی است. جامی قطعات جدا گانه نفحات الانس را بترتیب نوشتن آن برایش ار سال میکند (رجوع شود همچنین بتوضیح نامه شماره ۲) این نامه میسر میسازد نگات جداگانه شرح حال جامی راتدقیق نمود. درآن ۶ روزازماه ذیحجه وتعویق یک مسا فرت ذکر میگردد. در این بارههمچنین در نامه های شماره ۱۹۷/ ۱۹۲و ۳۴۰-۳۳۴ سخن میرود). بادرنظر گرفتن اینکه نفحات الانس در سال ۱۴۷۹- ۱۴۷۸/ ۸۸۳ بپایانرسیده (رجوع شود به توضیح نامه شماره۲) ودر این زمان طبق نوشته فخرالدین علی (رشحات ،صفحات ۱۴۳ -۱۴۲) سفر سوم جامی بماورا النهرصورت گرفته (ازیکم ربیع الاول سال ۸۸۴ (۲۳ ماهمه ۱۴۷۹) تاپایان جمادیالاخر سال ۸۸۴ (اوت ۱۴۷۹ششم ذیحجه یعنی روزنوشتن اینذامه رامیتوان بسال ۸۸۳ (۱۴۷۹ فوریه ۲۸) متعلق دانست. از اینر وسفر جامیبماوراالنهر ازفوریه به ماه مه سال ۱۴۷۹ بتعویق افتاده .فخرالدینعلی (رشحات، صفحه ۱۴۲) زمان های دو سفرقبلی جامی بسمر قند را متذکرشده است- اولیدرسال های۱۴۳۶ ر۸۳۰-۱۴۵۲ ر۸۵۶ وثانوی در سال۱۴۶۵ر ۸۷۰ .

شماره (۱۱۰)۱۰۵. این نامه کهپاسخی استودرمنشآت جامی درقسمت «بارکان دولت» درج گردید .(دستنو. پسشماره ۱۳۳۱ ،صفحه آ ۵۴۵) در زمره مکاتبات خصوصی جامی باگیرنده(ظاهراً باعلیشیرنوائی)قراردارد . دراین‌نامه بمناسبت اختتام خیررویداد های سیاسیمعینی درهرا ت ابراز مسرت شدهاست .

شماره (۱۱۶) ۱۱۱. اینامه آنطورکه ازمتن آن برمیآید برایسلطانحسین بایقرا ارسال گردیده ودرآنازمجد الدین محمد یکیازمقامات مشهور در بار حسین بایقرا نام برده شده .اودرسالهای ۱۴۷۸-۱۴۷۲مقام باامتیاز«پروانه» رادارا بوده(شخصی که فرامین شخصسلطان راابلاغ میکند وراجع بامور گزارش میدهد .چنینشخصیهمچنین«نایب» نامیده میشد)ازسال۱۴۷۸ تا سال ۱۴۸۷ بانضام مجدالدین موردغضبقرارگرفتوسال ۱۴۸۷ پس از انتصاب علیشیرنوائی بحکمرانیاسترآباد مجددامقرب دربارگردید ووزیر شدولیبزودی (سال ۱۴۹۰)باتهامتصاحب وجوه واموالدولتی ازمقامخود معزول گشت .سال ۱۴۹۴نیز عازمسفرحج شدوبی آنکه بمکهرسد د ر گذشت .

عبارت «درحین وحشت» که در نامه ذکر گردیده بنظرمیرسدمربوط بقیام هرات‌در سال ۱٤۷۰ باشدکه بعلت‌وضع مالیات «دودی» برای‌اهالی شهر درغیاب سلطان حسین بایقرا صورت‌گرفت‌وباتصمیم عادلانه علیشیرنوائی مشتمل برتنبیه گناهکاران وضع‌کننده مالیات پایان یافت .(بارتولد، میرعلیشیر وزندگی سیاسی، صفحه ۲۳۰) .

آنگونه که ازاطلاعات مذکوربرمیآید این توصیه جامی دربین سالهای ۱٤۷۰و۱٤۷۲ نوشته شده یعنی پس‌ازقیام هرات وقبل ازانتصاب‌مجدالدین بمقام پروانه .

شماره (۱۱۸) ۱۱۲. سید نصرالله کسکنی توسط خواندمیر همچون یکی از اعیان واشراف سبزوار معرفی‌گردیده ،سلطان حسین بایقرادرمارس سال ۱٤۷۰ سبزوار را تصرف نمودوبسیاری از هواداران میرزا یادگار محمد را بقتل رسانید. سید نصرالله‌کسکنی درزمره کسانی بودکه سریعاً ازسلطان حسین بایقرا اطاعت‌کردو موردعفو واقع‌شد حبیب السیر، جلد ٤ صفحه ۱٤۳. ولی آنطور که از نامه جامی برمیآید سید نصرالله محتملاً پس مجدداً بمیرزایادگار پیوندگردید.سلطان‌حسین بایقراپس از پیروزی نهائی بر یادگارمحمد نصرالله رامحبوس ساخت درماه‌اوت سال ۱٤۷۰ (عبدالرزاق سمرقندی ،مطلع سعدین، جلد ۲ ،فصل۳ صفحات ۱٤۲۷-۱٤۲۵)

بامنظور داشتن زمان وقایع مذکورنامه جامی میتواند مورخ ماقبل نیمه دوم سال ۱٤۷۰ باشدکه ظاهراً برای‌علیشیر نوائی آن سال گردید .

شمار (۱۱۹) ۱۱٤. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۲۰) ۱۱۵. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۲۱) ۱۱٦. مخاطب ازقرار معلوم علیشیر نوائی است. این نامه مربوط بزمان‌مسافرت سوم جامی‌بماوراالنهر است که سال ۱٤۷۹/ ۸۸٤ انجام گرفت .

(رجوع شود بتوضیح نامه شماره۱۰۸/۱۰۳) وبتاریخ ۱۵ ربیع الثانی سال ۸۸٤ (ژونیه ۱٤۷۹) درفاراب نوشته‌شده . (محل وتاریخ مذکور بنابر اطلاعات فخرالدین علی معین گردیده که نوشته است جامی ۱۵ ربیع الثانی سال ۸۸٤(٦ژوئیه ۱٤۷۹) هنگام‌عزیمت بتاشکند از فاراب گذشته

ودر تاریخ ۲۲ ربیع الثانی سال ۸۸٤ (۱۳ ژونیه سال ۱٤۷۹) بآن شهرر سیده است ـ رجوع شود به رشحات، صفحات (۱٤۳ـ ۱٤۲) .

نامه مذکور برای تدقیق اطلاعات مربوط به جامی و تعیین دستخط های اودر بین میراث فراوان دستنویس وی اهمیت دارد .

شماره (۱۲۲) ۱۱۷. رجوع شود بتوضیع نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۲۵) ۱۲۰. این نامه ازقرار معلوم برای علیشیر نوائی بپاسخ خبر اودر باره رسیدنش بمحل مورد نظر دریکی از سفرهایش بشهر های خراسان نوشته شده است .

شماره (۱۲۷) ۱۲۲. امیر مظفر مذکور دو نامه یکی از فرماند های نظامی سلطان حسین بایقرا از طایفه برلاس میباشد که دردر بار از اعتبار فراوان برخوردار بوده در آغاز سال ۱٤۷۲ هنگامیکه علیشیر نوائی در دیوان شاهی بمقام عالی انتصاب یافت بفرمان سلطان هیچکس حق نداشت امضأ خود را بالاتر از امضأ او قراردهد باستثنا میرمظفر برلاس که به سلطان حسین بایقراد ستیابی بتخت سلطنت تیموریان درهرات مساعدت رسانید .(خواندمیر .حبیب السیر جلد ٤،صفحات ۱۲٦، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱٤٦، ۱۵۰، ۱۵٦ـ۱۵۳،۱٦٦ ـ۱٦۲، ۲۰۳) .

شماره (۱۲۹) ۱۲٤. مخاطب ـ علیشیر نوائی. متن کامل وتاریخچه نوشتن آن توسط علیشیر نوائی درخمسة المتحیرین نقل گردیده. هنگامی حسین بایقرا که درکرانه مرغاب اردوزده بودنوائی را باسفارش معجلا بمشهد گسیل نمود درراه بسوی هرات فرستاده سلطان باورسید واورا باردوگاه بازگرداند خمسة المتحیرین ،صفحه ٤۷) .

اظهار تاسف جامی درنامه بمناسبت اینکه اونتوانسته دوست خودر به بیند احتمالا مربوط باین واقعه است .

شاره (۱۳۰) ۱۲۵ .«مزارعان» یعنی کشاورزان نظیر همه اقشار مالیات دهنده باراساسی مالیات را بردوش داشتند (موقمنوا راجع بتاریخ مناسبات زراعتی ،صفحه (۵۷) جامی دراین نامه اخذ مالیات برابرمیزان رایج برای خزانه دولت را غیرمنصفا نه میشمردزیرادر گرد آوری آن بیحاصلی ناشی ازخشك شدن کاریز هامنظور نمی‌شد

شماره (۱۳۱) ۱۲٦ .متن نامه گویای آنست که برای یکی ازدولتمردان دربار

تیموریان درهرات که بسلطان دسترسی داشته نوشته شده .درآن منظور از «مخدوم زاده» یکی ازپسران حسین بایقر است .

شماره (۱۳۲)۱۲۷ . برای نوائـی نوشته شده بااین حساب که متن آن باطلاع سلطان حسین بایقرا خواهدرسیداین نامه منسوب بمکاتبـات جامـی با نوائی درزمان سفرنویسنده آن به حج است وبزودی پس ازخروج اواز هرات (۱٦ربیع الاول سال۸۷۷ــ ۲۱ماه او ت سال۱٤۷۲ـ رجوع شود به توضیـــح نامه شماره ٦)وورود ش به جام واقع بین هرات ومشهد(شمال خاوری ایران) که زادگاه جامی است ،نوشته شده .

شماره (۱۳۳) ۱۲۸.ماهیت توصیه جامی دراین نامه نزدیکان خواجه عبد ـ الرحمن ازنامه دیگری (شماره۱۸۹ ر۱۸٤)روشن میشود که جامی درآن تو ـ صیه خود مربوط به محفوظ ماندن مقام کدخدائی خواجه عبدالرحمن راکه نیا ـ کان اونیزآنرا دارابوده اند باظهاریه اهالی قریه کوسویه میافزاید .

شماره (۱۳۵) ۱۳۰ بنظرمیرسـدامیر مظفرمذکور درنامه که نوکرا ن اوزن بیگناهی رابازداشت کرده انـد،همان امیر مظفر برلاس باشدکه یکـی ازسرداران متنفذسلطان حسین بایقرابوده .(رجوع شود به توضیح نامه شماره ۱۲۷ر۱۲۲) .

شماره (۱۳۷)۱۳۲.رجوع شود بـتوضیح نامه شماره(۳٦)۳۵ .

شماره (۱٤۲)۱۳۷ رجوع شـو دبتوضیح نامه شماره (٦۸)٦۳ .

شماره (۱٤٤)۱۳۹ .این نامه درزمره آن نامه های جامی است که توسـط اوهنگام سفرحج برای علیشیر نوائـی نوشته شده وچنانکه ازروی متن آ ن میتوان قضاوت نمود بزودی پس ا زعزیمت جامی ازهرات (۱٦ربیع الاول سال۸۷۷ برابر با۲۱ ماه اوت سـال۱٤۷۲) نوشته شده .(رجوع شود بتو ضیح نامه شماره ٦) .

شماره (۱٤۵) ۱٤۰ .این نامه جامی گواه برآنست که اموال وصیت شـده برای وقف ضمن اینکه عموما مالیات بآن تعلق میگرفته طبق فرمان ویژه حکمرانان ممکن بوده است ازپرداخت مالیات برای خزانه دولت، معاف گردد زیزا متولیان وقفهااساسا شخصیتهاوشیخ های فرقه درویشی بودند که ازحمایت حکومت عالیـه برخـوردارمیشدند . (مالچانف درباره خصائص

سیستم مالیاتی ،صفحات ۱۶۵ـ۱۶٤،موقمینوا ،راجع بتاریخ مناسبات ارضی صفحات ۷۵ـ۷۳) .شیخ ابوالخیر که ازاودر نامه سخن رفته است احتما لا متولی وقف خانقاه ابوالغیث است که ازحاکمان قبلی جوازداشته .اوخواسته است باحمایت از سوی جامی ،تصدیق سندمذکور رااز سلطان حسین بایقرادریافت نماید .

شماره (۱٤٦)۱٤۱ دراثرخواندمیرازخواجه مظفر وخواجه شمس الدین بعنوان مسوولان مالی یادشده است.(حبیب السیر ،جلد٤،صفحه ۸۲) .مخاطب نامه ازقرارمعلوم علیشیرنوائی است که اشخاص مذکور باکمك جامی تلاش میورزند حمایت اورا جلب نمایند .هنکامیکه سلطان ابوسعید حکمروان خراسان وماورالنهردر سال۸٦٦ر۱٤٦۲ ـ۱٤٦۱ برضدسلطان حسین بایقرا باسترآباد رفت مسوولین مالی مذکور همراه باخواجه معزالدین وزیردر اخذمالیاتهای فوق العاده قساوت ازخود بظهور رساندند .(زرلشکر ،نام بردار) .ابوسعید پس ازمراجعت بهرات وزیر رابقتل رساندو خواجه مظفر رااز مقامش درديوان معزول ساخت .

آنگونه که از این نامه جامی معلوم است آن مسوولان مالی که در نامه جامی اسامیشان ذکرشده احتمالاً درزمان حسین بایقراپس از آنکه او بسلطنت هرات رسید (سال ۱٤٦۹)مجدداً بکارشان گمارده شدند. درنامه های جامی شماره های (۲۰۷) ۲۰۲ و(۵۱۱) ۵۰۵ از خواجه شمس الدین نیز یاد شده است .

شماره (۱٤۷) ۱٤۲. رجوع شود بتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵

شماره (۱۵۱) ۲٤٦ . این نامه ظاهرا خطاب بنوائی مقارن سفر سوم جامی بسمرقند نوشته شده: آغازربیع الاول سال ۸۸٤ برابر ۲۳ ماهمه سال ۱٤۷۹ تاماه جمادی الاخر سال۸۸٤ برابر بااوت- سپتا مبر سال ۱٤۷۹ میلادی. رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۱۰۸) ۱۰۳

شماره (۱۵۵) ۱۵۰ رجوع شودبه بتوضیح نامه های شماره (٦۷) ٦۲و (۱۰۵) ۱۰۰ .

شماره (۱۵۷) ۱۵۲. میرزا محمدعمرکه در نامه از آن نام برده شده پسر میرزا سلطان خلیل یکی ازشاهزاد گان تیموری است. آنهنگام که سلطان حسین بایقرا بمبار زه علیه میرزا یادگاربرای تصرف تخت سلطنت

هرات مشغول بود، میرزا محمد عمراز لشکراو گریخت وبقندهار رفت و از اطاعت سلطان حسین بایـقرا سرپیچید. این موضوع در مـاه ذیحجه سال ۸۷٤(ژون۱٤٦۹) بوقوع پیوست.میرزا محمد عمر بزودی هنگام جنگ با لشکر یان سلطان حسین بایقرا درفراه بقتل رسید. (خواند میر، حبیب السیر، جلد ٤، صفحـه های ۱۵۹ـ۱۵۸)

نامه جامی تقریـبا در این زمـان نوشته شده واوطی آن تقاضا میکند به مادرونزد یکان میرزامحمد عمرمقتول کمك شود .

شماره (۱۵۸) ۱۵۳. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵.

شماره (۱۵۹) ۱۵٤. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵.

شماره (۱٦۲) ۱۵۷. رجـوع شودبتـوضیح نـامه شـماره (۳٦) ۳۵.

شماره (۱٦٤) ۱۵۹. خواجه قطب‌الدین طاووس که جامی مساعی او را در حفرجوی درنامه اش متذکر میشودوزیر سلطان ابوسعید (سالهای ۱٤٦۹ ـ۱٤۵۱) پـاد شـاه تیمـوری سلفحسین بایقرا در هرات است. احداث کانال موسوم به جوی سلطان که ازشمال هرات میگذ شـته بانام قـطب الدیـن ارتـبـاط دارد ایـن کـانال‌از رود پـشـتان تـامنـبع ماهـیان ادامه داشته واز کارز گاه و دامنه‌های کـوه های زنجیـر گاه و مخـتار میگذشته . (قاسم بن یوسف ابونصرهروی. طریق قسمت آب قلب، مقدمه مایل هروی ، صفحات لد، لج و ۵٤عبدالرزاق سمر قندی. مطلع سعدین، جلد۲،فصل۳، صفحات ۱۳٦٤ـ۱۳٦۳). حفر کانال راکه بفرمان سلطان ابو سعید انجام‌گردیده خواجه قطب الدین‌طاووس سرپرستی میکرده. این کار قبل از لشکرکشی سلطان ابوسعیدبآذر بایجان (سال۱٤٦۸) بپایان رسیده است .

«بـاغ نظـر گـاه» کـه در نـامه‌جامی از آن‌سخن رفته است.در شمال خاوری هرات واقع است (قاسم بن‌ابونصر هروی. اثرنامبرده، صفحه ۵٤).

شماره (۱٦٦) ۱٦۱. علی صانعی‌که از او در این نامـه ذکری بمیان آمده (درنامه های دیگرعلاً الدین علی‌صانعی یامختصراً صانعی ـرجوع‌شود به نامـه های شـماره ۲۱۳/۱۲۸ ،۲۳۹/۳٤۵) در آغاز سلطنت حسین بایقرا یکی از وزرا او بوده وسپس‌هنگامیکه سواستفاده او در امور مالی کشف گردید اموالش ضبط و خودش‌زندانی شدوپس از٦ سال نیز بتاریخ

۸۹۱/۱٤۸٦ اعدام گردید. (خواندمیر. حبیب السیر، جلد٤ ، صفحات ۳۳۰ـ ۳۲۹).

بگواهی علیشیر نوائی صانعی مغرض بودواشعاربدی نمیسرود (مجالس النفائس صفحات ۷۸ـ۷۷) اوحتی درزندن شعر میسروده و برای علیشیر ار سال میکرده تا شفقت او را فراهم‌آورد وآزاد شود. زیرا متهم کننده اصلی صانعی علیشیر نوائی بوده(خواند میر. جبیب السیر ، جلد ٤، صفحه ۳۳۰) نامه جامی که خطاب باوست بین سالهای ۱٤۸٦ـ ۱٤۸۰ هنگامیکه وزیر نامبرده درزندان بوده‌نوشه شده .

شمس‌الدین محمد تباد کانی نیزکه یکی‌از نویسنده گان نامه های موجود در «آلبوم نوائی» است همچون شاعروشیخ اهل تصوف هرات درنیمه دوم سده ۱۵ شهرت داشته (متوفی بسال۱٤۸٦/۸۹۱) رجوع‌شود دیباچه کتاب حاضر، بخش «مولفان نامه ها»شماره۷۰

شماره (۱۷۰) ۱٤۵. جامی امیربهلول را که در این نامه ازاو سخن رفته است در نامه شماره (٤۱۷)٤۱۱ نیزنزد گیرنده توصیه میکند .

شماره (۱۷۱) ۱٤٤. بیت یکم‌این‌نامه در منشآت جامی (دستنویس شماره ۲٤۸) در صفحه ب ۱٤ درقسمت «سفارش نامه لبعض الاصدقا» درج گردیده ولی در آنجامتن نامه موجود نیست .

شماره (۱۸۵) ۱۸۰. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۸۹) ۱۸٤. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (۱۳۳) ۱۲۸ .

شماره (۱۹۱) ۱۸٦. معنی مشروط سمر قندی گری(نیزنگ بازی سمر قندی ها) برای ما دقیقتاً میسر نشد.اگرجامی با این اصطلاح بعمل سیاسی مخبوس اشاره میکنددر اینصورت‌میتوان آنرا مربوط به مناسبات سیاسی متقابل تیمور یان سمر قندی(سلطان محمود و سلطان احمد) و حسین بایقرا دانست که طی ۳۰سال‌آخر قرن ۱۵ بایکد یگر خصومت دا شتند .

شماره (۱۹۳) ۱۸۸. آنگونه که‌اززمان نامه برمیآید هنگام سفر جامی بحج (سالهای)۱٤۷٤ـ ۱٤۷۲) بزودی‌پس از خروج ازهرات (۱٦ربیع الاول سال ۸۷۷ برابر با ۲۱ ماه اوت سال۱٤۷۲) برای علیشیر نوائی نوشته

شده که جامی طی همه سفر خود بااو مکاتبه داشته است (رجوع شود بتوضیح نامه های شماره ۲، ۱۳۲، ۱۲۷/۱۴۴/ ۱۳۹) .

شماره (۱۹٤) ۱۹۲. برای علیشیر بتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۱۹۷) ۱۹۲ . برای علیشیر نوائی نوشته شد که جامی بخواهش اواثر نفحات الانس را در سالهای ۱٤۷۹ــ ۱٤۷٦ تالیف نموده است (رجوع شود بتوضیح نامه شماره ۲). سفر بعدی جامی نزد خواجه عبیدالله سومین سفر اوبماورا النهر بمنظورملا قات باخواجه عبیدالله احرار که بسال ۱٤۷۹ /۸۸٤ ترتیب یافت(رجوع شود بتوضیح نامه های شماره (۱۰۸) ۱۰۳ (۱۲۱) ۱۱٦ .

شماره (۱۹۸) ۱۹۳. رجوع شود بتوضیح نامه شماره (٦۷) ٦۲ .

شماره (۲۰۲) ۱۹۷ . نام نسبت(وردهی) که در ین نامه نوشته شده واضح نیست وماآنرابر حسب شباهت آن بانام نسبت (وردهی) که در نامه شماره (۲٤۱) ۲۳٦ خوانا نوشته شده خوانده ایم .

شاره (۲۰۵) ۲۰۰ رجوع شود بتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شمارة (۲۰٦) ۲۰۱ . آنطور که ازمتن این نامه برمیآید پس از مراجعت جامی از مکه بهرات نوشته شده ــ ۸ ژانویه سال ۱٤۷٤ (رجوع شود بتوضیح نامه شماره ٦) .

شماره (۲۰۷) ۲۰۲ ــ رجوع شود بتوضیح نامه شماره (۱٤٦) ۱٤۱ .

شماره (۲۱۲) ۲۰۷ . رجوع شود بتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۲۱۸) ۲۱۳ . رجوع شود بتوضیح نامه شماره (۱٦٦) ۱٦۱ .

شماره (۲۱۹) ۲۱٤ . رجوع شود بتوضیح نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۲۲۰) ۲۱۵ . بانام ظفرنامه دواثر مربوط بتاریخ آسیای میانه و خاور میانه درقرن ۱٤ اوائل قرن ۱۵ مشهورند . ظفرنامه یکم اثر نظام الدین شامی است که سال ۱٤۰٤ تنظیم گردیده.. (رجوع شود به ، ظفر نامه شرف الدین علی یزدی که سال ۱٤۲۵ تنظیم یافته (رجوع شود بچاپ شرف الدین علی یزدی . ظفر نامه ، تاشکند، سال ۱۹۷۲) .

شماره (۲۲٤) ۲۱۹. رجوع شود بنامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۲۲۶) ۲۲۱. نام محمودمقری(قاری قرآن) در نامه شماره (۵۳۲) ۵۲۶ همچون شخص پیرفرتوت و بیمار ذکرشده که از گیرنده نامه تقاضائی داردجامی اینجا در نامه(۲۲۶) ۲۲۱ ، در باره او همچون را جع به شخص متوفی سخن میگوید وبرای پسراو سفارش میدهد. این امر گواه بر آنست که نامه های موجود در «آلبوم نوائی» بدان ترتیب زمان وصول آنها بدست گیرنده چسپانده شده اند .

شماره (۲۲۷) ۲۲۲. رجوع شودبه نامه شماره (۳۶) ۳۵ .

شماره (۲۲۸) ۲۲۳ . رجوع شودبه نامه شماره (۳۶) ۳۵ .

شماره (۲۲۹) ۲۲۴ . در اینجانظیر نامه (۶۷) ۶۲ جامی از سلطان همچون شخص سوم (خدمت ایشان)سخن میگوید و از قرار معلوم طرف خطاب او علیشیر نوائی است. آنطورکه درکتب ونشریات آمده سلطان حسین بایقرا هنگام تعقیب شاهزادهابوبکر که علیه او قیام کرده بوده مبتلا به پادرد بوده وشاهزاده درنزد یکی استر آباد در رجب سال ۸۸۴ سپتامبر- اکتبر سال ۱۴۷۹توسط او دستگیرشد. (خواند میر. حبیب السیر، جلد۴، صفحه ۱۶۸) .این نامه جامیرا میتوان بزمان مذکور منسوب شمرد .

شماره (۲۳۳) ۲۲۸.علاالدین علی(علی قوشچی) که از او در نامه نام برده شده دانشمند اختر شناس وریاضی دان مشهور قرن ۱۵ است (متولد سمرقند تقریباً بسال ۱۴۰۲)او که شاگرد ونزد یکترین دستیار الغ بیك بوده در تنظیم زیج جدیدکور گانی در رصد خانه سمرقند شرکت داشته است .

علی قوشچی پس ازقتل الغ بیك(سال ۱۴۴۹) بسال ۱۴۷۰ به تبریز وسپس به استانبول (ترکیه) رفتو در آنجا سال ۱۴۷۴ درگذشت. (در باره او وآثارش وراجع به زمان خروج او از آسیای میانه رجوع شودبه : اورنبایف. درباره زمان سفر علی قوشچی بخارج)

این نامه جامی همراه بادو توصیه او در باره واگذاری جواز خروج به علی قوشچی واعضا خانواده وی(رجوع شود به نامه های شماره ۳۵۰/ ۳۴۴، ۵۳۷/ ۵۳۱) واطلاعاتالنظامی شرح حال نویسی جامی میسر میسازد زمان خروج به علی قوشچیاز حدود دولت تیموریان را معیننمود

. (رجوع گرددبه : اورونبایف ، درباره زمان سفر علی قوشچی به خا-
رج . بنابر نوشته النظامی ، علی‌قوشچی هنگامی که ۷۰ ساله بود
یکبار با جامی در هرات ملاقات نمودافکار خلاق خود در مورد ایجاد آثار
جدید و قصدش بعزیمت ترکیه را بااودر میان نهاد . (مقامات مولوی جامی
، دستنویس شماره ۱۳۵٤، صفحات آ۲٤۲ـب ۲۲). از این موضوع بنظر
میر سد که نامه مذکور جامی در باره‌وا گذاری جواز خروج «نشان راه» به
علی‌قوشچی‌در سالهای ۱٤۷۰ـ۱٤٦۹نوشته شده است. لذا خروج علی
قوشچی هم از هرات بااین تاریخ‌انطباق میبابد .

شماره (۲۳٦) ۲۳۱. رجوع شودبه نامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۲۳۹) ۲۳٤. متن نامه بامحتویات نامه های جامی در آلبوم
تحت شماره های (۲۵۲) ۲٤۷ و(۲۵٤) ۲٤۹ مربوط میباشد. ضمنا
نامه شماره (۲۵۲) ۲٤۷ پیش ازنامه(۲۳۹) ۲۳٤ نوشته شده‌و معهذا در
آلبوم پس از آن قرار دارد.

هرسه نامه حاوی توصیه ، در رابطه بایك موضوع نوشته شده اند
وگواه‌براینندکه مقام‌محتسب باتوافق‌مقام عالی حکومت میتوانسته مورو
ثی گردد وبا مقرری دولتی تامین‌شود

شماره (۲۵۰) ۲٤۵. رجوع شودبنامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۲۵۲) ۲٤۷. رجوع شودبنامه شماره (۲۳۹) ۲۳٤ .

شماره (۲۵۳) ۲٤۸. رجوع شودبنامه شماره (۳٦) ۳۵ .

شماره (۲۵٤) ۲٤۹. رجوع شودبنامه شماره (۲۳۹) ۲۳٤ .

شماره (۲٦۰) ۲۵۵، سلطان‌محمود مذکور در نامه (پسر سلطان
ابوسعید) حکمران حصار بوده. برادران شیری او (کوکلتاش ها) هنگام
مصادمه لشکر سلطان حسین ولشکردوبرادر :سلطان احمد حکمران سمر
قندوسلطان محموددر سالهای ۱٤۷٤ـ۱٤۷۳ ممکن بود با سارت لشکر
حسین بایقرا در آیند . در آلبوم دونامه خواجه احرار نیز هست (شماره
های (۲۷٤) ۲٦۹ و (٤۹۷) ٤۹۱ که‌در آنها مولف نامه خواهش میکند که
کو کلتاشان سلطان محمود رابه‌این‌طرف(از هرات بسمرقند) روانه کنند
این اشتراك مضمون نامه های جامی‌وخواجه حاکی از آنست که دربعض
موارد خواجه احراراز جامی استمدادمینموده. همچنین رجوع شود به
توضیح شماره (۲٤۷) ۲٤۲ .

شماره (۲٦۷) ۲٦۲. در آلبـوم نامه های بامتن مشابه وباامضاًخواجه عبیدالله که در این نامه از اونـام برده شده وجود دارد (شماره ۲۸۱/ ۲۷٦) این موضوع حاکی از آنست که خواجه عبیدالله ، فئودال بزرگ ما ورا النهر وصوفی مشهور بار وآوردن به در بار هرات در را بطه باکاری میکوشیده از اعتبار جامی همزمان با کسب توصیه او بسلطان حسین با- یقرا (یاعلیشیر توائی) برای آنکارااستفاده نماید. خواجه عبیدالله بدعوت سلـطان ابوسعیـد (۱٤٦۹- ۱٤٥۱) هنگام قشلاق وی درمرو (نوامبر سال ۱٤٦۷- فوریه سال ۱٤٦۸) قبل ازلشکر کشی او بآذربا یـجان در مرو اقامت داشت اسفزاری روضات الجنات، صفحات ۲۸۰- ۲۷۷) .

شماره (۲۷۹) ۲۷٤. شعر جامـی حاوی ماده تاریخ مرگ خواجه عبید الله فوق الذ کراست (رجـوع شودبه توضیع نامه شماره ۲٦۷/ ۲٦۲) معنای عددی حروف در کلمات «مقتول شهید» معادل ار قام سال ۸۹٥ (۱٤۹۰ -۱٤۸۹) میـباشد. ۳۰ ربـیع الاول که جامی در شـعر خود بـآن اشاره میکند گفـت کـه تاریخ دقیـق مرگ خواجه عبیدالله ۳۰ ربیع الاول سال ۸۹٥ هجری است (۲۱ فـوریه سال ۱٤۹۰) .

شماره (۳٤۰) ٤۳۳ رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۱۰۸) ۱۰۳.

شماره (۳٤٥) ۳۳۹ . رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۱٦٦) ۱٦۱.

شماره (۳٥۰) ۳٤٤ رجوع شودبه توضیح نـامه شـماره (۲۳۳) ۲۲۸.

شماره (۳٥۹) ۳٥۳ رجوع شودبه توضیحات نامه های شماره ۲،(۱۰۸) ۱۰۳ (۱۹۷) ۱۹۲ .

شـماره (۳٦۰) ۳٥٤. بـاقضاوت برپایه قیه بـرنامه شـماره (۳٦۸) ۳٦۲ توصیه جامی برای خواجه خضراز سوی گیرنده نامه پذیر فته شده و او برای ساختن حوض در صدد خریدن خشت است .

شماره (۳۷۰) ۳٦٤ . رجوع شودبه توضیح نامه شماره (۳٦) ۳٥ .

شماره (۳۷٥) ۳٦۹. رجوع شودبه توضیح نامه شـماره (۳٦) ۳٥ .

شماره (۳۷۹) ۳۷۳. امیر مغول یـکـی از سـرداران خـراسـان بـوده . او بـار هـا در لـشـکـرکشیهای سلطان حسین بایقرا ببلخ علیه تیموریان ماورأ النهر (سلطان احمدو سلطان محمود) شرکت داشته

. هنگامی هم که سلطان حسین ببلغ تسسلط یافت حکومت این ولایت را دار اشد. (سالهای ۱۴۷۲-۱۴۷۰)امیر مغول قبل از انکه علیشیر نوائی به حکمرانی استرآباد انتصاب یابد (سال ۱۴۸۷)، و نیزپس از او حکومت این منطقه رادارا بود (سال ۱۴۷۹)- امیر مغول‌در سال ۱۴۹۰ ازاطاعت حسین بایقرا سر باززد وبآ زربایجان گریخت واز سوی سلطان بای سنقر (سالهای ۱۴۹۱- ۱۴۹۰) پسر سلطان یعقوب (سالهای ۱۴۹۰-۱۴۷۹) بخوبی پدیرائی شدولی بزودی (سال ۱۴۹۱ توسط همین‌سلطان باتهام خیانت بقتل رسید. (خواند میر. حبیب السیر، جلد ٤،صفحات ۱۴۰ ،۱۴۳، ۱۵۳، ۱۸۷-۱۷۹، ۱۹۸).

نامه جامی آنگونه که ازمتن آن‌برمیآید بزودی پس از انتصاب امیر مغول بحکمرانی بلخ نوشته شده وازقرار معلوم طرف خطاب اوسلطان حسین بایقرا است .

شماره (۳۹۹) ۳۹۳. از زمره‌مکاتبات جامی با علیشیر هنگام سفر جامی بمکه (سالهای ۱۴۷٤ -۱۴۷۲)است.تاریخ دوم رمضأن که درنامه قید شده (رجوع شود بتوضیح نامه‌شداره ٦) متعلق بسال ۸۷۷ هجری (۳۱ژانویه ۱۴۷۳) است .

شماره (٤۰۵) ۳۹۹. گیرنده‌علیشیر نوائی است این نامه در منشأت جامی‌در فصل «بارکان دولت»(دستنویس شماره ۱۳۳۱، صفحه آ ٥٤۱) وخمسة المتحیرین علیشیرنوائی (صفحه ٤٤) درج میباشد که در آن تاریخ تحریر آن قید گردیده .نوائی این نامه جامی را در راه مرو که همراه سلطان حسین بایقرا که برای قشلاق عازم آنجا بود واز آنجا میبایستی باسمت حمکران باستر آبادعزیمت نماید در یافت کرد. توضیح مشروح این سفر همچنین توسط‌خواند میر انجام گرفته (حبیب السیر، جلد ٤، صفحه ۱۷۹). واوطی آن،،سال قشلاق کردن در مرو (۱۴۸۷/ ۸۹۲) را متذکر میشود. در نامه پیرامون ارسال رساله جامی اطلاع داده شده. نوائی در نامه پاسخی خود که آنرادر خمسة المتحییرین نقل نموده (صفحات ٤٤،ب- ٤٥) بدوست خوداطمینان میدهد که رساله مذکور «بعرض همایون» یعنی سلطان حسین‌بایقرا عرضه خواهد شد .

شماره (٤٠٧) ٤٠١. از زمره مکاتبات دوستانه جامی بانوائی است. ولی نه درخمسة المتحیرین علیشیرنوائی ونـه در منـشآت جامـی دیده نمیشود .

شمـاره (٤٠٩) ٤٠٣ . در زمـرهنامه هائی اسـت هنگام سفـرحج در سالهای ١٤٧٤ـ ١٤٧٢ برای علیشیرنوائی ار سال گردیده. راه باز گشت جامی ازمکه بهرات از دمشق به تبریز گذشته تاریخ خروج اواز مدینهـ ٢٧ ذیحجه سال ٨٧٧ برابر ٢٥ ماهمه سال ١٤٨٣ میباشد . (رجوع شود به توضیح نامه شماره٦). نامه حاضرنیر بهمین تاریخ تعلق دارد .

شماره (٥١١) ٥٠٥. رجوع شودبتوضیح نامه (١٤٦) ١٤١ .

شماره (٥١٥) ٥٠٩. رجوع شودبتوضیح نامه شماره (٣٦) ٣٥ .

شماره (٥١٨) ٥١٢. ازقرارمعلومبزودی پس از جلوس سلطان حسین بایقرا بتخت سلطنت در هرات (سال١٤٦٩) نوشته شده. چنانکه از نامه برمیآید ماموران یاد گار محمد میرزاهنگام سلطنت کوتاه مدت او درهرات اندکی قبل از سقوط او وقتلش بو سیله حسین بـایقرا (سـال ١٤٧٠) قند خریداری کرده بودند .

شماره (٥٢٠) ٥١٤. بنظر میرسدبرای علیشیر نوائی نوشته شده و گواه آنست که جامی از حداقل امکان برای اطلاع دادن از خود وکار هایش بدوست خویش استفاده نموده. این موضوع که جامی خود «برفت وروب خانه مدرسه مشغول بوده» گواه بر شیوه زنـده‌گی محجو بـانه اوست .

شماره (٥٣٢) ٥٢٦. رجوع شود به توضیح نامه شماره (٢٢٦) ٢٢٨.

شماره (٥٣٧) ٥٣١. رجوع شودبه توضیح نامه شماره (٢٣٣) ٢٢٨.

شماره (٥٣٩) ٥٣٣. رجوع شودبه توضیح نامه شماره (٣٦) ٣٥ .



اصطلاحات

امارت مآبی «»ـ پناهگاه حکومت‌عنوان امرا است . (سمیونف. مقاله نظام صفحه ۵۷) .

عوارضات ـ مالیاتهای فوق العاده‌ای که برای هزینه های مربوط بجنگ یا انجام مراسم باشکوه دردربار وغیره از مردم اخذ میشده.(پترو شفسکی . کشاورزی ، صفحات ۳۸۳ـ۳۸۲، مالچانف. پیرامون خصائص سیستم مالیاتی. صفحه ۱۶۱، محمودف. کشاورزی صفحه ۷۷ وبعد) .

منصب اذان در نامه شماره ۲۲۶/ ۲۲۱ جامی بنظر میرسد همان موذن باشد .

بزرگر دهقان وابسته فئودالی‌واکثرا منفرد. (تاریخ ملل ازبکستان، جلد۱ صفحه ۲۳۶و بعد، پترو شفسکی کشاورزی. صفحات ۳۰۹/۹۷وبعد) در نامه جامی (شماره ۳۸/ ۳۷) این‌اصطلاح بمعنی دهقان‌منفردا جاره‌کننده زمین است

بخشی نامه نگاران، ماموران ادارات جنب حکمرانان تیموری. (سمیو نف. مناسبات متقابل علیشیر نوائی‌وسلطان حسین میرزا، صفحه ۲۳۸، همان مولف. رساله بخاری ، صفحه۱۴۳) بنابر اظهار محمد حیدر یکی از مولفان‌قرن۱۶معمولا نامه نگاران‌ایغوری‌راچنین‌می‌نامد (تاریخ ملل ازبکستان، دستنویس شماره ۱۴۳۰ ،صفحه ب۱۲۱) .ولی شرف الدین علی یزدی، یکی از مولفان قرن ۱۵ بمحاذات استفاده از این کلمه بامعنی مذکور (ظفر نامه ، دستنویس شماره ۴۴۷۲ ،صفحه ب ۹۰)آنرا بمعنی نامه نگاران ترک بطور کلی نیز استعمال میکند .(بخشیان ترک‌ـصفحه ب ۹، بخشیان‌تر کستان‌ـ صفحه ب ۷)

بلوك ـ واحد اداری ارضی ای .پ پترو شفسکی آنرا جزئی از ولایت میشمارد. (کشاورزی، صفحه۴۹). بنابر اظهار حافظ ابرو تاریخ نویس وجغرافی دان هرات در نیمه یکم قرن ۱۵ حومه شهر هرات در آنهنگام به هفت «بلوك» از اینقرارتقسیم میشده: گداره، انجیل، آلنجان، خیابان ، توران وتونیان‌سبقر ، غوروان وپاشتان (جغرافیای حافظ ابرو، صفحات۴۲ ـ۱۵). بکوشش مایل هروی

وظیفه » (وظایف) این اصطلاح ،کثیر المعنی است.درسده‌ها ی اولیه استعمار عربی ماورا ألنهر این اصطلاح بیش ازهمه بمعنی‌خراج بوده

وظایف بمفهوم نفـقه بکار میرفتـه صفحات ۲۳۹،۲۷۰). کشاورزی اصطلاح مذکور آنگونه هم‌که درنامه های‌جامی بکار رفته بمعنی مقرری، ماهانه باز نشستگـی ،وجوه دریافتی‌ازوقف‌استچخویچ .اسناد بخارا، صفحـه ۲۲۵ ، موقمینوا. پیرامون مناسبات ارضی ،صفحه ۳۲۵).

وکیل ـمعتمدی که امور مالی واقتصادی را اداره مـیکند. (پتـرو شفسکی . اسـلام در ایـران، صفحه ۱۸۱ ، چخویچ ، اسناد بخارا، صفحه ۲۱۹، توضیح ۲۹) .

در نامه جامی و (شماره ۲۱۸/۳۲۲)نیزاصطلاح مذکور بامعنی فوق بکار رفته است .

وقف ـاموال منقول وغیر منقول‌وصیت شده طبق حقوق اسلام توسط هرشخص برای استفاده موقت یاابدی‌موسسات مذهبی اسلامی یا موسسات خیریه .

در آمد های وقف هاهم بمـصرف‌حـفـظ وسـاخـتـمـان بـنـا هـای مـذهـبـی یـا خـیـریـه وهـم‌بمصرف مخارج اشخاصی که منتسب باین موسسات هستند نظیر متولیان،مدرسان،محصلان مدرسه دینی وغیره میر سیده به‌املاك وقفی مالیات تعلق‌میگرفته ولی اغـلب براساس مـجوز هائی بنام «عنایت نامه» از مصونیت‌مالیاتی‌برخوردار میشدند. (تاریخ‌ملل از بکستان ، جلـد۱ صفحات ۲۳٤ـ۲۳۳) ، پترو شفسکی .کشاورزی ، صفحات ۲٤۹ ـ ۲٤۷، همین مولف .اسلام در ایران، صفحات ۱٦۱ـ۱٦۰، محمودف . کشاورزی ، صفحات ٦۸ـ٥٤،موقمینوا. پیرامون‌تاریخ مناسبات ارضی ، صفحـه ۷۳ وبعد، عبـدالرحیمف . مقاله مناسبات ارضی، جلد۲ ،صفحات ۷۸ ـ ٦۳) .

وقفیه » یـا «وقف نامـه»ـ (گواهینامه وقف)ـ سند حقوقی است که ارائه اموال منقول وغیر منقول برای‌استفاده موسسات مذهبی را قانونی میسازد (رجوع شود بتوضیح اصطلاح«وقف»). وصیت کننده وقف میتواـ نسته ومیتواند شرایط مختلف را برای نحوه‌استفاده ازدرآمده‌های‌وقف مقرر نماید وحتی خود یااعقاب خویش رابمدیریت امور وقف (متولی) منتصب کند. (پترو شفسکی. اسلام در ایران.صفحه ۱٦۰، موقمینوا پیرامون تارـ یخ مناسبات ارضی .صفحه ٥ ،چخویچ۱۰سناد بخارا، صفحات ۲۱۱ و۲۲۱ وغیره) .

دفتر فهرست مالیاتها وعوارض .

دفتردار ـ مسوول انجام یاد دا شتهای دفتری (رجوع شود به اصطلا ح «دفتر»)
درنامه جامی (شماره ۱۰۸/۱۱۳)اصطلاح مذکور بااین معنی بکار میرود.
جفت گاو معنی تحت اللفظی آن (دوگاو) و (گاو بندی برای کار های زراعتی) است ولی معنی معمول آن شامل قطعه زمینی است که طی یك موسم باکمك دو گاونر کشتکار شود.اند ازه متوسط «جفت» برای خراسان و آسیای میانه در زمینهای زیرکشت گندم وجو ٦ تا ٧ هکتار بوده (مالچا نف. راجع به خصایص سیستم مالیاتی، صفحه ١٦٦، توضیح شماره ٢٧).
جفت گاو، همین بمنزله واحد مالیات وعوارض دهقانان ـ تعیین در آمد و تقسیم و گروه بندی دهقانان برای بیگاری در تصفیه قناتها و کاریز ها وغیره بکار میرفته . (پترو شفسکی،کشاورزی ، صفحات ٢٩٠ـ٢٨٩).
درویش ـ عابد وپرهیز گارفقیرکه درسیرو سفر یا در خانقاه بسر میبرد. درنامه های جامی این اصطلاح معادل کلمه «فقیر» همچون مترادف «صوفی» ویابمعنای تحت اللفظی آن یعنی «تنکدست» بکار رفته است .
دیوان ـ اداره دولتی وسیستم مؤسسات دولتی .روسای دیوانهای
دیوان وقف یعنی موسسه نظارت رسیدگی میکردند از دیوان عمده فرعی که بامور مختلف زنده گی کشور بکستان جلد١، صفحات ٢٤٧ و٢٤٦).
تبعیت مینمودند. (تاریخ ملل ازکننده بروقفها. تعیین درستی واصل اسناد وقف، حل وفصل اختلا فات نا شی از تصاحب واداره اموال وقفی در حیطه اختیارات آن بوده. درراس این دیوان مقامی بنام «صدر» قرار داشته که یکی ازمقامات عالی روحانی بود. (پترو شفسکی . کشاورزی ، صفحه ١٤٩ ، موقمینوا. پیرامون مناسبات ارضی صفحه ٧٥) .
دینار ـ نام سکه ایست که درزمانهای مختلف ارزش گوناگون داشته در آسیای میانه درقرن ١٥ اساسا سکه کوچك مس بوده ضمنا به ضرب سکه های نقره که معمولا «کپکی» موسوم بوده نیز ادامه میدادند دینار مسی در تفاوت از دینار نقره «هراتی» نام داشت و شش دینارمسی هراتی برابریك کپکی نقره بوده (داوید ویچ مواد. صفحات ٢٨٢، ٢٩٢، همان مولف . مواد مربوطه به مسکوکات، صفحات ٤١ـ٤٠).
دودی ـ مالیات دودی ، یکی ازانواع مالیاتهای فوق العاده که ازمردم برای تجدید لشکرو تسلیحات اخذمیشده. این مالیات هنگام نیاز های

حاد، بوجوه پولی اخذ میشده.(محمودف، کشاورزی، **صفحات۸۲ـ۸۱**،**اسناد** سمرقند، **صفحه ۲۲**).

زکات ـمالیات شریعتی متناسب بادارائی که از **تجارت وبرحسب تعد** اد دام ها واموال غیر منقول **اخذ**میشده ویك چهلم ارزش اشیا **مذکور** را **تشکیل** میداده . (پترو شفسکیاسلام در ایران، صفحات **۳۶، ۷۷** ، همان،مولف کشاوزی ،صفحات **۳۸۶۳۶۰**)

اجاره ـ استفاده پیشه وران ، فروشند گان وکشا **ورزان از کارو** انسراها، دکانهاکارگاه‌ها، حمام‌وغیره‌متعلق به ملاکان وفئود **الهادر برابر** پرداخت پاداش هاو **عوض** های معینیکه طبق قرار داد مقرر **میشود. (مو** قمینوا. پیرامون‌تاریخ‌مناسبات **ارضی**صفحه ۴۸) .

اخراجات » ـ اصطلاح مالیاتی شامل گروهی از **مالیاتهائی است که** برای تامین هزینه های **نگهداری مقامات** مقرر بوده. **دربین آنها «اخراجات** مقرری «**بمعنای** مالیا تهای» دائمی و«خرجیات» بمعی **مالیاتهای فوق العاده** وجود داشته است. (پترو **شفسکی**کشاورزی، صفحات ۳۹۰ـ ۳۸۹) .

احتساب ـ رجوع شود با **صطلاح** «**محتسب**» .

کلانتر ـ ارشدوکد **خدا** کلانترهادر شهرها ریاست **شعبه های پیشه** وری راعهده دار بوده‌اند از **حکومتاداری** وقضائی استفاده **میکرده‌اند.** (تاریخ جمهوری ازبکستان شوروی ،جلد ۱. کتاب ۲، صفحه ۲۳، **اسنا** دمر بوط بتاریخ مناسبات **ارضی** ،صفحه ۲۳۹، توضیح ۱۰۸). **لغت کلا نتر**در نامه های جامی بمعنای **کدخدای**ده بکاررفته .

کاریز ـ سیسم آبیاری مبتنی براستخراج آبهای زیر زمینی **بوسیله مجاری** زیر زمینی وچاه های **نظارتی**.(تاریخ مللاز **بکستان، جلد۱ ،صفحه** ۴۴، **پترو** شفسکی. کشاورزی، **صفحات** ۱۳۴ـ ۱۳۳) .

دینار کپکی »ـ دینار نقره **بوزن**۸/۵۲ گرم نقره توسط **خان مغول** بنام کپك رواج یافته (سالهای ۱۳۲۷/۷۲۷/۱۳۱۸/ ۷۱۷). (**مالیچانف**. **پیرامون**سیستم مالیاتی، صفحه۱۵۶ ،داویدویچ ، **مواد جدید مرط به مسکو** کات. صفحه ۴۱) .

کوکلتاش» (کوکه ـ داش) ترکیاست و **تحت اللفظی** بمعنی **(برادر** شیری) **یعنی** پسردایه **شاهزاده** ،

لنگر سکو نتگاه عمومی در ویشان که همچنین **خانقاه وزاو یه و** تکیه نیز نام داشته . (پتروشفسکی.اسلام در ایران ، **صفحه ۳۲۲**).

لشکر ـ سپاه وارتش. در **نامههای** جامی همین کلمه بمعنای **مالیات**

بسود لشکرویا باصطلاح مشهور«زرلشکر» بکار رفته استمعنای تحت اللفظی زرلشکر پول برای ار تش ومالیاتی پولی است (محمودف ، کشاورزی، صفحه ۸۷ و بعد).

موالی» ـ جمع کلمه مولا. اینلغت کثیر المعنی است.که موالی نزد اعراب بمعنای مسلمانان جدیدو بردگان آزاد شده ای هستند که تحت حمایت اربابخود باقیمیمانندهمچنینبمعنای ار بابان است. (پترو شفسکی . اسلام وایران) ، صفحات ۳۶، ۱۹۰، ۲٤۲) در نامه های جامی این اصطلاح ازقرار معلوم بمعنای اخیر بکار رفته است .

مددی » ،«مدد»ـ کمك، حمایت ،مساعدت، یکرشته از مالیاتهای فوق العاده این نام راداشته اند مانند اخذمددلشکر (تحتاللفظی «کمك بارتش» رجوع شودبه : عبدالر حیمف. بررسیمقاله مناسبات ارضی، جلد۲، صفحه ـ ۱۸۷). «مدد تویانه» (جمع آوری وجوه ، رجوع شود به : اسناد سمر قند قرون ۱٦ـ۱۵ .صفحه ۲۱٤)،وهمچنین مددنام بردار (کمك بارتش ،رجوع شودبه : کتابحاضر، نامه های شماره (۱۳٤) ۱۲۹، (۱۹٦) ۱۹۱ وتوضیح بر اصطلاحنام بر دار). آنگونه که ازنامه هایجا می برمیآید این مالیات فوق العاده ازنوع پولی بوده (رجوع شود بنامه های شماره (۲۹۳) ۲۸۹و (٤١٤)٤٠٨

مدد نام بردار»ـ رجوع شود به«نام بر دار» .

مزارعم»ـ رجوع شود به مزرعه.

مزرعه » کشتزار. همچنین سکونتگاه ، ملك، اکثرأ کوچك که میشد بقطعات ریزی که دهقانان در آنهامسکون بودند تقسیم شود. (پترو شفسکی. کشاورزی. صفحات ۲۹۷ـ۲۹۰) .

مال (جمعآن «اموال») ، دارائیاین لغت بمعنی مالیات بطور کلی و پرداخت ارضی استعمال میشده ومترادف بااصطلاح «خراج» بموده .

(پترو شفسکی ، کشاورزی ،صفحات ۲۷٤ـ۲۷۳ ، محمودف ، کشا ورزی ، صفحه ۷۵وبعد عبدالر حیمف مقاله مناسبات ارضی ، صفحه ۱٦۲ وبعد) در نامه های جامی اصطلاحمذکور بمعنای دومخود بکاررفته است

مولانا »ـ تحت اللفظی بمعنای آقای ما است درزمان جامی همچون خطاب (۱۴۰۵ـ ۱۳۷۰) این اصطلاح درموردخود ویژه محتر مانه ای بکار میرفته که قبل از نام دانشمندان ، شاعران موسیقی دانان وغیره قرار داده میشده .(بولد یرف. علیشیر نوائی درداستانهای معاصران . صفحه ۱۲۷، توضیح شماره ۵).

میرآخور ـ رئیس اصطبل، مهترارشد. در قرن ۱۵ ، زمان تیموریان نقش بزرگی رادر در بار ایفا میکرده.(تاریخ ملل ازبکستان ، جلد ۱،صفحه ۳۹۱، بار تولد. تشریفات در دربارخانهای ازبك. آثار جلد۲، فصل ۳۹٦ ، سمیونف . رساله بخاری ، صفحه ۱۵۰، همان مولف، مقاله نظام صفحه ٦۰) .

مهتر رئیس، ارشد، بزرگ مسوول ارشد اصطبل. همچون یك اصطلاح تاریخی بمعنای کدخدای ده(تاریخ مللازبکستان، جلد ۱،صفحات ۱۹۷ـ۱۹٦) یارئیس پیشه وران بوده(موقمینوا، مقاله پیرامون تاریخ پیشه وری ، صفحه ۳۳) .

همچنین معنی کارمند اداره امورمالی را داشته (سمیونف. رساله بخا را . صفحه ۱۴۷، اسناد مربوط بتاریخ مناسبات ارضی ، صفحه ۲۳۸ ، توضیح۹۳). استعمال اصطلاح مهتر درنامه جامی (شماره ۲۱٦/۲۲۱) همراه بالغترکابدارگواه برآنست که اصطلاح مذکور همچنین بمعنای مقامی درتشریفات در باری بوده .

مباشران (جمع مباشر) ـمدیر،رئیس، مسوول . مانند مدیر اموردهکه از سوی دیوان یاصاحب زمینانتصاب میيافته . (پترو شفسکی، کشا ورزی ، صفحه ۳۰۸) . در نامه جامی بمعنای مدیرامور وقوف استعمال گرد یده .

مجاور ـ درویش مقیم در جوارمقبره مقدس که بحساب نفقه ووجوه وقف متعلق به مقبره زنده‌گی میکرده. (رجوع شود بفهرست هزینه های وقف در کتاب : موقمینوا. پیرامون تاریخ مناسبات ارضی صفحه ٦۰ با برنامه صفحه ۴۵۴ خواجه سمندرترمزی دستور الملوك صفحه ۲۰۳ توضیح شماره ۱۹٦.

مزارع دهقان وابسته فئودالی اغلب متفرد که در قطعه زمین کوچکی کشاورزی میکرده همچنین رجوع شود به «مزرعه» پترو

شفسکی کشاورزی صفحه ٥٦ و بعد اسناد سمر قند قرن ١٦-١٥ صفحه
مزارع نظیر اقشار مالیات دهنده، تودهٔ اساسی مالیات دهند گان کشور
بوده اند. (موقمینوا، پیرامون تاریخ مناسبات ارضی ، صفحه ٥٧).
اجرا سفار شهای گوناگون نزد روسامداما حضور دارد» شخصی که برای
ملازم «کسی که حاضر بوده ودر صورت اجرامجدانه
کارش وارد قشر کار کنان اداراتدولتی ویا ارتش میشده (تاریخ ملل
ازبکستان، جلد٢، صفحه ١٥٤) . درنامه های جامی این اصطلاح بمعنای
مقرب پادشاه یاشخصی ازاطرافیا نمقام عالی روحانی استعمال گردیده ،
متولی»- اداره کننده وقف که در ازا خدمت خود سهم معینی از در
آمدهای اموال موقوفه را در یافتمیدارد. ارجحا اشخاصی از خاندان و
وصیت کننده وقف میباشند .

مقام اداره کننده وقف پردر آمدبوده وسواستفاده متولیای ازو قف
پدیده نادری نبوده علیشیر نوائیدر اثر خود بنام وقفیه نوشته است
که بمیل برخی ازمتولیاتمحصلان تنگد ست مدرسه (مجبور بوده اند) برای
نوشتن نامه یك ورق کاغذرا تمناکنند. (مونو کمینوا. پیرامون تاریخ منا-
سبات ارضی صفحات ٦٨-٦٧، ٧٢ ٧٠).

محصل - مامور مالی گرد آورندهمالیات. (پترو شفسکی. کشاورزی ،
صفحه ١١ وبعد). در منابع قرن ١٥واز جمله در نامه جامی (شماره
٣٧٦ر٣٧٠) ،محصلمقامی بوده که مالیات هایعقب افتادهراز اهالی وجوه
دولتراز مقامات مسؤل دارائیایشانطبق فرمانخاصضبط میشدهدریافت
میکرده .

محتسب»-مقام محترم ووسیعارایجدر خاور اسلامی فئودالی. این قبیل
اشخاص مراقب رعایت احکام وموازینمذهبیواخلاق اسلامی بودهاند.محتسب
از جمله ناظر بربازار بوده، زیرا ازدرستی اوزان واندازه هادر بازار و
کیفیت خوار بار ومحصول وبهای آنهاوغیره مراقبت میکرده. (تاریخ از
بکستان شوروی ، جلد ١، کتاب ١ ،صفحه ٢٢٠، پترو شفسکی اسلام در
ایران ،صفحه ١٩٥وبعد، بابر نامهصفحه ٤٤٤) .

نامبردار-مشهورومعروف شونده . در زمان تیموریان طبق تحقیقات
محمودف (کشاورزی، صفحه ٨٥وبعد)بمعنای مالیاتی بوده که ازمردم فارغ
از خدمت لشکر برای تامین نیاز هایارتش غیر منظم که فقط در هنگام

عملیات نظامی تشکیل میشده اخذ میگردیده. عبدالرزاق سمرقندی مولف قرن پانزده این اصطلاح را بمعنی جمع آوری پول بمحاذات دیگر مالیات ها نظیر زر لشگر بکار می برد. (مطلع السعدین ،جلد ۲ صفحه ۱۲۵۰) .

اصطلاح «نام» بردار بامعنی همساز (وجوه نام بردار) در روضات الجنات (جلد ۲ صفحه ۲۶۰) اثرا سفزاری ،هنگام توصیف وقایع زمان ابوسعید پادشاه تیموری (۱۴۶۹– ۱۴۵۱) مشاهده میشود. ولی اطلاع دردست است که اندکی قبل در زمان تیمورارتش غیرمنظم نیز بکار میرفته (شرف الدین علی یزدی ،ظفرنامه .دستنویس شماره ۴۴۷۲، صفحه آ ۳۵۹). اصطلاح مذکور همچنین در مجمل فصیحی« (صفحه های ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۷۰) اثرفصیح خوافی مولف نیمه یکم قرن ۱۵ بمعنی شرکت شخصی اهالی غیر نظامی درارتش هنگام لشکرکشی ها بکاررفته است .

در نامه های جامی «نام بردار» (گاهی مدد نام بردار بمعنی مالیات پولی در مورد عملیات نظامی است که ازاهالی طبق فهرست «دفتر» معین اخذ میشده. (آنطور که از نامه شماره ۲۳۱–۲۳۶ برمیاید برای شهروولایت ها بطور جداگانه گرفته میشده) .

«نام بردار» باهمین معنی دریکی از نامه های خواجه عبیدالله (آلبوم نوائی شماره ۵۰۶ / ۵۰۰) استعمال شده. اودر این نامه از گیرنده تقاضا میکند یکی از اشخاصش رااز عارضه نام برداری معاف سازند محمدبن امین الدین نیز نظیر همین تقاضااز دربار بایقرا مینماید نامه شماره ۴۳۵ – ۴۳۰) .

کثرت ذکر «نام بردار» در نامه های جامی همچون عوارض پولی سنگین برای مردم گویای آنست که در زمان سلطان حسین بایقرا «نام بردار» به یکی از مالیاتهای دایمی تبدیل شده بوده. این موضوع را همچنین فرمان حسین بایقرا در مورد (مالیات) نام بردار قشونی تایید میکند که در آن تاریخچه تبدیل این وظیفه به اخذ هرساله پول بوضوح ذکر گردیده . است .در این فرمان ازجمله خاطرنشان میشود که ماموران مغرض مالیاتی برای برخی از اشخاص ثروتمندمیزان مالیات اصلی (مال) را کاهش میدادند و کمبود مجموع مبلغ مال رابحساب اخذ هرساله نام بردار قشونی از مردم بطور هرساله جبران میکردندو باین ترتیب آنرا بمالیات دائمی مبدل

نمودند. این امر بورشکستگی اتباع‌منجرگردیده سلطان ناگزیرشدفرمانی را صادر نماید که اخذ این عوارض‌رامشروط به‌منحصر بزمان عملیات جنگی کند .(عبداله مروارید. منشــآت‌مروا ریـد، دستنویس ۲۸٦/۲ ، صفحات ۵۲آ‌ـ۵۲ آ ۵۱، همچنین مراجعه‌شود به : محمـودف . از تـاریخ منا سبات ارضی صفحات ۳۱‌ـ۲۹ ، همان‌مولف‌ـ کشاورزی ،صفحات۸٦ ‌ـ۸۵)
«پیشکش» درنامه جامی (شماره۵۲٦‌ـ۵۲۰) بمعنای گرداوری وجوه‌و سایل ازمردم برای اهدا بشاه یامقام عـالی‌رتبه استعمال شده‌حاکمان‌محل ببهانه پیشکش ازاتباع ووجود ووسایل ر اخذمیکردند وخودشان‌تصاحب می‌نمودن (محمودف کشاورزی صفحات۸۵ ‌ـ۸٤ ۱

رعایا (جمع «رعـیت»)ـ قـشر مالیات دهنده وبـویژه اهـالی زارع مسکون واقشارپائین ومتوسط شهری. (پترو شفسکی ،کشاورزی . صفحه ۳۰۵) .

رعیت رجوع شود به «رعایا».

رسم الصدارهـ جمع‌آوری وجوه‌برای نگهداری و زنده‌گی عالیتـرین مقام روحانی ملقب بصدر که برا موال‌وقفی درمملکت نظارت داشته . بعقیده ای.پ. پترو شفـسکی این اصـطلاح‌معادل «حق التولیه» اسـت که نیز بمعنای گرد آوری وجوه ووسایــــل‌برای صدر میـباشد و مقـدار آن در زمان صفویه یك دهم سهم محصول بوده. (کشاورزی، صفحه ۱۹۳. ولی (ترجمه) این دو اصطـلاح در کنـاردر «اسناد سمرقند قـرون ۱٦‌ـ۱۵» صفحـه ۳٤۰ (متـن)و صـفحه ۳۷۰یکد یگر بـشکل کلمـات دارای معنی مستقل بکار رفته است .

سرانه ـ مالیات سرانه بوده‌که از اهالی مسکون در قرون ۱۵ـ ۱٤ اخذ میشده این اصطلاح، آنزمان هادرکنار اصطلاحات «سر شماره» (مالیات هرنفر) و «خانه شماره» (مالیات خانواده‌گی) بجای اصطلاح مغولی «کوپچو ر» (مالیات چمنزاری) در مورد اهالی‌مسکون بکار میرفته . این مالیات در ایران هنگام سلـطنت سلـسه هولاکوئی (قرون۱٤‌ـ۱۳)رایج شـده‌و در قرون بعدی نیز معمول بوده است.(پترو شفـسکی. پیـرامون مـالیات سرانه ، صفحات ٤۲۰‌ـ٤۲۰) . استعمال اصطلاح سرانه بمعنی مالیات انفر ادی در نامـه جامی (شـماره ۳۷۷/۳۷۷)نظرای ـپ. پترو شفسکی رادر باره ادامه وجـود چنین مالیـاتی درزمان تیموریان نیزتأیید میکند .

صدارت مآبی پناه‌صدربوده‌که نظارت براوقاف درحیـط‌پناه مقام صدریکی‌از مقامات عالی‌دراختیاراوقرارداشته

(چخویچ . اسناد مربوط بتاریخ مناسبات ارضی ، صفحه ۲٤٥، توضیح ۱۸۲، موقمینوا... مناسبات ارضی،صفحه ۳۲٥، توضیح ٥٦).

سیور غال اصطلاح مغولی، بامعنی تحت اللفظی «پاداش مانعام» و در مورد هرگونه پاداش وانعامی‌نظیر زمین، مقام ورتبه وامتیاز وغیره بکار میرفته. در قرون ۱٥ ـ ۱۳ درآسیای میانه. وایران ، نوع خاص تصاحب زمین براثر انعام دادن آن ازسوی شاه بپسران، نواده گان ومردم خدمتگذ ار باحق اخذ مالیاتهای دولتی‌از مردم مسکون در آن زمین بسود کامل یاقسمی صاحب سیور غال بوده‌است.در اکثر موار دسیور غال بشکل موروثی بنسل های بعدی انتقال مییافته ضاحب سیور غال موظف بوده است اشخاص مسلح را به لشگرشاهی که سیور غال را باو بخشیده گسیل دارد. و اضافه براین بویژه‌در هنگام تیموریان در قرن ۱٥ میبایستی هرساله بخشی از در آمد ها یش را بخزانه کل دولت واگذ ار نما ید. (یاکوبفسکی. خصائص زندگی‌اجتماعی وفرهنگی ، صفحات ۹ـ۸ ، پترو فشسکی، کشاورزی، صفحات۲۷٤ـ ۲۷۳، همین مولف . مقاله در باره تاریخ مناسبات فئودالی، صفحات۱٥۰ ـ ۱٤٥، عبدالر حیمف . مقاله در باره تاریخچه مناسبات ارضی درحکومت خانخانی بخارا، جلد۱صفحه ۸، همین مولف. پیرامون تحقیق تاریخ‌زنده‌گی اجتماعی وا قتصادی دولت تیموریان ، صفحات ۱۷ـ۱٦، موقمینوا، راجع بتار یخچه مناسبات ارضی، صفحه ۳۲۳، محمودف، کشاورزی(صفحات ٤۷ـ ۳۸ وغیره) .

تکالیف (مفرد آن تکلیف) ـ این‌یك اصطلاح عمومی برای‌نامیدن همگی مالیاتها و عوارضی است که از سوی‌حقوق اسلامی منظور نگردیده ولی اهالی مالیات دهنده موظف بپرداخت‌آن‌بوده اندزیرابر پایه عرف وعادات وجود داشتند .ای.پ. پترو شفسکی‌نمونه هائی راذکر نموده که در آنها این اصطلاح بمعنی مالیاتهای‌فوق العاده بکار رفته به : پترو شفسکی، کشاورزی، صفحه۳۷۹) .

توجیه درکتب ونشریات علمی‌تفاسیرو معانی مختلفی از «توجیه» موجود است . ای پ. پترو شفسکی‌آنرا مالیات ارضی مینامد (کشاور

زی ، صفحه ۳۳۸) ، ولی درعین‌حال بااستناد باثر مالچانف (درباره خصائص سیستم مالیاتی ، صفحات ۱۵۹–۱۵۸) مینویسد همچنین به معنی‌ما لیات های فوق العاده بوده (کشاورزی ، صفحه ۳۸۱) .

همچنین «متو جهات» بمعنای‌مجموع همه مالیاتهای دولتی (دیوانی) بکار رفته (همانجا صفحه ۳۸۷). در نامه جامی (شماره) «توجیهات» بمعنای مالیاتهای فوق العاده بکار رفته است .

فقیر (معنی تحت اللفظی آن‌ناد ار ومسکین) . در نامه های جامی این کلمه بمعنای نه تنها نادار وحقیر بلکه همچنین بمعنای درویش (رجوع شود به درویش) استعمال‌شده .

فقرا (جمع فقیر) اهالی مسکون‌و کوچ نشین مالیات دهنده یا مردم بطورکلی یعنی اتباع .(عبدالرحیمف. بررسی مناسبات ارضی، جلد ۲ ، صفحه ۶ اسناد مربوط بتار یخچه ناسبات ارضی صفحات ۲٤٦–۲٤٥ ، توضیح‌شماره ۲۰۰ ،موکمینوا. پیرامون‌تاریخ مناسبات ارضی‌صفحه ۳۲۵ ،توضیح شماره ٦۰)

حوالات سندی است که طبق آن‌حقوق‌وپاداش‌دولتی بماموران کشوری پرداخت میگردد . حواله در خزانه‌داری های محلی نوشته میشده ومبلغ مذکور در آن قسماً باپول وقسماً باغله وغیره پرداخت میگردیده و بحساب مالیا تهای معمولی یا بحساب‌مالیات فوق العاده از دهقانان گرفته میشده. (پترو شفسکی، کشاورزی ،صفحه ۳٤٦ عبدالر حیمف. بررسی مناسبات ارضی، جلد۲، صفحه ۱۳۸).

خانقاه ـ رجوع شودبه «لنگر».

«شیخ الا سلام» ـ رئیس جمعیت‌اسلامی عالیترین مقام روحانی مسلمانان که قاضی کل (قاضی القضات) در موردوارسی و تجدید نظردر حکم باو رجوع میکنند .

شرکا ـ دهقانان سهمیه دار .(پترو شفسکی ، کشاورزی ، صفحه ۳۰۹) .



کتب ونشریات مورداستفاده

عبدالله مروارید. شرفنامه شاهی ـ
عبدالله مروارید. منشآت مروارید.دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۲۸۶/۲. صفحات ب۷۲ـ ب ۱ .

عبدالرزاق سمرقندی .مطلع سعدین ومجمع بحرین تالیف کمال الدین عبد الرزاق ابن اسحق سمرقندی بتصحیح محمد شفیع ، لاهور، ۱۹۳۶.

عبدالرزاق سمر قندی. مطلع سعدین جلد ۲، فصل ۳ـ مطلع سعدین و مجمع بحرین، تالیف مولاناکمال الدین عبدالرزاق سمر قندی، جلد دوم، جز دوم و سوم بتصحیح محمد شفیع،لاهور، ۱۳۱۸ (۱۹۴۹) .

عبدالرحمن جامی. واسطه العقد. دیوان جامی«واسطه العقد».دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۱۱۶ .

عبدالرحمن جامی . کلیات جامی.دستنویس. کلیات جامی ، دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۱۳۳۱ .

عبدالرحمن جامی.منشآت ::منشات ،تالیف عبدالرحمن جامی دستنویس انستیتوی خاورشناسیتاشکند بشماره ۱۳۳۱(صفحات ب ۵۶۵ـآ ۵۳۱).

نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال نو زدهم ، شماره ۱ـ۴ تبریز ،۱۳۴۶ (۱۹۶۷) .

عبدالرحمن جامی. نفحات الانس. نفحات الا نس من حضرات القدس.

تالیف عبـدالرحمن جـامی ، لکنهو ،۱۹۱۲ .
عبدالرحمن جامی . الفوائد الضیائیه الفوائدالضیائیه (شرح‌ملا). تالیف عبدالرحمن جامی دستنویس‌انستیتوی‌خاور شـنـاسـی بشـماره ۸۸۶۲ دستنویس انستـیتوی خاورشنـاسی‌تاشکند بشمـاره ۴۲۷۷.

عبدالرحمن راجع بتحقیق تـاریـخ‌حیات اجتماعی واقتصادی دولت تیمور یان .

عبدالرحیمف م.آ. راجع بتحـقیق‌حیات اجتماعی واقتصادی دولت تیمور یان . در مجموعه از تاریخ رشد اندیشه اجتماعی واقتصادی‌در ازبکستان در قرون ۱۵ و ۱۶ . تاشکـند ، سال۱۹۶۰ ، صفحات ۳۳ ـ ۵ .

عبدالرحیمف . بررسی منـاسبات‌ارضی در دولت خانهای بخارا در قرن ۱۶ نیمه اول قرن ۱۹ ، جلد ۱ .تا شکند ،سال ۱۹۶۶جلـد ۲،تاشکنـد ،سال ۱۹۷۰ .

عبدالرحمن جامی ۱۰ . مـجموعه مقالات.ـ
عصر،زنده‌گی وخلاقیت‌بشهر دوشنبه، سال ۱۹۶۵ .

عبدالرحمن جامی ۲. مواد ویژه‌پنجصدوپنجاهمین سالگردعبدالرحمـن جامی . شهر دوشنبه ، سال ۱۹۷۳ .

علیشیر نوائی. نسـائم‌المحبــه ـنسائم المحبه من‌شمائم‌الفتوه ،تالیف علیشیر نوائی. دستنویس انستیتوی‌خاور شناسی تاشکند ، بشماره ۸۵۷.

آلبوم نوائی. مجموعه مراسلات .مجموعه مراسلات‌دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۲۱۷۸(نسخه اصـل، دستخط مولف) ۴۳۴۵ ۵۱۳۶ (نـسخ عـبدالله عادلـف). بابر نامه .ـ ظـهیر الدین محـمد بابر . بابر نامه (یاد داشتهای بابر).ترجمه م .آ. سالیه .تاشکند ،۱۹۵۸.

براتوا. رشداند یـشه اجتماعی اقتصادی در ازبکستان درسده ۱۵. آتورفه رات رساله نامزدی علـوم .تاشکند ، سال ۱۹۶۸ .

بارتولد. میر علیشیر وحیات سیاسی .ـ باتولد و.و. میر عـلیشیر و حیات سیاسـی مجموعهٔ آثار جلد ۲.مسکو. سال ۱۹۶۴.صفحات۲۶۰ـ۱۹۷ بار تولدالغ بیک‌وزمان‌او بارتولد.و.والغ بیک‌وزمان‌او مجموعه آثار.جلـد ۳بخش ۲مـسکـوسال ۱۹۶۴،صفحات۱۷۷ـ۲۳

بار تولد . تشریفات در بار خانهای ازبك . بارتولد و.و. تشریفات در بار خانهای ازبك درقرن ۱۷ .مجموعه آثار ، جلد ۲، بخش ۲. مسکو. سال ۱۹٦٤ ، صفحات ۳۹۹ـ ۳۸۸ .

بهرامی. راجع بنظرات اجتماعی اقتصادی جامی۔ بهرامی ع . راجع بنظرات اجتماعی ـ اقتصادی جامی ـ درمجموعه : از تاریخ اندیشه اجتماعی ـ اقتصادی در ازبکستان در قرون ۱٦ـ ۱۵ . تاشکند ، سال ۱۹٦۰ ، صفحات ٤۰ـ۳۳ برتلس. نوائی وجامی برتلس. ۱۰. نوائی جامی .آثارمنتخب . مسکو، سال ۱۹٦۵ .

بهروز. موازین ادبی سده ها میانه و ظهور آن در سبك مکاتبه (ازروی نمونهٔ مخزن الانشأ ملاحسین واعظ کاشفی) ـ درمجموعه : ادبیات ملل خاور . مسکو ، سال ۱۹۷۰ ، صفحات ۵۳ ٤۱ .

بولد یرف. علیشیر نوائی در داستا نهای معاصران ـ بولد یرف آ.ن. علیشیر نوائی در داستانهای معاصران۔ در مجموعه علیشیر نوائی. مسکو۔ لنینگراد، سال ۱۹٤٦ . صفحات ۱۵۲ ۱۲۱ .

براگینکی . یادد اشتهائی در موردتحقیق خلاقیت جامی ـ براگینکی ای. س. یاد داشتهای درموردتحقیق خلاقیت جامی .ـ در مجموعه : عبدالرحمن جامی. عصر، حیات وخلاقیت شهردوشنبه ، سال ۱۹٦۵ ، صفحات ٦٦ ـ۵۱ .

داویدویچ .مواد. داویدویچ یه .آ. مواد برای تعیین خصائص اصلاح پولی الغ بك.ـ در مجموعه : از تاریخ عصر الغ بك . تاشکند ،سال ۱۹٦٤ ،صفحات ۲۹۹ـ میر عبدالاول . مسموعات. مسموعات ،تالیف میرعبد الاول نیشاپوری. دستنویس انستیتوی خاورشناسی تاشکند بشماره ۳۷۳۵/۲ .

مالچانف . راجع به خصائص نظام مالیاتی .ـ مالچانف آ.آ. راجع به خصائص نظام مالیاتی در هرات، عصرعلیشیر نوائی .ـ بنیانگذ ار ادبیات ازبکی. مجموعه مقالات پیرامون علیشیرنوائی. تاشکند، سال ۱۹٤۰، صفحات ۱٦۹ـ ۱۵۳ .

معین بن حاجی محمد الفراهی .مجموعه رقعات ومنشآت.ـ معین بن حاجی محمد الفراهی . مجموعه رقعات ومنشآت،جمع آورنده معین مسکین الفراهی دستنویس انستیتوی خاورشناسی تاشکند بشماره ۲۹٦ .

موکمینوا. دررابطه باتاریخ‌مناسبات ارضی .ـ موکمینوا. گ. دررا بطه با مناسبات ارضی در ازبکستان‌قرن ۱٦. با استفاده از مواد «وقف نامه» ، تاشکند، سال ۱۹٦٦ .

محمد حیدر. تاریخ رشیدی.ـ محمدحیدر. تاریخ رشیدی ، تالیف میرزا حیدر دوغلات. دستنویس خاور شنا سی تاشکند بشماره ۱٤۳۰.

نبیف. از تاریخ حیات سیاسی‌ـاقتصادی‌ـ نبیف ر.ن. از تاریخ حیات سیاسی اقتصادی ماورا النهر قرن ۱۵(یادد اشتهائی در باره خواجه احرار) ـ در مجموعهٔ : شاعر بزرگ ازبك .تاشکند ، سال ۱۹٤۸، صفحات ٤۹ـ ۲۵ .

النظامی. مقامات مولوی جامی .ـمقامات مولوی جامی ، تالیف کمال الد ین عبد الواسع النظامی. دستنویس‌انستیتوی خاور شناسی تاشکند . بشماره ۱۳۵٤ .

پترو شفسکی. کشاورزی.ـ پتروشفسکی ای .پ. کشاورزی ومناسبات ارضی در ایران قرون ۱٤ـ۱۳. مسکوـ لنینگراد. سال ۱۹٦۰ .

پترو شفسکی . اسلام در ایران .ـپترو شفسکی ای .پ. اسلام در ایران در قرون ۱۵ ـ ۷. لیننگراد ، سال۱۹٦٦ .

پترو شفکی دررابطه باتاریخ‌مالیات پتروشفکی ای‌ـپ‌ـدر رابطه بامالیات سرانه درایران هنگا م‌سیطره مغول (اصطلاحات کویچور ، سر شمار، سرانه ، جزیه) . درمجموعه : تحقیقات مربوط به تاریخ فرهنگ خاور. مجموعه بافتخار آکادمیسین‌ای ،آ، اور بلی. مسکو ـلیننگراد، سال ۱۹٦۰ ، صفحات ٤۲٦ـ ٤۲۳ .پترو شفسکی .بررسی تاریخ‌منا مناسبات فئودالی .ـپترو شفسکی‌ای.پ. بررسی تاریخ مناسبات فئودالی در آ ذر بایجان وارمنستان در قرون۱٦ـآغاز قرن ۱۰۹ . لیننگراد ،سال ۱۹٤٦ .

پیگولف کایا ... تاریخ ایران‌ـ پیگولف کایا ،ن. یا کو بوفسکی آ. یو. پترو شفسکی ای .پ. استرو یوال .و. به له نیستکی ل. ، م تاریخ

ایران ازدیرترین زمان تا آخرقرن ۱۸. لنینگراد، سال ۱۹۵۸ .
رجبف .عبدالرحمن جامی.ـ رجبفم. عبدالرحمن جامی و فلسفه تاجیکی قرن ۱۵ـ شهر دوشنبه ، سال۱۹۶۸.
رجبف . نظرات فلسفی واجتماعیـسیاسی عبدالرحمن جامی.ـ رجبف م. نظرات فلسفیواجتماعیـ سیاسی عبدالرحمن جامی .ـ درمجموعهٔ: عبدالرحمن جامی .عصر، زندهگی و خلاقیت.شهر دوشنبه ، سال ۱۹۶۵، صفحات ۸۶ ـ ۶۷ .

ریاض الانشأـریاض الانشأدستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۲۸۳.
دستنویس های آثار عبدالرحمنجامی.ـ دستنویسهای آثار عبدالرحمن جامی در مجموعهٔ انستیتوی خاور شناسی تاشکند . تنظیم کنندگان :آ. او اور نبایف .ل.م یپیغانوا تاشکندسال ۱۹۶۵ .
رستمف. شعراز بکی .ـ رستمفار.ر. شعر از بکی درنیمه اول سده۱۵ اسناد سمرقند قرون ۱۶ـ۱۵ .ـ
املاکخواجه احرار درآسیای میانهوافغانستان).فاکسمیل ،متنانتقادی. مسکو سال ۱۹۶۳ .
ترجمه ،مقدمه توضیحات ونشانی او.د. چخویچـ مسکوسال ۱۹۷۴ .
م.د.خ.ـ مجموعه دستنویسها یخاوری فرهنگستان علوم ازبکستان شوروی .جلدهای ۱۰ـ۱ ،تاشکند،سالهای ۱۹۷۵ـ۱۹۵۲ .
سمیونف .رساله بخارا.ـ سمیونفآ.آ. رساله بخارا دربارهمقاماتوعنواـ نهاو وظایفدارندگانآنهادر بخارایقرونوسطی .ـ«خاورشناسی شوروی»جلد ۵ .مسکو لنینگراد،سال۱۹۴۸ ،صفحات۱۵۳ـ۱۳۷ .
سمیونف .مناسبات متقابلعلیشیرنوائی وسلطان حسینمیرزاـ سمیونف آ.آ مناسبات متقابل علیشیر نوائیوسلطان حسین میرزاـ درمجموعه ؛ تحقیقات در بار تاریخملل‌خاور. مجموعهبافتخار آکادمیسین ای .آ.اوربلی . مسکو، لنینگراد ،سال۱۹۶۰ صفحات۲۴۹ـ۲۳۷ .
سمیونف .دودستخط خواجه احرارـسمیونف آ.آ.دودستخط خواجه احرار خطشناس باستانی خاور«، نشریه پنجم(.مسکو ـلنینگراد،سال۱۹۵۱ ،صفحات ۵۷ـ۵۱ .

سمیونف . بررسی نظام .ـ سمیونف آ. آ. بررسی نظام اداره مرکزی حکومت خانها بخارا در آخرین زمانها. «مواد مربوط بتاریخ تاجیکها و ازبکهای آسیای میانه » نشر دوم استالین آباد ، سال ۱۹۵٤.
سلطان حسین میرزا ـ دیوان .ـ دیوان سلطان حسین میرزا بایقرا با نضمام رساله او، به مقابله و تصحیح محمد یعقوب واحدی جوزجانی ، کابل ۱۳٤٦.
اورونبایف . اطلاعات جدید در باره زندگی علی قوشچی .ـ اورونبایف . آ. اطلاعات جدید در باره زندگی علی قوشچی ـ درمجموعه : از تاریخ علوم دقیقه قرون وسطی درخاور نزدیك ومیانه . تاشکند . سال ۱۹۷۲، صفحات ۲٤۷ـ۲٤۲ .

اورنبایف . در باره خروج علی قوشچی ـ اورونبایف آ. در باره زمان خروج علی قوشچی از آسیای میانه ـ مجله «علوم اجتماعی دراز بکستان» سال ۱۹۷۱ . شماره ۹، صفحات ٥٦ـ٥١ .

فصیح خوافی . مجمل .ـ فصیح احمد بن جلال الدین محمد الخوافی . مجمل فصیحی ترجمه ، مقدمه ، توضیحات و نشانی ها از د. یو. یوسوپوا. تاشکند سال ۱۹۸۰ .

فخرالدین علی. رشحات. رشحات عین الحیات، مصنفه فخرالدین علی بن حسین الواعظ الکشاشفی المشتهر بالصفی مطبعه نول کشور، کانپور ۱۹۱۱ .

حافظ ابرو جغرافیای حافظ ابرو ـ جغرافیای حافظ ابرو، قسمت ربع خراسان هرات به کوشش مایل هروی، تهران ، ۱۳٤۹ .
حکمت . جامی ـ جامی تالیف علی اصغر حکمت ، تهران، سال ۱۳۲۰
خواجه سمندر ترمذی. دستور الملوك. خواجه سمندر ترمذی . دستور الملوك ، فاکسمیل قدیمی ترین دستنویس. ترجمه از فارسی، مقدمه ، توضیحات و نشانی هااز م.آ. صلاح الدینوا. مسکو سال ۱۹۷۱ .

خواندمیر . نامه نامی ـ نامه نامی ، تالیف غیاث الدین بن همام الدین الحسینی المدعو به خواند میر . دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۲۸٤/۱ .

خواندمیر . حبیب السیر، ـ تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تالیف غیاث الدین بن همام الدین الحسنی المدعو به خواندمیر ، بهمت محمد علی ترقی ، جلد چهارم ، تهران، سال ۱۳۳۲ شمسی (۱۹٥٥ میلادی).
حسین واعظ کاشفی . مخزن الانشأ ـ بهروز م.خ. حسین واعظ کاشفی و

آثار سبك مكاتبه ای او (قرون ۱۵ـ۱٤). اوتورفه رات رساله نامزدی علوم مسکو، سال ۱۹۷۰ .

شاه محمدف.راجع بمساله رشداندیشه های انساند و ستانه .ـ شاه محمدف ش.م. راجع بمساله رشداندیشه های انساند و ستانه در خلاقیت کلاسیك های شعر فارسی ـ تاجیکی اوتورفه رات رساله دکتری. تاشکند، سال ۱۹٦۹

شرف الدین علی یزدی. ظفرنامه .ـ ظفرنامه ، تالیف شرف الدین علی یزدی دستنویس انستیتوی خاورشناسی تاشکندبشماره ٤٤٧۲ شریف خان مخدوم. کاتا لوگ دستنویسها.ـ شریف جان مخدوم . کاتالوگ دستنویسها ی مجموعه شریف جان‌مخدوم دستنویس انستیتوی خاور شناسی تاشکند بشماره ۲٤٦۰ .

چخویچ. اسناد بخارا.ـ چخویچ او.د. اسناد بخارا قرن ۱٤، تاشکند ، سال ۱۹٦٥ .

چخویچ .مقدمه برچاپ اسناد سمرقند سده های ۱٦ـ۱٥.ـ اسناد سمر قند سده های ۱٦ـ۱٥ (در باره املاك‌خواجه احرار در آسیای میانه و افغا نستان) . فاکسمیل ،متن‌انتقادی ،ترجمه ،مقدمه ، توضیحات و نشانی هاازاو.د. چخو یچ . مسکو، سال ۱۹۷۳ .

یا کوبفسکی. خصائص حیات اجتماعی‌و فرهنگی.ـ باکوبفسکی آ .یو. خصا نص‌حیات اجتماعی وفرهنگی عصرعلیشیر نوائی.ـ درمجموعه : علیشیر نوائی. . مسکوـ لیننگراد سال۱۹٤٦

عبدالرزاق سمر قندی. مطلع‌سعدین‌و مجمع‌البحرین .ترجمه ا ز فارسی بازبکی ، مقدمه و توضیح لغات .آ. اورنبایف. تاشکند ، ۱۹٦۹ .

علیشیر نوائی ، مجالس النفائس‌متن تنقیدی، تهیه کننده سویمه غنیوا داکتور مسوول ،واحد زاهدف.. تاشکند، سال ۱۹٦۱ .

علیشیر نوائی . منشآت.ـعلیشیرنوائی . آثار در ۱٥ جلد ، جلد ۱۳: محبوب القلوب منشآت. وقفیه. تهیه‌کننده برای انتشار، پارسا شمسیف. داکتور سویمه غنیوا تاشکند ،سال ۱۹٦٦، صفحات ب ۱٥٦ـ۸٥ .

علیشیر نوائی .خمسته المتحیرین‌ـعلیشیر نوائی . خمسته المتحیرین

علیشیر نوائی . گرد آورنده. وآماده‌کننده برای انتشار پارسا شمسیف، داکتور مسوول سویمه غنیوا تـاشکـنـد، سـال ۱۹۶۶ صـفحـات ب ۷۷-۱۹.

براتوا. در باره یك اثر قرن ۱۵:«مجبوعـه مراسلات». براتـو .م. در باره‌یك‌اثرقرن ۱۵:«مجموعه مراسلات»

عزت‌سلطان. دفترقلب نوائی. تاشکند عزت سلطان. دفتر قلب نوائی.- . سال ۱۹۲۹ .

مالایف. تاریخ ادبیات ازبکی ، کتاب اول .- مالایف ن.م. تاریخ ادبیات ازبکی کتاب اول. (قرن۱۷). تاشکندسال ۱۹۷۶ .

سلیمانف . یك اثر علیشیر نوائی‌که بتازگی یافت شده.- حمید سلیمان یك اثر علیشیر نوائی که بتازگی‌یـافـت‌شـده سته‌ضروریه و یـادر بـاره دستـخـط او مـیـراث ادبـی(اسناد وتدقیقات) ۱۰. تاشکند ،سال ۱۹۶۸ .

خواندمیر(غیاث‌الدین بن‌همام الدین).مکارم الاخلاق. ترجمه از فارسی باز- بکی توسـط پـار ساشمـسییف ، داکتور مسـوول ای. او. سلـطانف. تا شکند . سال ۱۹۶۷ .

تاریخ ادبیات ازبکی.- تاریخ ادـبیات ازبکی ،در ۵جلد ۲. تاشـکند، سال ۱۹۷۷ .

«گلستان» ، سال ۱۹۷۱، صفحات‌شماره ۱۲ ،ب ۲۹-۲۸ .

ارکینف. لطفی .- صادرار کینف.لطفی ، مقدمه برمجموعه اشعار لطفی . تاشکند سال ۱۹۵۸ .

غنیوا. یك سندمربوط بشرح حال‌نوائی .- سویمه غنیوا یك سـنـد مربوط بشرح حال نوائی. «زبان وادبیات ازبکی» - شماره ۱، سال ۱۹۸۱ . صفحات ب ۱۳- ۹ .

حکیم جانف یو. آلـبوم نوائـی .-

«ازبکستان مدنیتی» ۲۲۶ آوریل ، سال۱۹۶۸حمید سلیمان‌درره منابع آثا ر نوائی‌و نشراین اثرحمید سلیمان درباره‌منابع آثار نوائی‌و نشراین آثار

داویدویچ. مودا جدید تخقیقی مسکوکات . داویدویچ یه .آ. مواد جدید تحقیق مسکوکات برای‌تعیین خصائص‌مناسبات کالائی ـپولی درمنطقه جنوب تاجیکستان درقرن ۱۵.ـ درمجموعه : عبدالرحمن جامی، شهر دو شنبه، سال ۱۹٦٥. صفحا ٥٠ـ١٣.

اسناد مربوط بتاریخ مناسبات ارضی.ـ اسناد مربوط بتاریخ مناسبات ارضی درحکومت خانهای بخارا،انتشاراول. اسناد مالکیت خصوصی برزمین ، قرون۱۹ـ۱۷. انتخاب‌اسناد، ترجمه، مقدمه و توضیح از ا.د. چخویچ . تاشکند سال ۱۹٥٤ .

تاریخ هند.ـ تاریخ هند در سده‌های میانه. مسکو بسال ۱۹٦۸ .

تاریخ ملتهای از بکستان.ـ تاریخ‌ملتهای از بکستان، جلد ۱از دیرین ترین زمان تا آغاز قرن ۱۲. تاشکند، سال ۱۹٥۰.

تاریخ جمهوری شوروی ازبکستان.ـ تاریخ جمهوری شوروی ازبکستان در چهار جلد، جلد ۱. از دیرین ترین‌زمان تانیمه قرن ۱۹. تاشکند، سال ۱۹٦۷ .

اسفزاری ،روضات الجنات.ـ روضات‌الجنات فی اوصاف مدینه هرات ، تالیف معین الدین محمد الزمجی الاسفزاری باتصحیح سیدمحمد کاظم (، بخش یکم، تهرای ۱۳۳۸، بخش‌دوم تهران، ۱۳۳۹ .

قاسم بن یوسف ابونصر هروی .. طریق قسمت آب قلب.ـ رساله طریق قسمتآب قلب از قاسم بن یو سف ابو نصر هروی ، بامقدمه و تحشیه وتصحیح وتعلیق مایل‌هروی‌تهران ، ۱۳٤۷.

قلی زاده ،جهان بینی قاسم‌انوار قلی زاده .جهان بینی قاسم انوار ار. باکو، سال ۱۹۷٦ .

کلیات جامی.ـ رجوع شودبه :.عبدالرحمن جامی .کلیات جامی . مجمو عه مراسلات رجوع شودبه: آلبومنوائی .

مکتوبات تیموریه ـ مکتوبات تیموریه دستنویس انستیتوی خاور شنا سی تاشکند به شماره ۲۲۸۷ .

ماسون. در باره نقشه برداری تاریخی هرات.ـ ماسون م.یه. در باره نقشه برداری تاریخی هرات قرن ۱۵ـ در مجموعه: شاعر بزرگ ازبك . تاشکند، سال ۱۹٤۸ . صفحات ١٤٤ـ ١٢٠ .

محمودف. کشاورزی.ـ محمودف‌ن.کشاورزی ومناسبات ارضی ونظام مالیاتی تیموریان. «اخبار شعبه علوم‌اجتماعی فرهنگستان علوم جمهوری تا جیکستان شوروی» ، ۱ (۳۲) ، سال۱۹٦۳، صفحات ۳۳ـ ۲۱ .

.علیشیر نوائی .آثاردرقرن ۱۵ جلـد.تاشکند سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۶۳.جلد ۱صـــفـــحـــات ب ۵۶-۲۷

همرایف . یك کتابخانه ... شـخصـی وکـــا تـــو لـــو کآ ن

هـــمـــرا یـــف یك‌کـتـا بـخـانـه‌کـــا تـــبـو لـــو کآن .ـ در درمجموعه شخصی کارهاواطلاعیه علمی.کتاب ٦تاشکند. سال ۱۹۶۳، صفحات ۳۹۵ ـ۳۸۷ .

حامدی .نوائی و جامی. درمجموعه : ار مغان نوائی . تاشکند ، ۱۹۶۸ .

افـصح زاد.ـ عبدالر حمن جامـی‌اعلی خان افصح زاد. عبدالرحمن جا می . شهر دوشنبه .سال ۱۹۷۸ .

افصح‌زاد. عبدالرحمن جامی.ـاعلی‌خان افصح زاد، روز گار و آثار عبد الرحمن جامی ، شهر دوشنبه . سال۱۹۸۰

میرزایف. علیشیر نوائی وعبدالرحمن جامی .ـ مـیرزایف عبـدالغنی . علیشیر نوائی و عبدالرحمن جامی .روابطادبی. شهـر دوشنـبه ، سال ۱۹۶۸ .

ع. اورونبایف .ل. یپی فانوا(مترجم گهر سنج). مکاتیب مولانا جامی ، «آریانا» مجله سه ماهه تاریخی ،ادبی‌وفلسفی انجمن تاریخ افغانستان سال ۳۳، شماره مسلسل ۳۱٤، میزان ـقوس ۱۳۵٤ ،ص. ۹٦-۹۱.



اسماء

حرف الف

اسماء واعلام متن نامه ها

حرف ب

جایها

کتابها

لغات و اصطلاحات

اتفاق نامه

اجارت ۱۰۳

احتساب

ارباب یقین

اردوی همایون ٦١

ارکان دولت

اوقاف اشرفی ـ ٧٦

الاغان

املاك خالصه

امور دیوامور دیوانی

برات وجه ـ ١٤٢

بارگاه دولت

بخشیان

پروانه ـ ٦٥

برات

تفرقه ـ ١٤٨

تمنا

جریمه ـ ٧٥

جفت گاو زمین ـ ٧١

جنس

حجت ـ حرالاصل ،حواله

خلافت خالصه ـ١٠٩

خط آزادی

خلافت پناهی ـ ١٣٧

تولیت شیخی ـ ١٤١

دارالقضا

دفتر دار ـ ٧٥

دستور

دینار

دینار کپکی ـ ٦٥

دلال ـ ٧٥

دودی

دیوان

دیوان اعلی ـ١٣٩

رسم الصداره ـ١١١

رسم پیشکش ـ ١٤٤

رعیت

رقعه نیاز ـ ١٤٤

رکابدار

زمین خالصه

سرانه (مالیه) ١٣٠

سمرقندی گری ـ٩٥

سیور غال ـ٦٢





یادآوری

قرار بود صحتنامه یی در پایان این کتاب آورده شود ، اما نظربه معاذیری این امر بـه فرجام نیامد . امید است خواننده‌گان ما را معذور پندارند .

Abdur-Rahman Jami's

Autograph Letters

from

The Murraqqa of Mir

Ali Sher Nawayi

Edited by: A. Urunbaev

Collabaration and Introd-

uction

By: Mayel Herawi



متصدی چاپ : ننگیالی بخرگی